

دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام

کمیسیون مشترک

فصلنامه سیاست کلان

سال پنجم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۵

«ویژه انتخابات»

□ مطالب مندرج در فصلنامه بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان بوده و به معنی تأیید همه یا بخشی از آن نیست.

□ نقل قول مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

□ فصلنامه در پذیرش، رد یا ویرایش مقالات آزاد است.

نشانی: تهران، میدان پاستور، خیابان پاستور، ساختمان قدیم مجلس

تماس با ما: ۶۶۴۶۸۱۳۶ نمابر: ۶۶۹۷۷۲۰۱



صاحب امتیاز: دبیرخانه مجمع

تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول: علی احمدی

سرمدبیر: نوراله قیصری

مدیر داخلی: محمد دوست قرین

ویراستار: محمد دوست قرین

صفحه آرا: محمد دوست قرین

امور اجرایی:

علی فرجی، جلال مشهدی،

حمید کرمی، نوراله علیزاده

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
ابلاغ سیاست های کلی انتخابات توسط مقام معظم رهبری.....	۱۱

ضرورت سیاست گذاری و مطالبات مقام معظم رهبری

بایسته های اساسی گفتمان انتخابات از منظر مقام معظم رهبری / محمد زارع.....	۱۷
بررسی چالش ها و آسیب های انتخابات از منظر مقام معظم رهبری / حسن وزینی.....	۳۹

تحلیل وضعیت، آسیب شناسی و موانع

بررسی تطبیقی هزینه های انتخاباتی احزاب و اشخاص / مرتضی نجابت خواه.....	۶۱
تحلیل وضعیت موجود انتخابات در جمهوری اسلامی ایران / کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی.....	۸۳
مدیریت اجرایی انتخابات در کشورهای آمریکا، کانادا و فرانسه / مهدی باقری فارسانی و دانیال طاهری فدافن.....	۱۱۱
نتایج مطالعات تطبیقی در زمینه تجربیات انتخابات در جهان / کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی.....	۱۳۱
حوزه بندی انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران / علی احمدی.....	۱۶۳

سیاست های پیشنهادی، ارزیابی و نقد

سیاست های کلی انتخابات؛ رفع معضل یا چارچوبی برای نظام جامع انتخاباتی / مسعود جعفرنژاد و صالح اسکندری.....	۱۹۹
مراحل و فرآیند تدوین سیاست های کلی انتخابات در جمهوری اسلامی ایران / کمیسیون مشترک.....	۲۱۹

گزارش و نقد کتاب

احزاب و انتخابات.....	۲۵۱
-----------------------	-----

مقدمه

اندیشه مردم سالاری و حق مشارکت همه افراد در اداره امور کشور، دغدغه دیرینه‌ای است که قدمت آن در ایران حداقل به بیش از یکصد سال قبل بر می‌گردد و به روشنی در اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انعکاس یافته است: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود از راه انتخابات. انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.» بنابراین، اراده‌ی مردم باید مبنای اقتدار حکومت باشد. هرچند این نکته که انتخابات باید تجلی اراده مردم باشد، می‌تواند معیاری مؤثر تلقی شود، لیکن روش‌ها و شیوه‌هایی که براساس آنها پیشرفت به سوی این معیار سنجیده می‌شود، متغیرند.

به هر حال، انطباق قوانین انتخابات با معیارهای قانون اساسی و شاخص‌های پذیرفته شده در دنیا نکته محوری در انتخابات است. نارسایی‌های قانون و دستگاه اجرایی، ضعف آموزش در بین کارگزاران انتخابات، نارسایی در سازوکار و قوانین نظارتی مدون، فقدان ضوابط برای تبلیغات انتخابات، فقدان مکانیزم‌های کنترل هزینه‌های انتخاباتی و مهمتر از همه، نارسایی مکانیزم تفسیر رأی مردم به کرسی‌های مجلس (نظام انتخاباتی) از جمله چالش‌ها و نارسایی‌های انتخابات در ایران است که همچنان از گذشته باقی مانده است.

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و شوراها به صورت چهارساله سامان یافت و حقوق رأی دهندگان توسعه پیدا کرد. با این حال در سه دهه گذشته، چالش‌ها و اعتراضات انتخاباتی به مسئله دستکاری قانون انتخابات دامن زد. برخی ایرادات مانند اصلاح قوانین انتخابات، تنها به جرح و تعدیل حد نصاب اثربخش انتخابات، گسترش اندازه مجلس و کاهش یا افزایش سن رأی دهنده محدود شد.

با این وجود، در طول دهه ۱۳۷۰ مشاجره و مجادله بر سر انتخابات و نظام انتخاباتی، از حاشیه به متن دستور کار سیاسی گروه‌ها و فعالان سیاسی حرکت کرد. چنین حرکتی، این آگاهی روز افزون را ایجاد کرد که قوانین انتخاباتی خنثی و بی‌اثر نیستند؛ آنها روش‌هایی

برای تفسیر و تبدیل آراء به کرسی های مجلس به شمار می آیند. مشاجره و مجادله بر سر سلامت انتخابات، نظام انتخاباتی را نیز در بر می گیرد. آیا کشور لازم است از نظام های اکثریتی بهره بگیرد (همانند آنچه تاکنون بوده است) که بر اثر بخشی و پاسخگویی دولت تأکید دارد؟ یا از نظام تناسبی استفاده کند که عدالت بیشتر در رابطه با احزاب اقلیت و تنوع بیشتر در نمایندگی اجتماعی را ترویج می کند؟

اصلاح نظام اصلی و ابتدایی انتخاباتی (یعنی نحوه تفسیر و تبدیل آراء به کرسی مجلس) تقریباً به ندرت انجام پذیرفته است. مهمترین مورد استثنای این قاعده، تلاشی است که به صورت نوسانی بین نظام انتخاباتی اکثریتی نسبی و اکثریت مطلق (نصف به علاوه یک) انجام شده است.

این ایستایی، حکایت از آن دارد که نظام و سیستم انتخاباتی ایران فی نفسه محافظه کار است. لذا سازمان انتخابات پتانسیل آن را دارد تا به دنبال تجربه ها و شوک های وارده به محیط اجتماعی پس از هر انتخابات، نوعی تغییر بنیادی را تجربه کند.

بر این مبنا، بررسی سیاست های کلی نظام در مورد انتخابات از سال ۱۳۸۱ در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت. پس از بررسی های کارشناسی در دبیرخانه مجمع، سیاست های پیشنهادی در ۱۴ بند توسط کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی مجمع در سال ۱۳۸۵ ارائه و در دستور کار شورای مجمع قرار گرفت. یک سال بعد وزیر کشور وقت، در نامه ای خطاب به مقام معظم رهبری، ضمن ذکر برخی چالش ها و معضلات قانون انتخابات، از جمله: تغییرات پی در پی و تفاسیر متفاوت از قانون، ساماندهی و وحدت رویه در فرایند نظارت و اجرا در همه انتخابات، تعیین حدود قانونی نظارت و ممانعت از اعمال تفاسیر متفاوت و متغیر، اخذ تصمیم مقتضی در استفاده از فن آوری های جدید در انتخابات، ساماندهی و ثبات در فرایند احراز صلاحیت نامزدها، ساماندهی به فرایند تبلیغات انتخاباتی، از مقام معظم رهبری درخواست می نماید موضوع انتخابات به عنوان یک معضل مورد بررسی قرار گیرد.

مقام معظم رهبری در پاسخ به این نامه، مرقوم داشتند: «پیشنهاد آقای پورمحمدی ایده ای است که لازم است در صحن اصلی مجمع تشخیص مصلحت نظام با حضور خود ایشان مورد بحث و بررسی قرار گیرد و پس از آن، مجمع نظر مشورتی خودش را نسبت به این ایده و پیشنهاد ذیل آن به اینجانب ارائه کند؛ تا تصمیم مقتضی گرفته شود».

مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی محورهایی از جمله: ضرورت بازنگری در قوانین

۱- به نقل از گزارش روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام (۸۸/۱۲/۰۱)

ضمن حفظ ثبات نسبی آنها همچون مقوله سن رأی دهندگان و تبلیغات کاندیداها، تعیین زمان ثابت جهت انجام انتخابات و رفع تنگناهای قانونی آن، ساماندهی و وحدت رویه در فرایند نظارت و اجرا در همه انتخابات، تعیین حدود قانونی نظارت و ممانعت از اعمال تفاسیر متفاوت و متغیر، اخذ تصمیم مقتضی در استفاده از فن آوری های جدید در انتخابات، ساماندهی و ثبات در فرایند احراز صلاحیت نامزدها، تدوین یا اصلاح قانون در زمینه مولفه های مهم در فرایند انتخابات (نظام انتخابات، جایگاه احزاب در انتخابات، تبلیغات، رسیدگی به شکایات، انصراف کاندیداها)، را تصویب و به استحضار رهبری رساند و درخواست شد که:

الف: موضوع انتخابات به صورت یک معضل مورد بررسی قرار گیرد،

ب: کمیته ای مستقل به بررسی این موضوع بپردازد.

در پاسخ مقام معظم رهبری اظهار داشتند: « به نظر می رسد در صورتی که سیاست های کلی درباره انتخابات مشخص و در آن از نواقص کنونی پیشگیری شود، معضلی باقی نخواهد ماند. پس اولی آن است که فرایند تنظیم سیاست های کلی در آن مجمع محترم آغاز گردد! ». علاوه بر این، یکی از ماموریت های ششمین دوره مجمع تشخیص مصلحت نظام، که در پیوست حکم انتصاب اعضای جدید در اسفند ۱۳۹۰ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده، تعیین سیاست های کلی نظام در حوزه انتخابات بود.

با توجه به تجربه بیش از سه دهه ی گذشته در برگزاری انتخابات، سیاست های کلی انتخابات می بایست، پرسش ها، آسیب ها و چالش های زیر را که مورد شناسایی قرار گرفته است پاسخ دهد.

- مهمترین معضلات ناشی از فقدان ثبات در انتخابات در کشور کدام است؟

- چگونه می توان ثبات نسبی در انتخابات ایجاد کرد؟

- کشورهایی که انتخابات متنوع دارند چگونه ثبات نسبی در انتخابات ایجاد کرده اند؟

- نظام مطلوب انتخابات کشور چه باید باشد؟

- عوارض و آسیب های ناشی از فقدان ثبات در قوانین کشور کدام است؟

- چگونه و با چه روش هایی می توان در قوانین انتخاباتی نوعی ثبات نسبی ایجاد کرد؟

- چگونه و با چه روش هایی می توان نظارت مورد نظر در قانون اساسی را به نحو مطلوب اعمال کرد؟

- در چه مواردی نظارت منجر به دخالت در امور اجرایی و یا دیگر موارد گردیده است؟

- چگونه و با چه روش هایی می توان استمرار نظارت بر صلاحیت کاندیداها و ... را در طول

دوران نمایندگی اعمال کرد؟

- مرجع مسئول اجرای انتخابات در کشور کیست؟
- مشکلات مربوط به تضمین سلامت انتخابات چیست؟
- تاسیس کمیسیون انتخابات، با چه ترکیبی به چه میزان در کاهش معضلات انتخابات می تواند موثر باشد؟
- چه آسیب هایی از تداخل وظایف مقامات ناظر و مجری در فرایند انتخابات بوجود می آید؟
- تبلیغات انتخاباتی مطلوب در نظام جمهوری اسلامی چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟
- چگونه می توان از مداخله نهادهای حکومتی و صرف منابع عمومی و همچنین از اسراف و الگوهای منحرف تبلیغی در انتخابات جلوگیری کرد؟
- چگونه می توان نقش و کارکرد مثبت احزاب و تشکل های سیاسی را در جلب و هدفمند کردن مشارکت مردم در انتخابات تقویت و تثبیت نمود؟
- مهمترین آسیب ها و معضلات روش کنونی انتخابات چیست؟
- آیا می توان از تجربه اجرای انتخابات در دیگر کشورها در برگزاری انتخابات کشور بهره برد؟

- چگونه می توان از فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در فرایند انتخابات از نام نویسی تا اعلام نتایج استفاده کرد؟

- شرایط سنی مطلوب کاندیداها برای هر یک از انتخابات های کشور کدام است؟
- معضلات کنونی در حوزه تایید صلاحیت های کاندیداها کدام است؟
- ضوابط و معیارهای سنجش صلاحیت ها کاندیداها چه باید باشد؟
- چگونه می توان از تخلفات احتمالی در انتخابات جلوگیری کرد؟
- قوانین و سازوکارهای موجود در جلوگیری از تخلفات چه کاستی هایی دارد؟
- سیاست های کلی انتخابات می بایست ضمن پاسخ به این سوالات برپایه محورهای زیر تنظیم گردد:

- تأمین کننده مشارکت گسترده مردم در انتخابات و تأمین ایفای نقش آگاهانه مردم در اداره امور کشور باشد. انتخاباتی همراه با سلامت، امنیت و انتخاب داوطلبانی در تراز شایسته جمهوری اسلامی ایران و دارای ویژگی های متناسب با جایگاه های مربوطه را فراهم نماید،
- برگرفته از معیارها و سازوکارهای قانون اساسی از جمله در زمینه مسئولیت اجرای انتخابات و نظارت بر آن.
- استحکام ثبات و دوام قوانین و مقررات با رویکرد تسهیل حضور مردم.

- تأمین حقوق برابر مردم در انتخابات.
 - شفافیت منابع و هزینه های داوطلبان و احزاب و تشکل های سیاسی.
 - زمینه سازی حضور و رقابت سالم شایسته ها.
 - کوتاه کردن دست کانون های قدرت و ثروت و دفع آسیب های دشمنان.
- برپایه این معیارها به عنوان ایده اولیه کمیسیون مشترک، سیاست های کلی انتخابات را در دستور کار خود قرار داد. برخی اسناد پشتیبان و سیر بررسی این سیاست ها در چهار فصل (ضرورت سیاست گذاری و مطالبات مقام معظم رهبری - تحلیل وضعیت، آسیب شناسی و موانع - سیاست های پیشنهادی و نقد آن - گزارش و نقد کتاب) تقدیم می گردد.

علی احمدی

مهرماه ۱۳۹۵

سیاست‌های کلی انتخابات

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاست‌های کلی «انتخابات» را که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، در مورخه ۹۵/۷/۲۴ ابلاغ کردند.

متن سیاست‌های کلی انتخابات که به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شده، به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

- ۱- تعیین حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی بر مبنای جمعیت و مقتضیات اجتناب‌ناپذیر به گونه‌ای که حداکثر عدالت انتخاباتی و همچنین شناخت مردم از نامزدها فراهم گردد.
- ۲- برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی به صورت دو مرحله‌ای در صورت عدم کسب نصاب قانونی در مرحله اول.
- ۳- بهره‌مندی داوطلبان در تبلیغات انتخاباتی با تقسیم برابر متناسب با امکانات در هر انتخابات حسب مورد از صدا و سیما و فضای مجازی و دیگر رسانه‌ها و امکانات دولتی و عمومی کشور.
- ۴- تعیین حدود و نوع هزینه‌ها و منابع مجاز و غیرمجاز انتخاباتی، شفاف‌سازی منابع و هزینه‌های انتخاباتی داوطلبان و تشکل‌های سیاسی و اعلام به مراجع ذیصلاح و اعمال نظارت دقیق بر آن و تعیین شیوه و چگونگی برخورد با تخلفات مالی.

۵- ممنوعیت هرگونه تخریب، تهدید، تطمیع، فریب و وعده‌های خارج از اختیارات قانونی و هرگونه اقدام مغایر امنیت ملی نظیر تفرقه قومی و مذهبی در تبلیغات انتخاباتی.

۶- ممنوعیت استفاده از حمایت و امکانات بیگانگان اعم از مالی و تبلیغاتی توسط نامزدها و احزاب و برخورد به موقع دستگاه‌های ذی‌ربط.

۷- پیشگیری از جرایم و تخلفات انتخاباتی و هرگونه اقدام مغایر قانون، منافع ملی، وحدت ملی و امنیت ملی و رسیدگی سریع و خارج از نوبت حسب مورد به آنها به‌ویژه جرایم امنیتی، مالی و تبلیغاتی و اقدامات تخریبی ضد داوطلبان.

۸- ارتقاء سطح شناخت و آگاهی و آموزش‌های عمومی و ترویج هنجارهای انتخاباتی و نهادینه کردن آن در فرهنگ عمومی و تعیین قواعد و ضوابط رقابت سیاسی سالم به منظور افزایش مشارکت و حضور آگاهانه و با نشاط مردم و کمک به انتخاب اصلح.

۹- تعیین چارچوب‌ها و قواعد لازم برای فعالیت قانونمند و مسئولانه احزاب و تشکل‌های سیاسی و اشخاص حقیقی در عرصه انتخابات مبتنی بر اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران به نحوی که رقابت‌های انتخاباتی منجر به افزایش مشارکت آگاهانه، اعتماد، ثبات و اقتدار نظام شود.

۱۰- ارتقاء شایسته‌گزینی -همراه با زمینه‌سازی مناسب- در انتخاب داوطلبان تراز شایسته جمهوری اسلامی ایران و دارای ویژگی‌هایی متناسب با جایگاه مربوط از طریق:

۱۰-۱- تعیین دقیق معیارها و شاخص‌ها و شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبان در چارچوب قانون اساسی با تأکید بر کارآمدی علمی، جسمی و شایستگی متناسب با مسؤولیت‌های مربوط و تعهد به اسلام، انقلاب و نظام اسلامی و قانون اساسی به‌ویژه التزام به ولایت فقیه و سلامت اخلاقی - اقتصادی.

۱۰-۲- شناسایی اولیه توانایی و شایستگی داوطلبان در مرحله ثبت‌نام به شیوه‌های مناسب قانونی و متناسب با هر انتخابات.

۱۰-۳- بررسی دقیق و احراز شرایط لازم برای صلاحیت نامزدها با پیش‌بینی زمان کافی در چارچوب قانون هر انتخابات از طریق استعلام از مراجع ذی‌صلاح و پاسخگویی مسئولانه و

به موقع آنها.

۱۰-۴- اتخاذ ترتیبات لازم برای به حداقل رساندن ممنوعیت حضور داوطلبان شاغل.

۱۰-۵- تعریف و اعلام معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان.

۱۱- نظارت شورای نگهبان بر فرایندها، ابعاد و مراحل انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری از جمله تأیید نهایی صلاحیت داوطلبان، رسیدگی به شکایات و تأیید یا ابطال انتخابات به منظور تأمین سلامت انتخابات، جلب مشارکت حداکثری و تأمین حقوق داوطلبان و رأی‌دهندگان با:

۱۱-۱- تعیین سازوکارهای شفاف، زمان‌بندی‌شده و اطمینان‌بخش و فراهم کردن حضور داوطلبان یا نمایندگان آنها در تمام مراحل.

۱۱-۲- پاسخگویی مکتوب در خصوص دلایل ابطال انتخابات و رد صلاحیت داوطلبان در صورت درخواست آنان.

۱۲- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در جهت حداکثرسازی شفافیت، سرعت و سلامت در اخذ و شمارش آراء و اعلام نتایج.

۱۳- تعیین سازوکار لازم برای حسن اجرای وظایف نمایندگی، رعایت قسم‌نامه، جلوگیری از سوءاستفاده مالی، اقتصادی و اخلاقی و انجام اقدامات لازم در صورت زوال یا کشف فقدان شرایط نمایندگی مجلس در متخبان.

۱۴- ثبات نسبی قوانین انتخابات در چارچوب سیاست‌های کلی و تغییر ندادن آن برای مدت معتدبه، مگر به ضرورت و با تصویب تغییرات با رأی حداقل دوسوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی.

۱۵- پاسداری از آزادی و سلامت انتخابات و حق انتخاب آزادانه افراد و صیانت از آراء مردم به‌عنوان حق‌الناس در قانون‌گذاری، نظارت و اجرا و نیز رعایت کامل بی‌طرفی از سوی مجریان و ناظران و برخورد مؤثر با خاطیان.

۱۶- ممنوعیت ورود نیروهای مسلح، قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های تابعه آنها، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی در دسته‌بندی‌های سیاسی و جناحی انتخاباتی و جانبداری از داوطلبان.

۱۷- اجرای انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و شوراهای اسلامی شهر و روستا توسط وزارت کشور و زیرنظر هیأت اجرایی مرکزی انتخابات به ریاست وزیر کشور، که ترکیب این هیأت و وظایف آن و همچنین ترکیب و وظایف هیأت‌های اجرایی استانی و شهرستانی را قانون مشخص می‌کند.

۱۸- تنظیم تاریخ و همزمانی برگزاری انتخابات‌های عمومی به گونه‌ای که فاصله برگزاری آنها حدود دو سال باشد و مراحل و سازوکار اجرایی آن تا حد امکان یکسان و متحد صورت پذیرد.

بخش اول: ضرورت سیاست گذاری و مطالبات مقام معظم رهبری

مقالات:

- ۱- بایسته های اساسی گفتمان انتخابات از منظر مقام معظم رهبری،
- ۲- بررسی چالش ها و آسیب های انتخابات از منظر مقام معظم رهبری.

بایسته های اساسی گفتمان انتخابات از منظر مقام معظم رهبری

محمد زارع^۱

چکیده

مشارکت مردم در اداره امور کشور، از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی است. بی شک انتخابات و مراجعه به آراء مردم، یکی از مهم ترین پایه های تحکیم و ارتقاء اقتدار و عزت ملی بوده و می تواند به مثابه راهبردی اصولی، به منظور تحقق آرمان های انقلاب اسلامی و سیر تکامل آن از انقلاب اسلامی به نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت امت اسلامی باشد. این نوشته تبیینی از مختصات انتخابات مطلوب در نظام جمهوری اسلامی بر گرفته از دیدگاه های مقام معظم رهبری است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، انتخابات، مشارکت مردم.

مقدمه

۱- کارشناس ارشد روابط بین الملل.

نظام جمهوری اسلامی ایران برآمده از انقلاب شکوهمند اسلامی سال ۵۷، با رهبری حضرت امام خمینی(ره) که الگویی جدید را مبتنی بر آرمان‌ها و اندیشه‌های اسلامی، پیش روی ملت ایران و امت اسلامی گشود، در سیر تکاملی خود، اکنون وارد چهارمین دهه گشته است. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از شگرف‌ترین جنبش‌های عصر جدید، اولین نظام مردم‌سالار دینی را در عصر حاکمیت استبداد و به قهقرا رفتن معنویت و ارزش‌های الهی را بر ملت‌ها پدیدار ساخت. در مسیر آرمان اصلی این نهضت که همانا ساختن «جامعه و حکومت» الگو بود، رهبران انقلاب از نخستین سال‌های تاسیس نظام، به نهادینه نمودن ارزش‌ها و اصول مردم‌سالاری همت گماردند که انتخابات در راس این ارزش‌ها و اصول قرار داشته است. می‌توان صندوق‌های رای را بعد از سقوط نمادهای استبداد، به عنوان اولین ارمغان خجسته نهضتی به شمار آورد که رایحه آزادی را به فضای اجتماعی ایران ارزانی داشت.

با عنایت به آرمان‌های اساسی انقلاب، رهنمودها و رویکردهای بنیان‌گذار انقلاب در برهه تاسیس و شکل‌گیری، نظام جدید، در جهتی پیش رفت که همه ارکان تصمیم‌ساز حکومت، بر رای و انتخاب مردم استوار گردید. با آن که حضرت امام در دوره گذار جامعه ایران از رژیم سلطنتی به نظام اسلامی، به لحاظ مقبولیت دینی و اجتماعی در موقعیتی ممتاز بود بنحوی که به راحتی می‌توانست نظریات خویش را به تایید ملت برساند، اما این بنای فرخنده (انتخابات) را بنیان نهاد، تا کلیه مراحل تدوین و تاسیس ارکان و شعبات حکومت جدید با اتکا بر رای و نظر ملت تحقق یابد.

بدین ترتیب نظام اسلامی برآمده از بطن انقلاب، نخستین تمایزات خویش را با سیستم‌های انقلابی دیگر، با اولویت بخشیدن به امر انتخابات و رای مردم، آشکار ساخت. در این راستا اولین فرمان‌های تاریخی امام راحل به برگزاری انتخابات اختصاص یافت. اتخاذ چنین رویکردی، برپایی صندوق‌های رای در سپیده دم انقلاب حتی جناح لیبرال را که با تکیه بر مفاهیم و شعارهای دموکراسی خواهی به میدان آمده بودند، متحیر ساخت. در برهه کنونی از حیات نظام اسلامی که تحقق پایدارسازی و ظرفیت‌سازی برای آرمان‌های انقلاب اسلامی به مهم‌ترین مأموریت نظام اسلامی تبدیل شده است، بایسته‌های انتخابات از منظر رهبر معظم انقلاب، حاوی بسیاری از راهبردها است. مجموعه گفتارها، رهنمودها و رویه‌های رهبری مبین وضع موجود، و ترسیم‌کننده وضعیت مطلوب می‌باشد.

انتخابات به مثابه رکن اساسی مردم سالاری دینی

انقلاب اسلامی در عرصه حکومتی، مدعی پایه گذاری نظام سیاسی نوینی است که رهبر معظم انقلاب از آن به عنوان «مردم سالاری دینی» تعبیر نموده اند. این ترکیب مفهومی، به روشنی وجوه تمایز نظام سیاسی - اسلامی با سایر نظام‌ها را نشان می‌دهد. الگوی نظام انتخاباتی در مردم سالاری دینی، امروزه به عنوان رقیب جدی در برابر نظام‌های سیاسی غربی و اشکال دمکراسی آن مطرح است. نظام انتخاباتی در حکومت‌های لیبرال، در عمل به غلبه صاحبان سرمایه و بنگاه‌های تبلیغاتی منجر شده است. این در حالی است که در الگوی انتخاباتی مبتنی بر تفکر مردم سالاری دینی تلاش می‌شود همه اقشار جامعه فارغ از توان اقتصادی و جایگاه اجتماعی خویش، در میدان انتخابات نقش آفرینی کنند. از جمله ویژگی‌های مردم سالاری دینی در ادبیات رهبری عبارتند از:

الف: مرزهای تفاوت مردم سالاری و انتخابات در ایران و غرب

دیدگاه کسانی که سعی دارند مقوله انتخابات را به عنوان وجه مشترک نظام مردم سالاری دینی با نظام‌های لیبرال غرب مطرح نمایند، به طور جدی قابل نقد است. این تشابه فقط در تشریفات و عملیات رای گیری می‌تواند مطرح شود، زیرا چنان که اشاره شد الگوهای کسب رای و شگردهای تبلیغاتی که در نظام‌های لیبرال برای راهیابی به کانون‌های قدرت به کار گرفته می‌شود، در مبارزات انتخاباتی رایج در نظام مردم سالار دینی به شدت نفی شده و حتی به عنوان خط قرمز حاکم بر صحنه انتخابات مطرح است. از نظر رهبر معظم انقلاب، مردم سالاری در مفهوم دینی، فراتر از حدود قراردادی آن در ایدئولوژی‌های سیاسی غربی است. ایشان در این رابطه می‌فرمایند: «نباید اشتباه شود؛ این مردم سالاری به ریشه‌های دمکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد. این یک چیز دیگر است. مردم سالاری دینی دو چیز نیست، این طور نیست که ما دمکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم، تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم؛ نه. خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است»^۱. هم چنین ایشان در فرازهای دیگری از بیانات خویش تمایز میان ایده و الگوی مردم سالاری دینی و الگوهای انتخاباتی در جوامع لیبرال دموکراسی را این گونه تشریح می‌کنند: «مردم سالاری در نظام اسلامی، مردم سالاری دینی است، یعنی به نظر اسلام متکی است و فقط یک قرارداد عرفی نیست. مراجعه به رأی و اراده و خواست مردم، در آن جایی که این مراجعه لازم است، نظر اسلام است؛ لذا تعهد اسلامی به وجود می‌آورد. مثل کشورهای دمکراتیک غربی نیست که یک قرارداد عرفی باشد تا بتوانند به راحتی آن را نقض کنند. در نظام جمهوری اسلامی، مردم سالاری یک وظیفه دینی است»^۲.

۱- سخنان رهبر انقلاب در ۱۲ آذر ۱۳۷۹.

۲- سخنان رهبر انقلاب در ۱۴ خرداد ۱۳۸۱.

ب: نقاط پیوند رای مردم و باورهای دینی

به باور رهبر معظم انقلاب، آن چه در عمل منشاء تمایز میان مفهوم جمهوریت و مصداق‌های آن در جمهوری اسلامی با مدل غربی می‌گردد، همانا باورها و اعتقادات مذهبی ملت ایران است. چنین عامل نیرومندی موجب می‌شود تفاوت میان الگوی انتخابات و جمهوریت در ایران با مغرب زمین، به یک تفاوت ماهوی تبدیل شود. رهبر معظم انقلاب به روشنی سرچشمه‌های تئوری پیوند اسلامیت و جمهوریت را تشریح می‌کند: «بستر مردم‌سالاری اسلامی و حضور مردم را انقلاب به ما داد. ما باید روی این زمینه تکیه کنیم. البته از طرف کسانی سعی شده که بین جمهوریت نظام و اسلامیت، رقابتی به وجود بیاورند. یک‌جا بعضی‌ها بگویند روی اسلامیت تکیه شد، جمهوریت تضعیف شد؛ یک عده هم بگویند روی جمهوریت تکیه شد، اسلامیت تضعیف شد. این‌طوری نیست. در کشور ما جمهوریت از اسلامیت جدا نیست. این مردم مؤمن و عمیقاً پایبند به مبانی دینی هستند. همیشه در انتخابات‌های ما این نشان داده می‌شود. در سال ۷۶ هم همین‌طور بود؛ سال ۸۰ هم همین‌طور بود؛ امسال هم که ۱۳۸۴ است، همین‌طور است. در انتخابات، مردم در حقیقت به پایه‌های اعتقادی خودشان و به آن چه بر آن پایه‌ها مبتنی است، رأی می‌دهند. مردم عقاید خود را دوست می‌دارند و به این عقاید و مبانی پایبند هستند و همین مبانی هم ما را پیش می‌برد. لذا جمهوریت - یعنی مردم‌سالاری به معنای واقعی کلمه - در این کشور همواره با اعتقاد به اسلام و حرکت در جهت اسلام، همراه است و انشاءالله بستر جریان مردم‌سالاری و پیشرفت و رشد این حالت، و نهادینه شدن روحیات ناشی از مردم‌سالاری اسلامی روز به روز در کشور گسترش پیدا خواهد کرد».

ج: رابطه انتخابات و مردم‌سالاری

در منطق نظام دینی ایران، تمام تمهیدات در راستای تحقق حداکثری ظرفیت‌های انتخابات است. بر این مبنا، بخشی از قوانین و ترتیبات انتخاباتی معطوف به این مساله است که، عناصر محدود کننده و مخل در امر انتخاب مردم را مهار نماید. رهبری انقلاب از این منظر تفاوت‌های ماهوی میان مردم‌سالاری دینی که در ایران به منصفه ظهور رسیده با نظام‌های مردم‌سالار که دنیای لیبرال مدعی آن است قائل هستند: «یک مسأله، اصل مسأله‌ی انتخابات و ربط آن با مردم‌سالاری از نظر اسلام است. دمکراسی غربی - یعنی دمکراسی متکی بر لیبرالیسم - منطقی برای خودش دارد. آن منطق پایه‌ی مشروعیت حکومت‌ها و نظام‌ها را عبارت از رأی اکثریت می‌داند. مبناي این فکر هم همان اندیشه‌ی لیبرالی است؛ اندیشه‌ی آزادی فردی، که هیچ قید و بند اخلاقی ندارد، مگر حد و مرز ضرر رساندن به آزادی دیگران.

تفکر لیبرالیسم غربی این است: آزادی شخصی و فردی مطلق انسان، در همه‌ی زمینه‌ها و در همه‌ی عرصه‌ها، که تجلی آن در تشکیل نظام سیاسی کشور هم مشاهده خواهد شد. چون در جامعه، اقلیت و اکثریتی هستند، چاره‌ای نیست جز این که اقلیت از اکثریت پیروی کند. این پایه‌ی دموکراسی غربی است. اگر نظامی این را داشت، این نظام از نظر دموکراسی لیبرالی مشروع است؛ اگر نظامی این را نداشت، نامشروع است. این تئوری دموکراسی لیبرالیسمی است، در حالی که به کلی عمل دموکراسی‌های غربی با این تئوری متفاوت است و آن چه امروز در عرصه‌ی عمل در دموکراسی‌های غربی مشاهده می‌شود، این نیست^۱.

نقطه‌ی اوج مرزبندی در عرصه انتخابات، میان نظام اسلامی با سایر نظام‌های رایج، مفهومی است که در ادبیات سیاسی امروز با عبارت "هدف وسیله را توجیه می‌کند" بیان می‌شود. امروزه در سیستم‌های مبارزاتی و تبلیغاتی محدودیتی برای استفاده از شیوه‌های پروپاگاندا انتخاباتی وجود ندارد و هر حزب و نامزدی برای راهیابی به کرسی‌های قدرت دستی گشاده در استفاده از ابزارهای جذب و حتی اغوای افکار عمومی دارد. اما در نظام مردم سالار دینی، رفتار و شیوه‌های مبارزه انتخاباتی باید بر مبنای موازین اخلاقی و دینی تنظیم و تطبیق شود. روی آوردن به شیوه‌هایی که در آن نشانه فریفتن افکار عمومی باشد، یکی از عواملی است که صلاحیت نامزدها، و حزب و گروه آنها را از درجه اعتبار و مشروعیت ساقط می‌سازد. اما در تجربه نظام‌های لیبرال دموکراسی چنین نظارت و بازخواستی وجود ندارد. رهبری انقلاب در این باره می‌فرمایند: «مردم سالاری دینی چون بر اساس یک اعتقاد دینی است، قابل نقض نیست؛ یعنی اگر کسی توانست در انتخابات تقلب کند یا به شیوه‌ای نظر مردم را جلب کند که به ناحق نگاهشان به وی متوجه باشد - مثلاً ارزشی که در او نیست، وانمود کند که در او هست؛ بعد مردم به او اقبال کنند و رأی بدهند - در منطق مردم سالاری دینی او حقی ندارد. این شیوه در منطق لیبرالیسم که پایه‌ی لیبرالیسم غربی است، کاملاً پذیرفته شده است؛ اما در منطق مردم سالاری دینی نه^۲».

د- انطباق رای مردم با خواست شرع

انتخابات یکی از گام‌هایی است که هر شهروند در راستای تعیین مسیر زندگی سیاسی خویش بر می‌دارد. طبیعی است در جامعه‌ای که گرایش غالب افکار شهروندان امور مادی یا سرمایه سالاری است، آرای شهروندان نیز به سوی انتخاب یک نظام حکومتی مدافع سرمایه داری جهت‌گیری خواهد نمود و در مقابل، در کشوری که حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و دینی به عنوان یک هدف و غایت برای مردم مطرح است، آنچه از صندوق‌های رای

۱- بیانات در دیدار استادان و دانشجویان قزوین ۱۳۸۲/۰۹/۲۶.

۲- بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۰۲/۲۲.

به دست خواهد آمد، چیزی جز تحقق یک حکومت و دولت ارزش مدار نیست. این نکته در تجربه انتخاباتی سی سال اخیر جامعه ایران به روشنی مشاهده می‌شود. مردمی که برای تحقق قوانین اسلامی انقلاب نمودند، در میدان انتخابات نیز همواره با دغدغه حفظ میراث انقلاب به پای صندوق‌های رای رفتند. لذا رهبری انقلاب می‌فرماید: «در منطق اسلام، اداره‌ی امور مردم و جامعه، با هدایت انوار قرآنی و احکام الهی است. در قوانین آسمانی و الهی قرآن، برای مردم شأن و ارج معین شده است؛ مردم هستند که انتخاب می‌کنند و سرنوشت اداره‌ی کشور را به دست می‌گیرند. این مردم سالاری، راقی‌ترین نوع مردم سالاری‌ای است که امروز دنیا شاهد آن است، زیرا مردم سالاری در چارچوب احکام و هدایت الهی است. انتخاب مردم است؛ اما انتخابی که با قوانین آسمانی و مبرای از هرگونه نقص و عیب، توانسته است جهت و راه صحیحی را دنبال کند. در همه‌ی آن چه که در دنیا به نام دموکراسی و مردم سالاری شناخته می‌شود، چارچوب وجود دارد. در دموکراسی‌های غربی، چارچوب عبارت است از منافع و خواست صاحبان ثروت و سرمایه‌داران حاکم بر سرنوشت جامعه. تنها در آن چارچوب است که رأی مردم اعتبار پیدا می‌کند و نافذ می‌شود. اگر مردم چیزی را که بر خلاف منافع سرمایه‌داران و صاحبان قدرت مالی و اقتصادی - و بر اثر آن، قدرت سیاسی - است بخواهند، هیچ تضمینی وجود ندارد که این نظام‌ها و رژیم‌های دموکراتیک، تسلیم خواست مردم شوند. یک چارچوب محکم و ناشکننده بر همه‌ی این خواست‌ها و دموکراسی‌ها حاکم است. در کشورهای سوسیالیستی سابق - که آنها هم خودشان را کشورهای دموکراتیک می‌نامیدند - این چارچوب، حزب حاکم بود. در خارج از چارچوب تمایلات و سیاست‌ها و انگیزه‌های حزب حاکم، رأی مردم هیچ توانایی و کاربردی نداشت»^۱.

اقتضائات نظام مردم سالار دینی در عرصه انتخابات

جمهوری اسلامی همواره، مخالفان خویش در عرصه بین‌المللی را به این معارضه فراخوانده که در عرصه انتخابات، الگویی موفق‌تر از نظامات انتخاباتی دیگر ارائه می‌نماید. در سال‌های اخیر که چالش‌های جمهوری اسلامی با جهان خارج بر سر موضوع انتخابات ابعادی گسترده یافت، رهبر معظم انقلاب بخش قابل توجهی از مباحث و نظریات خویش را به این حوزه معطوف نمودند و مسئولان و شهروندان را به تحقق الگوی انتخاباتی در طراز نظام مردم سالار دینی فراخواندند. در راس توصیه‌های معظم له این نکته مورد تأکید قرار گرفته است که جهت‌گیری سیاست طیف‌های رقیب نظام مردم سالار دینی، این است که نظام انتخاباتی در ایران را امری صوری نشان دهند. در همین راستا رهبری به صراحت عنوان داشتند که مردم ایران دغدغه استقرار یک نظام موفق دینی را دارد و باید برای تثبیت

۱- بیانات پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی ۱۳۸۰/۰۵/۱۱.

پایه‌های نظام انتخاباتی تلاش نمایند. حتی در مواردی اظهارات ایشان با لحن عتاب‌آلود بیان شد و فرمودند که "مردم‌سالاری دینی با حرف نمی‌شود؛ مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده‌ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور محقق می‌گردد؛ این امر جز با یک انتخابات صحیح و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست". مهم‌ترین اقتضائات رفتار سیاسی مردم‌سالارانه از منظر رهبری شامل قانون‌گرایی، مردم‌گرایی، تکلیف‌محوری، جمهوریت و اسلامیت نظام است. که در ادامه به تشریح آنها می‌پردازیم.

۱- قانون‌گرایی

آن چه خواست‌ها و مطالبات مردم در جهت داشتن انتخابات آزاد، عادلانه و کارآمد را تضمین می‌نماید، همانا اجرای دقیق و صحیح موازین و مقررات قانونی است. انتخابات از زمره فعالیت‌های سیاسی است که بر محور رقابت و مبارزات سیاسی رقم می‌خورد؛ به اقتضای همین سرشت سیاسی خویش، بسیار مستعد بروز هیجان است. بر همین اساس صاحب‌نظران سیاسی تاکید می‌نمایند که اصل قانون‌مندی و قانون‌مداری در عرصه انتخابات، بیش از دیگر عرصه‌های حوزه سیاست باید حکم فرما باشد. در این راستا رهبری نظام، در بحث قانون‌مداری نکاتی فراتر از حفظ نظم یا پیشگیری از هرج و مرج دنبال کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «البته من به مجریان انتخابات توصیه کرده‌ام، الان هم توصیه می‌کنم: باید به شدت قانون را رعایت کنند. حد و مرز، قانون است. همه باید الزامات قانونی را بپذیرند و تسلیم الزامات قانونی بشوند. قانون حد فاصل حق و باطل است. در حرکت و مشی ملت و مسئولین قانون را نباید دور زد. این باید رعایت بشود؛ بحمدالله رعایت هم می‌شود. ما هم توصیه داریم می‌کنیم که با مراقبت و دقت بیشتر، قانون را رعایت کنند؛ به کسی ظلم نشود، حق کسی تضییع نشود؛ حق مردم در طرف مقابل، تضییع نشود، که آدم‌های ناباب و ناصالح، صالح معرفی نشوند؛ آدم‌های صالح هم از حق خودشان محروم نمانند، ناصالح معرفی نشوند. این رعایت‌هائی است که باید همه بکنند. اما آن چه که اصل است، حضور در انتخابات است؛ باید همه در انتخابات شرکت کنند؛ این یک وظیفه‌ی عمومی است».

۲- مردم‌محوری

رهبر معظم انقلاب، مردمی بودن و مردمی ماندن انقلاب اسلامی را با عنوان «نعمت الهی» توصیف می‌کنند: «یکی از بزرگ‌ترین افتخارات انقلاب ما، مردمی بودن و مردمی ماندن است. این، نعمت بزرگی است که باید آن را پاس داشت و قدر دانست. در دنیا، بسیاری از دولت‌هایی که به وسیله انقلاب‌ها، به وسیله کودتاها یا به طرق گوناگون دیگر روی

کار می‌آیند، نمی‌توانند حمایت مردمی را برای خودشان حفظ کنند. حتی دیده شده است دولت‌هایی که با کمک مردم بر سر کار آمده‌اند، بعد بلافاصله با یک حرکت تند و انقلابی اعلام کرده‌اند که مثلاً تا فلان مدت، انتخاباتی انجام نخواهد گرفت، یا وعده داده‌اند، ولی به وعده خود عمل نکرده‌اند. جمهوری اسلامی، در اولین سال پیروزی انقلاب - سال پنجاه و هشت - پنج انتخابات برگزار کرد و تا امروز هم مرتب ادامه داشته است^۱. در جای دیگری می‌فرمایند: «حضور مردم، نعمت بزرگی است. این نعمت که بحمدالله در همین روزها یک تجربه و آزمایش شیرین و پرشکوه دیگر از آن مشاهده شد و صحنه بسیار زیبایی را آفرید که در دنیا و در تاریخ مایه افتخار ملت ایران و جمهوری اسلامی و انقلاب شد - انتخابات ریاست جمهوری - جای شکرگزاری دارد. انتخابات - از جمله انتخابات اخیر - همه از برکات مردمی بودن و همین نعمت بزرگ خداست. عزیزان من! در برابر نعمت باید شکر کرد^۲» و نیز «آن چه مهم است، این است که کسی که از سوی پروردگار عالم نعمت می‌گیرد، در مقابل آن چه روشی از خود نشان خواهد داد. در سوره حمد می‌خوانید که «صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین» یعنی کسانی که نعمت هم می‌گیرند، ممکن است «مغضوب علیهم» شوند؛ مثل بنی اسرائیل. بارها خدای متعال به بنی اسرائیل فرمود: «اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم» آنها مورد نعمت خدا قرار گرفته بودند. در سوره حمد، «مغضوب علیهم» به بنی اسرائیل تعبیر شده است. بنابراین، نعمت را که گرفتیم، باید مواظب باشیم که بعد از تسلیم نعمت، شکرگزار آن باشیم تا جزو «مغضوب علیهم» و یا «ضالین» نشویم. راهش هم این است که شکر کنیم^۳.

در تبیینات رهبر انقلاب، از نقش مردم در انتخابات و تحکیم پایه‌های نظام مردم‌سالار دینی، این نکته حائز اهمیت است که همه قوای حکومت قدرت و پشتوانه سیاسی خویش را از رای مردم اخذ می‌کنند و بر همین مبنا آنها شانی جز وامداری به مردم ندارند. این تعبیر به صورت مشابه در اکثر نطق‌های حضرت امام و نیز سخنان رهبری نظام، به چشم می‌خورد که همه ارکان حاکمیت و دولت که رای مردم را گرفته‌اند وام دار و امانت دار اعتماد آن‌ها هستند. این معادله، یعنی وابستگی محض دولت به مردم، تحت هیچ شرایطی قابل تغییر نیست؛ زیرا مهم‌ترین تکیه‌گاه نظام از نظر رهبری، آراء مردم است: «عرصه اول، در جمهوری اسلامی عرصه تکیه نظام به آراء مردم است. تکیه نظام به آراء مردم، یکی از میدان‌هایی است که مردم در آن نقش دارند. حضور مردم و اعتقاد به آن‌ها باید در این‌جا خود را نشان دهد. در قانون

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۶/۰۳/۰۷.

۲- همان.

۳- همان.

اساسی ما و در تعالیم و راهنمایی های امام، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتکاء به رأی مردم، کسی بر سر کار بیاید. باید با اتکاء به اراده مردم، نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات دیگر، مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است. این یکی از عرصه‌هاست. لذا امام بزرگوار، هم در دوران حیات خود به شدت به این عنصر در این عرصه پایبند باقی ماند و هم در وصیت‌نامه خود آن را منعکس و به مردم و مسئولان توصیه کرد. در حقیقت انتخابات و حضور مردم در صحنه انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و یا سایر انتخاب‌هایی که می‌کنند، هم حق مردم است، هم تکلیفی بر دوش آنهاست. در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند. این هم از اسلام سرچشمه می‌گیرد.^۱ در جای دیگر معرفی می‌نماید: «انتخاب مردم سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیات بخش و نجات بخش او بود. قرن‌های متمادی حکومت‌های فردی بر کشور ما حکومت کرده بودند و حتی در دورانی که در ایران جریان مشروطه به وجود آمد و به ظاهر جریان قانون در کشور رسمی شد، عملاً استبداد و دیکتاتوری دوران پهلوی از استبداد گذشتگان‌شان گزنده‌تر و سخت‌تر و مصیبت‌بارتر بود. در کشوری با این سابقه، امام بزرگوار ما این امکان را پیدا کرد، این توفیق را یافت که مسئله‌ی حضور مردم و انتخابات مردمی را به یک حقیقت نهادینه شده تبدیل کند. مردم ما هرگز مزه‌ی انتخابات آزاد را، جز در برهه‌های بسیار کوتاه در صدر مشروطه، تجربه نکرده بودند. در یک چنین کشوری، در یک چنین فضائی، امام بزرگوار ما از اولین قدم، انتخابات را در کشور نهادینه کرد. بارها شنیدید که در طول این سی و دو سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، در حدود سی و دو یا سی و سه انتخابات در کشور اتفاق افتاده است که مردم آزادانه پای صندوق‌های رأی آمدند و رأی خودشان را به صندوق انداختند و منشأ تشکیل مجلس و دولت و خبرگان و شوراهای شهر و امثال اینها شدند. این، بارزترین نمونه‌ی عقلانیت امام بزرگوار ما بود».^۲

۳- تکلیف محوری

«بنده معتقدم که در این انتخابات، ملت باید به عنوان یک تکلیف و یک حق شرکت کند... دشمنان ما می‌خواهند اصلاً انتخابات برگزار نشود. چرا؟ برای این که بتوانند شاهدهی بیاورند که در ایران مردم سالاری و دموکراسی نیست. وقتی ما انتخابات برگزار می‌کنیم، حربی آنها گم می‌شود. بنابراین اولین خواسته‌های آنها برگزار نشدن انتخابات است... گام دوم این است که اگر نتوانستند، انتخابات را متهم کنند. خواهند گفت در انتخابات تقلب

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی(ره) ۱۳۸۰/۰۳/۱۴.

۲- بیانات در بیست و دومین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) ۱۳۹۰/۰۳/۱۴.

شده؛ خواهند گفت انتخابات تبعیض‌آمیز است؛ خواهند گفت چرا فلانی رد صلاحیت شد... آن‌جایی هم که رد صلاحیت نیست، باز همین حرف‌ها را می‌گویند. در انتخابات دور دوم شوراها مطلقاً رد صلاحیت نبود. همان آدم‌هایی که واقعاً به نظام عقیده‌ی ندارند، آمدند در انتخابات شرکت کردند و به‌خاطر بی‌اعتنایی مردم رأی هم نیاوردند؛ اما باز هم حرف می‌زنند! به‌هرحال اینها انتخابات را زیر سؤال می‌برند. دشمن با یک انتخابات موفق، سراسری و پُرشور مخالف است^۱».

تکلیف محوری به حضور صرف در انتخابات محدود نمانده و ابعاد آن به انتخاب اصلح و نیز گزینش در پای صندوق‌های رای کشیده می‌شود: «هر کسی هم وظیفه‌ای دارد. مردم وظیفه دارند در انتخابات شرکت کنند و نامزدهای صحیح را پیدا و آنها را انتخاب نمایند. مردم وظیفه دارند به ملاک‌های دینی و شرعی و انقلابی نگاه کنند؛ به روابط قوم و خویشی و ایل و طایفه‌ای و این‌طور چیزها نگاه نکنند. ببینند واقعاً چه کسی با معیارهای الهی و انقلابی، مناسب‌تر و به آن نزدیک‌تر است، او را برگزینند و با شور و شوق، به عنوان یک وظیفه در این کار دخالت کنند. کسانی از مردم وظیفه دارند که دیگران را تشویق و تحریض کنند. کسانی که زبان‌گویایی دارند، قلم‌توانایی دارند و آبرویی پیش مردم دارند - که این آبرو هم جزو ذخایر الهی است و خدای متعال به هرکس داده است، باید آن را در راه او مصرف کند و به کار برد - مردم را توجیه و تشویق کنند و آدم‌های خوب را به آنها معرفی نمایند. در معرفی نامزدهای نمایندگی، باید ملاحظه کنند که هیچ رابطه‌ای را غیر از رابطه دینی و الهی و وظیفه شرعی دخالت ندهند. فلان کس با ما رفیق است، فلان کس با ما دوست است، فلان کس فایده‌ای به ما می‌رساند؛ ابداً این چیزها را در نظر نگیرند^۲». در جای دیگر می‌فرماید: «من در همین‌جا به مردم گفتم که هر کسی پای صندوق رأی برود و از روی احساس مسؤلیت و طبق تشخیص خود رأی را ببندد، باید احساس کند که تکلیف خود را انجام داده است. الان هم قضیه همین است. آقایان نامزدهای مختلف که در صحنه انتخابات وارد شدند و نیز طرفداران آنها، باید خوشحال باشند. از خداوند متعال شاکر باشید که به شما توفیق داد تا در این صحنه وارد شوید؛ این عرصه را برای حضور ملت عظیم‌الشان ایران هموار کنید و آنان را در این آزمایشی که این قدر شیرین آغاز گردید و شیرین تمام شد، درگیر نمایید. این برایتان افتخار است و همه شما پیش خدای متعال مأجورید^۳».

مقام معظم رهبری نه تنها حضور در انتخابات و رای دادن را یک تکلیف الهی می‌داند،

۱- بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۸۴/۲/۱۹.

۲- بیانات در دیدار اعضای هیأت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان ۱۳۷۴/۱۱/۱۴.

۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۶/۰۳/۰۷.

بلکه انتخاب نامزد اصلح و پیدا کردن فردی شایسته را جزو وظایف و تکلیف معرفی می‌نماید: «مردم هم بایستی بگردند و در همین فرصتی که تا انتخابات باقی است، به‌عنوان یک وظیفه شرعی و اخلاقی، نامزدهایی را پیدا کنند که وقتی در محضر خدا از آنها سؤال می‌شود که چرا تو این آقا یا این خانم را به قوه مقننه فرستادی، بتواند جواب بدهد و بگوید برای این مصلحت. انتخابات، وظیفه است. انتخابات، یک کار بزرگ و یک اقدام شرعی و یک اقدام خدایی است؛ بگردید آدم‌های مناسب را برای این کار مهم پیدا کنید. آدم مناسب چطور آدمی است؟ باید کارآمد باشد؛ این تجربه بیست‌ساله ماست. کارآمدی تنها هم کافی نیست؛ باید متدین هم باشد. آدم متدین، احتمال خیانتش کم است. آن متدین‌هایی که یک وقت دچار لغزش می‌شوند، اول تقوای خودشان را از دست می‌دهند؛ بعد این لغزش به سراغ آنها می‌آید. پس، باید متدین و باتقوا هم باشند، تا بتوانید برای کارهای این کشور به آنها اعتماد کنید. هم چنین باید در مقابل توپ و تشر این و آن - خارجی، داخلی، زورگویان، قدرت‌مداران - شجاع باشد و دل خود را نبازد. کسی که دل خود را در مقابل توپ و تشر باخت، دستش هم برای امضا می‌لغزد؛ پایش هم برای جلو رفتن می‌لرزد؛ نمی‌شود به او اعتماد کرد. نماینده باید شجاع و باشرف و امین و طرف‌دار ضعفا و قشر ضعیف باشد. قانون باید بتواند از حقوق ضعفا دفاع کند، و الا قانونی که پول‌داران را پول‌دارتر کند، قانون مملکت اسلامی نیست. قانون باید بتواند گره‌ها را باز کند و به درد دل قشرهای محروم برسد. نماینده باید آدمی باشد که این چیزها را بفهمد؛ آدمی باشد که حتی المقدور با تجربه باشد. در این کارهای بزرگ، تجربه خیلی مهم است. بگردید این خصوصیات مهم را در اشخاص پیدا کنید. انسان متدین، عفیف، کارآمد، شجاع، دارای قدرت مقاومت در برابر این و آن، اگر به قوه مقننه برود، طبق تجربه‌ای که ما در این بیست سال داریم، می‌تواند در نقاط حساس، به نفع مردم و به نفع کشور کار کند. این‌طور انسان‌هایی مهمند».

حضور در انتخابات در همه اعصار و برهه‌ها یک ارزش است و افکار عمومی و عقلای جامعه در همه دوره‌ها این اتفاق را به صورت یک فضیلت و نشانه‌ای از کمال جویی ملت‌ها نگریسته‌اند؛ اما فضیلت بالاتر این است که، این حضور به دور از هیجانات و احساساتی از قبیل رقابت جویی میان نامزدها و احزاب باشد. رهبری نظام، بالاترین درجه حضور و مشارکت سیاسی را در این می‌بینند که، ملت با تدبیر و آگاهی کامل از نیازهای انقلاب و نیز مشکلات جامعه در پای صندوق‌های رای حاضر شوند؛ لذا از نظر رهبری هم حق و هم تکلیف مردم است که بیابند سرنوشت کشورشان را به دست خودشان معین کنند، اما در این زمینه بایستی با آگاهی وارد عمل شده و نمایندگان و مجریان خودشان را معین کنند:

«انتخابات، هم حق مردم و هم وظیفه آن هاست. حق مردم است؛ برای این که بیایند و مدیر اجرایی کشور را انتخاب کنند. تکلیف مردم است؛ چون با حضور شما، نظام تقویت پیدا می‌کند؛ اسلام عزیز می‌شود؛ حاکمیت اسلام در دنیا سرفراز می‌گردد و توطئه دشمن - که اسلام را به جدایی از آراء مردم متهم می‌کند - باطل می‌شود. حضور شما می‌تواند دفاع از اسلام و کشور و انقلاب محسوب شود. هر مقدار این حضور وسیع تر و قوی تر باشد، نشانه اقتدار بیشتر نظام اسلامی است. نظام اسلامی در مقابل چشم‌های دوستان و دشمنان خود در دنیا به این می‌بالد که تعداد حاضرشوندگان در پای صندوق‌های رأی، زیاد است. این مایه افتخار نظام اسلامی است. همه کسانی که در مقابل اسلام و آینده این کشور احساس مسؤلیت می‌کنند، وظیفه دارند که در این آزمایش الهی شرکت کنند. البته این حضور باید آگاهانه و از روی تحقیق و با به دست آوردن حجت بین خود و خدا باشد. کسی که رأی می‌دهد و فردی را انتخاب می‌کند، باید برطبق تشخیص باشد. این تشخیص را به دست آورید و ان شاء الله با قاطعیت در این آزمایش الهی شرکت کنید»^۱.

تکلیف و حق، از نظر مقام معظم رهبری امری یک طرفه نیست که فقط مختص مردم باشد؛ بلکه این موضوع باید در ارتباطی دو جانبه میان مردم و مسئولان ارزیابی شود. در واقع، فرایند تکلیف محوری با انداختن رأی مردم به صندوق‌ها پایان نمی‌پذیرد و باید در فرایند بعد از انتخاب هم دارای نقش باشند، یعنی مسئولان در قبال رأی مردم مسؤولند. رهبر معظم انقلاب در این راستا می‌فرماید: «عرصه دوم، عرصه تکلیف مسئولان در قبال مردم است. وقتی ما می‌گوییم «مردم»، معنایش این نیست که مردم بیایند رأی بدهند و مسؤول یا نماینده‌ای را انتخاب کنند؛ بعد دیگر برای آن مردم هیچ مسؤولیتی وجود نداشته باشد؛ صرفاً همین باشد که اگر کسی می‌خواهد برای مردم کاری بکند، به این خاطر باشد که مردم بار دیگر به او رأی دهند؛ مسأله این نیست. در اسلام و نظام جمهوری اسلامی، فلسفه مسؤولیت پیدا کردن مسئولان در کشور این است که برای مردم کار کنند. مسئولان برای مردمند و خدمت‌گزار و مدیون و امانت‌دار آنها هستند. مردم، محورند. کسی که در نظام جمهوری اسلامی مسؤولیتی به دست می‌آورد، باید همه هم و غمّش برای مردم باشد؛ هم برای دنیای مردم، هم برای مادیت مردم، هم برای معنویت مردم، هم برای ایجاد عدالت در میان مردم، هم برای احیای شأن انسانی مردم، هم برای آزادی مردم. اینها جزو وظایف اصلی حکومت است. البته وقتی می‌گوییم «مردم»، منظور همه طبقات مردمند؛ لیکن بدیهی است کسانی از مردم باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند که بیشتر مورد محرومیت قرار گرفته‌اند؛ لذا امام دائماً روی طبقات محروم و پابرهنگان کشور تکیه می‌کردند. این فریب است که کسی ادعا کند

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره) ۱۴/۰۳/۱۳۸۰.

برای مردم کار می‌کند اما در عمل، کار او برای طبقات مرفه باشد، نه برای طبقات مستضعف و محروم. نه این‌که نباید برای طبقات مرفه کار کرد، آنها هم از حقوق عمومی کشور باید بهره‌مند شوند؛ اما به آن کسی که محرومیت دارد و دستش از حقوق خود خالی مانده است، باید بیشتر توجه و همت و تلاش را اختصاص داد. لذا امام به طور دائم بر حقوق مستضعفان و محرومان و پابرهنگان تکیه می‌کرد. عملاً هم در تمام مدت پیروزی انقلاب تا امروز و قبل از آن، کسانی که بیش از همه سینه سپر کردند، از نظام دفاع کردند، سختی‌های نظام را به جان خریدند و در مقابل دشمنان ایستادند، طبقات محروم و پابرهنگه و مستضعفان جامعه بوده‌اند. اینها باید بیش از دیگران مورد توجه قرار گیرند^۱.

۴- جمهوریت و اسلامیت

نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی، دارای دو رکن اساسی، اسلامی بودن و مردمی بودن است. در دنیای امروز که نظام‌های سیاسی با چالش‌های جدی مواجه‌اند، جمهوری اسلامی مدعی ارائه الگوی کارآمد نظام سیاسی است؛ مردم ایران نیز با همین ویژگی‌های تعالی بخش است که اسلام را به عنوان پایه و اساس نظام سیاسی خویش برگزیده‌اند. بر همین اساس میان جمهوریت و دین در تجربه سی ساله ایران پیوندی ناگسستنی برقرار شده است که گویی لازم و ملزوم یکدیگرند. «جمهوری اسلامی» است؛ یک منظومه است، یک مجموعه است، یا بگوئیم واحد دارای ابعاد است که این ابعاد باید با همدیگر مورد ملاحظه قرار بگیرد و با هم باشد؛ این درهم‌تنیدگی باید حفظ بشود. هر کدام از این جهات تضعیف بشود، کل مجموعه تضعیف شده است^۲.

در جایی دیگر می‌فرمایند: «یکی از اساسی‌ترین حرف‌هائی که در این انتخابات ملت ما زد - و در واقع باید گفت انقلاب ما زد - این بود که جمهوریت، خودش را با فریاد قوی اثبات کرد. در واقع این حضور ۸۵ درصدی، پتک جمهوریت بود بر سر دشمنانی که دائم علیه انقلاب هی حرف زدند، علیه اسلام حرف زدند، در پایه‌های جمهوریت نظام، به خیال خودشان خدشه کردند. آن حضور قوی، نشان‌دهنده‌ی این معنا بود. بعد هم ملاحظه کردید که در اظهارات نامزدهای محترمی که وارد این میدان شدند، غالباً دم از پیروی خط امام و گرایش به ارزش‌ها، دل‌بستگی به ارزش‌ها در بیاناتشان بود؛ اگرچه حالا در بعضی از موارد حرفی زده می‌شد که منطبق با این کلی نبود، اما همه آن چه که می‌گفتند و آن چه که مطرح می‌کردند، می‌خواستند این را نشان بدهند که دل‌بستگی به راه امام، به خط امام، به انقلاب، به پایه‌های انقلاب وجود دارد. این خیلی حرف مهمی است. این نشان‌دهنده‌ی این است که

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۸۸/۰۳/۱۴.

۲- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۰۷/۰۲.

همه احساس کردند که ملت ایران به این سمت گرایش دارد. این جهت کلی حرکت ملت ایران را نشان می‌داد؛ یعنی جهت اسلامیت، جهت هضم بودن و مطیع بودن در مقابل امر الهی‌ای که امام بزرگوار ما مظهرش بود. بنابراین، آن جمهوریت نظام و این اسلامیت نظام، با این انتخابات هر دوی اینها تثبیت شد، تأیید شد. اینها پیام‌های مهمی است؛ اینها را باید درک کرد و باید این پیام‌ها را فهم کرد^۱.

۵- رقابت در عین حفظ انسجام و وحدت ملی

با آن که فرایند انتخابات در تجربه بسیاری از کشورها با چالش‌های مخرب همراه است؛ اما در جمهوری اسلامی، انتخابات نیروی قوام دهنده‌ی وحدت اقشار اجتماع متنوع جامعه است. انسجام و وحدت نظر ملت و جلوگیری از تفرقه میان گروه‌های مختلف، از شاخص‌های عمده گفتمان مقام معظم رهبری محسوب می‌شود. گفتمان ایشان در ایام انتخابات، گسترش رقابت در عین وحدت بوده است. امام خمینی (ره) نیز حفظ وحدت کلمه را ضامن تداوم پیروزی انقلاب دانسته و انسجام و وحدت نظر ملت، با تمسک به «حبل الله» و اتکا به خدای متعال را، ضامن حفظ پیکره نظام می‌دانستند. از دیدگاه امام خمینی تحقق جمهوری اسلامی (به عنوان حکومتی مطلوب و شایسته)، حاصل وحدت بود. بر این اساس مقام رهبری نیز در ایام انتخابات همواره خط قرمز نظام را تشتت و تفرقه معرفی نموده و مانع از آن شده‌اند که موج توفنده رقابت‌های سیاسی، پایه‌های وحدت و امنیت ملی را به مخاطره افکند.

مقام معظم رهبری ضمن پذیرش اختلاف سلیق مختلف، منازعه و درگیری را امری خطرناک دانسته و بر گفتمان وحدت میان تمام احزاب و جریان‌های سیاسی تأکید می‌کند: «چیزی که لازم می‌دانم در مورد مسئولان کشور تأکید کنم در درجه اول انسجام و اتحاد کلمه است. مسئولان کشور باید متحد باشند و حرفشان یکی باشد^۲». ایشان هم چنین نیز تأکید دارند که: «یکی دیگر از عیوب و آفت‌ها، عدم اتحاد کلمه است. مسئولان باید مواضع واحدی اتخاذ کنند؛ به خصوص در مسائل جهانی و مسائل عمده کشور. وقتی که اندک اختلاف در میان مسئولان پیدا می‌شود، شما می‌بینید رادیوهای بیگانه چگونه اینها را بزرگ و چند برابر می‌کنند. حتی آن جایی که اختلاف نیست، اختلاف را جعل می‌کنند. برای این که نشان دهند بین مسئولان اتحاد کلمه نیست. آنها از جمع منسجمی که با هم کار کنند و هم دل باشند، خیلی می‌ترسند. خوشبختانه، ترکیب قانون اساسی ما، راه حل مشکلات را معین کرده است. رهبری را به عنوان محور در نقطه مرکزی همه مسئولان قرار داده است. این امکان و فرصت

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۸۴/۰۵/۲۸.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع مردم اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۰۸.

خیلی بزرگ است تا مسئولان بتوانند با وحدت کلمه با هم دیگر کار کنند»^۱.

به اقتضای تکرری که انتخابات مجلس دارد، رقابت‌های انتخاباتی مجلس، شور دوچندان می‌گیرد. بر همین اساس مقام معظم رهبری مراقبت و نظارت بیشتری بر آهنگ رقابت‌ها در ایام گزینش نمایندگان داشته‌اند. رهبری، مجلس شورای اسلامی را نماد وحدت و یکپارچگی خوانده و در عین حال، نسبت به حرکت‌های ناآگاهانه و یا شیطنت‌آمیز و لطمه به وحدت ملی هشدار داده‌اند: «مجلس شورای اسلامی، مظهر وحدت ملی و یکپارچگی و اتفاق همه‌ی گروه‌ها و قومیت‌ها و سلاطین و عقاید است. در این مجلس، که از منتخبان حقیقی ملت بزرگ ایران تشکیل شده است، نمایندگان شهرها و استان‌های دور و نزدیک، نمایندگان اقوام گوناگون ایرانی، نمایندگان سلاطین و عقاید سیاسی، نمایندگان اقلیت‌های دینی، در کنار مسلمانان و همه با هم، برای انجام وظایف قانونی مجلس شورای اسلامی، همکاری و تلاش می‌کنند. این یکی از باشکوه‌ترین جلوه‌های اتحاد ملت ایران است. این‌جا همه برای پیشرفت ایران اسلامی و سربلندی و پیروزی نظام پرافتخار جمهوری اسلامی مجاهدت می‌کنند و همه یک هدف را می‌جویند. نمایندگان محترم باید این یکپارچگی را قدر شناخته، همه‌ی کوشش و مجاهدت خود را صرف تحکیم و تعمیق آن کنند. همه‌ی گفته‌ها و مصوبه‌ها و نطق‌ها در مجلس باید در جهت همدلی بیشتر میان ملت باشد، و حتی منش و رفتار و گفتار نمایندگان محترم باید زخم‌هایی را که احیاناً در هنگام انتخابات در برخی از حوزه‌ها پدید آمده است، التیام بخشد. هر حرکت و گفتار و نطقی در مجلس که به دو دستگی و اختلاف یا تشویش اذهان مردم بینجامد، کاری بر خلاف طبیعت و جهت مجلس شورای اسلامی است. مجلس در همه‌ی دوره‌های چهارگانه‌ی گذشته محل تلاقی جناح‌ها و سلاطین سیاسی موجود در کشور بوده و در این دوره نیز چنین است. در برخی دوره‌ها، برخوردهای سیاسی نمایندگان، نتوانسته است تریبون مجلس را از وظیفه‌ی مهم «حفظ التیام و همدلی ملی» باز دارد و آن را به وسیله‌ای برای ایجاد تشنج و جنگ اعصاب بدل سازد. این بی‌شک برای هر دوره‌ای از ادوار مجلس شورای اسلامی، مایه‌ی پیشرفت است. ولی همه‌ی اینها باید در محیطی سالم و آرام و به دور از تشنج و پیراسته از کارهای غیر اخلاقی باشد. بلندگوی مجلس نباید وسیله‌ای برای پراکندن سخنان زهرآگین و خاموش کردن فروغ امید در دل‌های مردم و بدبین کردن آنان به دولت یا مجلس یا دیگر مسئولان بخش‌های گوناگون کشور باشد. جناح‌های گوناگون سیاسی باید در عین دوگانگی‌هایی که در فهم مسائل گوناگون دارند، سعی خود را بر پیشرفت کشور در زیر پرچم پرعزت احکام اسلامی متمرکز کنند. جبهه‌گیری‌های ناسالم و نسبت‌هایی که به معنای وجود چند دستگی در مراکز عالی نظام است، مناسب مجلسی که می‌باید مظهر

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع جوانان اصفهان ۱۳۸۰/۱۱/۲۳.

وحدت ملی باشد نیست. در جمهوری اسلامی همه‌ی کانون‌های اصلی اندیشه و سیاست و تدبیر موظف‌اند، برگرد محوری واحد، جهت واحدی را دنبال کنند که متوجه به هدف والای بنای ایران اسلامی آباد و مقتدر و سربلند است و بحمدالله هیچ کس از مسؤولان نظام جمهوری اسلامی، از این وظیفه‌ی بزرگ رویگردان نیست^۱». از نظر مقام معظم رهبری نظام مبارزات سیاسی دارای دو جنبه سازنده و مخرب است. از سویی در سایه این رقابت‌ها شور و هیجان جامعه دوچندان می‌شود و جامعه نشاط تازه‌ای به خود می‌گیرد؛ اما ابعاد منفی این مبارزات زمانی است که از مدار قانون یا منافع ملی خارج شود: «وظیفه‌ی ما در درجه‌ی اول، حفظ اتحاد کلمه است. انتخابات با همه‌ی محسناتی که دارد و با شور و هیجانی که در جامعه ایجاد می‌کند - که یکی از بزرگترین حماسه‌ها را در طول سال‌ها به وجود می‌آورد - معمولاً در هر دوره‌ای این عارضه را هم دارد که بین گروه‌ها و افرادی از مردم، دلتنگی‌هایی ایجاد می‌کند؛ بین جناح‌ها، دلتنگی ایجاد می‌شود؛ بین گرایش‌های فکری و سیاسی دلتنگی‌هایی ایجاد می‌شود؛ بین سلائق گوناگون - ولو با خط مشی واحد - دلتنگی‌هایی به وجود می‌آید؛ بین اشخاص و افراد دلتنگی‌هایی به وجود می‌آید. ما باید به سرعت این عارضه را ترمیم کنیم. این ترمیم هم دست یک نفر نیست که بگوییم کدام سازمان، کدام مقام و کدام دستگاه این کار را بکند؛ این به عهده‌ی همه است. در درجه‌ی اول هم وظیفه‌ی سنگین‌تر به عهده‌ی افرادی است که شأن بالاتری دارند^۲».

اغلب نخبگان سیاسی بر این نکته تاکید دارند که در جهت انسجام بخشی و وحدت جامعه در ایام انتخابات، شماری از نهادها نقش برجسته تری دارند. از این قبیل است نقش نهادهای مسئول در امر برگزاری انتخابات، احزاب، جریان‌های سیاسی، مطبوعات که می‌بایست به دور از تفکرات فردی بیندیشند و منافع ملی را مدنظر داشته باشند که در این صورت قاعدتاً هیچ گزند و آسیبی به این کشور وارد نخواهد شد و دقیقاً نمایندگان واقعی و حقیقی مردم به خانه ملت را خواهند یافت. این وفاق و اتحاد می‌بایست حول ارزش‌های بنیادین انقلاب شکل گیرد. لذا مقام معظم رهبری می‌فرماید: «من روی اتحاد تکیه می‌کنم. اتحاد و همدلی بین مسئولین کشور یک فریضه است. تعمد در مخالفت با آن، امروز یک خلاف شرع است، به خصوص در سطوح بالا. همه به این توجه داشته باشند. دشمن از اختلافات کوچک، یک مسئله‌ی بزرگ می‌خواهد بسازد، نباید بگذارید. این جور نیست که هر اختلافی بین دو مسئول یا بین دو دستگاه، فاجعه‌ای باشد؛ نه، بالاخره ممکن است مجلس در یک زمینه‌ای جهت‌گیری داشته باشد و دولت جهت‌گیری دیگری داشته باشد، عقایدشان، سلیقه‌شان

۱- پیام به مناسبت افتتاح دوره‌ی پنجم مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۵/۰۳/۱۱.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۴/۰۶/۱۷.

مختلف باشد، اینها فاجعه نیست. اما این اختلافات را تبدیل کردن به شکاف های غیرقابل پر شدن و زخم های غیر قابل علاج، خطای بسیار بزرگی است^۱.

۶- مشارکت حد اکثری

نگرش مقام معظم رهبری همواره به این سمت معطوف بوده که همه مسئولان و نهادهای دست اندرکار در حوزه انتخابات، اسباب و لوازم مشارکت مردم را فراهم سازند. تاکید بر جنبه ایده‌آل و آرمانی مشارکت در نظام اسلامی در بطن خویش این منطق ارزشمند را دارا است که، در میدانی که قرار است سرنوشت یک دوره ۴ ساله جامعه رقم بخورد، همگان از فرصتی که برای تاثیر گذاشتن بر روند تصمیم‌گیری و گزینش نمایندگان و مجریان فراهم شده، بهره‌مند گردند. این امتیاز جدی نظام مردم‌سالاری دینی است و جزو ممیزات رابطه رهبری با مردم در نظام ایران، نسبت به نظام‌های دیگر است. با چنین نگرشی، محورهای ذیل از توصیه‌های رهبری شایان تامل است: «انتخابات، فقط یک پدیده سیاسی نیست. انتخابات، مظهر حضور مردم، مظهر احقاق حق و مظهر توانایی و اقتدار ملی برای یک کشور است. امروز در دنیا - چه در کشور ما و چه در هر جای دیگر - روی این حساب می‌شود که چند درصد از کسانی که می‌توانستند رأی بدهند، در یک انتخابات شرکت کردند و رأی دادند. از نظر مردم دنیا و تحلیلگران و سیاست‌گذاران عالم، آن نظامی مستحکم است که تعداد بیشتری از مردمش در هنگام انتخابات پای صندوق‌ها بیایند و رأی بدهند. این نشانه استحکام یک نظام است؛ که بحمدالله ما این را در انتخابات گوناگونی که در این سال‌های متوالی داشته‌ایم، همیشه نشان داده‌ایم و مردم حضور قوی‌ای داشته‌اند. هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به دست خودشان معین کنند؛ زیرا که کشور متعلق به مردم است. مردم باید بیایند و با انتخاب صحیح و آزادانه، قانون‌گذارانشان را در قوه مقننه معین کنند؛ مجریان خودشان را با ترتیبی که در قانون معین شده است، معین کنند»^۲.

در یکی از سخنرانی‌ها مقام معظم رهبری مضامین دقیق‌تری از اصل تعیین سرنوشت را استنتاج کرده و می‌فرماید: «پس ببینید نقش حضور مردم چقدر زیاد است. مجلس، مظهر آراء مردم در اداره این نظام است. حال شما ببینید انتخابات مجلس چقدر مهم است. تقدیر امر مجلس و انتخابات باید با چنین همه‌جانبه‌نگری‌ای انجام گیرد. صرف این نیست که حالا ما یک کشور دارای دموکراسی هستیم و مردم باید رأی بدهند و حضور پیدا کنند؛ نه. این اساس موجودیت نظام است»^۳.

۱- بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۹/۰۵/۲۷.

۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۷۸/۱۱/۲۶.

۳- بیانات در دیدار اعضای هیأت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان، ۱۳۷۴/۱۱/۱۴.

طی سال‌های اخیر نظریه‌پردازان و سیاست‌مداران غرب نظریه‌های متفاوتی در باب مشارکت عرضه داشته‌اند. یک طیف از نظریات به این سمت معطوف گردیده است که کمیت مشارکت مهم نیست؛ و حضور حداکثری مردم در انتخابات، الزاماً نشانه بلوغ سیاسی یا بالا رفتن سطح آگاهی نیست. این در حالی است که طیف دیگری از دولت مردان در غرب ارزش هر انتخاباتی را هنوز با معیار مشارکت حداقلی یا حداکثری می‌سنجند. جمهوری اسلامی از ابتدا این وجه تمایز خویش با نظام‌های انتخاباتی دیگر را آشکار ساخت که مقوله مشارکت مردم را در سطحی وسیع‌تر از نظام‌های سیاسی غرب دنبال می‌کند. بر همین اساس نظام دینی ایران از نظریه‌ای دفاع می‌کند که مشارکت سیاسی شهروندان، به عنوان بالاترین جلوه حقوق مدنی و طبیعی و به صورت یک ارزش سیاسی محوری نگریسته می‌شود. در گفتمان رهبری از حضور آحاد ملت در انتخابات و مقوله مشارکت سیاسی به عنوان یک راهبرد نام برده می‌شود: «آن چه که باید به عنوان راهبرد اساسی مورد نظر همه باشد، عبارت است از حضور حداکثری مردم. باید شرکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری آینده که ان شاءالله جزو حماسه‌های ملی خواهد شد، شرکتی باشد که دشمن را از دست اندازی به ایران اسلامی و ملت سرافراز ایران مایوس کند»^۱.

مقام معظم رهبری در بسیاری از فرصت‌های گفت و شنود خویش با مردم و نخبگان جامعه نیز موانع و عناصر مزاحم و مخل در امر مشارکت مردم را تبیین نموده‌اند. ایشان با تشریح جزئیات مشکلات ذهنی، روانی و سیاسی که دامنگیر مشارکت مردم در انتخابات است، درصدد بر می‌آید تا جامعه و نظام اسلامی با تدبیر صحیح از این دست مشکلات و موانع عبور کند: «آن چه در انتخابات بسیار مهم است، حضور عمومی مردم است؛ همه باید در انتخابات شرکت کنند؛ این یک وظیفه‌ی ملی است؛ این چیزی نیست که با بودن دولت‌های مختلف، روی کار بودن جریان‌های مختلف، جناح‌های مختلف، تغییر پذیرد. انتخابات یک فریضه است؛ همه باید شرکت کنند؛ همه باید خود را موظف بدانند برای این که در انتخابات شرکت کنند. بهانه‌جویی نباید بشود. بعضی از حرف‌ها بهانه‌جویی است. گاهی بهانه‌جویی حقیقی است، گاهی بهانه‌جویی برای این است که مردم دلسرد بشوند. انتخابات در کشور ما در مقایسه‌ی با انتخاباتی که ما می‌بینیم در دنیا دارد انجام می‌گیرد و خبرش را داریم، جزو سالم‌ترین‌هاست؛ انتخابات خوبی است»^۲. ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «یک جمله هم راجع به مسأله انتخابات - که فرمودند و درست هم هست - عرض کنم. شما باید مردم را به دو امر تذکر دهید: اول، اصل ورود در انتخابات است. مبدا

۱- سخنرانی رهبری در ۱۳۸۳/۸/۲۴.

۲- بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۶/۱۱/۱۹.

کسانی - شُذّاذی از مردم - از امر انتخابات غافل بمانند- اگر چه یقین دارم که مردم غافل نیستند - و خیال کنند که این انتخابات اهمیتی ندارد. خیر؛ بسیار مهم است. دشمنی ها را ببینید! ببینید که در معیارهای جهانی و میزان های سیاسی عالم، حضور مردم در جمهوری اسلامی و در صحنه های گوناگون، نسبت به قضاوت ها و تشخیص ها و تصمیم ها، چگونه تعیین کننده است. نفس این که این نظام، نظامی متکی بر مردم و آراء مردم است، حداکثر اهمیت را دارد. نفس قبول مردم، حداکثر اهمیت را دارد. یک جا که مظهری از حضور مردم در صحنه است، چه انتخابات، چه راهپیمایی ها و چه بعضی از استقبال های باشکوهی که انجام می گیرد و حضور مردم را نشان می دهد - به کلی ترفندهای دشمنان را لااقل تا مدتی خنثی و باطل می کند. امروز با توجّه به این که دشمنان در سطح جهان مایلند خودشان را به همدستی هایی علیه نظام جمهوری اسلامی نائل کنند، اهمیت حضور مردم از اوقات دیگر هم بیشتر است. اگر چه این حضور، همیشه اهمیت بسیار زیادی داشته است؛ اما شاید بشود گفت که در حال حاضر، این اهمیت از همیشه بالاتر و بیشتر است. این را به مردم یادآوری کنید».

۷- تثبیت پایه اقتدار و امنیت نظام

جمهوری اسلامی در تمام دوران حیات خویش با تهدیدات و چالش های گوناگون مواجه بوده است. بر همین سیاق، انتخابات در ایران شرایط و موقعیتی متفاوت از انتخابات در کشورهای دیگر دارد. در تبیین های امام راحل و مقام معظم رهبری، از کارکردهای انتخابات این وجه، یعنی نتایج و تأثیرات ملی و فراملی آن به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. انتخابات از یک سو به عنوان صحنه بازایی اقتدار نظام، در کانون تهدیدها و تعرضات تبلیغاتی و جنگ روانی قرار داشته است و از سوی دیگر برگزاری موفق آن در هر نوبت، نظام دینی را در مواجهه با دشمنان توانمندتر ساخته است. آحاد ملت ایران اسلامی نیز هنگام حضور در پای صندوق های رای نگاهی عمیق به این مواجهه سیاسی میان جبهه استکبار با انقلاب داشته اند. بر این اساس نظرات رهبری معظم انقلاب در این باره به صورت یک دستورالعمل برای آحاد عدالت طلب و استکبار ستیز در آمده است. رهبری انقلاب، حضور آگاهانه مردم در انتخابات را گام مهمی در جهت ناکام کردن دشمن بر می شمارد: «آن چه امروز در سطح کشور در زمینه انتخابات جریان دارد، همان چیزی است که برای ملت ایران و برای سرنوشت این کشور، امری لازم و ضروری و مطلوب است. شور و شوق انتخابات، همه جا را فرا گرفته است و همه احساس می کنند که در این امر بزرگ، سهیم و شریکند. ملت احساس می کند که آینده امور اجرایی کشور در دستان اوست؛ زیرا یک نفر را در رأس قوه مجریه می فرستد. آینده سازندگی کشور، اداره کشور، روابط کشور، فرهنگ کشور، اقتصاد کشور،

مسائل اجتماعی، مسائل انسانی، همه و همه از همین جا آغاز می‌شود. یک دوره دیگر به دنبال دوره‌های گذشته - که بحمدالله با موفقیت همراه بوده است - در پیش است. مردم احساس می‌کنند که در این قضایا سهیمند. این، درست همان چیزی است که ما آن را از خدای متعال می‌خواستیم و دشمن مایل نبود، و در دل از آن ناراحت بود و می‌خواست این‌گونه نباشد. دشمن می‌خواست که انتخابات در ایران با استقبال عمومی مواجه نشود؛ اما امروز عکس آنچه که دشمن می‌خواهد، در صحنه مشهود است^۱.

این بخش از کارکرد انتخابات در نظام اسلامی، یعنی تأثیرات بین‌المللی آن در دفع تهدیدات و توطئه‌ها در سال‌های اخیر نمود روشتری به خود گرفته است. در همین راستا رهبر انقلاب اسلامی در اردیبهشت سال ۱۳۸۸ یکی از حساس‌ترین برهه‌های نظام اسلامی اظهار داشتند: «از دشمن انتظاری هم جز دشمنی نیست. بی‌توقعی از کسانی است که جزو این ملتند، واقعیات را دارند می‌بینند. می‌بینند که این انتخابات چگونه سالم و متقن انجام می‌گیرد. در عین حال همان حرفی را که دشمن می‌زند، اینها هم می‌زنند». ایشان در ادامه تأکید می‌کنند: «من انتظارم این است که کسانی که با ملت ایرانند، جزء ملت ایرانند، توقع دارند ملت ایران به آنها توجه کند، اینها دیگر علیه ملت ایران حرف نزنند و انتخابات ملت ایران را زیر سوال نبرند. مرتب تکرار نکنند که آقا این انتخابات سالم نیست، انتخابات، انتخابات نیست. چرا دروغ می‌گویند؟ چرا بی‌انصافی می‌کنند...؟»^۲.

منبع و مأخذ

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.

۱- بیانات در دیدار خانواده‌های معظم اسرا و مفقودان جنگ تحمیلی، ۱۳۷۶/۰۲/۳۱.

۲- بیانات رهبری در جمع معلمان، کارگران و پرستاران ۱۳۸۸/۰۲/۹.

بررسی چالش‌ها و آسیب‌های انتخابات از منظر مقام معظم رهبری

حسن وزینی^۱

چکیده

انتخابات یکی از مهمترین ارکان تعمیق مشروعیت نظام در متن و بطن جامعه بوده و همچنین می‌تواند موجب تحکیم رابطه مردم و نظام سیاسی و نیز افزایش اقتدار ملی در محیط‌های منطقه‌ای و بین‌المللی گردد. از سوی دیگر در صورت عدم رعایت موازین حاکم بر این فرایند، وجود چالش‌ها و آسیب‌های جدی می‌تواند در جای خود خسارت بار بوده و موجب تهدیدات داخلی و خارجی گردد. لذا مطابق بیانات رهبر معظم انقلاب، رعایت قانون و اخلاق و پایبندی به قواعد رقابت سیاسی، و حفظ وحدت و تعامل مثبت میان جریان‌ها و جناح‌های حاضر در صحنه انتخابات در جهت سلامت و کارایی نهاد انتخابات امری بایسته و ضروری است.

واژگان کلیدی

انتخابات، رقابت، اخلاق انتخاباتی، نظم اجتماعی، قانون.

۱- پژوهشگر، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی .

مقدمه

یکی از دغدغه‌های رهبری نظام جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر، اصلاح رویه‌ها و رفتارهای افراطی و هنجارشکن در عرصه انتخابات بوده است. حساسیت مساله گاه به اندازه‌ای بوده است که ایشان شخصاً برای رفع این آسیب‌ها وارد صحنه شده‌اند. بخش قابل توجهی از این آسیب‌ها، ناشی از رقابت بر سر قدرت و عدم رعایت موازین قانونی و اخلاقی از سوی افراد، احزاب و جریان‌های سیاسی بوده است. واکنش‌های صریح و سریع رهبری یادآور این امر است که چنانچه علائم هشداردهنده در زمینه آسیب‌های انتخاباتی دیر هنگام درک و فهم شوند؛ به آسیب‌های صعب‌العلاج سیاسی تبدیل می‌شوند. در این راستا رهبر انقلاب در فرصت‌های مقتضی این چالش‌ها و نقاط ضعف را مطرح نموده و راهکارهایی ارائه نموده‌اند. در مجموع از منظر مقام معظم رهبری «انتخابات، تجلی حضور مردم، مظهر مردم‌سالاری دینی و ذخیره و پشتوانه امنیت کشور است و باید مراقب بود که این پشتوانه بزرگ، به چالشی برای امنیت کشور تبدیل نشود».

بخش اول: چالش‌های انتخاباتی**۱- عدم پابندی بازیگران حزبی به قواعد رقابت سیاسی**

سپهر انتخابات در ایران، ناهنجارهای عرصه حزب را به ارث برده است. بنابراین بخش عمده‌ای از آنچه را که تحت عنوان "ناهنجارهای انتخاباتی" در سال‌های اخیر تجربه کرده‌ایم نمی‌توان جدا از مشکلات درون‌ساختی احزاب دانست. بر این نکته، بسیاری از پژوهش‌های تاریخی و جامعه‌شناختی صحنه نهاده‌اند که حزب در جامعه ایرانی از یک سلسله آفت‌های مزمن رنج می‌برد و در راس آنها عدم پابندی بازیگران حزبی به قواعد رقابت و همزیستی سیاسی قرار دارد: «مردم از دعوای سیاسی و اختلافات سیاسی و من‌خوبم و تو بدی خسته‌اند؛ مردم این چیزها را دوست نمی‌دارند. در کشور کارهای زیادی هست که باید انجام بگیرد؛ کارهای زیادی هم انجام گرفته است. مشکلات فراوانی وجود دارد که باید برطرف شود؛ گره‌هایی هست که باید باز شود. در کشور باید فساد ریشه‌کن شود؛ تبعیض نباشد؛ به طبقه‌ی مستضعف و محروم - بخصوص مستضعفین بی‌دست و پا - به‌طور ویژه توجه شود؛ این‌ها وظایف اسلامی ماست؛ وظایفی است که قانون اساسی بر دوش همه‌ی مسؤولان کشور گذاشته است؛ هیچ‌کس نمی‌تواند خود را از این کارها برکنار بدارد. دعوای لفظی، شعارهای لفاظی‌گونه، اسم از مفاهیم مبهم و بی‌سروته آوردن، مشکل مردم را حل نمی‌کند؛ مردم احتیاج دارند به این‌که در میدان عمل و کار، با لجن‌هایی که نمی‌گذارد این دریاچه‌ی مصفا طراوت لازم را داشته باشد، مبارزه شود»^۱

۱- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۰۳/۲۵.

متأسفانه افراد، جمعیت‌ها، جناح‌ها و احزابی نیز وجود دارند که خواسته یا ناخواسته با پروژه‌هایی که مخالفان نظام برای زیر سوال بردن سلامت و کارآمدی انتخابات در نظام اسلامی در پیش می‌گیرند؛ همراه می‌شوند. رهبری در این باره می‌فرماید: «من به همه‌ی کسانی که نامزد انتخابات ریاست جمهوری هستند و طرفداران آن‌ها صمیمانه عرض می‌کنم که فضای کشور را فضای دشمنی و نفار و تشنج و اختلاف نکنند. البته ملت این‌طور نیستند؛ گروهی هستند که اگر مجموعشان را بشمریم، به چند هزار نفر نمی‌رسند - بالاخره هر کس طرفدارانی دارد - اینها فضای روزنامه‌ها و دستگاه‌های ارتباط جمعی را متشنج می‌کنند. فضا باید دوستانه باشد؛ هر کس حرف‌های خودش را بزند و برنامه‌های خودش را بگوید و کاری را که خودش می‌تواند بکند، بیان کند؛ به دیگران چه کار دارند؟ فضا را متشنج نکنند؛ فضا را برادرانه و صمیمانه بکنند»^۱.

۱-۱- رقابت‌های حذفی

درترسیم الگوهای رقابت در نظام مردم‌سالار دینی، رهبری انقلاب همواره مراقب بوده‌اند تا محدوده این رقابت‌ها بر اساس منافع ملت و ارزش‌های اسلامی مشخص شود. در طول بیش از سه دهه گذشته، در پاره‌ای از اوقات شاهد بوده‌ایم که برخی از گروه‌های سیاسی تحت تاثیر تبلیغات دشمن به جای الگوی رقابت «در درون نظام سیاسی» به رقابت «با نظام سیاسی» روی آورده‌اند و به گونه‌ای سعی می‌نمودند قواعد بازی انتخابات را که بر اساس معیارهای مردم‌سالاری دینی شکل گرفته است، بر هم بزنند؛ لذا رهبری در سال‌های اخیر تلاش نموده است ریشه‌های این جریانات را کالبدشکافی نموده و نسبت به رشد شیوه‌های مخرب رقابت سیاسی هشدار دهند: «اگر بخواهید در کارتان موفق باشید باید بعد از توکل به خدای متعال و مستقیم‌تر کردن مستحکم‌تر کردن رابطه قلبی خودتان به طور دائم با ذات مقدس ربوبی، از ورود در مناقشات جناحی و حزبی که عده‌ای می‌خواهند در کشور ما اینها را روز به روز بیشتر کنند پرهیز کنید و راز موفقیت شما این است. دست‌هایی در کار است تا سر مسائل هیچ و پوچ عده‌ای را به جان هم بیاندازند و سر موضع‌گیری‌های گوناگون حزبی و جناحی و گروهی و گاهی گروهکی افراد را نسبت به همدیگر مساله‌دار کنند، درست نقطه مقابل "انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم" قرآن می‌فرماید که مؤمنین به خدا، مؤمنین به دین، مؤمنین به راه انبیاء با هم برادرند. دو برادر ممکن است با هم دعوا کنند، اما تکلیف ما چیست؟ "فاصلحوا بین اخویکم"، بین دو برادر را باید اصلاح کرد.

۱- بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا ۱۳۸۴/۰۳/۳.

درست نقطه مقابل این عده می‌خواهند با جناح بندی و اظهارات حزبی و ایجاد ولایت حزبی به تنور اختلاف افکنی و آتش افروزی بدمند^۱.

از نظر رهبری در انتخابات باید منافع نظام، منافع کشور و مصالح کشور بر مصالح حزبی و جناحی و شخصی و امثال اینها ترجیح داده شود، و موضع‌گیری افراد و جناح‌ها، شفاف و روشن باشد و معلوم باشد که چه می‌خواهند. اگر چنانچه یک چنین انتخاباتی انجام بگیرد، این بلاشک به نفع نظام، به نفع پیشرفت کشور و به نفع مردم خواهد بود؛ نظام را زنده و بانشاط نگه می‌دارد و پیش می‌برد. آنچه که به نظر می‌رسد لازم است که برای حفظ همگرایی مردم با حکومت انجام بدهیم. یکی از بین بردن مسئله تشنج‌های سیاسی است باید هرچه ممکن است نگذاریم فضای سیاسی کشور متشنج شود، البته ممکن است یک طرف قضیه شما باشید. من نمی‌خواهم همه خطاب را به شما بکنم. مخاطب من همه دستگاه‌های کشورند، اما در مجموع وقتی که به صحنه سیاسی کشور نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که مجادلات بی‌موردی وجود دارد این مجادلات فضای سیاسی کشور را زهرآگین می‌کند و تنفس در آن افراد را از لحاظ روحی افسرده و بیمار می‌کند و طبیعی است که در علاقه‌شان به نظام و کشور و مسئولان اثر می‌گذارد، البته ممکن است در این ماجرا یک نفر مقداری محبوبیتش بالا برود و بخش دیگری پائین بیاید، اما در قضیه دیگر عکس این خواهد شد، و البته نتیجه یکسان است. نتیجه به زیان کشور است، لکن از اهداف مهم ما و شما دوستانی که در دولت حضور دارند که از جمله شرکای این مسئله هستند، باید این باشد که سعی کنیم فضای کشور را دور از مجادلات و کشمکش‌های سیاسی قرار دهیم^۲.

۱-۲- تنازع و اختلافات در سطح رهبران

برخی از روش‌هایی که نامزدها و جناح‌های رقیب در رقابت‌های انتخاباتی در پیش می‌گیرند موجبات تنازع و اختلاف را در سطوح رهبری جامعه پدید می‌آورد. به این معنا که راهی را انتخاب می‌کنند که سرانجام آن ایجاد درگیری و تنش و کدورت دائمی میان رهبران عالی نظام می‌شود. از آن جا که کسانی که نامزد انتخاباتی می‌شوند افرادی هستند که در سطوح عالی مدیریت نظام مشارکت فعال داشته‌اند، بیان برخی از مطالب و مسایل می‌تواند موجبات کدورت و کینه شود و اختلافات و تنازعات دائمی را سبب گردد. در طول سی سال گذشته با مواردی از این دست مواجه بوده و هستیم که نامزدهای رقیب حتی پس از پایان انتخابات و پیروزی طرف مقابل، با در پیش گرفتن روش‌های تخریبی و سنگ‌اندازی، اجازه فعالیت به پیروز میدان نداده‌اند تا به آبادانی کشور و اهداف و وظایف محوله بپردازد. آنها در

۱- بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲.

۲- بیانات در دیدار مدیران اجرایی و مسئولان استان گیلان ۱۳۸۰/۰۲/۱۵.

این راستا به تخریب شخصیت می‌پردازند و اتهاماتی را مطرح می‌سازند که کینه و کدورت‌ها را دامن می‌زند. در این میان تنها مردم هستند که از اختلافات افراد در سطوح رهبری کشور متضرر می‌شوند و بدین ترتیب جامعه از رشد و شکوفایی باز می‌ماند: «ممکن است کاندیداهای انتخابات، وابسته به جناح‌های مختلف سیاسی باشند، یا خواهند بود - ایرادی هم ندارد - ممکن است با هم تناقض‌هایی داشته باشند؛ اما هیچ مسؤولی از مسؤولان، به‌هیچ وجه نباید اجازه بدهد که برداشت‌های خطی، برداشت‌های جناحی و گرایش‌های گروهی، اندکی در این کار تأثیر بگذارد. این کار باید ان‌شاءالله سالم و خالص و بدون اندکی خدشه انجام بگیرد؛ این است که مردم را دلگرم خواهد کرد»^۱.

نکته حایز توجه آنست که از نظر قرآن کریم جامعه‌ای که رهبران آن با هم تنازع و اختلاف دارند نمی‌تواند رنگ آسایش و آرامش را به خود ببیند و در نهایت، خواری و خفت در دنیا را باید تجربه کند^۲. از این رو، تنازع و اختلاف، زمینه‌ساز شکست در حوزه‌های مختلف^۳ و سستی و ضعف در برابر دشمنان^۴ و گمراهی خواهد بود. با عنایت بدین موضوع، رهبری هشدار می‌دهد: «توصیه اینجانب به جریان‌ها و گروه‌ها و احزاب سیاسی آن است که بحث دل‌آزار برنده و بازنده را به کنار بگذارند و به اختلافات دشمن شادکن دامن نزنند، برنده‌ی این انتخابات ملت است و همه‌ی کسانی که در انتخاب شرکت داشته‌اند اعم از آنها که خود یا نامزد مورد علاقه‌شان رای آورده یا نیاورده‌اند، همه برنده‌اند، بازنده‌ی این انتخابات، آمریکا و صهیونیسم و دشمنان ملت ایرانند، همه با همدلی به یکدیگر و به دولت خدمتگزار کمک کنید تا گره‌ها یکی پس از دیگری گشوده شود»^۵.

۱-۳- اصلی بنام حفظ آستانه آرامش جامعه

با آنکه رهبران انقلاب رقابت و مبارزه میان جریان‌های سیاسی را ستوده‌اند؛ اما همواره نسبت به شکستن حریم‌های آرامش و امنیت جامعه در این رقابت‌ها مخالفت نشان داده‌اند. از دیدگاه رهبری هریک از نامزدها می‌بایست حقوق مردم را به آنان یادآور شوند: «آن کسانی هم که دستی در تبلیغات دارند، فضای سیاسی کشور را آشفته نکنند؛ بدگویی از این، اهانت به آن، معارضه‌ی جناح‌های سیاسی با هم. مردم چه تقصیری کرده‌اند که بایستی ذهن آنها به خاطر انگیزه‌های مختلف سیاسی اشخاص و گروه‌ها و جناح‌ها و مجموعه‌ها، آشفته و

۱- بیانات در دیدار وزیر و مسؤولان وزارت کشور و استانداران، ۱۳۷۰/۰۹/۰۲.

۲- بقره آیات ۳۸ و ۵۸.

۳- آل عمران آیه ۱۵۲.

۴- آل عمران آیه ۱۵۲.

۵- پیام رهبر انقلاب به مناسبت انتخابات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲/۱۲/۰۲.

مغشوش شود. اینها بگذارند فضای انتخابات سالم باشد. البته هرکس حق دارد از خود و نامزد انتخاباتی خود دفاع و حمایت کند؛ این مانعی ندارد. تبلیغات در حد متعارف و بدون اسراف و زیاده‌روی، خیلی خوب است؛ اما اهانت، تخریب و بدگویی - این کارهایی که جزو رسوم زشت بعضی از کشورهای غربی است - را کنار بگذارند؛ بگذارند مردم در یک فضای آرام، با تشخیص، با بصیرت و بدون سراسیمگی انتخاب کنند!^۱

در جای دیگری نسبت به ایجاد تشنج و تشویش افکار عمومی هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «باید فضا، فضای آرامی باشد. بعضی‌ها با اصرار بر این که قرار است خشونت و تشنج شود، ذهن‌ها را دچار تشنج می‌کنند؛ نه، مردم چنین قراری ندارند. من عرض می‌کنم، این دو سه روزی که از حالا تا پایان رأی‌گیری باقی مانده است - که شاید بعد به مرحله دوم هم کشیده شود - در تمام مدت، مردم عزیز ما و بخصوص جوانان، احساساتشان را کنترل، و با عقلشان کار کنند؛ با دو چشم باز نگاه کنند و انتخاب نمایند. البته سلیقه هم زیاد است؛ همه گونه سلیقه وجود دارد؛ تا به حال هم همین‌طور بوده است. هرکسی طبق سلیقه خود عمل کند؛ منتها همه توجه کنند که این انتخابی که ما می‌کنیم، یک جا می‌بایست جواب آن را بدهیم. این‌طور نیست که بگوییم حالا ما یا اصلاً انتخاب نمی‌کنیم، یا انتخاب می‌کنیم و کسی چه می‌فهمد! بله؛ مردم نمی‌فهمند که ما چه انتخاب کردیم؛ اما خدای متعال که تشخیص می‌دهد. ما باید جواب او را بدهیم. ما باید محاسبه کنیم، تحقیق کنیم، بررسی کنیم و معیارها را ملاحظه نماییم، تا بتوانیم به خداوند پاسخ دهیم. اگر انسان نمی‌تواند، از اشخاصی که مورد اعتماد هستند، از کسانی که انسان می‌تواند در مسائل مهم - در مسائلی که باید به خدا جواب داد - به آنها اعتماد کند، استفسار نماید؛ اشکالی هم ندارد. بنابراین، باید فضا را، فضای آرامی قرار دهند و همه مراقب باشند. من به این کسانی که همین‌طور یک گوشه نشسته‌اند و فضا را با تشنج سیاسی و با پُر کردن از موهومات و شایعات، خراب می‌کنند، نصیحت می‌کنم که دست از جان مردم بردارند؛ بگذارند مردم کار خودشان را بکنند. نتیجه انتخابات هم هرچه بشود، همه قبول دارند. کسی از آحاد مردم و از مسؤولان کشور نخواهد گفت چرا نتیجه انتخابات این شد، یا این نشد؛ نه، آن آراء مردم است. بحمدالله در این کشور قانون محکم است و معیار واضح قانون در مقابل چشم همه هست»^۲.

۱-۴- حفظ حریم اشخاص

در تجربه طولانی انتخابات در جمهوری اسلامی، رهبری انقلاب یک خط قرمز را ترسیم کرده‌اند که مطابق آن دامنه مبارزات انتخاباتی نباید به سمت تخریب یا تعرض به حریم

۱- خطبه‌های نماز عید سعید فطر به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۸۵/۰۸/۰۲.

۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۷۸/۱۱/۲۶.

شخصیت‌ها سوق یابد. بر این اساس کسانی که وارد صحنه انتخابات می‌شوند تا مسئولیتی را از سوی مردم بپذیرند، می‌بایست این مسله را مد نظر داشته باشند که با تخریب دیگران به اثبات خویش نپردازند، زیرا هرگونه اتهام به دیگری، اعتبار یک فرد منتخب و صلاحیت او را در تصدی مناصب مهم زیر سوال می‌برد و چهره نظام را در صحنه جهانی و نزد افکار عمومی ملوک می‌سازد؛ ضمن آنکه توسل به این شیوه‌ها امری ضد اخلاقی و جرم قانونی و نیز گناه شرعی است که پیامدهای بدی برای افراد در دنیا و آخرت خواهد داشت. بر همین مبنا است که رهبر انقلاب اسلامی می‌فرماید: «آن چیزی که من قبلاً هم عرض کرده‌ام و الان هم تأکیداً و تأییداً عرض می‌کنم - با این که شما هم قبلاً به من گفته‌اید که این جهت حل شده است - این است که در هیچ جایی از جاها در سطح کشور، در رد و قبول‌ها، این جهات خطی و سیاسی و این که فلانی نسبت به فلان کس چه موضعی دارد، مطلقاً نیابستی دخالت نکنند. بدون تحقیق نیابستی افراد را متهم کرد. با ظواهر خیلی ابتدایی، نیابستی نسبت به وجود جرمی در کسی حکم کرد؛ مثلاً الان رایج شده که بعضی‌ها را به اندک چیزی «ضد ولایت فقیه» می‌گویند! معلوم نیست اگر کسی یک وقت در جایی یک کلمه حرفی زد، این ضدیت با ولایت فقیه باشد. البته ضدیت با ولایت فقیه، یعنی ضدیت با اصیل‌ترین و رکن‌ترین اصول و ارکان نظام جمهوری اسلامی - شکی نیست - منتها ضدیت معنایی دارد. مثلاً یک نفر هست که علیه این معانی می‌نویسد یا حرف می‌زند، یا با موقفها و مواضعی که از طرف دستگاه رهبری یا از طرف رهبری گرفته می‌شود و طبق قانون اساسی سیاست‌های اصلی نظام را تشکیل می‌دهد، صریحاً و غالباً - ولو نه دایماً - مخالفت می‌کند، یا در مواقع حساس مخالفت می‌کند؛ اینها ضدیت است؛ لیکن آن کسی که حالا یک وقت در جایی یک کلمه حرفی زده، یا مثلاً نسبت به چیزی عکس‌العملی نشان داده، این ضدیت محسوب نمی‌شود»^۱.

کسانی که در رقابت‌های انتخاباتی به تهمت و اتهام متوسل می‌شوند درحقیقت نشان می‌دهند که شایستگی ورود به این صحنه را ندارند، و اصولاً رفتارهای ایشان خود بهترین گواه و داور برای عدم شایستگی آنهاست. واقعیت این است که بسیاری از اتهاماتی که از سوی برخی از نامزدهای انتخاباتی مطرح می‌شود، ناشی از حسادت است. به این معنا که برخی از افراد به سبب آن که دیگری نام‌آورتر و محبوبتر از وی شده، تحمل خویش را از کف می‌دهند، و به تخریب افراد و تهمت زنی مبادرت می‌ورزند. از منظر رهبری: «یکی از نکات مهم، حفظ احترام و آبروی اشخاص است. اگر کسانی در پرونده‌هایشان مشکلی دیده شد که بنا شد به مجلس نروند، مشکل آنها بازگو و پخش نگردد و هتک حرمت آنها نشود. البته ممکن است بعضی کسان بگویند فلان کس را که رد کرده‌اید، باید علت آن را صریحاً

۱- در دیدار با اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات چهارمین دوره‌ی مجلس، ۱۳۷۰/۱۲/۰۴.

بگویید. اگر مطلبی گفتنی است، اشکالی ندارد، آنرا بگویید؛ اما اگر مطلبی ناگفتنی است، نباید آبروی اشخاص با این حرف‌ها برود و بیان شود. چون به ما این‌طور گفته‌اند و فشار آورده‌اند، پس ما آبروی این آدم‌ها را ببریم. نه، در اسلام حرمت مؤمن خیلی اهمیت دارد و نباید هتک حرمت شود»^۱.

یکی از اهداف گروه‌ها و جریان‌های سیاسی که از روش‌های تخریبی استفاده می‌کنند، ایجاد تشتت در جامعه اسلامی است. رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «در جاهای دیگر وقتی انتخابات می‌شود، حزب‌ها و دست‌های خارجی مردم را می‌کشند طرف خودشان و مردم را بازی می‌دهند، صحبت‌هایی می‌کنند که همه‌اش برای اغفال مردم است. در انتخابات در عین حالی که بسیار خوب انجام گرفت، لکن دست‌هایی می‌خواست ایجاد اختلاف کند، دو دستگی ایجاد کند و حال آنکه موفق نشدند، بحمدالله. باید شما متوجه باشید به این که دشمن‌ها همیشه دنبال این هستند که ما را از داخل پیوسانند و اگر در این ضیافت وارد شده باشید دشمن‌ها دستشان کوتاه خواهد بود. وقتی حقیقت این ضیافت را انسان می‌بیند، می‌بیند که اگر انسان وارد این ضیافت بشود تمام اختلافات در دنیا حل می‌شود. شیاطین دنبال این هستند که ایجاد اختلاف کنند، دودستگی بگویند هست، لکن بحمدالله ملت ما و خصوصاً، روحانیت ما اشخاصی هستند که چهره‌شان نورانی است و در این ماه مبارک هم در این ضیافت انشاءالله وارد شده‌اند و آثارش هم بعد ظاهر می‌شود که همه با هم هستند؛ دو جبهه نیست»^۲.

معظم‌له در جای دیگری هشدار می‌دهند: «یکی از خطوط کاری اصلی دشمن، همین مسئله‌ی تفرقه است که شما آقایان بر روی او بحق تکیه کردید، در گزارش هم بیان فرمودند، در بیانیه‌ی پایانی خبرگان هم به این مسئله‌ی اتحاد توجه شده؛ بسیار مسئله‌ی مهمی است. مسئله‌ی اتحاد ملت و کاری که برای ایجاد تفرقه دارد انجام می‌گیرد، بسیار مسئله‌ی مهمی است. ما نشانه‌های وحدت عمومی مردم را داریم می‌بینیم. شما نماز جمعه‌ها را در ماه رمضان دیدید، روز قدس را دیدید، نمازهای عید فطر را دیدید؛ چه عظمتی! انسان وقتی نگاه میکند - نه فقط در تهران؛ در مشهد، در اصفهان، در کرمان، در تبریز، در مناطق مختلف - منظره، منظره‌های بی‌نظیری است؛ اصلاً شاید در طول تاریخ اسلام، هرگز نماز عید فطر با این عظمت، با این شکوه‌های عجیب - در نقاط مختلف یک کشور، نه فقط در یک شهر - دیده نشده! ما امروز اینها را داریم؛ اینها همه نشانه‌ی وحدت است؛ نشانه‌ی همدلی مردم است؛ نشانه‌ی این است که یک مرکز مشترکی وجود دارد که مردم علی‌رغم اختلافات جزئی و فرعی‌ای که با هم دارند، در گرایش و انتماء این اصل، متفق‌اند؛ دلشان متوجه این مرکز

۱- بیانات در دیدار اعضای هیأت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان، ۱۳۷۴/۱۱/۱۴.

۲- بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸/۰۳/۱۴.

است؛ که این مرکز هم دین است، اصول اسلامی است، ارزش‌های والاست، دین خداست. این، خیلی چیز مهمی است. خوب، همه باید در مقابل این وحدت سر فرود بیاورند، وقتی این وحدت را می‌بینند. می‌بینیم که متأسفانه بعکس، بعضی دم از تفرق می‌زنند، از روی جهالت، غفلت؛ واقعاً محمول بر غفلت است این چیزها، بیش از آنچه که بر چیزهای دیگری انسان بخواهد اینها را حمل کند. این، مسئله‌ی مهمی است. مسئله‌ی ایجاد وحدت؛ وحدت مذهبی، وحدت قومی، وحدت سلاطین سیاسی، اینها مهم است؛ باید سعی کرد. یکی از خطوط دشمن، ایجاد تفرقه است؛ هر چه بتوانند، در هر جا بتوانند، در هر سطحی که بتوانند؛ در سطوح مختلف؛ از مسئولین، غیرمسئولین، آحاد مردم، بین خود گروه‌های روحانی، بین خود گروه‌های دانشگاهی، بین خود جمع‌ها و جمعیت‌های واحدهای دیگر اجتماعی و بین اینها با یکدیگر ایجاد اختلاف کنند، و بین مذاهب. نمونه‌های فراوانش را دارید مشاهده می‌کنید که در جامعه هست. این یک مسئله است. خط دشمن خط ایجاد تفرقه است. این هم یک مسئله است»^۱.

۱-۵- احتراز از فریب

رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر، تاکید فراوانی بر عنصر هوشیاری در برابر شگردهای تبلیغی غرب نموده‌اند: «نماینده نباید مرعوب شود. نماینده نباید مفتون هم بشود. بعضی‌ها مفتون و فریفته می‌شوند و دهندشان باز می‌ماند! اینها آدم‌های ساده‌لوحی هستند که راه‌حل‌های خیالی اقتصادی یا سیاسی یا امنیتی‌ای که با آب و تاب تمام و با رنگ و لعاب گوناگون عرضه می‌شود، آنها را از خود بیخود می‌کند! سال‌ها تجربه می‌کنند؛ اما آخرش خود و دیگران را به خاک سیاه می‌نشانند! بنابراین، مفتون هم نباید بشوند؛ بلکه به دنبال راه‌حل صحیح، راه حل مستقل، راه حل برخاسته از شرایط خاص این ملت و این کشور، و راه‌حل ارائه شده از سوی اسلام باشند. اسلام در همه مسائل، همه راه‌حلها را داده است؛ ما باید خودمان برویم و پیدا کنیم. اگر ما کج می‌فهمیم، اگر ما بد می‌فهمیم، اگر ما دنبالش نمی‌رویم و نمی‌رسیم، تقصیر اسلام نیست؛ خودمان را باید اصلاح کنیم»^۲.

۱-۶- تخریب

از نظر مقام معظم رهبری بزرگترین آسیبی که فضای انتخابات را متاثر می‌سازد همان سیاست ماکیاوولی است که بر مبنای آن سیاست مداران به روش‌های تخریبی روی می‌آورند. رهبر انقلاب با اشاره به ضرورت سالم نمودن فضای انتخاباتی؛ طرفداران نامزدها را از تخریب یکدیگر به شدت نهی می‌کنند و بر این باور هستند که فضای انتخابات باید به

۱- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۰۷/۰۲.

۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۷۸/۱۱/۲۶.

گونه‌ای باشد که آحاد مردم بتوانند در میدان گسترده‌ای که برای آزمودن و شناختن نامزدها وجود دارد کاندیدای مورد نظر خود را که برای دین و دنیا، و معیشت مردم و انقلاب و عزت ملت ایران اهمیت قائل است انتخاب کنند و به او رای دهند: «رهبری در انتخابات از شخص خاصی حمایت نمی‌کند، بلکه از معیارها حمایت می‌کند. علاوه بر این، دستورهای خاصی نیز مبنی بر منع تخریب افراد صادر کرده‌اند، که آنهم در چارچوب حفظ بیطرفی رهبری در مورد افراد در انتخابات است، تا هیچ چیزی اعم از مثبت و منفی در مورد داوطلبان ریاست جمهوری به رهبری نسبت داده نشود»^۱ و در جای دیگر صراحتاً می‌فرمایند: «نامزدهای محترمی که تاکنون نام نویسی کرده‌اند و مشغول تبلیغات و اظهاراتی هستند، اگرچه حالا وقت قانونی هم نرسیده، اما تبلیغات می‌کنند؛ اشکالی ندارد - سعی کنند با انصاف عمل کنند. اثبات و نفی شان با توجه به حق و صدق باشد. چیزهایی را که انسان می‌شنود، باور نمی‌کند که از زبان نامزدها و آن کسانی که دنبال این مسئولیت‌ها هستند، از روی صدق و صفا خارج شده باشد. گاهی انسان حرف‌های عجیب و نسبت‌های عجیبی می‌شنود. این حرف‌ها مردم را نگران می‌کند؛ کسی را هم به گوینده این حرف‌ها دل بسته و علاقه مند نمی‌کند! نامزدهای محترم توجه داشته باشند: اذهان عمومی را تخریب نکنند. این همه نسبت خلاف دادن به این و آن، تخریب کننده‌ی اذهان مردم است؛ واقعیت هم ندارد؛ خلاف واقع هم هست. بنده که از همه این آقایان اوضاع کشور را بیشتر می‌دانم و بهتر خبر دارم، می‌دانم که بسیاری از این مطالبی که بعنوان انتقاد درباره وضع کشور و وضع اقتصاد و اینها می‌گویند، خلاف واقع است؛ اشتباه می‌کنند. ان شاءالله اشتباه است»^۲.

همچنین می‌فرمایند: «بعضی از تخریب‌ها البته از روی بی‌توجهی بود؛ بعضی از آقایان و نامزدها یا طرفداران آنها با محاسباتی، حرف‌هایی نسبت به نظام زدند که واقع‌بینانه نبود؛ خیلی از مثبتات نظام، از کارهای بزرگ نظام نادیده گرفته شد و سیاه‌نمایی شد و پیشرفت‌های عظیمی که به وسیله‌ی دولت‌ها در این سال‌ها به وجود آمده، ندیده گرفته شد. اینها از روی غفلت بود، لیکن بعضی از این تخریب‌ها از روی غفلت نبود. تعدادی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری مورد تخریب قرار گرفتند؛ تخریب‌های غیرمنصفانه و ناجوانمردانه... این، حادثه‌ی بدی بود. رحمت الهی را نباید با این گونه کارها آلوده کرد»^۳.

تخریب از نظر رهبری تنها شامل کاندیداها نمی‌شود؛ بلکه به مردم هم توصیه می‌کنند: «به همه‌ی برادران و خواهران و همه‌ی ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم که فضای انتخابات را،

۱- بیانات رهبری در جمع مردم استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۱.

۲- بیانات رهبری در جمع مردم کردستان در شهر سنندج، ۸۸/۰۲/۲۲.

۳- بیانات در دیدار رئیس و مسؤولان قوه قضائیه و خانواده‌های شهدای فاجعه هفتم تیر، ۱۳۷۹/۰۴/۰۷.

هم گرم و هم سالم نگه دارند. کسانی که به یک نامزد انتخاباتی علاقه‌مندند، مراقب باشند به خاطر علاقه‌ی به او، نامزد دیگر را تخریب نکنند؛ این بین مردم اختلاف و نفاق ایجاد می‌کند؛ علاوه بر این که تخریب اساساً کار درستی نیست و فایده‌ی هم ندارد. کسی که با تخریب یک نامزد انتخاباتی می‌خواهد آراء او را کم کند، به مقصود خودش دست پیدا نمی‌کند؛ هم یک کار غلط و خلاف منطقی و در موارد بسیاری خلاف شرع انجام می‌گیرد، هم فایده‌ی گیر او نمی‌آید. فضا را سالم نگه دارید. شما از نامزد خودتان حمایت کنید، دیگران هم از نامزد خودشان حمایت کنند و به او رأی دهند. در پیدا کردن نامزد مورد نظر دقت کنید. به کسی گرایش پیدا کنید که به دین مردم، به انقلاب مردم، به دنیای مردم، به معیشت مردم، به آینده‌ی مردم و به عزت مردم اهمیت می‌دهد.^۱

البته مرز روشنی میان تخریب، انتقاد، مخالفت و بیان عقاید وجود دارد. بیانات رهبری مع‌طوف به دوری از هتک حرمت، اهانت و دشنام است. از نگاه رهبری گروه‌ها و جریان‌های سیاسی با هر گونه ذائقه و سلیقه سیاسی در بیان نظرها و انتقادات خود آزادی دارند و مانعی در استفاده از این حق مسلم وجود ندارد. نکته‌ای که ظرافت قابل تأملی را می‌طلبد، تمیز بین مرز نقد، روشنگری و بیان نظرات؛ با اهانت و هتک حرمت است: «فضای سیاسی کشور را متعادل نگه دارند تا مردم در یک فضای متعادل به موسم انتخابات برسند. مردم به انتخابات علاقه دارند. آنچه مردم را می‌رماند، برخی از صحنه‌های ناخشنود کننده‌ای است که در سطوح ما به چشم آنها می‌آید. فضا باید متعادل، منطقی و عقلایی باشد. گفتگوی انتقادی اشکالی ندارد؛ اما گفتگو با های و هوی، فرق دارد. در مردم‌سالاری اسلامی، گفتگو با عربده‌کشی و چاقوکشی در بعضی از دمکراسی‌ها تفاوت دارد. این‌جا گفتگو می‌کنند؛ به قول امام، مثل مباحثه‌های طلبگی. در مجلس و جاهای دیگر مباحثه کنند، حتی بر سر مسأله‌ای دعوا کنند؛ اما کینه از هم به دل نگیرند؛

بعد هم پهلوی همدیگر بنشینند و با هم صحبت کنند. نگذارند اختلاف نظر به تنازع برسد. این تنازع موجب فشل و ضعف قوا خواهد شد. دروغ، اهانت، دستگاه‌ها یکدیگر را متهم کردن، شایعه‌پراکنی، افتراء به رقیب، تحریک عصبیت‌های گوناگون؛ اینها هیچکدام با انتخابات اسلامی سازگار نیست. این خطاب به همه جناح‌هاست؛ خطاب به اشخاص یا جناح معینی نیست؛ این وظیفه همه ماست. همه جناح‌ها باید این چیزها را رعایت کنند. همه هم در چارچوب قانون حرکت کنند. نه مجلس، نه شورای نگهبان، نه مجمع تشخیص مصلحت، نه رئیس‌جمهور، نه رهبری، هیچکدام حق ندارند از چارچوب قانون تخطی کنند. هر جا قانون اختیاراتی به کسی یا مجموعه‌ای داده، طبق آن عمل کنند»^۲.

۱- بیانات در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴/۰۳/۱۴.

۲- بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵.

رهبری تخریب را با انگیزه‌های افراد و گروه‌ها، و جریان‌های سیاسی در ارتباط می‌داند و هشدار می‌دهند: «متأسفانه عده‌ای با انگیزه‌های گوناگون، تا فصل انتخابات می‌شود، تخریب‌هایشان هم از همان نزدیکی انتخابات شروع می‌شود. حالا بعضی با انگیزه‌های سیاسی و بعضی با انگیزه‌های حتی دینی اشخاص - چهره‌های سیاسی، چهره‌های دینی، چهره‌های انقلابی، موجهین حوزه‌های علمیه و حتی محترمین از علما و روحانیون - را مورد تخریب قرار می‌دهند. این چه کاری است؟! این نه منطق شرعی دارد و نه منطق عقلایی؛ نه شرع با این کار موافق است، نه عقل. اگر واقعا انسان از یک جهت گیری‌ای که خیال می‌کند فلان کس یا فلان کسان در آن جهت گیری هستند، ناراضی است، راهش تخریب و اهانت به اشخاص نیست، راهش اسم آوردن از این و آن نیست، راهش تبیین است. از اول، حرکت انقلاب بر اساس تبیین به وجود آمد و حقایقی تبیین شد. وقتی انسان یک جایی روشنایی را معرفی کرد، تاریکی به خودی خود معرفی خواهد شد. عیبی ندارد تاریکی را هم معین کنند. اسم آوردن از اشخاص، تخریب کردن چهره‌های محترم و موجه، منطق عقلی ندارد. اگر کسانی هدفشان این است که می‌خواهند یک خط انحرافی را کور و خراب کنند، راهش این نیست؛ این، آن مقصود را حاصل نمی‌کند. از نظر شرعی هم که معلوم است. این‌طور کارها عادتاً خالی از افتراء ناخواسته، دروغ ناخواسته و قول به غیرعلم ناخواسته، نیست. قرآن به ما می‌گوید: «لو لا اذ سمعتموه ظن المؤمنین و المؤمنات بأنفسهم خیرا»؛ چرا به هم حسن‌ظن ندارید؟ چرا حمل بر صحت نمی‌کنید؟ خوب شما کسی را قبول ندارید، آن اثری را که بر قبول داشتن مترتب می‌شود، مترتب نکنید؛ اما اینکه انسان بیاید دست به تخریب بزند، این بسیار کار بدی است. من آن چیزی را که الآن در این شرایط در باب انتخابات می‌خواهم بگویم، همین نکته است. حالا حرف‌های دیگری در باب انتخابات هست که بعداً عرض خواهیم کرد. مراقب باشند انتخابات را - بخصوص انتخابات خبرگان را - با فضای تخریب و مخدوش کردن چهره‌ی افراد، متهم کردن اشخاص - چه در حوزه‌ها علمیه، چه در تهران، چه در شهرستان‌ها - آلوده نکنند. این از جمله‌ی چیزهایی است که همه باید به آن توجه کنند و به آن اهمیت بدهند. تا ان‌شاءالله خدای متعال هم راه را باز کند و مردم و دل‌هایشان را هدایت کند؛ دل‌های مردم دست خداست. ایجاد امید، ایجاد انگیزه و عزم توفیق حرکت کردن به سمت کار و هدف درست، خدای متعال اینها را به انسان‌ها می‌دهد. از خدای متعال بخواهیم و به او توکل کنیم. آنچه را هم که وظیفه‌ی ماست، انجام بدهیم؛ نتیجه را هم به خدا واگذار کنیم. هر چه که خدای متعال خواست، همان انجام خواهد گرفت؛ ان‌شاءالله آن محصول نیت و کار خیر ما باشد و ان‌شاءالله مطلوب ما باشد. این‌طور بایستی حرکت کرد»^۱.

۱- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در دوره جدید، ۱۳۸۵/۰۶/۰۹.

توصیه نهایی رهبری به نامزدهایی که کارشان تخریب است، این است که به جای تخریب، به نقد سازنده پرداخته و چشم انداز روشنی را برای کشور و مردم، در مسیر رو به جلوی انقلاب اسلامی نشان دهند: «نامزدهایی که در شرایط فعلی وارد صحنه شده و یا خواهند شد، نیک می‌دانند که فرصت اندک و زمان ضیق است. این قلم به ایشان توصیه می‌نماید به جای تخریب یکدیگر به نقد سازنده برنامه‌ها روی آورده و اقبال نشان دهند و نسبت به مسائل و مشکلات مردم و جامعه آینده‌نگری روشنی را ترسیم نمایند. از دادن وعده‌های غیرقابل تحقق پرهیز نمایند، با مردم صادق باشند و حقایق را در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری آن گونه که هست و آن گونه که باید باشد ارائه دهند؛ زیرا حق مردم عظیم است و فریب افکار عمومی نکوهش شده است و حق مردم دانستن واقعیت و حقایق است و ادا و ایفای حق بیان شده برعهده نامزدهای انتخاباتی و رسانه‌ها است»^۱.

۲- معضلات ساختاری

۲-۱- تصورات نادرست از انتخابات

به‌رغم تجربه سی دوره انتخابات، هنوز، در میان نخبگان و افرادی که گروه‌های مرجع خوانده می‌شوند نگرش یکسانی نسبت به جایگاه انتخابات و رای مردم وجود ندارد. در حالی که رهبران نظام، رای مردم را پشتوانه اقتدار نظام خوانده و بر این اساس استراتژی «مشارکت حداکثری» را در انتخابات مبنا قرار داده‌اند؛ عده‌ای نقش صندوق‌های رای را به سطح امری سمبلیک تقلیل می‌دهند. این چنین چالشی بر سر منزلت انتخابات و نقش رای مردم در جامعه‌ای دینی که شهروندان رفتار سیاسی خویش را با نگاه مراجع فکری و فقهی تطبیق می‌دهند، عوارض زیانباری دارد که کمترین آن سرد کردن تنور رقابت و مشارکت سیاسی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکل‌گیری بی‌رویه تشکل‌های سیاسی که سازمان نیافته و فاقد تعریف و برنامه‌های مشخصی بودند، دوره جدیدی از فعالیت‌های انتخاباتی را در ایران رقم زد. به‌رغم رشد کمی احزاب و تشکل‌های سیاسی، موانعی در راه شکل‌گیری احزاب سیاسی کارآمد و پایدار وجود داشت. از همین رو تشکل‌ها و احزاب سیاسی که به عرصه سیاسی وارد شدند دارای اهداف مبهم و برنامه‌ریزی نامشخص بودند. این عامل باعث شد این تشکل‌ها ندانند به دنبال چه هستند و چگونه باید به آن دست یابند؟ بنابراین یکی از آسیب‌های جدی در بحث انتخابات مسئله ابهام در اهداف و برنامه‌های افراد و احزاب است.

۲-۲- تفسیرهای انحصارگرایانه

هدف تمامی احزاب و تشکل‌های سیاسی، دستیابی به قدرت است و هر گاه تشکل‌های

سیاسی دستیابی به قدرت را در جهت تکلیف محوری و خدمت‌رسانی به جامعه مورد نظر قرار دهند، می‌توان آن را به عنوان حرکتی انقلابی و اسلامی تعریف نمود و بالتبع زمینه اجماع برای انتخاب‌کنندگانی واحد نیز بیشتر فراهم می‌شود، ولی آسیب جدی به فرایند وحدت هنگامی است که هر جریانی تفسیر خود از اولویت‌ها، چالش‌ها و راهکارهای فراروی نظام را حقیقت مطلق قلمداد نموده و حرکت خود را عین خدمت‌رسانی به جامعه ارزیابی نماید. از نظر رهبری این جریانات هنوز به مفاهیم مشترک و چارچوب‌های ذهنی درست دست نیافته‌اند؛ در حالی که هر میزان وحدت نسبی احزاب عملیاتی شود، بالتبع ظرفیت سیاسی و تبلیغاتی آنان برای مهندسی مطلوب افکار عمومی نیز افزایش می‌یابد.

۲-۳- مرز واقع‌بینی و ذهنیت‌گرایی

طرح‌ها و برنامه‌های برخی نامزدها به دور از واقعیت است. در هر زمانی شرایط، مطالباتی را اقتضا می‌کند که برای پاسخ‌گویی به آنها باید به ظرفیت‌های جامعه توجه کرد: «به آقایان محترمی که در این میدان هستند، این چند توصیه را عرض می‌کنیم: ... از دادن آمارهای سست بپرهیزند... با مردم با کمال صداقت حرف بزنند؛ هرچه عقیده‌شان هست، به مردم بگویند. اگر بخواهند در دل مردم اثر بگذارند، این صداقت، بیشتر در دل مردم اثر می‌گذارد. آن چیزی که حقیقتاً عقیده و نیت آنهاست، آن را به مردم بگویند؛ اختیار با مردم است که چیزی را انتخاب کنند... وعده‌هایی که معلوم است نمی‌توانند به آنها عمل کنند، به مردم ندهند. آن چه که در چارچوب قانون اساسی است و امکانات مملکت از امکان آن حکایت می‌کند، آن را به مردم بگویند. بله، به مردم قول بدهند که اگر رأی آوردند، با همه‌ی قوا و قدرت خودشان و با اتکال به خدا و با اتکالی به مردم، مدیریت عالی و کلان کشور را در دست می‌گیرند و پیش می‌برند؛ «خذاها بقوه»؛ با قوت این مأموریت را به دست بگیرند و پیش بروند و در هیچ جا ضعف نشان ندهند!»^۱

برخی از نامزدها برای تقویت خود و مواضع خویش تبیین نادرستی از واقعیت‌های اجتماعی و ظرفیت‌های کشوری می‌دهند و این‌گونه است که هم کارگزاران فعلی را متهم می‌کنند و هم مطالباتی را در مردم ایجاد می‌کنند که غیرواقعی هستند و حتی دولت‌های آینده را به بی‌کفایتی و دروغ متهم می‌نمایند.

۳- قانون‌گریزی و عدم پایبندی به قانون

قانون‌گرایی و احترام به قانون یکی از شاخص‌های اصلی مکتب حضرت امام خمینی (ره) است. حضرت امام (ره) پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی و تشکیل

۱- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸.

نهادهای انقلابی و دستگاه‌های حکومتی، همگان را به گردن نهادن به قانون، تبعیت از قانون و احترام به قانون متذکر شده و در بسیاری از سؤالات و استفتائاتی که از ایشان در خصوص مسائل گوناگون صورت می‌گرفت، در پاسخ می‌فرمودند، طبق قوانین و مقررات جمهوری اسلامی عمل شود. آن جمله معروف حضرت امام خمینی (ره) در خصوص یکی از چهره‌های سیاسی که با تندی خطاب به وی فرمودند: «تو غلط می‌کنی قانون را قبول نداری، قانون تو را قبول ندارد» نشان دهنده نوع نگاه حضرت امام (ره) به قانون و ضرورت رعایت قانون است. بسیاری از مشکلات کنونی که از زمان پیروزی انقلاب همچنان لاینحل باقی مانده، به دلیل عدم رعایت قانون است.

قانون‌گریزی یکی از نقاط ضعف برخی نامزدان انتخابات در هر دوره است. این پدیده در دوره‌های گذشته انتخابات به اشکال مختلف بروز و ظهور کرده است. در دیدگاه مقام معظم رهبری، قانون، فصل الخطاب تمام منازعات سیاسی و از جمله انتخابات است. رهبر انقلاب اسلامی با یادآوری قضایای فتنه سال ۸۸ می‌فرمایند: «گناه اصلی آتش افروزان فتنه ۸۸، تمکین نکردن به قانون و رأی مردم بود، در انتخابات ایران برای هر نوع اقدام و نیاز ضروری مرتبط با انتخابات، قانون وجود دارد و مقررات، چگونگی اقدام را برای همگان مشخص کرده است. قانون انتخابات در ایران از آغاز ثبت نام‌ها و احراز صلاحیت‌ها گرفته تا اعلام نتایج اولیه و تأیید نهایی از سوی شورای محترم نگهبان، شفاف است و هر کسی در هر مرحله‌ای می‌داند که قانون چه می‌گوید، بنابراین اگر همه تابع قانون باشند، در کشور هیچ‌گاه حوادثی مانند فتنه ۸۸ به وجود نمی‌آید. در فتنه ۸۸ افراد و جریان‌هایی مدعی تقلب در انتخابات شدند و در واقع نسبت به نتایج انتخابات اعتراض داشتند»^۱.

ایشان در جای دیگری تأکید می‌کنند: «اگر بعد از انتخابات هم، اعتراضی وجود داشته باشد، مسیر قانونی آن مشخص است. قانون راه بازشماری آرا را باز گذاشته است. اگر در سال ۸۸ عده‌ای در مسیر قانون حرکت نکردند، به خاطر این بود که اساساً انتخابات را بستر پیاده‌سازی یک توطئه قرار داده بودند و لازمه رسیدن به اهداف، عبور از قانون بود»^۲.

بخش دوم: سطح اجرا و عملکرد در نظام انتخاباتی

تجربه بیش از سه دهه نظام جمهوری اسلامی نشان می‌دهد هر بار که انتخابات صورت می‌گیرد، گوئی یک عمل جراحی است که عوارض دوران نقاهت بعد از عمل جراحی را نیز به همراه دارد. این مقوله تنها مربوط به جامعه، احزاب، جناح‌ها و اشخاص ذینفع در انتخابات نیست؛ بلکه در سطح اجرا و عملکرد نیز مشاهده می‌شود. براساس قانون، دولت حق دخالت

۱- سخنرانی رهبری در جمع مردم استان کرمانشاه، مهر ۱۳۹۰.

۲- همان.

در انتخابات را ندارد. بر اساس قانون، قوه مجریه حق ندارد کاندیدا معرفی کرده و امکانات مالی و دولتی را در اختیار نامزدهای انتخاباتی در مجلس شورای اسلامی قرار دهد. بر اساس ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری ایران، ارتکاب امور ذیل جرم محسوب می‌شود:

خرید و فروش رأی، تقلب و تزویر در اوراق و تعرفه یا برگ رأی یا صورتجلسات، تهدید یا تطمیع در امر انتخابات، رأی دادن با شناسنامه جعلی، رأی دادن با شناسنامه دیگری، رأی دادن بیش از یکبار، اخلال در امر انتخابات، کم و زیاد کردن آرا یا تعرفه‌ها، تقلب در رأی‌گیری و شمارش آرا، رأی گرفتن با شناسنامه کسی که حضور ندارد، توصیه به انتخاب کاندیدای معین از طرف اعضای شعبه اخذ رأی یا هر فرد دیگر در محل صندوق رأی به رأی‌دهنده، تغییر و تبدیل یا جعل و یا ربودن و یا معدوم نمودن اوراق و اسناد انتخاباتی از قبیل تعرفه و برگ رأی و صورتجلسات و تلکس و تلفن‌گرام‌ها و تلگراف‌ها، بازکردن و یا شکستن قفل محل نگهداری و لاک و مهر صندوق‌های رأی بدون مجوز قانونی، جابجایی، دخل و تصرف و یا معدوم نمودن اسناد انتخاباتی بدون مجوز قانونی، دخالت در امر انتخابات با سند مجعول، ایجاد رعب و وحشت برای رأی‌دهندگان یا اعضای شعب ثبت نام و اخذ رأی با اسلحه یا بدون اسلحه در امر انتخابات و دخالت در امر انتخابات با سمت مجعول و یا به هر نحو غیر قانونی.

۱- دولت

رهبر معظم انقلاب معتقد است که امکانات قوه مجریه بایستی با مدیریت صحیح و دقیق صرف پیشبرد امور کشور شود، لذا انتخابات را از این دیدگاه ارزیابی می‌کنند و معتقدند در این حادثه مهم سرنوشت ساز برای کشور، کسی که توسط مردم انتخاب می‌شود باید بر اساس قانون و با توجه نیازهای واقعی مردم عمل کند. ایشان در این راستا می‌فرمایند: «انتخابات یک حادثه‌ی مهم است؛ چون مردم اختیار کشور را برای مدت چهار سال به دست انسانی خواهند داد؛ و اوست که می‌تواند در این مدت بودجه و درآمد و نیروی انسانی و سازمان‌های کشور را به کار بگیرد؛ یا درست، یا خدای نکرده نادرست؛ یا کامل، یا خدای نکرده ناقص؛ یا همراه با صحت عمل، یا خدای نکرده دچار شائبه‌های سوءعمل؛ یا با توجه به نیازهای مردم، متوجه به باز کردن گره‌های زندگی مردم، متوجه به رفع مشکلات انبوهی که وجود دارد، یا خدای نکرده بی‌اعتنایی به اینها. پس انتخابات از این جهت بسیار مهم است که ملت ایران می‌خواهد اداره‌ی کشور را برای چهار سال به دست انسانی بسپرد که از لحاظ قانونی اختیارات بسیار وسیعی دارد، امکانات بی‌ظنیری در اختیار دارد و می‌تواند ملت و کشور را چهار سال و یا حتی بیش از چهار سال جلو ببرد؛ و می‌تواند متوقف نگه دارد یا خدای نکرده به عقب برگرداند»^۱. در جای دیگری می‌فرمایند: «رییس جمهور یکی از مؤثرترین و در دستگاه اجرایی مؤثرترین عنصر برای

۱- بیانات در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۸۴.

حل مسائل کشور است. در میان مسؤولان کشور، هیچ مسؤولی به قدر رییس جمهور در قانون اساسی ما امکانات و توانایی‌ها و عرصه‌ی عظیم خدمت‌گزاری ندارد. بودجه‌ی کشور و همه‌ی مسؤولان طراز اول اجرایی کشور در اختیار اوست؛ اوست که می‌تواند کشور را آباد کند و از لحاظ علمی و صنعتی و مسائل انسانی و یا از لحاظ امنیت، کشور را به پیش ببرد؛ کفایت و توانایی‌های اوست که می‌تواند زندگی را در کام مردم شیرین کند. آنچه مورد نیاز ملت و کشور است، رئیس‌جمهور کارآمد و باکفایت است. مسؤولیت‌های حساس و تاریخی امروز بر دوش رئیس قوه‌ی مجریه‌ی ماست. قانون همه چیز را در اختیار رئیس قوه‌ی مجریه قرار داده است.^۱ رهبری خطاب به سایر دستگاه‌ها نیز می‌فرماید: «همکاری دستگاه‌هایی که با هم این بار سنگین اداره کشور را بر دوش دارند بسیار اساسی است؛ چه وزارت کشور، چه شورای محترم نگهبان، چه نیروی انتظامی. آن کسانی که می‌خواهند این بساط مقدس را پاسداری کنند، باید با هم هماهنگ باشند؛ همکاری کنند و در خودشان تفاهم به وجود بیاورند. من امیدوارم در این نوبت انتخابات، ان‌شاءالله این تفاهم به حد اعلی برسد؛ پیش‌بینی من هم همین است»^۲.

۲- ناظران انتخاباتی

اصل ۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری تصریح می‌کند: "نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری به عهده شورای نگهبان است. این نظارت عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است". طبق این اصل، شورای نگهبان می‌تواند بر صلاحیت معتمدین محل نیز نظارت کند. همچنین تبصره ۳ ماده ۳۹ (مربوط به معتمدین محل) می‌نویسد: "معتمدین این ماده باید دارای ایمان و التزام عملی به اسلام و قانون اساسی و حسن شهرت و سواد خواندن و نوشتن بوده و از عوامل موثر در تحکیم رژیم سابق و وابسته به گروه‌های غیرقانونی نباشند". بر اساس این تبصره، روشن است که نظارت شورای نگهبان در انتخاب معتمدین محل باید وجود داشته باشد. رهبری در این راستا می‌فرماید: «آنچه مهم است، این است که ما به آن مأموران زیر دستان نگاه کنیم. شما در مدیریتی که اعمال خواهید کرد - همه‌ی طرف‌های قضیه را عرض می‌کنم - باید به دقت مراقب کارهای کسانی باشید که زیر نظر و زیر دست شما کار می‌کنند؛ این اساس صحت کار است. شما خوبید؛ اما این کافی نیست؛ باید مأموران شما هم از خوبی‌های شما، از صفای شما، از صمیمیت شما بهره‌مند باشند. دقت کنید، و حقیقتاً در این کاری که به مردم ارتباط پیدا می‌کند، هیچ اغماضی نکنید و از هیچ تخلفی نگذرید»^۳.

۱- بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۱.

۲- بیانات در دیدار وزیر و مسؤولان وزارت کشور و استانداران، ۱۳۷۰/۰۹/۲۷.

۳- بیانات در دیدار وزیر و مسؤولان وزارت کشور و استانداران، ۱۳۷۰/۰۹/۲۷.

مقام رهبری در مقام مسئول اصلی جامعه اسلامی در راه برگزاری سالم انتخابات حتی به شورای نگهبان هم تذکر می‌دهد، و عملکرد این شورا را به عنوان مهمترین عامل در جلوگیری از انحراف به آنها یادآور می‌شود و می‌فرماید: «شورای نگهبان نقطه تضمین و تأمین برای نظام اسلامی است. این امر بسیار مهمی است. من در دوره قبل نسبت به اهمیت کار شورای محترم نگهبان تذکر دادم؛ شورای نگهبان در مجموعه تشکیلات نظام جمهوری اسلامی، مثل بقیه دستگاه‌ها نیست که بگوییم ارگان‌ها و تشکیلات مختلفی هستند؛ بعضی مهم‌ترند، بعضی کم‌اهمیت‌ترند؛ این هم یکی از آنها؛ نه. شورای نگهبان مثل بعضی از پدیده‌های یک نظام - مانند قانون اساسی - وضع ویژه‌ای دارد. شورای نگهبان تشکیلاتی است که اگر خوب باشد و درست کار کند، این نظام دیگر خطر انحراف از دین نخواهد داشت. ده‌ها سال این کشور خسارت دید؛ به خاطر این‌که از اصول دینی انحراف حاصل شد. با این‌که اساس مشروطیت بر پایه دین بنا شده بود؛ اما رعایت نشد و آن قضیه طراز اول مورد توجه قرار نگرفت. بعد هم با دین مخالفت شد و پدیده‌های دینی آن نظام از بین رفت؛ اما غیردینی‌هایش تقویت گردید و آن چیزی شد که شما دیدید. یک کشور و یک ملت چه خسارتی را در طول این چند ده سال دوران مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی متحمل شد. یکی از بزرگترین خسارت‌هایش حکومت‌خاندان پهلوی بود؛ تسلط آن دیکتاتوری عجیب و حقیقتاً کم‌نظیر در تاریخ. شما این را بدانید که وقتی یک نظام، تضمین بقا بر روال دینی نداشته باشد، این چیزها در انتظارش است»^۱.

در نهایت رهبر انقلاب اسلامی هشدار می‌دهند: «انتخابات، تجلی حضور مردم، مظهر مردم‌سالاری دینی و ذخیره و پشتوانه امنیت کشور است و باید مراقب بود که این پشتوانه بزرگ، به چالشی برای امنیت کشور تبدیل نشود». شاید این مهم‌ترین فراز از سخنان رهبر انقلاب در نماز عید سعید فطر بود. سخنانی هشدارگونه درخصوص سوء استفاده دشمنان از انتخابات که اینگونه ادامه یافت: آحاد مردم، مسئولان مختلف، منبرداران و فعالان سیاسی و همه کسانی که می‌توانند با مردم حرف بزنند، باید از انتخابات به عنوان نعمتی الهی پاسداری کنند و هوشیارانه، مراقب چالش‌های ضد امنیتی و تلاش‌های دشمنان باشند»^۲.

۳- مجلس شورای اسلامی

مجلس به تعبیر رهبری، نماد مردم‌سالاری و انتخابات مجلس از بالاترین اهمیت برخوردار است. این نهاد با همه اهمیتی که دارد در زمینه دستیابی نظام دینی به الگوی شایسته انتخاباتی نقش به سزا دارد. اصلاح و تکوین قانون انتخابات بخشی از رسالت مجلس را تشکیل می‌دهد. با توجه به این معیارها، رهبری عملکرد برخی از دوره‌های مجلس و نیز شماری از نمایندگان

۱- بیانات رهبر معظم در دیدار اعضای هیأت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان، ۱۳۷۴/۱۱/۱۴.

۲- بیانات رهبر معظم در دیدار اعضای هیأت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان، ۱۳۷۴/۰۴/۱۱.

را به نقد می‌کشند: «اگر شما امروز می‌بینید که با تبلیغات و تحریک دشمنان، در هر برهه‌ای از زمان، قوای قانونی کشور مورد تعرض تبلیغاتی قرار می‌گیرند، این دنباله همان دشمنی‌ای است که از اول با اساس نظم و قانون در جمهوری اسلامی وجود داشت و امام مقابل آن ایستاد. ما همیشه این را تأکید کرده‌ایم و باز هم تکرار می‌کنیم، وظایفی که در قانون اساسی برای قوای سه‌گانه و مسئولان قانونی معین شده، معتبر و محترم است و همه باید در مقابل این قانون، حالت تسلیم داشته باشند. بی‌قانونی به شکل‌های مختلفی خود را نشان می‌دهد. یکی از آنها همین است که علیه اساس و ترتیبات قانون اساسی مبارزه تبلیغاتی شود و لجن‌پراکنی صورت گیرد و به مسئولیت‌های قانونی در هر بخشی از بخش‌ها بی‌احترامی گردد. این آن چیزی است که از اول انقلاب، دشمنان امام و اسلام بر روی آن پافشاری می‌کردند و امام در مقابل آن ایستاد»^۱. در نهایت خطاب به مجلس می‌فرمایند: «مجلس باید مجلسی باشد که در مقابل زورگویی‌ها، زیاده‌خواهی‌ها، مرعوب کردن‌ها، و تطمیع کردن‌های قدرتمندان جهانی بایستد و مصالح کشور و ملت را محاسبه کند و به دنبال آن برود. بعضی‌ها زود مرعوب می‌شوند. من بارها عرض کرده‌ام که قدرت‌های استکباری - یعنی همین قدرت‌های سلطه‌گر جهانی - که مرتب روی این کشور و آن کشور دست می‌اندازند و دولت‌ها و ملت‌ها را زیر یوغ خودشان می‌کشانند. عمده کارشان از ترساندن می‌گذرد. قدرت واقعی شان آنقدر نیست که بر زبان می‌آورند. اینها عمده کارشان را از راه تهدید پیش می‌برند، نماینده باید کسی باشد که مرعوب نشود، آدمی که دلش به خدا متکی باشد»^۲.

۱- همان.

۲- همان.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر بزرگترین دغدغه رهبر معظم انقلاب نقد و اصلاح رویه‌ها و رفتارهای افراطی و هنجارشکن در عرصه انتخابات بوده است. زمینه‌ها و علائم آسیب‌های جدی در انتخابات مشاهده شده که همگی موجب گردیده تا رهبر انقلاب راساً برای رفع این چالش‌ها وارد صحنه شوند. بخش غالب این آسیب‌ها از آنجا ناشی شده است که موازین قانونی و اخلاقی از طرف احزاب و جریان‌های سیاسی مورد بی‌توجهی قرار گرفته و رقابت بر سر قدرت در مواقع بسیار، نتایج مخرب خود را بروز داده است. واکنش‌های صریح و سریع رهبری این نکته را گوشزد میکند که اگر علائم هشداردهنده در زمینه آسیب‌های انتخاباتی دیر هنگام درک و فهم شوند، به آسیب صعب‌العلاج سیاسی تبدیل می‌شوند. در این راستا بود که رهبر انقلاب اسلامی تلاش کردند در بیانات، مناسبت‌ها و سخنرانی‌های خود بر این نقاط ضعف انگشت گذاشته و برای حل آن راهکارهای راه‌گشا ارائه کنند. در مجموع از منظر مقام معظم رهبری "انتخابات، تجلی حضور مردم، مظهر مردم‌سالاری دینی و ذخیره و پشتوانه امنیت کشور است و باید مراقب بود که این پشتوانه بزرگ، به چالشی برای امنیت کشور تبدیل نشود."

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.

بخش دوم: تحلیل وضعیت، آسیب شناسی و موانع

مقالات:

- ۱- بررسی تطبیقی هزینه های انتخاباتی احزاب و اشخاص
- ۲- تحلیل وضعیت موجود انتخابات در جمهوری اسلامی ایران
- ۳- مدیریت اجرایی انتخابات در کشورهای آمریکا، کانادا و فرانسه
- ۴- نتایج مطالعات تطبیقی در زمینه تجربیات انتخابات در جهان
- ۵- حوزه بندی انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران

بررسی تطبیقی هزینه های انتخاباتی احزاب و اشخاص با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران^۱

مرتضی نجابت خواه^۲

چکیده

موضوع تأمین مالی احزاب، خصوصاً در عرصه انتخابات، تنها در سالیان اخیر اهمیت یافته است. دلیل این امر، این واقعیت است که نوعی مقررات گذاری بسیار سیستماتیک در رابطه با تأمین مالی انتخابات و احزاب از دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ آغاز شده است. افزایش قابل توجه هزینه های مربوط به فعالیت های حزبی، منجر به آن شده که منابع سنتی تأمین مالی احزاب مانند پرداخت حق عضویت کاملاً ناکافی بوده و در نتیجه، تأمین مالی از طریق منابع عمومی مطرح شود. وضع مقررات و تأمین مالی احزاب و انتخابات در تمامی کشورها مشابه یکدیگر نبوده و در یک زمان نیز شکل نگرفته است. هم چنین وضع مقررات، علاوه بر منابع تأمین مالی، شامل تبلیغات تلویزیونی احزاب و کاندیداهای آنها هم می شود. فقدان مقررات الزام آور در قوانین انتخاباتی ایران در خصوص منابع مالی و هزینه های انتخابات، یکی از چالش های جدی انتخابات به حساب می آید. این مقاله درصدد آن است تا با رویکردی تطبیقی، موضوع تأمین مالی احزاب و انتخابات را با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی

احزاب سیاسی، تأمین مالی احزاب، تأمین مالی انتخابات، وضع مقررات.

۱- این مقاله عمدتاً مبتنی است بر ترجمه ای از مقاله Zdravko patek(2001), "Comparative Analysis of Financing Parties and Elections in Croatia and in Other Countries", Ppliticka Misoa, Vol:XXXviii, No,5, pp:18-33, که خلاصه ای از آن توسط مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی با عنوان «بررسی تطبیقی تأمین مالی احزاب و انتخابات»، توسط نویسنده ترجمه و در اردیبهشت ۱۳۸۹ با شماره مسلسل ۱۰۱۹۸ به چاپ رسیده است.

۲ - استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.

الف) روش شناسی تأمین مالی احزاب و مسائل آن

اگر چه احزاب سیاسی از جمله نهادهای مهم و کلیدی نظام های سیاسی و در نتیجه موضوع قابل تأملی برای علمای عرصه سیاست به شمار می آید، اما مسأله تأمین مالی آنها همواره بیش از محققان، توجه عموم افراد جامعه را به خود معطوف ساخته است. ادبیات مربوط به این موضوع، از قوت چندانی برخوردار نبوده و تنها شماری از آثار مرتبط با تأمین مالی احزاب سیاسی را در بر می گیرد که البته باید گفت این بخش، ضعیف ترین بخش در این زمینه به شمار می آید. در نظام حقوقی ایران نیز، مطالعات مربوط به این موضوع از ادبیات چندان قوی برخوردار نبوده و پژوهش هایی که صورت گرفته، بیشتر تکیه بر بررسی این مسأله در دیگر کشورها دارد. با این توضیح، اولین شخصی که به مطالعه تأمین مالی احزاب سیاسی پرداخته است، آرنولد جی. هایدن هایمر^۱ در سالیان اولیه دهه ۱۹۶۰ بوده است. بعدها، وی همراه با دو نفر دیگر کتاب مهمی را در حوزه سیاست های عمومی تطبیقی تألیف نمود که می توان آن را نقطه عطفی در این رابطه به شمار آورد^۲. پس از وی، مهم ترین نقش در تحقیق منابع مالی احزاب از سوی یکی از علمای عرصه سیاست در آمریکا به نام هربرت ای. الکساندر^۳ (۱۹۸۹) ایفا شده که، نخستین مطالعه تطبیقی در خصوص تأمین مالی احزاب را انجام داده است.

آیا این واقعیت که احزاب، نقش مهمی را در نظام های سیاسی و خصوصاً در عرصه انتخابات ایفا می نمایند، متضمن این معناست که آنها باید درآمدهای خود را به اطلاع عموم برسانند؟ و آیا احزاب، در راستای بالابردن درآمد لازم جهت فعالیت ها و اقداماتشان، باید به منابع بخش خصوصی تکیه نمایند؟ یکی از علمای سیاسی آلمان، کارل هینز ناسماچر^۴ می نویسد: در تمامی دموکراسی های غربی، این دو سؤال به طور تنگاتنگی با هم مرتبط می باشند (ناسماچر، ۲۰۰۰، ۲۳۳). بنابراین این موضوع به شکل یک مسأله سیاست عمومی درآمده است.

۱- سرمایه حزبی یا درآمدهای سیاسی

امروزه بحث سیاسی پیرامون تأمین مالی احزاب، مبتنی بر تقابل میان منابع خصوصی در برابر منابع عمومی است. تنوع حمایت های خصوصی به صورت یک هنجار، در تأمین درآمدهای حزبی به طور عملی تا اوایل دهه ۱۹۶۰ به کار گرفته می شد. اما اولین نمونه از

۱- Arnold J. Heidenheimer.

۲- Heidenheimer/Hecl/Adams.

۳- Herbert E. Alexander.

۴- Karl Heinz Nassmacher.

تأمین احزاب از منابع عمومی در سال ۱۹۵۴ در کاستاریکا و پس از آن در سال ۱۹۵۵ در آرژانتین رخ داد. اولین کشور اروپایی در این رابطه، کشور آلمان در سال ۱۹۵۹ بود. در این دوره، دریافت کمک هایی از بودجه عمومی به صورت امری ناگزیر درآمد و در شماری از کشورها، مهم ترین منبع درآمدهای حزبی شد. افزایش شدید و ناگهانی تأمین مالی احزاب از منابع عمومی، به دنبال یک رشته رسوایی های مربوط به فساد مالی رخ داد که طی آن، احزاب به منظور فراهم آوردن شرایط رقابت سیاسی، تلاش هایی را برای تأمین درآمدهای لازم صورت دادند.

با این همه، رویکرد غالب تمامی نظام های تأمین مالی سیاسی، به سمت تأمین درآمدها از منابع خصوصی است. علیرغم این مبنای مشترک، تحولات سیاسی نیمه دوم قرن بیستم به نظام های کاملاً متفاوتی از تأمین درآمدها منتهی شده است. برای مثال، نظام موجود در آلمان با نظام موجود در بریتانیا و یا سیستم عملیاتی در ایالات متحده مشابه نمی باشد. مطمئناً ایجاد ممانعت برای الگوهای تأمین مالی انحصاری از طریق منابع خصوصی به معنای خاتمه بخشیدن به فساد مالی در رابطه با تأمین درآمدهای حزبی نیست. برعکس در بریتانیا، که نظام تأمین مالی احزاب از طریق منابع خصوصی حفظ شده است، تقریباً هیچ رسوایی از این نوع وجود ندارد؛ در حالی که در آلمان، که در آن احزاب عمدتاً از طریق بودجه عمومی، منابع مالی خود را دریافت می نمایند، رسوایی های مالی به طور بسیار شایعی رخ می دهد (پولشویی، سرمایه باقی مانده از فروش اشیاء). دلیل این امر را احتمالاً در این واقعیت باید یافت که، بر خلاف آلمان، در بریتانیا هیچ گونه مشوق های مالیاتی، یعنی کسر مالیات برای موارد کمک به احزاب وجود ندارد. این احتمالاً دلیل عمده ای است که رسوایی های مالی آلمان را تأیید می نماید. چنانچه تحولات اخیر در تأمین مالی احزاب در بریتانیا و آلمان را با یکدیگر مقایسه نمایم، به این نتیجه می رسیم که در بریتانیا، مشارکت در درآمدهای حزبی حاصل از حق عضویت ها، رفته رفته رو به کاهش می باشد و تأمین کنندگان عمده احزاب از طریق منابع خصوصی، بیشتر شرکت ها (خصوصاً در رابطه با حزب محافظه کار) و اتحادیه های صنفی و کارگری (خصوصاً برای حزب کارگر) هستند. هم چنین، هیچ گونه کسر مالیاتی برای کمک دهندگان بخش خصوصی مطرح نمی باشد. این در حالی است که در آلمان، بیشتر درآمدها از راه حق عضویت و دولت تأمین می شود و کمک های صورت گرفته از سوی بخش خصوصی مشمول معافیت های مالیاتی است.

۲- قلمرو تأمین مالی سیاسی و مقایسه اطلاعات موجود

تحقیق در خصوص تأمین مالی سیاسی، در علوم سیاسی معاصر به طور عام و در سیاست تطبیقی به طور خاص، فضایی را که باید به عنوان یک پدیده مطلقاً مرتبط با سیاست اشغال

نماید، اشغال نمی کند. دلایل زیادی برای این امر وجود دارد، اما دو دلیل از برجستگی برخوردارند. اولین دلیل فقدان یک تئوری صحیح در خصوص درآمدهای سیاسی است. مایکل پیتو - دوشینسکی^۱ (۱۹۸۱) از علمای سیاسی بریتانیا و یکی از محققین بزرگ در عرصه درآمدهای سیاسی، غالباً بر این مطلب تأکید و اصرار داشته است که ضعف شدیدی در دانش و اطلاعات ما نسبت به وجوه بین المللی اختصاص یافته به احزاب، فعالیت های گروه فشار، درآمدهای سرّی، ثروت شخصی واقعی رهبران سیاسی و مواردی از این قبیل وجود دارد.

از اینرو، مسأله تأمین مالی احزاب و انتخابات، تقریباً همواره توأم با مشکلات قابل ملاحظه ای است. با توجه به تجربیات کشورهای غربی در این حوزه، تنها نتیجه ای که می توان گرفت این است که، هیچ راه حل ساده ای برای این مشکلات وجود ندارد. هم چنین می توان گفت که یک بررسی کامل و صحیح از تأمین درآمدهای حزبی باید، دربرگیرنده تمامی ابعاد افزایش درآمدهای احزاب و انتخابات باشد. این بدان معناست که باید شامل درآمدهای حاصل از شعب محلی احزاب سیاسی، درآمدهای مربوط به انتخابات محلی، انتخابات درون حزبی، درآمدهای انجمن های پارلمانی حزبی و موارد مشابه شود. به عبارتی دیگر، حسابرس درآمدهای حزبی باید ساختار کامل حزب، نهادهای مرتبط با احزاب (به طور مستقیم و غیرمستقیم) و اشکال مختلف کمک های جانبی را که این روزها در فعالیت های حزبی نقش مهمی دارند، مورد توجه قرار دهد. اطلاعات قابل دسترس برای پژوهشگران در این عرصه عمدتاً به سطح ملی فعالیت های احزاب مربوط می شود، در حالی که اطلاعات مربوط به سطوح پایین تر یا فراتر از سطح ملی، غالباً نادیده گرفته شده و غیرقابل استناد هستند.

ب) منابع تأمین مالی احزاب

احزاب به منظور انجام فعالیت های سیاسی و انتخاباتی خود ممکن است از طریق منابع بخش عمومی یا منابع بخش خصوصی به تأمین مالی خود مبادرت نمایند. در این جا به بررسی هریک از این موارد خواهیم پرداخت.

۱- تأمین مالی از طریق منابع عمومی

تأمین مالی احزاب از طریق بودجه عمومی، پدیده های نسبتاً جدید است (به صورت رسمی و اعلام شده). این موضوع، در دهه ۱۹۵۰ برای اولین بار مطرح شد (جدول شماره ۱)؛ اما با این وجود، خیلی زود به صورت عمده ترین منبع درآمدهای حزبی در بسیاری از کشورهای غربی درآمد. البته تأمین مالی احزاب از خزانه های دولتی، پدیده ای معاصر به شمار نمی آید.

۱- Michael Pinto-Duschinsky.

نمونه هایی از وجوه محرمانه دولتی وجود داشته اند که به احزاب مرتبط با دولت یا روزنامه نگاران رشوه گیر یا اعضای دیگر احزاب پرداخت می شدند (دوشینسکی، ۱۹۸۱، ۳۳). تأمین مالی محرمانه احزاب، در دهه ۱۹۵۰ با تأمین مالی رسمی احزاب از بودجه عمومی جایگزین گردید. کمک هایی از طریق بودجه، اولین بار از سوی کشورهای کاستاریکا و آرژانتین و سپس آلمان و آنگاه طیفی از کشورهای اروپایی و دیگر کشورهای جهان صورت گرفت. در این میان، فهرستی از کشورهایی که یک نظام مبتنی بر تأمین درآمدهای مالی احزاب از منابع عمومی را نپذیرفته اند، خیلی کوتاه خواهد بود؛ به عنوان مثال هند، ایرلند، لوکزامبورگ، مالزی، هلند و بریتانیا.

جدول شماره ۱: سرآغاز شکل گیری تأمین مالی احزاب سیاسی از منابع عمومی^۱

کشور	سال	کشور	سال
کاستاریکا	۱۹۵۴	برزیل	۱۹۷۱
آرژانتین	۱۹۵۵	کانادا	۱۹۷۴
آلمان	۱۹۵۹	ایتالیا	۱۹۷۴
اتریش	۱۹۶۳	ایالات متحده	۱۹۷۶
فرانسه	۱۹۶۵	اسپانیا	۱۹۷۷
سوئد	۱۹۶۶	مکزیک	۱۹۷۸
فنلاند	۱۹۶۷	ونزوئلا	۱۹۷۸
دانمارک	۱۹۶۹	استرالیا	۱۹۸۴
نروژ	۱۹۷۰		

در رابطه با تأمین مالی، سه دسته بندی از کمک های مستقیم دولتی می توان ذکر کرد: **دسته بندی اول**، کمک هایی که هزینه رقابت های انتخاباتی را پوشش می دهند و کمک هایی که برای فعالیت های عادی حزبی لازم است، **دسته بندی دوم**، کمک هایی برای احزاب سیاسی و کمک هایی برای کاندیداهای مستقل، **دسته بندی سوم**، کمک هایی برای دفاتر اصلی احزاب و کمک هایی برای شعب و دفاتر منطقه ای و محلی.

^۱- Source: Herbert E.Alexander, Money and politics: rethinking a conceptual framework, in: Alexander. 1989:14.

در دسته اول باید میان سه گروه از کشورها قائل به تمییز شد. اولین گروه شامل فرانسه، ایتالیا (پس از سال ۱۹۹۳)، کانادا و لهستان می شود. کمک از منابع عمومی به احزاب، در این کشورها صرفاً بر مبنای هزینه های رقابتی پرداخت می شود. برخلاف این کشورها، در گروه دوم، شامل اتریش، برزیل، جمهوری چک، یونان، ایتالیا (از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۳)، ژاپن، مجارستان، آلمان، پرتغال و سوئد، احزاب برای فعالیت های روزمره شان، وجوهی را از منابع عمومی دریافت می نمایند. نهایتاً، در برخی کشورها، احزاب از کمک های حاصل از منابع عمومی، هم برای فعالیت های روزمره و هم هزینه های مربوط به رقابت های انتخاباتی برخوردار می باشند. مکزیک در این گروه جای می گیرد. مشابه تمییزی که میان هزینه های عادی و هزینه های انتخاباتی صورت گرفت، در بسیاری از کشورها میان کمک های پرداختی به احزاب و کمک های پرداختی به افراد، تفاوت وجود دارد. قانون محدودیت هایی را در رابطه با این دو طبقه از مصرف کنندگان درآمدهای عمومی مقرر می دارد. طبیعتاً، احزاب از وضعیت بهتری در این رابطه نسبت به کاندیداهای مستقل برخوردارند.

کمترین اختلاف میان کشورها را، در دسته بندی سوم می توان یافت. به عنوان یک قاعده، کمک های دولتی معطوف به نهادهای ملی احزاب می شوند و نه شعبات محلی آنها. به این ترتیب، رهبران احزاب، قدرت خود در رابطه با نمایندگان محلی حزب را با ایجاد نوعی وابستگی تقویت نموده و استحکام می بخشند. با وجود این، استثنائاتی بر این قاعده وجود دارد. در سوئد، مراجع محلی از سال ۱۹۷۷ به بعد مستقیماً به تخصیص پرداختی ها به شعبات محلی حزب مبادرت نموده اند. این قاعده در کرواسی هم نافذ است. به این معنا که شعبات محلی حزب در کرواسی، از میزان نسبتاً بالایی استقلال مالی برخوردارند و بدین ترتیب در این کشور، اصل اساساً دموکراتیکی جاری می باشد که در بسیاری از کشورها وجود ندارد. البته، در کشورهای فدرالی هم چون استرالیا، اتریش، کانادا یا ایالات متحده، پرداختی ها (از منابع عمومی) به وسیله واحدهای فدرال صورت می گیرند، اما این همواره یک اصل نمی باشد.

در نظام حقوقی ایران، اگرچه تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در قوانین بودجه سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷، مبلغی از درآمد عمومی کشور به عنوان کمک به حزب رستاخیز پرداخت می شد، اما پس از آن، هیچ اشاره رسمی به اختصاص بخشی از بودجه عمومی کشور به فعالیت های احزاب، چه به منظور فعالیت های روزمره آنها و چه به خاطر فعالیت های انتخاباتی در قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت احزاب نشده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تنها در سال ۱۳۸۰، دولت مبادرت به وضع آیین نامه ای موسوم به آیین نامه نحوه پرداخت یارانه به

احزاب و گروه‌های مشمول «قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» نمود که به موجب آن «پرداخت هر گونه یارانه به احزاب و گروه‌های مشمول قانون فوق‌الذکر ... به منظور تقویت فعالیت‌های گروهی انجام می‌پذیرد» و «سهم هر حزب و گروه واجد شرایط از یارانه مساوی است با، مجموع امتیازات کلیه احزاب مجموعه بودجه \times امتیاز حزب».

۲- تأمین مالی از طریق منابع خصوصی

تأمین مالی احزاب به طور سنتی از منابع بخش خصوصی، روشی برای جمع‌آوری درآمدها در جهت اقدامات احزاب بوده است. مهم‌ترین منبع در ابتدا، حق عضویت و کمک‌های فعالان حزبی بود؛ در عین حال منابع قوی تأمین مالی، ثروتمندان و مؤسسات سیاسی بوده‌اند. تأمین مالی از طریق بخش خصوصی در میان احزاب راست در مقایسه با احزاب چپ، از عمومیت و اقبال بیشتری برخوردار بوده است. برای احزاب راستگرا، همواره مطلوبیت بیشتری داشته که از طریق منابع خصوصی به تأمین مالی بپردازند تا این که درآمدهای خود را از راه بودجه‌های ملی یا محلی تحصیل نمایند. این موضوع، خصوصیت متعارف تمامی نظام‌های حزبی در کشورهای دموکراتیک بوده و تحلیلگران سیاسی هم این نوع تأمین مالی را ترجیح داده‌اند. بزرگترین مزیت تأمین مالی از طریق بخش خصوصی، این واقعیت است که این نوع درآمد، مشارکت فعالانه‌تر، فعالان حزبی را فراهم آورده و در نتیجه به یک سازماندهی حزبی مؤثرتری منتهی می‌شود. در نقطه مقابل آن، اتکا به درآمدهای حاصل از بودجه عمومی، بوروکراتیزه‌سازی احزاب را افزایش داده، مشارکت انتخاباتی فعالان حزبی را کاهش می‌دهد و در نگاه کلی، به شکل‌گیری "ساختارهای سیاسی متصلبی" دامن می‌زند.

با توجه به موارد فوق‌الذکر، یک آنالیز سیاسی در این رابطه، باید جنبه‌های منفی تأمین مالی احزاب از طریق بخش خصوصی را قطعاً مد نظر قرار دهد. در جوامع با اختلافات اقتصادی قابل ملاحظه، شماری از اشخاص با ثروت‌های کلان می‌توانند به کنترل عرصه سیاسی بپردازند. علاوه بر این، اتکای شدید به تأمین مالی از طریق بخش خصوصی می‌تواند به فساد مالی بیانجامد. سرمایه‌داران می‌توانند با توقع برخوردی جانبدارانه در ابتکارات تقنینی و قراردادهای سودآور، به تأمین مالی احزاب سیاسی و اشخاص بپردازند. نهایتاً این مشکل وجود دارد که ممکن است، کمک‌های بخش خصوصی، در بسیاری از موارد به طور مطلق منشأ خصوصی نداشته باشند. غالباً صاحبان شرکت‌ها، سهامدارانی می‌باشند که احتمالاً در رویکردهای سیاسی با هیأت‌مدیره اتفاق نظر نداشته و تصمیمات آنها مبنی بر ارائه حمایت مالی به یک حزب را تأیید نمی‌نمایند. به همین خاطر است که کارشناسان

سیاسی، امروزه ادعا می کنند که کمک های خصوصی، منبع مطلوبی برای تأمین مالی احزاب نیستند. هم چنین، آنها اعتقاد دارند که چنین کمک هایی باید قانوناً محدود باشند. البته چنان چه شرایط لازم محقق شوند، تأمین مالی احزاب از طریق بخش خصوصی به تأمین، از طریق بودجه عمومی مرجح می باشد.

تأمین مالی از طریق بخش خصوصی به چند روش صورت می گیرد: حق عضویت، پرداختی مؤسسات (اتحادیه های صنفی، شرکت ها)، تأمین مالی از طریق سرمایه داران، منافع حاصل از فعالیت های تجاری و اقتصادی احزاب، کمک های گروه های ذینفع و مواردی از این دست. در این جا به بررسی این مطلب می پردازیم که این منابع امروزه از چه اهمیتی برخوردار می باشند و اهمیت این منابع چگونه در طول زمان تغییر یافته است؟

پرداخت حق عضویت، سنتی ترین منبع تأمین مالی احزاب سیاسی است. کارت های عضویت در احزاب، به دارندگان آنها وجهه خاصی می دهد و در مقابل، آنها با پرداخت مبلغی که به طور ماهانه یا سالانه مقرر شده، به جبران این امر می پردازند. موریس دوورژه (۲۰۰۰) در تألیف خود راجع به احزاب سیاسی این نکته را متذکر شده است که، این نوع تأمین مالی، مشخصه عمده احزاب چپ میانه مانند سوسیال دموکرات ها، احزاب سوسیالیست و کمونیست می باشد. دوورژه ادعا می نماید برخلاف آنها، احزاب میانه و راست میانه به میزان بسیار کمتری به حق عضویت متکی هستند و بیشتر به مشارکت سرمایه داران جامعه تکیه دارند. مطالعات بیشتر در این زمینه بیانگر آن است که، مشارکت در تأمین مالی احزاب از طریق پرداخت حق عضویت، بیشتر به کشور بستگی دارد تا به نوع حزب. میزان پایبندی اعضای حزب در برخی کشورها به طور قابل توجهی بالا است. در این باره آلمان و اتریش مثالی خوب می باشند. در این دو کشور مشارکت از طریق پرداخت حق عضویت، صرف نظر از این که احزاب مورد بحث از احزاب چپ یا راست باشند، بالا است. در کشورهایی که سازمان های حزبی بسیار ضعیف هستند، به طور مثال تمامی احزاب آمریکایی، پرداخت حق عضویت منبع ناچیزی برای تأمین مالی به شمار می آیند. دوورژه این وضعیت را به فرانسه، کشوری با تفاوتی عمده میان احزاب چپ، که از لحاظ سازمانی به طور قوی تشکیل شده اند، و احزاب راست که بسیار ضعیف هستند (برخی حتی بیشتر یک جنبش به شمار می آیند تا یک حزب)، تعمیم داده است. بر این اساس، دوورژه به این نتیجه می رسد که، پرداخت حق عضویت در تأمین مالی احزاب چپ از اهمیت بیشتری برخوردار است. نتیجه یک تحقیق علمی جدید دیگر، بیانگر آن است که، مشارکت در تأمین مالی احزاب از راه حق عضویت رو به کاهش بوده و در رابطه

با آمارهای مالی احزاب، در واقع رقمی قابل توجه نیستند، به طوری که کمتر از یک چهارم کل درآمدهای آنها از مشارکت های اعضا حاصل می آید (ناسماچر، ۲۰۰۰، ۲۳۳). شکل دیگر تأمین مالی احزاب از طریق بخش خصوصی، در اصل سرمایه داری ریشه دارد. پلوتوکراسی، به معنای حاکمیت اغنیا، اساساً نوع غیردموکراتیکی از مشروعیت قدرت سیاسی است. بعضی از نظریه پردازان اعتقاد دارند، در اختیار داشتن مقادیر هنگفتی از دارایی های مالی توسط اغنیا، امکان کنترل و تأثیر قاطع آنها بر دولت را، علیرغم اصل "هر فرد یک رأی" فراهم می آورد. تأثیر تعیین کننده اغنیا می تواند، ترجیحات جمعی جوامع را منحصرأ در جهت میل اعضای سرمایه دار تنظیم نماید. به این دلیل، شمار فزایندهای از مقررات تنظیم کننده این نوع تأمین مالی، به مقررات مرتبط با احزاب و انتخابات افزوده شده اند. در ادامه نگاهی مختصر به تمایلات موجود در نوع پلوتوکراتیک تأمین مالی احزاب سیاسی خواهیم داشت.

تأمین مالی از طریق سرمایه داران در سال های پایانی قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، خصوصاً در کشورهای پیشرفته ای هم چون ایالات متحده و بریتانیا به اوج خود رسید. در این کشورها منبع اصلی درآمدهای حزبی، اشخاص سرمایه دار بوده اند. پس از آن مؤسسات سرمایه گذار (اتحادیه های صنفی، شرکت ها) به تأمین مالی احزاب روی آوردند که در نتیجه آن، به طور تدریجی از اهمیت وجوه پرداختی از سوی منابع پلوتوکراتیک کاسته شد. از اهمیت درآمدهای حاصل از سرمایه داران، زمانی بیشتر کاسته شد که، دولت ها در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به تأمین مالی احزاب روی آوردند. با این همه، کاهش سهم درآمدهای حاصل از سرمایه داران، دارای یک روند خطی نبوده است. در نظام های شبه دموکراتیک کشورهای آسیایی (ببرهای آسیا)^۱، اهمیت اشخاص دارای توانایی های مالی، در تأمین مالی احزاب سیاسی هم چنان در سطح نسبتاً بالایی است. به طور مشابه، برخلاف دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰، به دنبال "انقلاب های نئولیبرالی"^۲ و مطرح شدن دولت های رفاه در بسیاری از دموکراسی های پیشرفته غربی (زمانی که نقش تأمین مالی از طریق منابع عمومی افزایش و نقش بخش خصوصی سرمایه دار در این زمینه کاهش یافته بود)، گروه بزرگی از تازه به دوران رسیده ها ظهور یافتند که با اموال شخصی خود، از احزاب حاکم حمایت می نمودند. لذا به طور مثال، در بریتانیا به طور فزاینده ای سخن از نیاز به احیای دوباره شکل پلوتوکراتیک تأمین مالی احزاب و کاندیداها شنیده می شود. در همین دوره، مبالغ هنگفتی از منابع سرمایه داری در حال انتقال به احزاب چپ میانه (که به طور سنتی

۱- Asian tigers.

۲- Neoliberal revolutions.

همواره از کمک‌های افراد سرمایه‌دار برخوردار بوده‌اند)، می‌باشد. نمونه قابل توجهی از این نوع، حزب کارگر در بریتانیا است.

در بسیاری از کشورهای غربی خصوصاً ایالات متحده، قوانین تنظیم‌کننده احزاب یا انتخابات، تأمین مالی از طریق افراد سرمایه‌دار را تابع مقرراتی دقیق می‌سازند. تمامی کمک‌های دریافتی متجاوز از یک مبلغ مشخص باید به طور علنی اعلام شود؛ به گونه‌ای که امکانپذیر نیست به کاندیدایی، بدون وجود سابقه‌ای عمومی، قانوناً کمکی اعطا شود. با این وجود، روش‌های متعددی از تقلب در رابطه با چنین مقررات قانونی وجود دارند. خرد کردن کمک‌های بزرگ به کمک‌های کوچکتری که در نتیجه، الزامی به گزارش آنها وجود ندارد، وام دادن پول به احزاب در قالب قرض، پرداخت پول به حساب‌های شخصی سیاست‌مداران و نه بودجه‌های حزبی، از این نوع به شمار می‌آیند.

کمک‌های دریافتی از اتحادیه‌های صنفی یا شرکت‌های خصوصی، به طور سنتی با منافع روشن و صریح مترتب بر تصمیمات دولتی (مرتبط با این سازمان‌ها) توأم بوده‌اند. به عنوان یک قاعده، اتحادیه‌های صنفی، احزاب سوسیال دموکرات و کمونیست را تأمین مالی می‌کنند. زیرا این احزاب تلاش دارند تا از طریق قوه مقننه، برخی قوانین مربوط به مسائل کارگری مانند حداقل مزد و مسائل مشابه را به تصویب برسانند. حال آن‌که رؤسای هیأت مدیره‌ها که برای حفظ جایگاه خود، تضمین منافی مخفیانه را دنبال می‌کنند، به عنوان یک قاعده از احزاب محافظه‌کار و لیبرال حمایت کرده‌اند که خواهان کاهش مالیات‌ها، مقرراتزدایی از مشاغل آزاد و... بوده‌اند. هر دو گروه تلاش دارند تا، به تأمین مالی احزابی بپردازند که منافع آنها را بیشتر تأمین خواهد نمود. این نوع تأمین مالی پیامد این واقعیت است که، جامعه به دو طبقه جدا از هم تقسیم می‌شود. طبقه سرمایه‌داران و متوسط از یک طرف (حامیان احزاب محافظه‌کار و لیبرال) و طبقه کارگر (حامی احزاب سوسیال-دموکرات، سوسیالیست و کمونیست) از طرف دیگر. کشوری که این نوع تأمین مالی احزاب به طور سنتی در آن غالب بوده، کشور بریتانیا است. با این وجود، در گذار تدریجی از جامعه صنعتی به جامعه پسا صنعتی، اهمیت چنین تقسیمی از میان رفته است. در پایان قرن بیستم، دیگر تعارضات سیاسی، چندان حول چنین تقسیماتی نچرخید و اهمیت موضوع تأمین مالی، از طریق نهادها و مؤسسات را تضعیف نمود.

در نظام حقوقی ایران، با تصریح این مطلب که منابع مالی احزاب، باید در مرام نامه آنها مشخص باشد^۱، در ماده ۱۸ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی

۱- بند (و) تبصره ۳ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی مصوب ۳۰/۳/۱۳۶۱

و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده (مصوب سال ۱۳۶۰) به طور ضمنی، تأمین مالی از طریق منابع خصوصی پذیرفته شده و تنها با این شرط توأم شده است که «بودجه ی گروه ها باید از طریق مشروع و قانونی تأمین و به شکل مشروع و قانونی صرف گردد». بر همین اساس، طبق تبصره ماده مزبور، «درآمد و هزینه گروه های پروانه دار باید در دفاتر قانونی ثبت شود و در پایان سال مالی برای بررسی در اختیار کمیسیون ماده (۱۰) قرار گیرد». البته در بند (ی) ماده ۱۳۹ قانون مالیات های مستقیم (اصلاحی ۱۳۸۰) به شیوه هایی هم چون «کمک ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی و هم چنین حق عضویت اعضا» احزاب و «جوهری که به موجب قانون و مقررات مربوطه، از درآمد یا حواله زحمه اعضا آنها کسر و به حساب مجامع مزبور واریز می شود»، اشاره شده است. در این باره نباید شرط مذکور در بند (ج) ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب فراموش شود که، «دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان» با ممنوعیت و مجازات قانونی همراه است.

۳- فساد مالی و تأمین مالی غیر قانونی

تأمین مالی احزاب سیاسی و انتخابات به صورت غیرقانونی، معضل حاد تمامی نظام های سیاسی بوده و اخیراً، این موضوع مورد توجه جدی پژوهشگران قرار گرفته است. یکی از مهم ترین تحقیقات در خصوص این پدیده، توسط یکی از دانشمندان علوم سیاسی آمریکا به نام سوزان رز-آکرمَن (۱۹۹۹) صورت گرفته است. او در کتاب خود با عنوان "فساد و دولت: علل، پیامدها و اصلاحات"^۱ به بررسی هنجار جهانی در رابطه با تأمین مالی احزاب سیاسی پرداخته است. بر اساس این چشم انداز، نظام های سیاسی دموکراتیک می بایست، روشی را برای تأمین مالی احزاب سیاسی و رقابت های سیاسی بیابند که در آن، سیاست مداران ترغیب نشوند خود را به کمک دهندگان و تهیه کنندگان درآمدهای حزبی بفروشند. به نظر وی، قوانین موجود در دموکراسی پیشرفته غربی، برخی مکانیسم های قانونی بسیار دقیق را شکل داده اند که، فرصت های تأمین مالی احزاب سیاسی را مقررات گذاری و قاعده مند می نمایند. اشکال قانونی کمک ها و اشکال متفاوتی که دقیقاً قانونی نیستند، از سوی عموم مردم و قوه قضاییه کنترل می شوند. چرا چنین کنترلی؟ پاسخ را در این واقعیت ساده می توان یافت که، روش تأمین مالی احزاب سیاسی می تواند عمیقاً بر نهادهای دموکراتیک تأثیرگذار باشد. چنان چه منافع گروه ها یا افراد مختلف، مغایر با منافع عموم جامعه باشد، چه بسا ارزش های دموکراتیک زیر پا گذاشته شوند. در این قضیه، فرآیند انتخابات به عنوان ابزاری برای سیاست مداران نقش ایفا می کند تا منافع نهاد انتخاباتی خود را توسعه دهند. هم چنین رأی دهندگان می توانند سیاست مداران یا

۱- Susan Rose - Ackerman.

۲- Corruption and Government : Causes, Consequences and Reform.

احزاب را تنبیه نمایند. خصوصاً سیاست مداران یا احزابی را که به نظر می رسد به گونه ای جدی با منافع گروه های ذی نفع خاصی پیوند خورده اند. با این وجود، شرط کلیدی برای این امر آن است که رأی دهندگان برخی مطالب را درباره رفتار نمایندگان شان و این که چه کسی منابع مالی آنها را تأمین می کند، بدانند. لذا به این نتیجه نهایی می توان رسید که، فساد مالی وجود خواهد داشت حتی، اگر کمک ها قانوناً مجاز باشند؛ در صورتی که، روش هایی که از طریق آن، این کمک ها بدست می آیند، برای عموم مردم شفاف سازی نشوند.

سوزان رز- آکرم، در اثر خود، نمونه های بدیهی متعددی از موارد تخصیص ناصحیح منابع مالی برای اهداف سیاسی را فهرست می نماید. در سال ۱۹۷۷ در کارولینای شمالی، یک شرکت ساختمان سازی که منافع مورد توقع خود از کمک در قالب قراردادهای خدمات عمومی را بدست نیاورده بود، خواستار استرداد مبالغی شد که در رقابت انتخاباتی فرماندار آن ایالت سرمایه گذاری کرده بود. هم چنین، تحقیق صورت گرفته از سوی برخی دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی ژاپن نشان می دهد که، سیاست مداران با کمک به شرکت های محلی برای انعقاد قرارداد، درصدی از ارزش قرارداد را به عنوان جبران تلاشهایشان مطالبه می نمودند. در دهه ۱۹۹۰ در اسپانیا یک رشته رسوایی ها در رابطه با تلاش برخی سیاست مداران برای تأمین مالی احزاب خود از طریق بانک ها و مشاغل خصوصی (با قرار دادن آنها در فهرست خدمات مشاوره ای صوری) منتشر شد. نهایتاً، بدنامترین دعوای حیف و میل اموال خصوصی با اهداف سیاسی در دهه گذشته در ایتالیا در رقابت موسوم به "دستان پاک" رخ داد. رهبران حزب، مقامات شبه حزبی را در پست هایی منصوب نمودند که در آن رشوه خواری به صورت امری عادی درآمده بود. در این رابطه، صنعت ساختمان سازی به عنوان منبع درآمدی بود که به طور خاصی پرمفعت به شمار می آمد. "جمع آورندگان وجوه" به دریافت رشوه و انعقاد قرارداد برای خدمات عمومی غیرموجود می پرداختند. اگر چه به طور رسمی این افراد سیاست مدار نبوده اند، اما به صورت دو فاکتو، آنها را می توان سیاست مدار دانست؛ چرا که آنها به عنوان افراد برخوردار از اعتماد خاص رهبران حزبی، واسطه هایی بوده اند میان کارفرمایان و مقامات دولتی در تأمین مشاغلی که با درآمد عمومی تأمین مالی می شد.

در ایران با توجه به اهمیت نظارت مالی بر فعالیت های احزاب، قانون گذار در ماده ۱۸ قانون فعالیت احزاب (مصوب ۱۳۶۰) بر شفافیت درآمدها و هزینه های آنها تأکید نموده و به کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب این مأموریت را داده تا در پایان سال مالی دفاتر قانونی احزاب را مورد بررسی قرار دهد. با همین رویکرد، دولت نیز در ماده ۸ آیین نامه نحوه پرداخت یارانه به

۱- Clean hands.

۲- Money Collectors.

احزاب و گروه‌های مشمول "قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده" مصوب ۱۳۸۰ و تبصره آن مقرر داشته است: «کلیه تشکل‌ها و گروه‌های مشمول دریافت یارانه موظفند وجوه دریافتی را در جهت اهداف و برنامه‌های گروه بکار برده و در پایان سال مالی گزارش آن را جهت بررسی کمیسیون ماده (۱۰) قانون یاد شده به وزارت کشور ارسال نمایند.

تبصره: گروه‌هایی که فاقد گزارش مالی باشند، در دوره‌های بعد، از دریافت یارانه محروم خواهند شد. دریافت مجدد یارانه، منوط به ارائه گزارش مالی و تأیید آن توسط وزارت کشور خواهد بود.

بند سوم - کمک‌های غیرنقدی و حمایت غیرمستقیم

۱- دسترسی به رسانه‌ها

مطالعات متعددی در رابطه با اهمیت پوشش تلویزیونی برای موفقیت یک حزب و کاندیداهای آن صورت گرفته است. با این وجود، باید خاطر نشان نمود که، توزیع منصفانه وقت تلویزیون میان تمامی احزاب سیاسی و کاندیداها، یکی از ابعاد مهم تنظیم تأمین مالی سیاسی در سرتاسر جهان می‌باشد. یکی از مهم‌ترین نمونه‌های کمک‌های غیرمستقیم دسترسی آزادانه به رسانه‌ها، تلویزیون می‌باشد. استثنایی بر این قاعده، ایالات متحده می‌باشد که در آن پوشش تلویزیونی باید خریداری شود و در نتیجه، هیچ محدودیت زمانی بر آن مترتب نیست. این تلقی وجود دارد که این امر یکی از دلایل عمده برای رشد شدید هزینه رقابت‌های انتخاباتی در ایالات متحده است.

سؤالات بی‌پاسخ متعددی راجع به دسترسی آزادانه به تلویزیون وجود دارد. اولین مسأله، بی‌علاقگی احتمالی تهیه‌کنندگان تلویزیون به ارائه زمانی وسیع، جهت تبلیغ احزاب و کاندیداها است. به عقیده نظریه پردازان عرصه رسانه، دلیل بنیادین برای این امر، این واقعیت است که چنین برنامه‌هایی، مخاطبان زیادی را به خود جلب نمی‌کنند. لذا از آن جا که اولویت اصلی تهیه‌کنندگان تلویزیون کسب بالاترین رتبه بندی احتمالی می‌باشد، آنها مایل به این نیستند که، فضای زیادی را به رقابت‌های انتخاباتی اختصاص دهند. مشکل عمده دیگر، توزیع منصفانه فرجه‌های تلویزیونی به احزاب مختلف می‌باشد. این مسأله، مسأله حساسی است. اگر توزیع، مبتنی بر نتایج انتخابات اخیر باشد، احزاب تازه شکل گرفته و احزابی که محبوبیت آنها در دوران پس از انتخابات افزایش یافته، محروم خواهند ماند. از سوی دیگر، چنان چه زمان تلویزیون بین تمام احزاب به طور برابر تقسیم شود، احزاب سیاسی اقلیت و رادیکال فرصت‌هایی برای ارائه عمومی دریافت می‌نمایند که، کاملاً با نفوذ و تاثیرگذاری سیاسی واقعی آنها متناسب نیست. به رغم همه این مشکلات، باید اذعان داشت که، توزیع

منصفانه زمان تلویزیون و پوشش تلویزیونی رقابت های انتخاباتی در رسانه های الکترونیکی، سهم عمده ای را در دموکراتیزه سازی فرآیند سیاسی برعهده دارند.

در نظام حقوقی ایران، طبق بند (الف) ماده ۵۵ قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، «تلاش، جهت برگزاری بحث های آزاد و آموزنده میان احزاب و سازمان های سیاسی قانونی کشور، که در درجه اول به روشن شدن بینش های اصیل سیاسی-اسلامی و در درجه بعد به تفاهم سیاسی میان این گروه ها و برخورد سالم آنها با یکدیگر کمک کند»، از وظایف این سازمان قلمداد شده است. در این باره، قانون گذار هیچ اشاره ای به میزان و نحوه دسترسی احزاب به امکانات صدا و سیما، در راستای فعالیت های حزبی و گروهی خود، خصوصاً در ایام انتخابات ننموده است. با این حال، با توجه به ماده ۵۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۶۲) که: «انجام هر گونه فعالیت تبلیغاتی از تاریخ اعلام رسمی اسامی نامزدها له یا علیه نامزدهای نمایندگی مجلس از رادیو و تلویزیون» را ممنوع دانسته، به نظر می رسد، نظر قانون گذار بر آن بوده است تا، به منظور جلوگیری از سوء استفاده از تریبون های عمومی و پرمخاطب، انجام فعالیت های انتخاباتی احزاب از طریق صدا و سیما در مدت زمان انتخابات با محدودیت مواجه شود. جدای از آن، ظاهراً عدم توسعه فرهنگ حزبی در عرصه انتخابات، قانون گذار را بر آن داشته تا در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری نیز تنها بر تبلیغات انتخاباتی اشخاص نظر داشته و در ماده ۶۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۴) مقرر دارد: «نامزدهای ریاست جمهوری که صلاحیت آنان توسط شورای نگهبان تأیید و اسامی آنها از طرف وزارت کشور اعلام می گردد، هر یک حق دارند به طور مساوی از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران برای معرفی و ارائه برنامه های خود استفاده نمایند. ترتیب و تنظیم برنامه های تبلیغات نامزدهای انتخاباتی از طریق صدا و سیما به عهده کمیسیون بررسی تبلیغات می باشد».

۲- حمایت مالی غیرمستقیم

بررسی تأمین مالی احزاب سیاسی و انتخابات، بدون ارزیابی نقش تأمین های مالی غیرمستقیم، خواه از طریق بخش خصوصی و خواه عمومی کامل نخواهد بود. اشکال متعددی از تأمین مالی غیرمستقیم مانند سهمیه کاغذ، سوخت رایگان، کمک به اجاره دفاتر حزب یا ستادهای انتخاباتی نامزدها و ... وجود دارند. اما در کنار اینها، در رابطه با "درآمدهای عمومی" یعنی در فضای کمک های مالی بخش عمومی، به طور خاص، احزاب ممکن است از دو نوع امتیاز برخوردار شوند: کسر از مالیات و یارانه های مالیاتی، که نمونه ای از آن در آلمان وجود دارد. در این کشور، چنان چه شما مبلغی بالغ بر ۳۰۰۰ یورو به یک حزب

سیاسی کمک نمایید، از آن جا که این مبلغ از درآمد کلی شما کاسته می شود، مبنای مالیاتی شما پایین آورده می شود.^۱ نوع دوم از تأمین غیرمستقیم، یارانه های مالی است. این یارانه ها در آلمان (برای کمک هایی به میزان ۱۵۰۰ یورو به ازای هر شخص) و در برخی کشورهای دیگر وجود دارد. به طور مثال در کانادا، سیستم ذیل مشاهده می شود: ۷۵ درصد یارانه به ازاء یکصد دلار کمک اهدا شده، سپس ۵۰ درصد یارانه برای کمک های بین ۱۰۰ و ۵۵۰ دلار و ۳۳ درصد یارانه برای کمک های بین ۵۵۰ و ۱۱۵۰ دلار. این، صرفاً بدین معناست که، شخصی که یکصد دلار به یک حزب سیاسی کمک می کند، تنها ۲۵ دلار می پردازد و بقیه از بودجه ملی پرداخت می شود. پیامد مستقیم چنین شکلی از تأمین مالی، اتکای تأمین مالی سیاسی به کمک های کوچک و در نتیجه کاسته شدن از نقش کمک دهندگان بزرگ می باشد. به عبارتی دیگر، منابع مالی حزبی به صورت پراکنده درآمده و احتمال فساد مالی را کاهش می دهد. این امر باعث می شود که تأمین مالی احزاب سیاسی و انتخابات با جوهره تصمیم سازی دموکراتیک (هر فرد یک رأی) هم سو گردد.

شکل دیگری از تأمین غیرمستقیم، موسوم به "مالیات های حزبی"^۲ است. صاحب نظران علوم سیاسی معاصر این رویه را یکی از مزایایی قلمداد می کنند که، رهبران حزبی برای حامیان خود فراهم می آورند (پس از این که به قدرت دست یافتند). غالباً این امر، شکل یافتن مشاغلی برای حامیان آنها و برخورد تبعیض آمیز به نفع شرکت های کمک کننده را به خود می گیرد. از مقامات حزبی پس از این که از قدرت برخوردار شدند، توقع می رود که، بخشی از حقوق شان را به صندوق حزب خود برگردانند. برای مثال، در ایالات متحده، افرادی که شغلی را در خدمات عمومی بدست می آورند (علی رغم شرایط ناکافی شان)، متعهد هستند که بخشی از حقوقشان را به دستگاه حزبی متبوع خود بازگردانند.

نهایتاً، شکل عمده دیگری از تأمین غیرمستقیم، نهادهای سیاسی هستند. آنها اگر چه از لحاظ شکلی مستقل می باشند، اما به احزاب سیاسی وابسته هستند. این نهادها اگر چه نمی توانند در انتخابات به طور مستقیم مشارکت نمایند، اما به طور غیرمستقیم این کار را با سازماندهی و آموزش سیاسی اعضای احزاب و فعالان آنها، نظرسنجی ها و آنالیزهای پیش از انتخابات و کمک به شعبات احزاب در خارج از کشور به انجام می رسانند.

۱- در نظام حقوقی ایران نیز به موجب بند (ی) ماده ۱۳۹ قانون مالیات های مستقیم (اصلاحی ۱۳۸۰) مقرر شده است: «کمک ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی و همچنین حق عضویت اعضای مجامع حرفه ای، احزاب و انجمن ها و تشکل های غیر دولتی که دارای مجوز از مراجع ذی ربط باشند و وجوهی که به موجب قانون و مقررات مربوط از درآمد یا حق الزحمه اعضای آنها کسر و به حساب مجامع مزبور واریز می شود، از پرداخت مالیات معاف است».

۲- Party taxes.

بند چهارم - کنترل عمومی درآمدهای حزبی و مقررات گذاری آنها

مقررات گذاری تأمین مالی احزاب، امروزه از مهم ترین موضوعات در حوزه درآمدهای سیاسی یا سرمایه حزبی به شمار می آید. در دموکراسی های غربی، مقررات گذاری در این حوزه، تا اندازه زیادی مفصل و پیچیده شده است. اصول عام مربوط به منابع تأمین مالی احزاب و یا کاندیداهای مستقل در انتخابات، با مقرراتی بسیار دقیق درباره روشی که از طریق آن، وجوه حزبی باید استفاده شوند، جایگزین شده اند (صرف نظر از این که از منابع خصوصی یا عمومی بدست آمده اند). مقررات گذاری درآمدهای حزبی، شمار زیادی از موضوعات مربوط به روش جمع آوری و توزیع "درآمدهای سیاسی" را در بر می گیرد. ادامه این موارد مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- محدودیت هایی بر درآمدها و هزینه ها

محدودیت های وارد بر هزینه، عمدتاً معطوف به فعالیت های انتخاباتی احزاب است. به عنوان یک قاعده، تأمین مالی فعالیت های روزمره حزبی تابع هیچ گونه محدودیتی نیست. با این وجود، این مسأله مطرح است که آیا امکان پذیر است که به طور صحیحی میان فعالیت های حزبی روزمره و فعالیت های انتخاباتی قائل به تمییز شویم؟ مسأله مهم دوم، کمک های غیرنقدی است، که احزاب غالباً در رقابت های انتخاباتی دریافت می نمایند. آیا نظارت مؤثری بر هزینه های حزبی، در مواقعی که احزاب، هزینه یک رشته از خدمات (مواد تبلیغاتی، هزینه های چاپ، حمل و نقل و...) را نه به صورت نقدی، بلکه جنسی می پردازند، امکان پذیر است؟ فارغ از عدم توافق نظر در رابطه با این که چنین مواردی را باید در هزینه واقعی جای داد یا خیر، در بسیاری از کشورها، محدودیت های وارد بر هزینه های رقابتی، از طریق قانون تنظیم می شوند. در بریتانیا، اگرچه محدودیت هایی نسبت به کاندیداهای مستقل اعمال می شود، اما این محدودیت ها بر اداره مرکزی احزاب کشور اعمال نمی شوند. از سوی دیگر، در ایالات متحده، محدودیت هایی بر هزینه رقابت انتخاباتی کاندیداهایی وجود دارد که از کمک های منابع عمومی برخوردار شده اند. در کانادا، محدودیت های مشخصی بر هزینه رقابت های آینده نسبت به تمامی احزاب سیاسی (نه صرفاً کاندیداهای مستقل) اعمال می شود.

این وضع محدودیت بر هزینه های مالی، باید توأم با مجموعه ای از قواعد اداری باشد که این محدودیت ها را کنترل نمایند. قبل از همه، لازم است که یک مکانیسم نظارتی تعبیه شود تا از طریق آن، مبالغ مربوط به هزینه ها، از قبل مورد تصویب قرار گیرند. به منظور تضمین عدم تجاوز از محدودیت های مقرر، باید مجازات هایی (همراه با مکانیسم هایی برای اعمال این قواعد) در این زمینه پیش بینی شود. در بریتانیا، کاندیداهای پارلمان ملی که از محدودیت های

مالی مجاز تجاوز نمایند، می بایست استعفا دهند و نامزدی خود برای کرسی پارلمان را رها کنند. به خاطر این نقض محدودیت ها، مخالفان سیاسی آنها از این حق برخوردارند که در دادگاه های عادی به اقامه دعوی علیه آنها بپردازند. در استرالیا، کانادا و ایالات متحده، چنین دعاوی را در دادگاه های عادی نمی توان اقامه نمود، بلکه این دعاوی را باید در اداره تخصصی انتخابات مطرح کرد. در ایالات متحده، این مسئولیت بر عهده کمیسیون فدرال انتخاباتی می باشد (به عنوان یک نهاد از لحاظ مالی مستقل). این نهاد، از نظر سازمانی از ساختاری برخوردار است که به طور مستقل می تواند رعایت محدودیت های مالی را مورد نظارت قرار دهد.

هدف از وضع محدودیت هایی بر درآمد، کاستن از احتمال خطر وابستگی شدید احزاب یا کاندیداها به کمک دهندگان بزرگ است. این محدودیت ها به شیوه های مختلفی اعمال می شوند، که گاهی اوقات متوجه احزاب و گاهی متوجه کاندیداها است. برای مثال، در ایتالیا، هیچ محدودیتی در رابطه با احزاب سیاسی وجود ندارد، بلکه محدودیت هایی بر کاندیداها مستقل اعمال می شود.

روش تعیین این محدودیت ها متغیر است. آنها ممکن است در قالب مبلغ مشخصی وجه نقد، درصدی از درآمد یا دارایی های اهدا کننده، یا مبتنی بر مقیاس مشخصی مثل حقوق میانگین، تبیین شوند. از جمله کشورهایی که در آنها محدودیت ها به درآمد بستگی دارند، برزیل، فرانسه، هند، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، روسیه، ایالات متحده، اسپانیا، تایوان و ترکیه هستند. باید خاطر نشان نمود که، محدودیت ها در بسیاری از کشورها تنها نسبت به گروه های خاصی از کمک دهندگان اعمال می شود. در هند این محدودیت ها نسبت به شرکت ها و در مکزیک نسبت به سازمان های غیرانتفاعی اعمال می شوند. از سویی دیگر، در بسیاری از کشورها چنین محدودیت هایی اصلاً وجود ندارند مانند استرالیا، جمهوری چک، یونان، کانادا، هلند، آلمان، سوئد و بریتانیا.

ارقام این محدودیت ها، بسیار جالب توجه هستند. در ایالات متحده، افراد می توانند به کاندیدای شرکت کننده در انتخابات فدرال به میزان یک هزار دلار، به یک کمیته حزبی برای فعالیت های سیاسی ۵۰۰۰ دلار در سال و به یک کمیته ملی حزبی ۲۵۰۰۰ دلار در سال کمک نمایند. در ایتالیا، محدودیت حمایت مالی از هر منبع، ۲۰ میلیون لیره، در فرانسه ۵۰ هزار فرانک برای یک حزب و ۳۰ هزار فرانک برای کاندیداها مستقل است. در این رابطه، قوانین و مقررات موجود در نظام حقوقی ایران، حاکی از اعمال محدودیت هایی از این دست نمی باشد. به موجب مواد ۱۶ و ۱۸ قانون احزاب، تنها محدودیت آن است که درآمدها از منابع خارجی تحصیل نشده و به طور مشروع و قانونی به دست آمده باشد.

۲- حسابرسی عمومی نسبت به تأمین مالی حزبی

جوهره مسئولیت در رابطه با تأمین مالی حزبی، تلاش برای تقویت پاسخ گویی نسبت به نحوه استفاده از درآمدهای سیاسی و پیشگیری از فساد مالی است. روشی که احزاب در رابطه با اموالشان از طریق آن تحت نظارت قرار می گیرند، از کشوری به کشور دیگر، به شدت متفاوت است. این امکان وجود دارد که مؤلفه هایی را بتوان انتخاب نمود، اما این مؤلفه ها در کشورهای متفاوت به صورت گزینشی اعمال می شوند.

قبل از همه، می توان تعهد بر افشای هزینه ها را از تعهد بر افشای درآمدها، منفک نمود. در بریتانیا، کاندیداهای پارلمان متعهد هستند که نسبت به هزینه هایشان تحت نظارت باشند، اما این امر در رابطه با درآمدهایشان صادق نیست. اختلافات عمده ای در قلمرو اعلان عمومی درآمدهای سیاسی وجود دارد. در بسیاری از کشورها تنها کل مبالغ و بندهای اصلی درآمدها و هزینه ها باید گزارش شوند. با این وجود، در برخی کشورها، ارائه گزارش های کاملی در خصوص تمامی درآمدها و هزینه ها به صورت یک هنجار وجود دارد. مؤلفه تمییز دهنده دیگر، تفاوت در نحوه برخورد با احزاب سیاسی و کاندیداهای مستقل است. برای مثال، در بریتانیا، تنها درآمدهای کاندیداها باید گزارش شود و حال آن که در آلمان، این درآمدهای احزاب است که باید منتشر شود. به طور مشابه، برخی کشورها قائل به تفاوت میان وجوه مورد استفاده برای رقابت ها و وجوه مورد استفاده برای فعالیت های روزمره احزاب شده اند. به طور مثال، در آلمان اطلاعات مربوط به تمامی درآمدها و هزینه های حزبی به طور منظم منتشر می شوند و هزینه های رقابتها به طور مجزا لیست نمی شوند. مشابه این مطلب در سوئد اعمال می شود.

دو مسأله به طور خاص و حساس در این جا عبارتند از این که: چه شخصی موظف به انتشار گزارشهای مالی آنها می باشد؟ و این گزارشها باید خطاب به چه شخصی باشد؟ در این رابطه، باید بین سیستم مبتنی بر تکلیف کمک دهندگان به اعلان کمک هایشان و سیستمی که دریافت کننده کمک ها- حزب سیاسی یا کاندیدا- را مکلف به اعلان کمک ها می کند، قائل به تمییز شد. در بریتانیا کمک دهندگان موظفند، درباره کمک های خود به ارائه گزارش بپردازند، حال آن که در بسیاری از کشورهای اروپایی، این مسئولیت بر دوش دریافت کنندگان کمک هاست. نهایتاً، نحوه ارائه درآمدهای سیاسی چندان آشکار نیست. این اعتقاد عمومی وجود دارد که افشای عمومی درآمدهای حزبی، شامل اطلاع رسانی به عموم، از طریق رسانه ها می شود. با وجود این، در برخی کشورها، تکلیف بر افشاء برای عموم مردم وجود نداشته و تنها باید به نهادهای خاص حسابرسی که بر درآمدهای سیاسی نظارت دارند، گزارش دهی شود.^۱

۱- در تبصره ماده ۱۸ قانون فعالیت احزاب (مصوب ۱۳۶۰) در این باره مقرر شده است: «درآمد و هزینه گروه های پروانه دار باید در دفاتر قانونی ثبت شود و در پایان سال مالی برای بررسی در اختیار کمیسیون

لذا روش حسابرسی عمومی درآمدهای احزاب یا کاندیداهای مستقل، به نظام مقررات گذاری و تأمین مالی احزاب و انتخابات بستگی دارد. تنها مطلب غیراختلافی این است که، تکلیف بر اعلان عمومی تأمین مالی سیاسی عموماً مؤلفه مهمی از موارد اصلاحات آنها به شمار می آید. یکی از پژوهشگران بزرگ در عرصه تأمین مالی سیاسی، هربرت الکساندر^۱ اظهار می دارد: «ادعا این است که یک نظام مؤثر گزارش دهی عمومی، باید مسئولیت مالی را در پی داشته، اعتماد عمومی به فرآیند انتخاباتی را افزایش داده و از تجاوز و سوء استفاده ها (با افزایش خطرات سیاسی نسبت به کسانی که در رویه های رقابتی غیرمنصفانه یا غیرقانونی شرکت می کنند) جلوگیری نماید».

جمع بندی نهایی: آسیب شناسی هزینه های انتخاباتی احزاب و کاندیداها و راه کارهای پیشنهادی

با توجه به آن چه که گفته شد، هزینه فعالیت های انتخاباتی احزاب و هم چنین کاندیداها چه از منابع مالی عمومی و چه منابع خصوصی تأمین شوند، در هر حال با این آسیب جدی مواجه خواهند بود که، میزان دقیق این منابع و درآمدها و طرز هزینه کرد آنها آشکار نیست و لذا احزاب و کاندیداها ممکن است در فعالیت های انتخاباتی خود یا دست خوش وابستگی شدید به دولت و یا در معرض فساد و رسوایی مالی و دریافت رشوه از سرمایه داران و شرکت های بزرگ و در نتیجه انحراف از رقابت انتخاباتی سالم و حتی عدول از اهداف اصیل حزبی خود قرار گیرند. برای رفع این معضل، باید احزاب پاسخ گویی و شفافیت را حداقل در برابر اعضای خود سرلوحه کار خویش قرار دهند و البته بهتر آن است که با زمان بندی مشخص و به طور جامع و قابل فهم برای عموم، اطلاعات مالی خود را و حداقل هزینه های انتخاباتی خود را به مردم اطلاع رسانی نمایند تا بدین وسیله اعتماد بیشتر دولت، برای کمک بیشتر به احزاب و هم چنین مشارکت مردم برای این امر را فراهم آورند.

آسیب جدی دیگری که می تواند اعتماد دولت یا مردم را در کمک به احزاب و کاندیداها تحت تأثیر خود قرار دهد، عدم وجود نهادی به منظور نظارت و حسابرسی بر درآمدها و هزینه های احزاب و کاندیداها در عرصه انتخابات است. قانون گذار باید علاوه بر شکل دهی چنین نهادی، استقلال عمل و کارآمدی آن را خصوصاً از طریق امکان دسترسی این نهاد به اسناد و اطلاعات مالی احزاب و تعیین ضمانت اجراهای مؤثر و کافی برای الزام احزاب به نظارت پذیری مالی فراهم آورد. به طور نمونه، در انگلستان، کمیسیون انتخاباتی از امکان نظارت بر هرگونه اسناد مالی احزاب به جز وام هایی که آنها تحصیل نموده اند، برخوردار است؛ اگرچه در اسپانیا و پرتغال، ناظران تنها می توانند اسناد و اطلاعاتی را مورد نظارت و

ماده (۱۰) قرار گیرد».

۱- Alexander.

کنترل قرار دهند که احزاب، خود در اختیار آنها قرار می‌دهند. در رابطه با ترکیب این نهاد و نقش آن در حفظ استقلال و کارآمدی آن نیز باید اشاره کرد که در فرانسه، ترکیب چنین نهادی به گونه‌ای پیش‌بینی شده است که، در آن پارلمان و دولت که ممکن است دغدغه‌های حزبی داشته باشند، دخالتی نداشته باشند؛ اعضای این کمیسیون از شورای دولتی، دیوان عالی کشور و دیوان محاسبات انتخاب می‌شوند و این در حالی است که در فدراسیون روسیه، ترکیب اعضای این نهاد از دستگاه‌های مختلف دولتی و در بلژیک از اعضای دو مجلس نمایندگان و سنا تشکیل می‌شود.^۱

مورد دیگری که تأمین مالی هزینه‌های انتخاباتی توسط دولت یا مردم را تهدید می‌کند، فقدان ضمانت اجراهای مؤثر، مناسب و بازدارنده‌ای است که بتواند احزاب و کاندیداهای انتخاباتی را از هرگونه نقض قوانین و مقررات یا تخلف از آنها بازدارد. لازمه پاسخ‌گویی و شفافیت در هزینه‌کرد احزاب و کاندیدها در عرصه انتخابات، تنها وجود مقررات قانونی و نظارت و حسابرسی نیست، بلکه باید ضمانت‌اجراهای قوی و مؤثری نیز در کنار موارد مذکور وجود داشته باشد. این ضمانت‌اجراها می‌تواند شامل جریمه‌های مالی، توقیف و مصادره درآمدهای غیرقانونی، قطع کمک‌های عمومی، عدم بازپرداخت هزینه‌های انتخاباتی، از دست دادن کرسی‌های پارلمانی، محرومیت از صلاحیت شرکت در انتخابات بعدی، حبس، انحلال حزب و ابطال نتایج انتخابات باشد.

در نهایت، جدای از مواردی که به آنها اشاره شد، در نظام حقوقی ایران، آن چه که بیش از همه به عنوان یک آسیب جدی در تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی خودنمایی می‌کند، عدم رشد فرهنگ حزب و فقدان تکاپوی سیاسی قوی و جدی احزاب در فضای اجتماعی کشور و حتی میل بیشتر افراد به اظهار عدم وابستگی حزبی در فرآیند انتخابات و علاوه بر اینها، شکل‌گیری خلق الساعه برخی تشکل‌های موقتی است که تنها در مدت برگزاری یک انتخابات بروز و ظهور دارند و پس از آن رو به محاق می‌روند. این تشکل‌ها هیچ اساسنامه و چارچوب حزبی قوی ندارند و لذا نمی‌توان آنها را در قالب یک حزب جای داد. هزینه‌هایی که این تشکل‌ها در انتخابات به نفع یک کاندیدا یا کاندیداهای مورد حمایت خود انجام می‌دهند و چگونگی جمع‌آوری منابع مالی آنها از نکات ابهام در فضای فعالیت‌های انتخاباتی در ایران است که باید به طور جدی سازماندهی شوند. تجربیات کشورهایی که تلاش آنها برای ممانعت از ایجاد فساد ناشی از امکانات قدرت سیاسی و هم‌چنین پرهیز از وابستگی نمایندگان احزاب به اشخاص ثروتمند به دلایل نیازهای مالی می‌تواند برای ساماندهی تأمین منابع مالی

^۱-Biezen. Ingrid van, Financing political parties and election campaigns – guidelines, Council of Europe publishing, December 2003, p. 65- 66; in: www.coe.int.

فعالیت‌های تشکل‌های سیاسی به طور کلی و هم‌چنین در شرایط رقابت‌های انتخاباتی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- آیین‌نامه اجرایی قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی مصوب ۳۰/۳/۱۳۶۱.
- قانون فعالیت احزاب، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۰.
- Alexander, Herbert(1976), Financing Politics: Money, Elections and Political Reform, Congressional Quarterly Press, Washington.
- Alexander, Herbert E.(1989), Comparative Political Finance in the 1980s, Cambridge University Press, Cambridge.
- Biezen. Ingrid van(2003), Financing political parties and election campaigns – guidelines, Council of Europe publishing, in: www.coe.int
- Heidenheimer, Arnold J./Hecklo, Hugh/Adams, Carolyn Teich(1990), Comparative Public Policy: The Politics of Social Choice in America, Europe, and Japan, St. Martin's Press, New York.
- Zakon o političkim strankama(1993), House of Representatives of the Parliament (Sabor) of the Republic of Croatia.
- Nassmacher, Kal-Heinz(2000). Comparing Party and Campaign Finances in Western Democracies, in: Gunlicks, Arthur B. (ed.), Campaign and Party Finance in North America and Western Europe, Universe.com, Inc., Lincoln.
- Pinto-Duschinsky, Michael(1981). British Political Finance 1830-1980, American Enterprise Institute, DC: Washington.
- Rose-Ackerman, Susan(1999), Corruption and Government: Causes, Consequences, and Reform, Cambridge University Press, Cambridge.
- The Federal Campaign Finance Law(1996), Washington: Federal Election Commission.
- The Law on Political Parties – Makedonija, documentation of the Croatian Law Centre(CLC), 2001.
- The Law on Political Parties – Germany, documentation of the Croatian Law Centre (CLC), 2001.
- The Law on Political Parties – Romania, documentation of the Croatian Law Centre (CLC), 2001.

تحلیل وضعیت موجود انتخابات در جمهوری اسلامی ایران

کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی^۱

چکیده

از مقدمات ورود به سیاست گذاری درباره هر مسئله ای شناخت وضعیت موجود و بررسی شرایط زمانی و مکانی آن مسئله است. از سوی دیگر، نیازسنجی نسبت به وجود یا عدم وجود یک سیاست کلی، مقتضی شناخت وضع موجود و سپس بررسی و تحلیل آسیب ها و چالش هایی است که بر سر راه رسیدن به وضعیت مطلوب وجود دارد.

انتخابات به عنوان اصلی ترین مسئله هر حکومتی که مبتنی بر آراء عمومی است، از این قاعده مستثنی نیست. لذا برای سیاست گذاری در باب انتخابات اولین گام، بررسی وضعیت موجود و احصاء آسیب ها و چالش های فراروی حکومت و مردم است.

این مقاله در مقام بررسی این مهم به تحول قوانین و نظام های انتخاباتی، حوزه بندی انتخابات، آمار انتخابات برگزار شده، شرایط موجود رأی دهندگان، از قبیل تابعیت و سن، نحوه نظارت بر انتخابات، تبلیغات انتخاباتی، جرایم انتخاباتی و زمان بندی انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. در انتها و در گام آخر آسیب ها و چالش های وضع موجود انتخابات احصاء شده است تا بدین وسیله گامی بلند، برای سیاست گذاری و پیشنهاد راه کارهای رسیدن به وضعیت مطلوب، برداشته باشیم.

کلید واژگان

انتخابات، تبلیغات، نظارت، آسیب شناسی، قانون گذاری

۱-تهیه و تنظیم: دکتر زینی وند کارشناس کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی.

مقدمه

در جمهوری اسلامی، انتخابات در سطوح مختلفی برگزار می‌گردد؛ انتخاب رهبر توسط مجلس خبرگان^۱، انتخاب رییس جمهور با رأی مستقیم مردم^۲، انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی به طور مستقیم و با رأی مخفی مردم^۳ و انتخابات شوراهای اسلامی محله، روستا، شهر، بخش، شهرستان، استان^۴. در این میان سه مورد انتخابات از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ که عبارتند از: انتخابات خبرگان رهبری، انتخابات رئیس دولت (ریاست جمهوری) و انتخاب نمایندگان مجلس قانون گذاری. اهمیت این سه نوع انتخابات، به لحاظ ویژگی خاص سیاسی آنها است که هر فرد به عنوان شهروند، ضمن رأی دادن، در واقع سرنوشت جامعه را رقم می‌زند. از سوی دیگر ابزار انتخابات در سطوح جغرافیایی گوناگون مانند محله‌ها، بخش‌ها، شهرستان‌ها، استان‌ها، شهرها و روستاها برای تعیین مشاوران و کارگزاران محلی به کار می‌رود و برقراری این گونه انتخابات به عنوان نشانه وسعت میدان دموکراسی تلقی می‌شود. در ادامه به تحولات و اصلاحات اعمال شده در قانون انتخابات اشاره می‌گردد.

۱- سیر بررسی تحول قانون انتخابات در جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک چالش^۵

۱-۱- قانون مصوب شورای انقلاب

فصل ششم قانون اساسی (اصول ۶۲ تا ۹۹) به قوه مقننه اختصاص داده شده است. مطابق اصل شصت و دوم قانون اساسی «مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌شود. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد». پس از پیروزی انقلاب، شورای انقلاب، اولین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی را تصویب و اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی بر اساس این قانون انجام شد. در این بررسی مختصر، به سیر دوره‌های مجلس شورای اسلامی و تحولات و تطورات قانون انتخابات در این ادوار می‌پردازیم. پس از تصویب اولین قانون انتخابات مجلس شورای ملی توسط شورای انقلاب، شش بار دیگر قانون انتخابات توسط این شورا اصلاح شد.

۱- اصول ۱۰۷، ۱۰۸، و ۱۰۹ قانون اساسی.

۲- اصل ۱۱۴ قانون اساسی.

۳- اصل ۶۲ قانون اساسی.

۴- اصل ۱۰۰ قانون اساسی.

۵- این قسمت برگرفته از: احمدی، علی، انتخابات در ایران، نشر میزان، ۱۳۸۹ است.

قوانین و اصلاحیه های قانونی مصوب شورای انقلاب

ردیف	تاریخ	شرح
۱	۱۰/۱۱/۱۳۵۸	قانون انتخابات مجلس شورای ملی مشتمل بر ۶۱ ماده و پانزده تبصره.
۲	۱۷/۱۱/۱۳۵۸	لایحه قانونی (ماده واحده) راجع به تأمین هزینه های برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی لازم است.
۳	۱۶/۱۲/۱۳۵۸	لایحه قانونی (ماده واحده) الحاق یک تبصره به لایحه قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب ۱۳۵۸.۱۱.۱۷. تبصره - در مناطقی که بر حسب اوضاع و احوال اجتماعی و جو فکری عضویت نامزدهای انتخابات شوراهای انجمن شهر در رژیم گذشته دارای مفهوم وابستگی نبوده باشد اعضای سابق این انجمن ها می توانند نامزد انتخابات مجلس شورای ملی شوند و همچنین است در مورد اقلیت های مذهبی.
۴	۱۸/۱۲/۱۳۵۸	لایحه قانونی (ماده واحده) پرداخت تعهدات راجع به انتخابات از محل مانده اعتبارات مربوطه.
۵	۲۴/۰۱/۱۳۵۹	لایحه اصلاح لایحه قانون انتخابات مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران. ماده ۴ اصلاحی: انتخابات به طور مستقیم و عمومی است و انتخاب نمایندگان با رأی مخفی می باشد. انتخاب نماینده در دور اول منوط به کسب اکثریت مطلق و در دور دوم با کسب اکثریت نسبی خواهد بود. ماده ۶ اصلاحی: اخذ رأی در سراسر کشور در یک روز انجام می شود و مدت آن حداقل ۱۰ ساعت است. تبصره اصلاحی: ملاک محاسبه سن رأی دهندگان و انتخاب شوندگان تاریخ روز اخذ رأی دور اول خواهد بود بنابراین افرادی که تا تاریخ فوق به سن ۱۶ سال تمام نرسیده باشند هر چند که در فاصله زمانی بین دور اول و دوم به سن قانونی برسند حق رأی در دور دوم انتخابات را نخواهند داشت. ۴ - به ماده ۲۳ دو تبصره به شرح ذیل اضافه می گردد: تبصره ۱ - در مواردی که وزارت کشور برای حسن انجام انتخابات در برگزاری دور دوم ضروری بداند، دستور تجدید انتخاب اعضای انجمن نظارت مرکزی حوزه انتخابیه را صادر خواهد کرد. تبصره ۲ - در مواردی که انجمن نظارت مرکزی ضروری تشخیص بدهد برای تجدید انتخاب اعضای انجمن های فرعی و شعب اخذ رأی تصمیم لازم را اتخاذ و مراتب را از طریق فرماندار یا بخشدار مرکز حوزه انتخابیه به فرماندار یا بخشدار مرکز حوزه فرعی اعلام می دارد. فرماندار یا بخشدار حوزه مکلف است نظر انجمن نظارت مرکزی را از طریق هیأت اجرایی حوزه فرعی به مورد اجرا بگذارد. ماده ۴۸ اصلاحی: اعتبارنامه منتخبین حوزه های انتخابیه با مهر و امضای هیأت اجرایی و اعضای انجمن نظارت مرکزی و مهر و امضای فرماندار یا بخشدار مرکز حوزه انتخابیه در چهار نسخه تنظیم و صادر می شود. ماده واحده ترتیب اخذ رأی و قرائت و استخراج آراء و اعلام نتیجه در حوزه انتخابیه تهران از طرف وزارت کشور تعیین و بر اساس دستورالعمل خاص اعلام خواهد شد.

<p>لایحه قانونی الحاق چهار تبصره به لایحه قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب ۵۸.۱۱.۱۷. تبصره ۲ الحاقی به ماده(۸)- در دور دوم انتخابات هیچ کس حق ندارد به جز در حوزه انتخابیه که در دور اول رأی داده است شرکت نماید</p> <p>تبصره ۴ الحاقی به ماده(۷): در صورت انصراف یک یا چند نفر از کسانی که در دوره اول انتخابات با به دست آوردن اکثریت نسبی به دور دوم راه یافته‌اند تا سه روز قبل از اخذ رأی از نفرات بعدی به ترتیب تعداد آراء برای شرکت در دور دوم دعوت خواهد شد و بعد از پایان مهلت، استعفا پذیرفته نشده و انتخابات تا حصول نتیجه ادامه می‌یابد.</p> <p>تبصره ۲ - الحاقی به ماده (۴۵): در صورت استعفاء یا فوت و یا برکناری هریک از نمایندگان منتخب دور دوم انتخابات مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران قبل از صدور اعتبارنامه انتخابات دور دوم حوزه تجدید می‌گردد.</p> <p>تبصره ۳ - الحاقی به ماده (۴۵): در صورت استعفاء یا فوت یا برکناری هریک از نمایندگان منتخب پس از صدور اعتبارنامه برای انتخاب جانشین وی در صورتی که بیش از دو سال به پایان دوره مجلس باقی باشد انتخابات میاندوره‌ای انجام خواهد شد.</p>	۶	۱۵/۰۲/۱۳۵۹
<p>لایحه قانونی اصلاح برخی از مواد لایحه قانونی انتخابات مجلس شورای ملی مصوب ۵۸.۱۱.۱۷/ در رابطه با تجدید انتخابات در حوزه های انتخابیه ای که انتخابات آنها به عللی متوقف و یا باطل اعلام گردیده است. تبصره اصلاحی تبصره ذیل ماده(۸)- ملاک محاسبه سن رأی دهندگان روز اخذ رأی دور اول انتخابات(انتخابات میاندوره ای) خواهد بود.</p> <p>تبصره ۱ - الحاقی به ماده(۹): ملاک محاسبه سن انتخاب شونده‌گان زمان رسیدگی به صلاحیت داوطلبان به وسیله هیأت اجرایی خواهد بود.(حداقل سن ۲۵ سال تمام و حداکثر ۷۵ سال).</p> <p>تبصره - الحاقی به ماده(۱۵): در صورتی که اعضای هیأت اجرایی در تصمیم گیری خود رعایت بینظری و بیطرفی را ننمایند.</p> <p>ماده ۱۴ - (اصلاحی): داوطلبان نمایندگی مجلس شورای ملی باید ظرف ۷ روز از تاریخ اعلام وزارت کشور(مدت قبول برگ اعلام داوطلبی) با مراجعه به فرمانداری یا بخشداری معرفی نامه و پرسشنامه مخصوص اعلام داوطلبی را دریافت و پرسشنامه مزبور را در حضور فرماندار یا بخشدار(یا سرپرست فرمانداری یا بخشداری) تکمیل و متعاقباً معرفی نامه را باامضاء ۲۰ نفر از معتمدین حوزه انتخابیه که آنان را معرفی نموده باشند به فرمانداری یا بخشداری اعاده و آمادگی خود را برای شرکت در انتخابات اعلام نمایند.</p>	۷	۱۲/۰۴/۱۳۵۹

۲-۱- مجلس اول (۱۳۶۳-۱۳۵۹)

در اسفندماه سال ۱۳۵۸ انتخابات مجلس شورای اسلامی طی دو مرحله به انجام رسید. مرحله اول انتخابات در ۲۴ اسفند ۱۳۵۸ در ۱۹۳ حوزه انتخابیه، جهت برگزیدن ۲۷۰ نماینده مجلس انجام شد. در تهران انجمن نظارت بر انتخابات مرکب از هفت نفر، مسئولیت این کار را به عهده داشتند. نخستین مجلس در نظام جمهوری اسلامی تحت عنوان «مجلس شورای ملی» در ۷ خرداد ۱۳۵۹ گشایش یافت. این عنوان در جلسه ۳۱ تیر ۱۳۵۹ با تصویب نمایندگان به «مجلس شورای اسلامی» تغییر یافت. در این دوره از انتخابات ۱۰ میلیون و ۸۷۱ هزار و ۶۴۵ نفر رأی دادند. امام خمینی(ره) در روز افتتاح مجلس، پیامی را خطاب به نمایندگان مجلس اظهار نمودند که به خلاصه‌ای از محورهای مهم فرمایشات ایشان اشاره می‌شود: «شما دوستان محترم، نماینده ملتی هستید که جز به اسلام بزرگ و عدالت الهی اسلامی فکر

نمی‌کنید، و انتخاب شما برای پیاده نمودن عدالت اسلامی است. امید آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان کشور، که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می‌گیرد، در رأس برنامه‌ها قرار گیرد. مجلس شورای اسلامی، همانسان که در خدمت مسلمین است و برای رفاه آنان فعالیت می‌کند، برای رفاه و آسایش اقلیت‌های مذهبی که در اسلام احترام خاصی دارند اقدام و فعالیت نمایند».

با توجه به شرایط انقلابی جامعه ایران این دوره از مجلس، به دلیل اختلاف نظر شدید نمایندگان که از طیف‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی بودند، به تغییر قوانین قدیمی و تصویب قوانین جدید معطوف گردید. البته وقوع جنگ در سال ۱۳۵۹ و معضلات و مسایل آن، سال‌های پایانی دوره اول مجلس را به خود اختصاص داد. در این دوره، قانون انتخابات هشت بار، اصلاح و یک بار نیز به طور کامل مشتمل بر ۹۸ ماده و ۵۱ تبصره، تصویب شد.

قوانین و اصلاحیه‌های قانونی مصوب دور اول مجلس شورای اسلامی

ردیف	تاریخ	شرح
۱	۱۵/۰۲/۱۳۵۹	۵- لایحه قانونی الحاق چهار تبصره به لایحه قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب ۵۸.۱۱.۱۷
۲	۲۵/۱۱/۱۳۶۰	قانون الحاق یک ماده به قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۵۸.۱۱.۱۷ شورای انقلاب.
۳	۱۶/۰۱/۱۳۶۰	قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی/ ماده واحده - از تاریخ تصویب این ماده واحده تا تاریخ ششم خردادماه یک هزار و سیصد و شصت و یک شمسی قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سوم مهرماه یک هزار و سیصد و پنجاه و نه شمسی کمیسیون امور داخلی مجلس به طور آزمایشی قابل اجراء است.
۴	۰۵/۰۳/۱۳۶۰	۶- قانون(ماده واحده) اصلاح تبصره ۳ الحاقی به ماده ۴۵ قانون انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی. تبصره ۳ - الحاقی به ماده ۴۵(مصوب شورای انقلاب) در صورتی که بیش از شش ماه به پایان دوره مجلس باقی باشد انتخابات میان دوره‌ای در حوزه‌های فاقد نماینده انجام خواهد شد چنانچه تعداد نمایندگان مجلس کمتر از ۲۰۰ نفر گردد تا خاتمه دوره قانونی مجلس انتخابات میان‌دوره‌ای برگزار خواهد شد.
۵	۰۵/۰۳/۱۳۶۱	قانون راجع به تمدید مدت اعتبار اجرای قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، ماده واحده - از تاریخ تصویب این ماده واحده به مدت چهار سال قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سوم مهرماه یک هزار و سیصد و پنجاه و نه شمسی کمیسیون امور داخلی مجلس به طور آزمایشی قابل اجراء است.
۶	۱۰/۰۴/۱۳۶۰	قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری/ قانون فوق مشتمل بر یازده ماده و سه تبصره طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در کمیسیون امور داخلی تصویب و شورای محترم نگهبان آن را تأیید نموده است و برای مدت دو سال از تاریخ تصویب به صورت آزمایشی قابل اجراء است.

قانون اصلاح قانون انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی / ماده واحده - سن رأی دهندگان در انتخابات مجلس شورای اسلامی مطابق انتخابات ریاست جمهوری ۱۵ سال تمام منظور گردد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در کمیسیون امور داخلی مجلس شورای اسلامی تصویب و به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده و برای سه سال از تاریخ تصویب به صورت آزمایشی قابل اجرا است.	۶/۰۷/۱۳۶۰	۷
قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی / مشتمل بر ۸۹ ماده و ۵۱ تبصره، از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین مغایر لغو می‌گردد و قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس، مصوب ۱۳۵۹.۷.۳ کمیسیون داخلی مجلس که به موجب ماده واحده مصوب ۱۳۶۱.۳.۵ مجلس تمدید شده، به قوت خود باقی است.	۹/۱۲/۱۳۶۲	۸
قانون اصلاح یک تبصره و الحاق چند تبصره به قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی. تبصره ۱ ماده ۹ به شرح زیر اصلاح می‌شود: اگر تعداد نامزدهای باقیمانده مساوی یا کمتر از نمایندگان مورد نیاز باشد، انتخابات مرحله دوم انجام نخواهد شد و ملاک انتخابات مرحله اول خواهد بود. الحاق یک تبصره به عنوان تبصره ۲ به ماده ۳۱. مهلت مقرر در تبصره ۱ ماده فوق برای اولین مرحله دوره دوم مجلس یک ماه قبل از روز اخذ رأی می‌باشد. الحاق یک تبصره به عنوان تبصره ۲ به ماده ۴۷. کاندیداهای مجلس می‌توانند فرم داوطلبی را از وزارت کشور دریافت و پس از تکمیل به وزارت کشور ارجاع نمایند.	۲۰/۱۲/۱۳۶۲	۹
قانون اصلاح انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوبه ۱۳۶۲.۱۲.۹	۱۱/۰۲/۱۳۶۳	۱۰

۳-۱- مجلس دوم (۱۳۶۷-۱۳۶۳)

انتخابات دومین دوره مجلس در بیست و ششم فروردین ماه ۱۳۶۳ برگزار گردید. برگزاری انتخابات این دوره با تصرف بخش‌هایی از مناطق مرزی کشور توسط نیروهای عراق مصادف بود، اما انتخابات حوزه‌های جنگ زده جهت اخذ رأی مهاجرین آن شهرها در حوزه‌های مجاور برگزار شد. در این دوره ۱۵ میلیون و ۸۲۲ هزار و ۷۰ نفر در انتخابات شرکت نمودند. فعالیت مجلس در این برهه شدیداً تحت الشعاع جنگ قرار داشت. در این دوره قانون انتخابات هفت بار اصلاح شد.

قوانین و اصلاحیه های قانونی مصوب دوره دوم مجلس شورای اسلامی

ردیف	تاریخ	شرح
۱	۱۴/۰۴/۱۳۶۳	قانون اصلاح قانون انتخابات مصوب ۱۳۶۲.۱۲.۹ مجلس شورای اسلامی: انتخابات نماینده در مرحله اول منوط به کسب اکثریت حداقل یک سوم کل آراء و در مرحله دوم با کسب اکثریت نسبی به هر میزان است و هر جا در قانون انتخابات در مرحله اول اکثریت مطلق وجود دارد، به اکثریت نسبی تبدیل می شود.
۲	۴/۰۴/۱۳۶۴	قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران.
۳	۵/۰۴/۱۳۶۴	قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران.
۴	۹/۰۵/۱۳۶۵	قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی. قانون فوق مشتمل بر شانزده ماده و پنج تبصره است.
۵	۲۵/۰۸/۱۳۶۵	قانون اصلاح ماده ۳۷ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴.۴.۵ مجلس شورای اسلامی ماده واحده - ماده ۳۷ - کلیه افرادی که مسئولیت مستقیم در امر انتخابات ریاست جمهوری به صورت اجرا و یا نظارت دارند در صورتی می توانند داوطلب شوند که قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا نموده و در آن سمت شاغل نباشند.
۶	۳۰/۰۱/۱۳۶۶	قانون تعیین محدوده حوزه های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی. ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون محدوده حوزه های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی با رعایت اصل ۶۴ قانون اساسی به شرح جدول زیر شامل ۱۹۶ حوزه انتخابیه با دویست و هفتاد نفر نماینده خواهد بود. تبصره - حوزه های انتخاباتی همواره از هر نوع انتزاع و الحاق که بر اساس قانون تعاریف و ضوابط و تقسیمات کشوری در حد روستا و دهستان انجام می شود تبعیت خواهند کرد.
۷	۲۵/۱۱/۱۳۶۶	قانون اصلاح پاره ای از مواد قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی. تبصره ۲ ماده ۲ حذف شد. ماده ۲ - ماده ۴ به صورت زیر اصلاح می گردد: در صورتی که بیش از یکسال به پایان دوره مجلس باقی باشد انتخابات میان دوره ای در حوزه های فاقد نماینده انجام خواهد شد. چنانچه تعداد نمایندگان مجلس کمتر از ۲۰۰ نفر گردد و ۶ ماه به پایان دوره مجلس باقی باشد انتخابات میان دوره ای برگزار خواهد شد. تبصره ۲ ماده ۸ به شرح زیر اصلاح می گردد: وزارت کشور مکلف است با هماهنگی شورای نگهبان در حوزه هایی که انتخابات آنها متوقف و یا باطل اعلام شده و یا فاقد نماینده باشد ظرف سه ماه پس از تعیین وضعیت آخرین حوزه های انتخابیه و اعلام نتیجه توسط شورای نگهبان انتخابات مجدد را برگزار نماید. ماده ۱۶ و تبصره های آن به شرح زیر اصلاح می گردد: ماده ۱۶ - انتخابات مجلس در حوزه های انتخابیه آبادان، خرمشهر، دشت آزادگان، قصرشیرین، مهران و دهلران تا ایجاد شرایط عادی انتخاباتی و استقرار مجدد مهاجرین به مرکزیت حوزه های مذکور به وسیله فرمانداران و بخشداران در سراسر کشور انجام خواهد شد. تبصره ۱ - انتخابات حوزه های انتخابیه دیگری که در اثر اضطرار ناشی از جنگ، وضعیتی مشابه به وضعیت حوزه های انتخابیه مذکور در ماده فوق را داشته باشند به تشخیص و پیشنهاد وزیر کشور و تأیید شورای عالی دفاع طبق ماده فوق برگزار خواهد شد.

۴-۱- مجلس سوم (۱۳۷۱-۱۳۶۷)

در نوزدهم فروردین ماه سال ۱۳۶۷ که آخرین سال جنگ تحمیلی بود؛ ۱۶ میلیون و ۷۱۴ هزار و ۲۸۱ نفر به پای صندوق‌های رأی رفتند تا نمایندگان مجلس سوم را انتخاب کنند. علاوه بر پایان جنگ، این دوره شاهد رحلت حضرت امام خمینی(ره) نیز بود. بازسازی ویرانه‌های جنگ مهمترین مساله‌ای بود که ذهن مجلسیان را به خود معطوف نموده بود. در این دوره قانون انتخابات هفت بار اصلاح شد.

قوانین و اصلاحیه‌های قانونی مصوب دوره سوم مجلس شورای اسلامی

ردیف	تاریخ	شرح
۱	۶/۰۵/۱۳۷۰	قانون الحاق ماده واحده به قانون انتخابات. ماده واحده - استفاده از هرگونه پلاکارد، تراکت، دیوارنویسی و کاروان‌های تبلیغاتی و استفاده از بلندگوهای سیار در خارج از محیط سخنرانی و امثال اینها به استثناء عکس حداکثر در دو فرم، و جزوه و سخنرانی و پرسش و پاسخ از طرف نامزدهای انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی و طرفداران آنان ممنوع می‌باشد. متخلفین از این قانون از سه تا سی روز زندان محکوم می‌گردند.
۲	۲۸/۰۸/۱۳۷۰	تبصره - اعلام نظر شخصیت‌ها در تأیید کاندیداها به شرطی مجاز است که بدون ذکر عنوان و مسئولیت آنها باشد و مدرک کتبی مربوط به امضاء آنان تسلیم هیأت اجرایی انتخابات شده باشد. قانون اصلاح مواد ۵۳ و ۵۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی. از متن ماده ۵۳ عبارت "فهرست اسامی نامزدهای تأییدشده" و کلمه "آگهی" حذف و کلمه "نظر (تأیید یا رد)" و عبارت "به داوطلبان ابلاغ" جایگزین آنها می‌گردد، همچنین در تبصره ۱ این ماده کلمه "انتشار آگهی" حذف و کلمه "ابلاغ به داوطلب" جایگزین و در تبصره ۲ کلمه "نهایی" حذف و کلمه "عمومی" جایگزین می‌گردد. ماده ۵۶ قانون فوق به شرح زیر اصلاح می‌گردد: مدت فعالیت تبلیغات انتخاباتی برای کلیه داوطلبین تأییدشده موضوع ماده ۵۲ و تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۵۳ این قانون یکسان بوده و ۸ روز قبل از روز اخذ رأی (مرحله اول و دوم) آغاز و تا ۲۴ ساعت قبل از روز اخذ رأی ادامه خواهد داشت. تبصره ۱ - رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی باید مستند به قانون و بر اساس مدارک و اسناد معتبر باشد.
۳	۱۷/۱۰/۱۳۷۰	قانون میزان تأثیر تغییرات در تقسیمات کشوری در محدوده حوزه‌های انتخاباتی. ماده واحده - وزارت کشور مکلف است بدون تغییر جغرافیایی در محدوده حوزه‌های انتخابیه جز در چهار چوب مفاد تبصره ذیل قانون تعیین حوزه‌های انتخاباتی مصوب ۱۳۶۶.۱.۳۰ مجلس شورای اسلامی تغییرات دیگری که بر اساس قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری به وجود آمده یا می‌آید را در محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی اعمال نماید.

<p>۴</p>	<p>۱۰/۱۱/۱۳۷۰</p>	<p>قانون اصلاح مواد ۱۵، ۳۱، ۳۲، ۳۳ و ۶۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و الحاق یک ماده به آن. در ماده ۱۵ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی جمله "با هماهنگی شورای سرپرستی صدا و سیما" حذف می‌گردد. در بندهای ۱ و ۲ ماده ۳۱ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اصلاحات زیر صورت می‌پذیرد و یک تبصره به عنوان تبصره ۴ به آن الحاق می‌گردد:</p>
		<p>الف - اشخاص و مقامات زیر به لیست اشخاص و مقامات مقرر شده در بند ۱ ماده ۳۱ اضافه می‌گردد و نخست‌وزیر و اعضای شورای عالی قضایی مقرر شده در آن حذف می‌گردد: ب - اشخاص و مقامات زیر به لیست اشخاص و مقامات مقرر شده در بند ۲ ماده ۳۱ اضافه می‌گردد: تبصره ۴ - الحاقی به ماده ۳۱ اشخاص و مقامات اضافه شده به بندهای این ماده استثنائاً در انتخابات سراسری چهارمین دوره مجلس موظفند حداقل یک ماه قبل از تاریخ ثبت نام از سمت خود استعفاء نمایند. عبارت زیر به عنوان بند (۱۰) به ماده ۳۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی الحاق می‌گردد: ۱۰ - وابستگان به رژیم سابق از قبیل اعضای انجمن‌های شهر و رؤسا و هیأت رئیسه کانون‌های حزب رستاخیز و حزب ایران نوین و اعضای فعال آنها، نمایندگان مجلسین سنا و شورای ملی سابق. تبصره ۲ - (الحاقی به ماده ۳۳): انتخاب و تأیید صلاحیت سی نفر معتمد موضوع ماده ۳۴ قانون و نیز دعوت از آنها جهت انتخاب اعضای هیأت اجرایی حوزه انتخابیه مربوطه بر عهده فرماندار یا بخشدار مرکز حوزه انتخابیه مربوطه خواهد بود و هیأت نظارت شورای نگهبان طبق ضوابط بر اجراء آن نظارت خواهد داشت. تبصره ۵ - (الحاقی به ماده ۳۴) عضویت آن عده از افرادی که در انتخابات گذشته رسماً (کتباً) به طرفداری از یک یا چند نامزد نمایندگی مجلس اعلام موضع نموده باشند و مشارالیهم در انتخابات جاری کاندیدا شده باشند، در هیأت اجرایی و هیأت نظارت بر انتخابات حوزه انتخابیه مربوطه ممنوع می‌باشد. تبصره - (الحاقی به ماده ۶۹): ابطال انتخابات در هر حوزه انتخابیه باید مستند به قانون و همراه با اسناد و مدارک معتبر و با رأی اکثریت مطلق اعضای شورای نگهبان می‌باشد. ماده ۷ - عبارت ذیل به انتهای بند ۷ ماده واحده مصوب ۱۳۶۳.۲.۱۱ اضافه می‌شود: حضور نمایندگان هریک از کاندیداها تا پایان اخذ رأی و شمارش آراء و تنظیم صورتجلسه بلامانع است.</p>
<p>۵</p>	<p>۲۹/۱۱/۱۳۷۰</p>	<p>تفسیر قانونی در خصوص ماده (۵۶) اصلاحی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (فعالیت‌های تبلیغاتی) تفسیر قانون فوق.</p>

قانون تفسیر قانون الحاق ماده واحده به قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۰.۵.۶ موضوع استفسار(فعالیت تبلیغاتی) تفسیر قانونی فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ چهاردهم اسفندماه یک هزار و سیصد و هفتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۰.۱۲.۱۸ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. ۲۴- قانون الحاق ماده واحده به قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.	۲۱/۱۲/۱۳۷۰	۶
ماده واحده - ممنوع بودن تبلیغات توسط صدا و سیما و جراید شامل پخش مستقیم مذاکرات مجلس شورای اسلامی و درج آن در جرائد نمی‌شود.		
قانون اصلاح ماده واحده الحاقی به قانون انتخابات مصوب ۱۳۷۰.۵.۶ مجلس شورای اسلامی (فعالیت تبلیغاتی)	۲۷/۱۲/۱۳۷۰	۷

۵-۱- مجلس چهارم (۱۳۷۵-۱۳۷۱)

انتخابات این دوره در ۲۱ فروردین ۱۳۷۱ برگزار شد و ۱۸ میلیون و ۷۶۷ هزار و ۴۷ نفر (حدود ۶۰ درصد واجدین شرایط رأی دادن) در انتخابات شرکت نمودند. تداوم سازندگی همچنان در رأس دستور کارهای نمایندگان مجلس در این دوره بود. در این دوره قانون انتخابات دو بار اصلاح شد.

قوانین و اصلاحیه های قانونی مصوب دور چهارم مجلس شورای اسلامی

شرح	تاریخ	ردیف
قانون اصلاح ماده شانزده قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲.۱۲.۹ و حذف تبصره های آن.	۲/۱۲/۱۳۷۱	۱
قانون اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی / قانون فوق مشتمل بر ۲۶ ماده است.	۴/۰۵/۱۳۷۴	۲

۶-۱- مجلس پنجم (۱۳۷۹-۱۳۷۵)

پنجمین دوره انتخابات مجلس در هجدهم اسفندماه ۱۳۷۴ با حضور ۲۴ میلیون و ۷۱۷ هزار و ۸۸ نفر (حدود ۷۰ درصد واجدان شرایط رأی دادن) برگزار شد. عطف توجه به مسایل سیاست خارجی نظیر افزایش فشارهای آمریکا و اروپا، به ویژه پس از اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران، مهم‌ترین دغدغه مجلس پنجم بود. در این دوره قانون انتخابات شش بار اصلاح، و یک بار قانون انتخابات بطور کامل مشتمل بر ۹۴ ماده و هفتاد و پنج تبصره تصویب شد.

قوانین و اصلاحیه‌های قانونی مصوب دور پنجم مجلس شورای اسلامی

ردیف	تاریخ	شرح
۱	۲۷/۱۲/۱۳۷۶	قانون الحاق دو تبصره به ماده (۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی تبصره ۴ - انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی یک مرحله‌ای و با اکثریت نسبی انجام خواهد گرفت و هر نماینده که اکثریت آراء را از بین داوطلبان بیاورد نماینده مردم خواهد بود. تبصره ۵ - این قانون پس از تصویب بلافاصله لازم الاجرا می‌باشد و شامل انتخابات برگزار شده در تاریخ ۱۳۷۶.۱۲.۲۲ نیز خواهد بود.
۲	۲۰/۰۷/۱۳۷۸	قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف / تاریخ تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۷۸.۸.۲۲
۳	۰۷/۰۹/۱۳۷۸	قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی / قانون فوق مشتمل بر نود و چهار ماده و هفتاد و پنج تبصره است.
۴	۱۳/۱۰/۱۳۷۸	۳۱- قانون الحاق چند ماده به قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۵.۵.۹ و الحاق یک تبصره به ماده (۲۰) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸.۹.۷
۵	۱۳/۱۰/۱۳۷۸	۳۲- قانون اصلاح موادی از قانونان تخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ ماده واحده - مواد (۸)، (۹)، (۵۷)، (۵۸)، (۶۱) و (۶۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸.۹.۷ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد: از جمله - در مواد (۸) و (۹) عبارت "حداقل یک سوم" به "حداقل یک چهارم" تبدیل می‌گردد.
۶	۲۹/۱۰/۱۳۷۸	۳۳- قانون تفسیر بند (۲) قانون اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸.۱۰.۱۳ موضوع استفسار منظور از تراکت و زندگی نامه و جزوه در ماده (۵۷) قانون اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸.۱۰.۱۳ چیست؟
۷	۰۴/۱۱/۱۳۷۸	۳۴- قانون اصلاح ماده (۴) قانون الحاق چند ماده به قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۵.۵.۹ و الحاق یک تبصره به ماده (۲۰) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸.

۷-۱- مجلس ششم (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه ۱۳۷۸ با حضور حدود ۲۷ میلیون نفر (حدود ۷۰ درصد واجدان شرایط رأی دادن) برگزار شد. مجلس در این دوره، توسعه سیاسی در عرصه داخلی و تنش زدایی در عرصه سیاست خارجی را در دستور کار خود قرار داد. در این دوره قانون انتخابات ۴ بار اصلاح شد.

قوانین و اصلاحیه های قانونی مصوب دور ششم مجلس شورای اسلامی

ردیف	تاریخ	شرح
۱	۲۵/۰۸/۱۳۷۹	<p>۳۵- قانون اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و اصلاح قانون تغییر عنوان اعضای شوراهای اسلامی روستاهایی که به شهر تبدیل شده اند. الف - در تبصره های (۲) و (۳) ماده (۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸.۹.۷ مهلت پنج ماه به هفت ماه افزایش می یابد.</p> <p>تبصره - اولین انتخابات میان دوره ای مجلس ششم همزمان با انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری سال ۱۳۸۰ برگزار خواهد شد. تبصره ۲ - ماده ۱۰: شناسنامه رأی دهنده مهیور می گردد.</p> <p>تبصره (۳) ذیل ماده (۱۰) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی حذف و بجای آن عبارت «و در صورت ضرورت قابل تمدید می باشد» جایگزین می گردد. در بند (۲) ماده (۲۷) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی سن رأی دهندگان از شانزده سال تمام به پانزده سال تمام کاهش می یابد.</p> <p>ماده ۴ - ماده (۲۹) مهلت های مقرر برای استعفاء مقامات مشمول بندهای (الف) و (ب) از سه ماه به دو ماه تقلیل می یابد.</p> <p>قانون فوق مشتمل بر پنج ماده است.</p>
۲	۹/۰۳/۱۳۸۰	<p>قانون استفساریه مواد (۱۱) و (۱۳) قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و ماده (۱۹) قانون انتخابات ریاست جمهوری، موضوع استفساریه، منظور از مفاد ماده (۱۹) قانون انتخابات ریاست جمهوری ناظر به شناسنامه عکس دار و ماده (۱۱) قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری و با توجه به ماده (۱۳) قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی آیا منظور از امضاء ناظران صرفاً اعلام حضور ناظر در طول برگزاری انتخابات است یا امضاء ناظران به معنی تأیید روند اخذ رأی در شعبه مربوطه تلقی می شود؟</p>
۳	۷/۰۲/۱۳۸۳	<p>قانون الحاق یک تبصره به ماده (۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی / ماده واحده - تبصره ذیل به عنوان تبصره (۶) به ماده (۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸.۹.۷ الحاق می گردد: انتخابات مرحله دوم حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر در هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی همزمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری انجام خواهد پذیرفت.</p>
۴	۱۵/۰۲/۱۳۸۳	<p>قانون استفساریه ماده (۶) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.</p> <p>با عنایت به مفاد ماده (۶) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸.۹.۷ - به ویژه تبصره آن، «سنوات نمایندگی در مجلس شورای اسلامی» در کدام یک از صور ذیل جزو سابقه خدمت دولتی قابل احتساب می باشد.</p>

۸-۱- مجلس هفتم (۱۳۸۷-۱۳۸۳)

انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۸۲ با حضور حدود ۲۳ میلیون و ۴۳۸ هزار و ۳۰ نفر (حدود ۵۰ درصد واجدان شرایط رأی دادن) برگزار گردید. مقابله با مشکلات اقتصادی و اجتماعی، تصویب پروتکل الحاقی، تلاش برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی ... از مهمترین موضوعاتی بود که پس از شروع به کار این دوره از مجلس، در دستور کار نمایندگان قرار گرفت. در این دوره، قانون انتخابات ۴ بار اصلاح شد.

قوانین و اصلاحیه های قانونی مصوب دور هفتم مجلس شورای اسلامی

ردیف	تاریخ	شرح
۱	۲۶/۱۲/۱۳۸۳	- قانون الحاق یک تبصره به ماده (۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی. تبصره ذیل به عنوان تبصره (۴) به ماده (۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۷/۹/۱۳۷۸ و اصلاحات بعدی آن الحاق و شماره تبصره های بعدی.
۲	۱۲/۱۰/۱۳۸۵	ماده واحده - بند (۲) ماده (۲۷) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و بند (۲) ماده (۳۶) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل اصلاح می شود: ۲- هجده سال تمام.
۳	۱۳/۱۰/۱۳۸۵	قانون اصلاح بند (۴) و تبصره (۲) ماده (۲۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸. ماده واحده - بند (۴) و تبصره (۲) ماده (۲۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ به شرح ذیل اصلاح گردید: داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن. تبصره ۲- مدرک تحصیلی لیسانس یا معادل آن به شرط داشتن پنج سال سابقه خدمت اجرائی.
۴	۲۶/۱۰/۱۳۸۶	قانون اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی. از جمله: انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی در حوزه های فاقد نماینده همزمان با یکی از انتخابات مذکور در اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انجام خواهد شد. وزارت کشور موظف است ظرف شش ماه از زمان تصویب این قانون نسبت به نوین سازی شیوه های اخذ رأی و شمارش آراء به منظور دقت، سلامت و نظارت بهتر در اخذ، شمارش و اعلام نتایج و همینطور استانداردهای صندوق های اخذ رأی در حدود اعتبارات مصوب و پس از تأیید شورای نگهبان اقدام نماید.

از سال ۱۳۵۸، یعنی تصویب اولین قانون انتخابات توسط شورای انقلاب تا سال ۱۳۸۷، به طور کلی، سه قانون جامع تصویب و این قوانین ۴۹ بار اصلاح شده است. جالب اینکه تمام دوره‌های مجلس بدون استثناء به اصلاح قانون انتخابات پرداخته است، با این وجه ممیزه که تعداد اصلاحات قانون انتخابات در هر دوره متفاوت است.

۲- روند انتخابات و تأثیر آن بر کارآمدی مجلس شورای اسلامی

انتخابات مجلس شورای اسلامی در شرایط کنونی منتج به نتایجی شده است که اهم آنها به قرار ذیل ارزیابی می‌گردد:

۱- از حیث کارآیی مجلس در امر قانون‌گذاری

- درگیر بودن نمایندگان در امور محلی، ماهیت قوانین مجلس را به سمت اموری برده که معتنابه مناطق خاصی از کشور است. بویژه در مواردی که نمایندگان یک استان، قدرت اجماع‌آفرینی بیشتری نسبت به دیگر نمایندگان داشته‌اند. این مسأله باعث انبوه شدن قوانین به بیش از ۸۰ جلد قانون مصوب شده که اجرای آن در عمل ناممکن شده است.
- ادبیات قانون‌گذاری مجلس به دلیل فقدان تخصص بسیاری از نمایندگان به نسبت ادوار گذشته تنزل قابل مشاهده‌ای یافته است.

۲- از حیث کارآیی مجلس در پی‌گیری امور

- نظارت که یکی از مهترین وظایف مجلس است به دلیل وابستگی نمایندگان به امور محلی و اقتضائات ناشی از آن و سایر دلایل، عملاً در بند و بست‌ها و معاملات میان نمایندگان و وزراء و دیگر کارگزاران اجرای امور به محاق رفته است. حتی بسیاری از پرونده‌های تحقیق و تفحص به سرانجام و نتایج ملموس و عملی منتج نگردیده است.

۳- از حیث قواعد تفکیک و موازنه قوا

- فقدان اجماع میان نمایندگان و وابستگی نمایندگان برای پیگیری امور محلی به دولت، به افزایش سلطه قوه مجریه و مجریان امور بر مجلس و نمایندگان شده است. پدیده‌ای که برای آینده مردم‌سالاری دینی اصل تفکیک و توازن قوا خطرناک است. منتقدان اصلی و فعال مجلس عمدتاً جزء نمایندگان تهران بوده‌اند که وابستگی کمتری به امور محلی و تخصص علمی و اجرایی بیشتری دارند.

۴- از حیث پاسخ‌گویی نمایندگان به موکلان خود

- فقدان عملکرد رضایت‌بخش بعضی شوراهای اسلامی شهر و روستا، در استان‌ها، پیگیری بسیاری از امور محلی را متوجه نمایندگان ساخته است. به همین دلیل نمایندگان

شهرستان‌ها، ارتباط چهره به چهره و نزدیک‌تری با بسیاری از موکلان خود دارند که به مردم‌سالاری واقعی نزدیک‌تر است. علاوه بر این فعالیت ادوار مختلف مجلس نشان می‌دهد که نمایندگان شهرستان‌ها در پیشنهاد طرح‌ها و پیگیری لوایح، سؤال و ... نسبت به نمایندگان تهران فعال‌ترند که در مجموع معدودی از آنها بیشتر در کسوت منتقد برنامه‌های دولت ظاهر شده‌اند و اکثر آنها، اظهار وجودی در مجلس ندارند.

۵- اگر روند گسترش استان‌ها ادامه یابد بعید نیست که در آینده با حدود ۵۰ استان روبرو باشیم و با توجه به اینکه برای عملی شدن برنامه‌های سند چشم‌انداز و ... نیازمند تقسیم کار منطقه‌ای در کشور خواهیم شد، کارکردهای ساختاری اساسی کشور نیز باید متناسب با این تغییرات هماهنگ شود به همین دلیل تغییر در وظایف و نحوه انتخاب نمایندگان مجلس نیز باید در تغییرات قوانین انتخابات ملحوظ گردد.

۳- حوزه بندی انتخابات

در باب حوزه بندی مناطق نیز قانون انتخابات، تقسیمات کشوری را ملاک قرار داده است و به مرور زمان تعداد حوزه‌های انتخابیه افزایش یافته است. به هر صورت آنچه در مورد حوزه‌های انتخابیه می‌توان گفت این است که دو الگوی جمع‌گزینی و تک‌گزینی و در مجموع ۲۸۰ حوزه انتخابیه بر اساس قوانین موجود انتخابات وجود دارد. ۱۵۸ حوزه انتخابیه به صورت تک‌گزینه‌ای انتخابات برگزار می‌شود و کاندیداها در ۲۲ حوزه برای کسب دو کرسی، در یک حوزه برای کسب چهار کرسی، در دو حوزه برای کسب پنج کرسی و در حوزه تهران برای کسب ۳۰ کرسی با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. البته برای اقلیت‌های مذهبی نیز حوزه خاصی وجود ندارد و هر کدام بنا به وابستگی مذهبی می‌توانند به یک کاندیدا رأی دهند.

تعداد حوزه‌های جمع‌گزینی و تک‌گزینی در ایران

نوع تعداد کرسی	تک‌گزینی	جمع‌گزینی						اقلیت‌های دینی					
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۰	زرتشتیان	آشوریان	ارامنه جنوب	ارامنه شمال	کلیمان
حوزه	۱۶۹	۲۲	۸	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

با این وجود ایرادات زیر به نحوه تقسیم بندی حوزه‌های انتخابیه وارد است:
 (۱) وضعیت حوزه‌های انتخابیه دقیقاً مشخص نیست. حوزه‌ها نه به صورت تک‌کرسی است و نه به صورت چندکرسی، بلکه ترکیبی از دو صورت فوق است که مشکلات زیادی ایجاد می‌کند.

(۲) این وضعیت شائبه اعمال تبعیض بین رأی‌دهندگان را افزایش می‌دهد. مثلاً یک نفر در

حوزه ای که یک نماینده دارد تنها یک حق انتخاب دارد. در صورتیکه یک نفر مثلاً در تهران حق انتخاب ۳۰ مورد را دارد. این امر موجب تضییع حقوق شهروندی از طریق تبعیض قائل شدن بین انتخاب کنندگان در کشور می شود.

(۳) هزینه های انتخابات، بویژه در زمان شمارش آراء را در حوزه های چندگزینه ای را افزایش می دهد و بسیاری از دستگاه ها را مشغول امر شمارش آراء می نماید و همچنین مسائلی از قبیل صحت و سقم انتخابات و اعتراض نامزدها را موجب می شود.

۴- انتخابات برگزار شده

با عنایت ویژه حضرت امام خمینی (ره) به مردمی بودن انقلاب و تأثیر حضور آحاد مردم در صحنه و مشارکت ایشان در اداره امور کشور که همگان در مراحل گوناگون و شرایط سخت پیش آمده برای انقلاب شاهد برکات آن بوده ایم؛ از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون با احتساب مرحله دوم انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری به عنوان یک دوره، شاهد برگزاری ۳۳ دوره انتخابات در کشور بوده ایم که این آمار در نوع خود بی نظیر است. البته از سویی آسیب هایی را هم در پی داشته است که می بایست به رفع آن نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت این تاریخچه همت گمارد. می توان آمار و اطلاعات مختصر آن را به صورت زیر ارائه نمود:

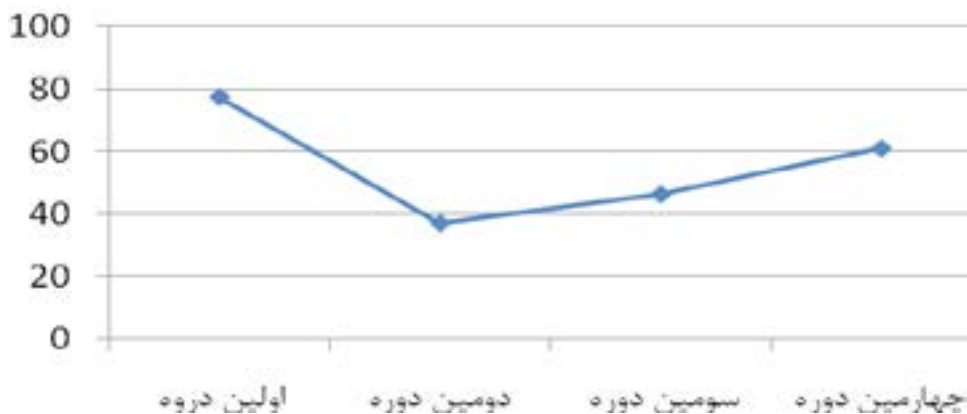
الف) تغییر رژیم و قانون اساسی

انتخابات	تاریخ برگزاری	واجدین شرایط	تعداد شرکت کننده	درصد	داوطلب	حوزه	کرسی
همه پرسی تغییر رژیم	۵۸/۱/۱۱و۱۰	۲۰/۸۵۷/۳۹۱	۲۰/۴۴۰/۱۰۸	۹۸/۰۰	-	۱	-
خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی	۵۸/۵/۱۲	۲۰/۸۵۷/۳۹۱	۱۰/۷۸۴/۹۳۲	۵۱/۷۱	۴۲۸	۲۴	۷۳
همه پرسی تأیید قانون اساسی	۵۸/۹/۱۲و۱۱	۲۰/۸۵۷/۳۹۱	۱۵/۶۹۰/۱۴۲	۷۵/۲۳	-	۱	-
همه پرسی بازنگری قانون اساسی	۶۸/۵/۶	۳۰/۱۳۹/۵۹۸	۱۶/۴۲۸/۹۷۶	۵۴/۵۱	-	۱	-

ب) مجلس خبرگان تعیین رهبری

انتخابات	تاریخ برگزاری	واجدین شرایط	تعداد شرکت کننده	درصد	تعداد داوطلب	تعداد حوزه	تعداد کرسی
اولین دوره	۶۱/۹/۱۹	۲۳/۲۷۷/۸۷۱	۱۸/۰۱۳/۰۶۱	۷۷/۳۸	۱۶۸	۲۴	۸۲
دومین دوره	۶۹/۷/۱۶	۳۱/۲۸۰/۰۸۴	۱۱/۶۰۲/۶۱۳	۳۷/۰۹	۱۸۰	۲۴	۸۳
سومین دوره	۷۷/۸/۱	۳۸/۵۵۰/۵۹۷	۱۷/۸۵۷/۸۶۹	۴۶/۳۲	۳۹۶	۲۸	۸۶
چهارمین دوره	۸۵/۹/۲۴	۴۶/۵۴۹/۰۴۲	۲۸/۳۲۱/۲۷۰	۶۱/۰۰	۴۹۳	۲۸	۸۶

درصد مشارکت



ج) شوراهای اسلامی

تعداد داوطلب	درصد	تعداد شرکت کننده	واجدین شرایط	تاریخ برگزاری	انتخابات
۳۳۶۱۳۸	۶۴/۴۲	۲۳/۶۶۸/۷۳۹	۳۶/۷۳۹/۹۸۲	۷۷/۱۲/۷	اولین دوره
۲۱۸۹۵۷	۴۹/۲	۲۰/۲۳۵/۸۹۸	۴۱/۱۲۷/۵۴۷	۸۱/۱۲/۹	دومین دوره
۲۴۷۷۵۹	۶۶/۸۳	۲۸/۱۹۹/۹۰۳	۴۳/۵۰۰/۰۰۰	۸۵/۹/۲۴	سومین دوره

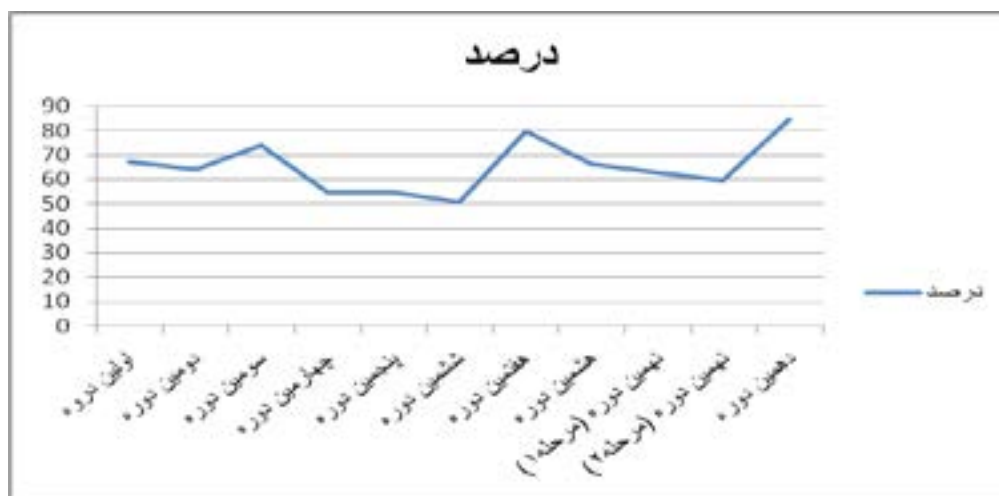
درصد مشارکت



د) ریاست جمهوری

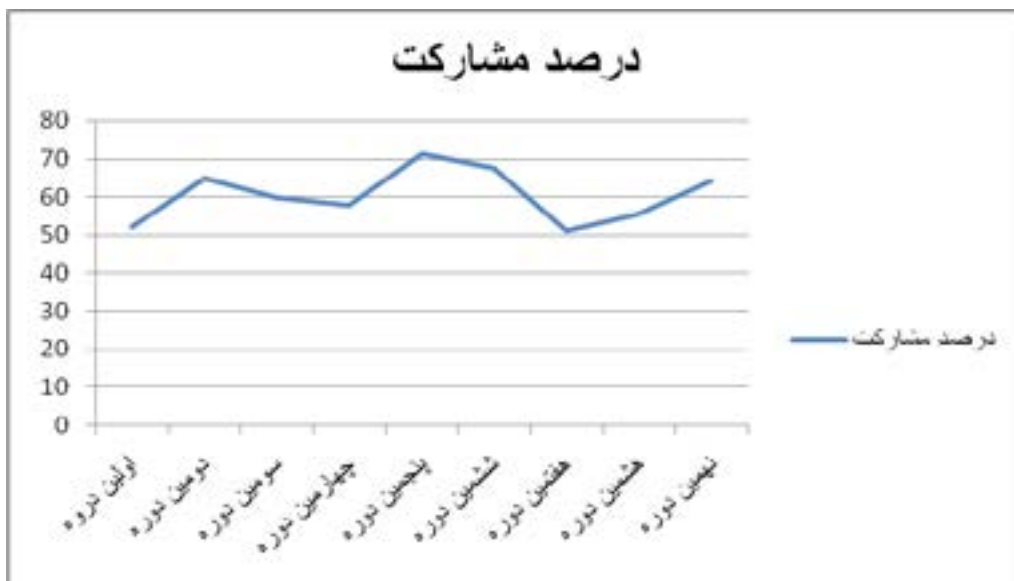
انتخابات

تعداد داوطلب	درصد	تعداد شرکت کننده	واجدین شرایط	تاریخ برگزاری	انتخابات
۱۲۴	۶۷/۴۲	۱۴/۱۵۲/۸۸۷	۲۰/۹۹۳/۶۴۳	۵۸/۱۱/۵	اولین دوره
۷۱	۶۴/۲۴	۱۴/۵۷۳/۸۰۳	۲۲/۶۸۷/۰۱۷	۶۰/۵/۲	دومین دوره
۴۶	۷۴/۲۶	۱۶/۸۴۷/۷۱۷	۲۲/۶۸۷/۰۱۷	۶۰/۷/۱۰	سومین دوره
۵۰	۵۴/۷۸	۱۴/۲۳۸/۵۸۷	۲۵/۹۹۳/۸۰۲	۶۴/۵/۲۵	چهارمین دوره
۷۹	۵۴/۵۹	۱۶/۴۵۲/۶۷۷	۳۰/۱۳۹/۵۹۸	۶۸/۵/۶	پنجمین دوره
۱۲۸	۵۰/۶۶	۱۶/۷۹۶/۷۸۷	۳۳/۱۵۶/۰۵۵	۷۲/۳/۲۱	ششمین دوره
۲۳۸	۷۹/۹۳	۲۹/۱۴۵/۷۵۴	۳۶/۴۶۶/۴۸۷	۷۶/۳/۲	هفتمین دوره
۸۱۴	۶۶/۵۹	۲۸/۰۸۱/۹۳۰	۴۲/۱۷۰/۲۳۰	۸۰/۳/۱۸	هشمین دوره
۱۰۱۴	۶۲/۸۴	۲۹/۴۰۰/۸۵۷	۴۶/۷۸۶/۴۱۸	۸۴/۳/۲۷	نهمین دوره (مرحله ۱)
۳	۵۹/۷۶	۲۷/۹۵۸/۹۳۱	۴۶/۷۸۶/۴۱۸	۸۴/۴/۳	نهمین دوره (مرحله ۲)
۴۷۶	۸۴/۸۳	۳۹/۳۷۱/۲۱۴	۴۶/۱۹۹/۹۹۷	۸۸/۳/۲۲	دهمین دوره



هـ) مجلس شورای اسلامی

انتخابات	تاریخ برگزاری	واجدین شرایط	تعداد شرکت کننده	درصد	تعداد داوطلب	تعداد حوزه	تعداد کرسی
اولین دوره	۵۸/۱۲/۲۴	۲۰/۸۵۷/۳۹۱	۱۰/۸۷۵/۹۶۹	۵۲/۱۴	۳۶۹۴	۱۹۳	۲۷۰
دومین دوره	۶۳/۱/۲۶	۲۴/۱۴۳/۴۹۸	۱۵/۶۰۷/۳۰۶	۶۴/۶۴	۱۵۹۲	۱۹۳	۲۷۰
سومین دوره	۶۷/۱/۱۹	۲۷/۹۸۶/۷۳۶	۱۶/۷۱۴/۲۸۱	۵۹/۷۲	۱۹۹۹	۱۹۳	۲۷۰
چهارمین دوره	۷۱/۱/۲۱	۳۲/۴۶۵/۵۵۸	۱۸/۷۶۷/۰۴۲	۵۷/۸۱	۳۲۳۳	۱۹۶	۲۷۰
پنجمین دوره	۷۴/۱۲/۱۸	۳۴/۷۱۶/۰۰۰	۲۴/۶۸۲/۳۸۶	۷۱/۱۰	۸۳۶۵	۱۹۶	۲۷۰
ششمین دوره	۷۸/۱۱/۲۹	۳۸/۷۲۶/۴۳۱	۲۶/۰۸۲/۱۵۷	۶۷/۳۵	۶۸۵۳	۲۰۷	۲۹۰
هفتمین دوره	۸۲/۱۲/۱	۴۶/۳۵۱/۰۳۲	۲۳/۷۳۴/۶۷۷	۵۱/۲۱	۸۱۷۲	۲۰۷	۲۹۰
هشتمین دوره	۸۶/۱۲/۲۴	۴۳/۸۲۴/۲۵۴	۲۴/۲۷۹/۷۱۷	۵۵/۴۰	۷۶۰۰	۲۰۷	۲۹۰
نهمین دوره	۹۰/۱۲/۱۲	۴۸/۲۸۸/۷۹۹	۳۰/۹۰۵/۶۰۵	۶۴/۰۰	۵۲۸۳	۲۰۷	۲۹۰



۵- شرایط انتخاب شندگان در قوانین انتخاباتی

۵-۱- خبرگان

- ۱) اشتها به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی،
 - ۲) اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعض مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی فقیه واجد شرایط رهبری، را تشخیص دهد،
 - ۳) بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز،
 - ۴) معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران،
 - ۵) نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی،
- تبصره ۱- مرجع تشخیص دارا بودن شرایط فوق، فقهای شورای نگهبان می باشند.
- تبصره ۲- کسانی که رهبر معظم انقلاب- صریحاً و یا ضمناً- اجتهاد آنان را تأیید کرده باشد، از نظر علمی نیاز به تشخیص فقهای شورای نگهبان نخواهند داشت.
- تبصره ۳- ضرورت ندارد که نمایندگان، ساکن و یا متولد حوزه انتخابیه خود باشند.

۵-۲- ریاست جمهوری

- ۱) از رجال مذهبی، سیاسی،
- ۲) ایرانی الاصل،
- ۳) تابعیت جمهوری اسلامی ایران،
- ۴) مدیر و مدبر،
- ۵) دارای حسن سابقه و امانت و تقوی،
- ۶) مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی آن.

۵-۳- مجلس

- ۱) اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران،
 - ۲) تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران،
 - ۳) ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل متری ولایت مطلقه فقیه،
 - ۴) داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد و یا معادل آن،
 - ۵) نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه،
 - ۶) سلامت جسمی در حد برخوردار از نعمت بینائی، شنوائی و گویائی،
 - ۷) حداقل سن ۳۰ سال تمام و حداکثر ۷۵ سال.
- تبصره ۳- هر دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی معادل یک مقطع تحصیلی فقط برای شرکت در انتخابات محسوب می شود.

۴-۵- شوراهاى اسلامى

- ۱) تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران،
 - ۲) حداقل سن ۲۵ سال تمام،
 - ۳) اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه،
 - ۴) ابراز وفاداری به قانون اساسی،
 - ۵) دارا بودن سواد خواندن و نوشتن برای شورای روستاهای تا دویست خانوار و داشتن مدرک دیپلم برای شورای روستاهای بالای دویست خانوار، داشتن حداقل مدرک فوق دیپلم یا معادل آن برای شورای شهرهای تا بیست هزار نفر جمعیت، داشتن حداقل مدرک لیسانس یا معادل آن برای شورای شهرهای بالای بیست هزار نفر،
 - ۶) دارا بودن کارت پایان خدمت نظام وظیفه یا کارت معافیت دائم از خدمت برای مردان.
- تبصره ۲- اعضاء شوراها باید در محدوده حوزه انتخابیه خود سکونت اختیار نمایند. تغییر محل سکونت هریک از اعضاء شورا از محدوده حوزه انتخابیه به خارج از آن موجب سلب عضویت خواهد شد.

۶- شرایط رأی دهندگان؛ تابعیت و سن

- در مورد شرایط رأی دهندگان داشتن تابعیت ایران، داشتن ۱۶ سال تمام و عدم محجوریت ذکر شده است. لازم به یادآوری است که شرط سنی رأی دهندگان مکرراً تغییر یافته است و دائماً بین ۱۵ و ۱۶ سال در حال نوسان بوده است. با این حال به نظر می‌رسد با وجود اهمیت میزان مشارکت مردمی در انتخابات سن ۱۵ سال تمام از اشکالاتی برخوردار است:
- ۱- در کشور ما وظایف شهروندی (مثل سن سربازی و ..) ۱۸ سال تمام تعیین شد، اما حقوق شهروندی (مثل انتخاب کردن) ۱۵ سال تمام است که چندان تناسبی با هم ندارند.
 - ۲- سن ۱۵ سال سن مطلوبی جهت رأی دادن نبوده و نوجوانان در این سن به دلیل عاطفی بودن به راحتی تحت تأثیر قرار می‌گیرند و با شناخت و بینش رأی خود را به صندوق نمی‌اندازند.
 - ۳- از نقطه نظر مسائل شرعی نیز ۱۵ سال صحیح نمی‌باشد، چرا که دختران در سن ۹ سالگی بالغ می‌شوند و اینکه سن پسران مبنای حق شرکت در انتخابات قرار دهیم چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.

این مطلب زمانی بیشتر آشکار می‌شود که وضعیت موجود را با وضعیت دیگر کشورها نیز مقایسه کنیم. در اکثر کشورهای دنیا حداقل سن رأی دهندگان ۱۸ سال است. به سخن دیگر کیفیت مشارکت کنندگان و رأی دهندگان در اکثر کشورها از اهمیتی بیشتر از کمیت و تعداد رأی دهندگان برخوردار است. جدول زیر شرط سنی شرکت کنندگان را در انتخابات کشورهای مختلف نشان می‌دهد.

شرط سنی شرکت کنندگان را در انتخابات کشورهای مختلف

سن رأی دهنده	نام کشورها	تعداد کشور
۱۵ سال	ایران (اکنون ۱۸ سال) و کوبا	۳
۱۶ سال	باهاماس، نیکاراگوئه	۲
۱۷ سال	اندونزی، کره شمالی	۲
۱۸ سال	تانزانیا، پرتغال، پرو، گینه نو، پاراگوئه، بنین، بلیز، بنگلادش، بلژیک، بلغارستان، برزیل، برمه، انگلستان، ایرلند، ایسلند، ایتالیا، السالوادور، آمریکا، الجزایر، آفریقای جنوبی، استرالیا، اروگوئه، اسپانیا، آنگولا، آلمان، آرژانتین، آلبانی، یونان، هندوراس، یمن، هلند، هند، ونزوئلا، نروژ، نامیبیا، مکزیک، میانمار، کویت، مجارستان، اتیوپی، عراق، چین، ماداگاسکار، لوکزامبورگ، لهستان، کانادا، فرانسه، رومانی، پاکستان	۵۱
۱۹ سال	اتریش، اردن	۲
۲۰ سال	تایلند، ترکیه، لیختنشتاین، سوئیس، ژاپن، تونس	۶
۲۱ سال	سیرالئون، سنگال، ساموای غربی	۳

روند گسترش شمول تعداد افرادی که بواسطه شغل خود از داوطلب شدن محرومند:

زمان استعفاء	افراد	قانون
بعد از تأیید اعتبارنامه	رئیس جمهور، نخست وزیر، وزرا و معاونان آنها، سایر کارمندان دولت و مؤسسات وابسته به دولت، مدیر عامل و اعضاء شرکتهای تعاونی ادارات دولتی و مؤسسات وابسته به آنها و همچنین کادر آموزشی وزارت آموزش و پرورش	سال ۱۳۵۸
دو ماه قبل از ثبت نام (همه حوزهها)	رئیس جمهور و مشاورین وی، نخست وزیر، وزرا، معاونان و مشاورین آنها، اعضاء شورای نگهبان، اعضاء شورای عالی قضائی، رئیس دیوان عدالت اداری، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، شاغلین نیروهای مسلح	سال ۱۳۶۲
دو ماه قبل از ثبت نام (محل خلعت)	ائمه جمعه دائمی، دادستانها، دایرهارا، قضات، استناداران و مشاورین و معاونین آنان، مدیران کل و سرپرستان ادارات کل، فرمانداران، بخشداران، سرپرستان دفاتر سازمان تبلیغات اسلامی و جهاد سازندگی سراسر کشور و مدیران صدا و سیما جمهوری اسلامی	

سه ماه قبل از ثبت نام (همه حوزه ها)	<p>اضافه بر موارد فوق: معاونین رئیس جمهور، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و معاونین وی، مشاورین معاونین رئیس جمهور، روسای دفاتر سران سه قوه، سرپرستان وزارتخانه‌ها، مدیران کل و سرپرستان ادارات کل وزارتخانه‌ها و مدیران کل حوزه وزارتی و روسای دفاتر وزرا، اعضای هیأت مرکزی نظارت، معاونین و مشاورین رئیس قوه قضائیه، معاونین و مشاورین رئیس دیوانعالی کشور، دادستان کل کشور و معاونین و مشاورین وی، معاونین و مشاورین رئیس دیوان عدالت اداری، معاونین و مشاورین رئیس سازمان بازرسی، روسا و سرپرستان سازمان‌ها و ادارات کل و ادارات عقیدتی سیاسی نیروهای مسلح و جانشینان و معاونین، رئیس سازمان صدا و سیما و معاونین وی، رئیس جمعیت هلال احمر و معاونین وی، استانداران، معاونین و مشاورین آنان، فرمانداران، بخشداران، شهرداران و روسای مناطق شهرداری، روسا و سرپرستان سازمان‌های دولتی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل بانک‌ها، اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت که حیطه وظایف و اختیارات آنها به کل کشور تسری دارد، رئیس کل بانک مرکزی ایران و معاونین و مشاورین وی، روسا و سرپرستان بنیادهای (مستضعفان، شهید، ۱۵ خرداد، مسکن)، کمیته امداد امام خمینی (ره)، نهضت سوادآموزی، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم و رئیس سازمان تعزیرات حکومتی و روسای اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن و تعاون، معاونین و مشاورین آنان، شاغلین در وزارت اطلاعات.</p>	سال ۱۳۷۸
سه ماه قبل از ثبت نام (حوزه محل خدمت)	<p>اضافه بر موارد فوق: روسا و سرپرستان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اعم از دولتی و غیر دولتی و روسا و سرپرستان واحدها و شعب آنها، اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت در استان و شهرستان، سرپرستان مناطق و روسای شعب بانک‌ها در استان و شهرستان</p>	
شش ماه قبل از ثبت نام	<p>علاوه بر موارد فوق: اعضاء شوراهای اسلامی شهر و روستا، قضات شاغل در امر قضاء و روسای دادگستری شهرستان‌ها و استان‌ها</p>	سال ۱۳۸۶

۸- نظارت بر انتخابات

در قانون اساسی مطابق اصل نود و نه وظیفه نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان است. شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد. در تفسیر اصل نود و نهم (نظریه شماره ۱۲۳۴ مورخ ۱۳۷۰/۳/۱) شورای نگهبان آورده است که: نظارت مذکور در اصل نود و نهم قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود. در اولین انتخابات مطابق اصل ۱۱۸، مجلس و

ریاست جمهوری به دلیل عدم تشکیل شورای نگهبان وظیفه نظارت به انجمن نظارت محول گردید.

۹- تبلیغات انتخاباتی

در باب تبلیغات نیز در کلیه قوانین انتخاباتی محدودیت‌ها و شروطی تعیین شده است. روند قوانین ناظر بر تبلیغات نیز روندی تکاملی داشته است و کرارا بندهایی بر آن افزوده شده است و با وجود اینکه قانون انتخابات در فصل مربوط به تبلیغات مدت فعالیت تبلیغات انتخاباتی، مواردی که تخلف محسوب می‌شود و موارد الزامی به رعایت در فعالیت‌های تبلیغاتی را معین نموده است ولی همچنان عدم شفافیت شیوه‌ها و هزینه‌های تبلیغاتی در انتخابات ملاحظه می‌شود. از سوی دیگر کثرت داوطلبان نمایندگی به ویژه در انتخاب شوراهای امر شناخت صحیح داوطلبان را برای رأی دهندگان دشوار می‌سازد و نیز رواج جنگ پوسترها که با اسراف و تبذیر فوق‌العاده و هدر رفتن بخشی از سرمایه‌های ملی همراه است، موجب نگرانی به حق بسیاری گردیده است.

۱۰- جرایم انتخاباتی

در باب جرایم انتخاباتی نیز باید گفت که قوانین انتخاباتی به این موضوع توجه شده است اما برای برخی جرایم انتخاباتی مجازات خاصی را پیش بینی نکرده است. البته نمی‌توان انکار کرد که در تحول قوانین انتخاباتی نسبت به جرایم انتخاباتی نیز نوعی روند تکاملی و رو به رشد احساس می‌شود. مجازات‌های تعیین شده نیز در قوانین جدید از تنوع بیشتری برخوردار گردیده است. اساساً در قوانین انتخاباتی دنیا در رابطه با جرایم انتخاباتی دو رهیافت وجود دارد. در رهیافت اول کلیه جرایمی که ممکن است در انتخابات به وقوع بپیوندد به صورت تفصیلی اشاره می‌شود و برای هر کدام مجازاتی تعیین می‌شود و مقام رسیدگی کننده به آن نیز از پیش معلوم است اما در رهیافت دوم دادگاهی در نظر گرفته می‌شود تا رفتارهای مجرمانه را تشخیص دهد و متناسب با آن مجازاتی را تعیین نماید.

۱۱- زمانبندی انتخابات

فرآیندهای اصلی پس از ثبت نام تا تأیید یا رد نهایی صلاحیت داوطلبان و اعلام اسامی در انتخابات کشور به شرح ذیل می‌باشد:

فرایندهای اصلی پس از ثبت نام تا تایید یا رد نهایی صلاحیت داوطلبان و اعلام اسامی

۱۰/۰۳ الی ۱۰/۰۹	یک هفته	ثبت نام داوطلبان
۱۰/۰۳ الی ۱۰/۰۸	۶ روز	فرصت تشکیل هیأت های اجرایی (ماده ۳۱ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)
۱۰/۰۴ الی ۱۰/۱۴	۵ روز از هر استعلام	فرصت بررسی و پاسخگویی در مراجع چهارگانه (ماده ۴۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)
۱۰/۱۰ الی ۱۰/۱۹	۱۰ روز	بررسی صلاحیت ها در جلسه هیأت اجرایی (مرحله اول) (ماده ۵۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)
۱۳۹۰/۱۰/۲۰	۱ روز	اعلام مراتب رد یا عدم احراز صلاحیت در هیأت اجرایی به داوطلبین (ماده ۵۱ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)
۱۰/۲۱ الی ۱۰/۲۴	۴ روز	فرصت شکایت از نتایج بررسی های هیأت اجرایی (ماده ۵۱ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)
۱۰/۲۵ الی ۱۱/۰۱	۷ روز	بررسی شکایات و صلاحیت ها در هیأت نظارت استان با کسب نظر هیأت مرکزی نظارت (مرحله دوم) (ماده ۵۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)
۱۱/۰۱ الی ۱۱/۲۶	تا ۱۵ روز قبل از رای گیری	آغاز فرصت تغییر حوزه انتخابیه (ویژه داوطلبان تایید صلاحیت شده) در مرحله دوم
۱۱/۰۲ الی ۱۱/۲۱	۲۰ روز	بررسی شکایات و صلاحیت ها در شورای نگهبان (مرحله سوم) (تبصره ۳ ماده ۵۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)
۱۱/۲۲ الی ۱۱/۲۴	۳ روز	فرصت شکایات ویژه رد صلاحیت شده های موضوع تبصره ۳ ماده ۵۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی
۱۱/۲۵ الی ۱۲/۰۱	۷ روز	بررسی شکایات مشمولین تبصره ۳ ماده ۵۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (مرحله چهارم)
۱۳۹۰/۱۲/۰۲	۱ روز	اعلام قطعی اسامی به مراکز حوزه (تبصره ۳ ماده ۱۳۵ آئین نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)
۱۳۹۰/۱۲/۰۳	۱ روز	انتشار آگهی اسامی توسط فرمانداری های مرکز حوزه انتخابیه (ماده ۳۶ آئین نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)
۱۲/۰۴ الی ۱۲/۱۰	۷ روز	تبلیغات
۱۳۹۰/۱۲/۱۲	۱ روز	برگزاری انتخابات

جمع بندی

در نهایت وقتی شرایط موجود در انتخابات جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و تحلیل واقع می شود آسیب ها و چالش های زیر در حوزه های مختلف به چشم می خورد. علی رغم محاسن فراوان موجود و ابتناء حقیقی نظام بر مردم سالاری دینی. اما همیشه نگاه به وضعیت بهتر و مطلوب باعث پیشرفت و ارتقاء جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران می گردد.

الف) آسیب ها و چالش های موجود در حوزه ی اجرا: نظام مند و ثابت نبودن روش ها، رویکردها، ضوابط و مقررات مربوط به نهادهای متولی انتخابات، اختلاافات ناشی از ادغام یا جدایی برخی حوزه های انتخاباتی، درهم آمیختگی اختیارات (تداخل وظایف) نهاد اجرایی و نظارت، سنتی بودن سیستم رأی گیری و شمارش آراء و عدم برخورداری یا استفاده از فناوری های روزآمد.

ب) آسیب ها و چالش های موجود در دیگر محورها: عدم ثبات و انسجام در قوانین انتخاباتی کشور، مشخص نبودن نظام انتخاباتی (فقدان نظام انتخاباتی جامع و الگوی انتخاباتی بومی)، عدم شفافیت موارد غیرمجاز هزینه های تبلیغاتی در انتخابات، شعارهای نامناسب رقبای انتخاباتی و هواداران آنها، مشخص نبودن جایگاه احزاب و تشکل های سیاسی در انتخابات و کوتاه بودن مدت زمان لازم جهت بررسی صلاحیت ها از سوی مرجع نظارت. حال پس از احصاء آسیب ها و چالش ها گام بعدی برای سیاست گذاری، پیشنهاد راهکارها و بندهای سیاستی متناظر با هر چالش برای رسیدن به وضعیت مطلوب در انتخابات است.

منابع و مأخذ

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی.
- قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری.
- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.
- قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور.
- سایت رسمی مرکز آمار.
- سایت رسمی وزارت کشور.
- سایت رسمی شورای نگهبان قانون اساسی.

- آندرو، رینولدز. ترجمه رفیعی، ابوذر. دانشنامه نظام‌های انتخاباتی. پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران. ۱۳۸۹.
- احمدی، علی. انتخابات در ایران. بنیاد حقوقی میزان، تهران، ۱۳۸۹.
- پیشگاهی فرد، زهراء. جغرافیای انتخابات پارلمانی. مرکز پژوهش‌های مجلس. تهران. ۱۳۸۶.
- قانون جدید انتخابات مجلس شورای ملی مصوب سال ۱۳۵۰.
- قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب شورای انقلاب مصوب سال ۱۳۵۸.
- قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۵۹.
- قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۸.
- قانون اصلاح انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۶۸.
- قانون اصلاح ماده ۳۷ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۴.
- قانون میزان تأثیر تغییرات در تقسیمات کشوری در محدوده حوزه‌های انتخاباتی مصوب سال ۱۳۷۰.
- قانون اصلاح ماده ۱۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و حذف تبصره‌های آن مصوب سال ۱۳۶۲.
- قانون اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۷۴.
- قانون الحاق دو تبصره به ماده (۸) قانون انتخابات مجلس مصوب سال ۱۳۷۶.
- قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام سال ۱۳۷۸.
- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۷۸.
- مجموعه نظرات شورای نگهبان (۱۳۸۱)، تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی، ج چهارم، ۱۳۸۰-۱۳۵۹ مرکز تحقیقات شورای نگهبان.

مدیریت اجرایی انتخابات در کشورهای آمریکا، کانادا و فرانسه؛ الگوهای دولتی، مستقل و ترکیبی

مهدی باقری فارسانی^۱ دانیال طاهری فدافن^۲

چکیده

در بررسی مسأله انتخابات، جدای از نوع نظام انتخاباتی، شیوه برگزاری انتخابات نقش ویژه و تعیین کننده‌ای ایفا می‌نماید. موضوع انتخابات و نظام مدیریت اجرایی انتخابات به عنوان یک ساز و کار پیش‌بینی شده در قوانین اساسی، قوانین موضوعه و عرف‌های اساسی کشورهای مختلف برای برگزاری یک انتخابات دقیق و سالم مورد اشاره قرار گرفته است. اهمیتی که نظام مدیریت اجرایی انتخابات در برگزاری یک انتخابات مدبرانه ایفا می‌نماید در نسبت مستقیمی با سلامت، شفافیت و صحت جریان انتخابات قرار می‌گیرد. در رویه عملی کشورها، تاکنون سه الگوی: مستقل، دولتی و مختلط یا ترکیبی برای نهاد مدیریت انتخابات به رسمیت شناخته شده است و از این زاویه می‌توان با طبقه‌بندی کشورهایی که از این الگوها تبعیت می‌کنند، پرداخت. در واقع هدف اساسی از ایجاد نهادهای متولی برگزاری انتخابات بر مبنای الگوهای مذکور، تضمین حداکثری صیانت از آراء شهروندان و در نهایت برگزاری یک انتخابات عادلانه می‌باشد. اگرچه با توجه به برخی شاخص‌ها می‌توان مدیریت اجرایی انتخابات را به چند الگو تقسیم نمود اما در نهایت نمی‌توان قاطعانه ادعا نمود که فرایند برگزاری انتخابات در چند کشور با یک الگو، بصورت یکسان اجرا می‌گردد. بدین معنا که نوع مدل نهاد مدیریت انتخابات بطور قطعی نمی‌تواند مبین نوع فرایند برگزاری انتخابات در یک کشور با تجربه تاریخی و اجتماعی ویژه خود باشد. با این وجود با مطالعه تطبیقی مابین سه الگوی نظام انتخاباتی می‌توان به نقاط قوت و ضعف هر یک پی برد و از قابلیت‌های هریک در نظام انتخاباتی داخلی سود جست. مقاله پیشرو از این زاویه به بررسی مدیریت اجرایی انتخابات پرداخته است.

واژگان کلیدی

انتخابات، الگوی دولتی، الگوی مستقل، الگوی ترکیبی، مدیریت اجرایی انتخابات

مقدمه

انتخابات در کشورهایایی که روش‌ها و ساز و کارهای دموکراتیک را پذیرفته‌اند، به انحاء

^۱- کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران (مسئول مقاله).

^۲- دانشجوی مقطع دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران.

گونگون برگزار می‌شود. چرا که انتخابات به عنوان شریان حیاتی مردم سالاری محسوب می‌شود. در نظام‌های مردم سالار دولت‌ها متعهد به برگزاری انتخاباتی عادلانه، همگانی و با مدیریت صحیح می‌باشند. رعایت اصولی چون شفافیت، پاسخگویی، بی‌طرفی و قانونگرایی از جمله ضابطه‌های مدیریت مطلوب انتخابات است.

علی‌رغم همه چاره‌اندیشی‌ها جهت اجرای مطلوب انتخابات، کمتر نظام انتخاباتی وجود دارد که در آن رفتار رأی‌دهی و دیگر ساز و کارهای مربوط به انتخابات عاری از معضل باشد. بنابراین از جمله مسائل مهم در اکثر نظام‌های مردم سالار، چگونگی برگزاری و ساز و کارهای اجرایی انتخابات است. کم‌هزینه بودن، صیانت از آراء مردم و انطباق با قانون، از جمله حساسیت‌های موجود در این گونه نظام‌ها می‌باشد. بررسی‌های صورت گرفته در کشورهای مختلف، بدون توجه به نوع الگوی نهاد مدیریت اجرایی انتخابات، نشان می‌دهد که کارکردهای مجریان در هر کشور مختص به خود آن کشور بوده، صرفاً عرف‌های سیاسی و قوانین مصوب در این زمینه راهنمای اجرای انتخابات می‌باشد. اگرچه با توجه به برخی شاخص‌ها می‌توان مدیریت اجرایی انتخابات را به چند الگو یا مدل تقسیم نمود، اما در نهایت نمی‌توان به طور قاطع ادعا نمود که فرایند برگزاری انتخابات در چند کشور با یک الگو و به صورت یکسان اجرا می‌گردد. در نظام جمهوری اسلامی انتخابات بدون وقفه حتی در وضعیت انقلاب و جنگ برگزار شده است. ارزیابی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که نظام انتخابات ایران با ایده‌ها و مفروضات مطلوب فاصله دارد. در نظام‌هایی که در آن انتخابات عمومی و گسترده برگزار می‌شود، آگاهی از ساز و کارها و الگوهای اجرایی انتخابات در سایر نظام‌ها، می‌تواند برای آشنایی مجریان و قانون‌گذاران برای مواجهه با معضلات اجرایی انتخابات و حل و فصل آن مفید باشد.

کمیسیون انتخابات یکی از ساز و کارهای اجرای انتخابات در اغلب نظام‌های مردم سالار است. در نظام جمهوری اسلامی ایران اولین بار ایده کمیسیون انتخابات در زمان اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری در مجلس شورای اسلامی مطرح گردید؛ اما در قانون مربوطه به تصویب نرسید. انتشار سیاست‌های نوین انتخابات فرصتی دوباره برای ارزیابی این ساز و کارها و بهره‌گیری از تجربیات موجود در جهت برگزاری مطلوب انتخابات است.

چنین ساختاری در اکثر نظام‌های انتخاباتی کشورهای جهان البته با اسامی و وظایف مختلف وجود دارد. از مجموع کشورهای جهان در ۹۶ کشور کمیسیون انتخابات عهده‌دار اجرای انتخابات است. ۱۰ کشور دارای کمیته برگزاری انتخابات بوده و در ۷ کشور شورای مرکزی یا ملی انتخابات، مدیریت انتخابات را بر عهده دارد. در ۲ کشور پارلمان و در ۲۰ کشور انتخابات توسط وزارت کشور و در ۱۰ کشور توسط وزارت دادگستری برگزار می‌شود. در ۳۶ کشور نیز

دپارتمان و هیئت و دفتر و ... مسئولیت اجرای انتخابات را بر عهده دارند. این مقاله به بررسی تجربه برگزاری کمیسیونی انتخابات در سه کشور آمریکا، کانادا و فرانسه می پردازد. پژوهش حاضر بر محور این پرسش است که اصولاً مدیریت اجرایی انتخابات بر اساس چه الگوهایی و با چه نقاط ضعف و قوتی در سطح کشورهای مختلف عمل می نماید و در این بین کمیسیون های مختلف انتخاباتی تحت چه ساز و کارهایی مشغول و نحوه گزینش اعضای کمیسیون انتخابات، وظایف و ویژگی های هر یک چگونه می باشد؟ از اینرو با نگاهی تطبیقی به مدیریت اجرایی انتخابات در سه کشور آمریکا، کانادا و فرانسه به بررسی قابلیت های هر یک از الگوهای مدیریت اجرایی انتخابات و کمیسیون ها و نهادهای مسئول در آنها می پردازد؛ تجربیاتی که برای برگزاری انتخابات در ایران نیز می تواند مفید باشد.

۱- الگوهای مدیریت اجرایی انتخابات

هرچند که فرایندهای انتخابات بازتاب اصولی ناب برای یک انتخابات دموکراتیک باشد، اما هیچ انتخاباتی نمی تواند بدون در نظر داشتن شرایط سیاسی، فرهنگی و تاریخی یک کشور برگزار گردد (Declaration of Principles for International Election Observation, ۲۰۰۵.p۱). معماری فرایند انتخابات ممکن است در قانون اساسی، قوانین انتخاباتی و دیگر قوانین و مقرراتی که ممکن است مستقیم یا غیر مستقیم اجرای انتخابات را تحت الشعاع قرار دهد مشخص و تنظیم گردد (Rajas Ingham, Sakuntala, Kadirgamar, ۲۰۰۵.p۴). بر این مبنا چارچوب حقوقی که در قوانین برای اجرای انتخابات تعیین می شود می بایست واضح و غیرمبهم بوده و تمام عوامل و عناصر اصلی مرتبط با این فرایند را در خود جای داده باشد.

همانگونه که در ادامه اشاره خواهد شد نهاد مجری انتخابات می تواند هم دارای کارکرد خاص و هم دارای اختیارات تام در فرایند برگزاری انتخابات یا همه پرسی باشد. به این منظور در بررسی مسأله انتخابات جدای از نوع نظام انتخاباتی (اکثریتی - تناسبی)، شیوه برگزاری انتخابات نقش ویژه و تعیین کننده ای را در این بین ایفا می نماید. در واقع منظور از ایجاد نهادهای متولی برگزاری انتخابات، تضمین صیانت آراء شهروندان و در نهایت تقویت مبانی مشروعیت حکومت می باشد. فرایند برگزاری انتخابات اعم است از اجرا و نظارت. بدین معنا که نهاد مدیریت انتخابات با توجه به ساختار و چارچوب قانونی خود ممکن است تنها مجری برگزاری باشد و یا اینکه وظیفه اجرا و نظارت را توأمان عهده دار باشد. همچنین ساختار سازمانی نهاد مجری انتخابات نقش قابل توجهی هم در فرایند انتخابات و هم در نتیجه انتخابات می تواند داشته باشد (Elkhit, Jorgen and Reynolds, Andrew, ۲۰۰۰.p۶). بر این اساس مدل های مختلفی از این گونه نهادها در کشورهای دنیا با توجه به ساختار سیاسی و قانونی شان وجود دارد. در رویه عملی کشورها تاکنون سه الگو برای نهاد مدیریت انتخابات به رسمیت شناخته

شده است و تمام کشورهایی که از گونه‌ای نظام انتخاباتی برخوردار هستند از یکی از الگوهای مستقل^۱، الگوی دولتی^۲ و الگوی مختلط یا ترکیبی^۳ جهت سامان بخشی به نظام انتخاباتی خود بهره می‌گیرند که به بررسی این سه الگو با معرفی نقاط قوت و ضعف هر یک پرداخته میشود.

۱-۱- الگوی مستقل

الگوی مستقل مدیریت انتخابات در کشورهایی وجود دارد که فرایند انتخابات به صورت کامل صرفاً توسط یک نهاد برگزار و سازماندهی می‌شود که از لحاظ ساختاری مستقل از قوه مجریه می‌باشد و از نظر بودجه و مسائل مالی مستقل است. بر اساس این الگو، یک نهاد مدیریت در مقابل یک بخش یا وزارتخانه دولتی مسئول نمی‌باشد. اما ممکن است در مقابل قوه مقننه، قضاییه و یا رئیس کشور مسئول و پاسخگو باشد. نهادهای مستقل مدیریت درجات مختلفی از استقلال مالی و پاسخگویی را دارند، همچنین ممکن است در برابر وظایف خود تا اندازه خاصی پاسخگو باشند. اعضای این نهادها از بین افراد خارج از قوه مجریه انتخاب می‌شوند و مادامی که در عضویت این نهاد به سر می‌برند حق انجام فعالیت در قوه مجریه را ندارند. در برخی از کشورها که تجربه دموکراسی را دارند یا در راستای دموکراسی سازی در کشور خود تلاش می‌کنند از الگوی مستقل مدیریت انتخابات بهره می‌گیرند مانند ارمنستان، استرالیا، بوسنی و هرزگوین، بورکینافاسو، کانادا، کاستاریکا، استونی، هند، اندونزی، نیجریه، آفریقای جنوبی، تایلند، اروگوئه، لهستان و لیبیا.

الف: مزایای الگوی مستقل

- ۱- فراهم نمودن محیط مناسب برای توسعه وحدت عملکرد اعضا و نهاد انتخابات،
- ۲- تمرکز بر فعالیت های انتخاباتی که می‌تواند منتج به برنامه ریزی بهتر و تقویت بیشتر وظایف گردد،
- ۳- تسلط بر بودجه و هزینه‌ها توسط این نهاد و اجرای فعالیت های انتخاباتی بصورت مستقل،
- ۴- اداره انتخابات تحت کنترل یک مدیریت واحد حتی اگر افراد یا گروه‌هایی که در این زمینه خدمات ارائه می‌دهند متکثر و مختلف باشند،
- ۵- ارتقای مشروعیت نهاد مدیریت به صورتی که بی‌طرفی و عدم کنترل آن توسط گرایش های سیاسی مشخص می‌باشد. (Ibid,p21)

ب: معایب الگوی مستقل

- ۱ - امکان دور افتادن از چارچوب تصمیم گیری های سیاسی و انتخاباتی،

1- Independent Model of Electoral Management.

2- Government Model of Electoral Management.

3- Mixed Model of Electoral Management.

- ۲- عدم امکان نفوذ و تأثیرگذاری کافی برای دریافت بودجه،
- ۳- تغییر و تبدیل اعضا ممکن است موجب کاهش انتقال تجربیات و حافظه سازمانی گردد،
- ۴- به دلیل داشتن استقلال از قوه مجریه ممکن است با هزینه های زیاد و عدم جذب نیروهای جدید مواجه شوند.

۲-۱- الگوی دولتی

این الگو در آن دسته از کشورهایی وجود دارد که انتخابات توسط قوه مجریه و از طریق یک وزارتخانه - عمدتاً وزارت کشور- برگزار می شود. این نوع از نهادهای دولتی در مقابل کابینه یا به عبارت دیگر، قوه مجریه پاسخگو و مسئول می باشند. اعضای آنها اکثراً همان اعضای قوه مجریه هستند و بودجه آنها نیز در دیف بودجه وزارتخانه مربوطه جای دارد. کشورهای دانمارک، نیوزلند، سنگاپور، سوئیس، تونس و ایالات متحده از این الگو در زمینه برگزاری انتخابات بهره می گیرند. (Ibid, p21)

الف: مزایای الگوی دولتی

- ۱- توانایی انتقال تجربیات و حافظه کاری به دیگر اعضا،
- ۲- همکاری با دیگر دستگاه های دولتی برای ارائه خدمات بهتر،
- ۳- داشتن بودجه کافی،
- ۴- داشتن قدرت و اختیارات کافی به دلیل متصل بودن به قوه مجریه.

ب: معایب الگوی دولتی

- ۱- ممکن است اعتبار انتخابات به دلیل نفوذ قوه مجریه و نیروهای سیاسی با تردید مواجه شود،
- ۲- بودجه آن ممکن است تحت تأثیر تصمیمات سازمان های دولتی یا مقامات محلی قرار گیرد،
- ۳- ممکن است اعضای آن از تخصص و مهارت لازم برخوردار نباشند،
- ۴- نظام بروکراتیک این الگو ممکن است متناسب با نیازهای مدیریتی برای انتخابات نباشد،
- ۵- اداره انتخابات ممکن است بین بخش های مختلف قوه مجریه تقسیم شود و موجب پراکندگی تصمیمات و عدم هماهنگی در اداره انتخابات گردد (Ibid, p21).

۳-۱- الگوی ترکیبی

مدیریت انتخابات در الگوی ترکیبی معمولاً دارای دو جزء می باشد و نظام انتخابات در آن ساختار دوگانه ای دارد؛ یک نهاد سیاست گذار و ناظر که مستقل از قوه مجریه می باشد و یک نهاد اجرایی که در درون یک سازمان یا وزارتخانه دولتی وجود دارد. بر اساس این الگو، انتخابات توسط دو قسمت برگزار می گردد، به عبارت دیگر ترکیب ناقص الگوی مستقل و

دولتی را می توان در الگوی مختلط مشاهده کرد. این الگو در کشورهای ایران، فرانسه، ژاپن، اسپانیا و تعدادی از مستعمرات سابق فرانسه بخصوص در غرب آفریقا مانند مالی، سنگال و توگو مورد استفاده قرار می گیرد (Ibid, p8).

اختیارات، وظایف و توانایی های هر دو ترکیب این الگو در نمونه های مختلف آن متفاوت می باشد و طبقه بندی کشورها از منظر بکارگیری این الگو نمی تواند چندان شفاف باشد. در برخی از موارد، بخش مستقل این الگو دارای نقش نظارتی و تنفیذ کننده وظایف بخش اجرایی می باشد مانند الگویی که در کشور ماداگاسکار وجود دارد. ارتباط بین هر دو ترکیب در این الگو در نظام حقوقی یا تفاسیر ارائه شده توسط مقامات قانونی انتخابات واضح و آشکار نیست و در این زمینه اختلاف نظرهای فاحشی وجود دارد. برای مثال در انتخابات ۱۹۹۹ گینه کوناگری که از الگوی ترکیبی مدیریت انتخابات بهره می گرفت، نمایندگان حزب اکثریت و نمایندگان مخالفین در بخش مستقل نهاد مدیریت، در مورد نقش نظارتی و تنفیذی آن اختلافات شدیدی داشتند که متعاقب آن کارایی نهاد مدیریت بسیار تضعیف گردید.

الف: مزایای الگوی ترکیبی

- ۱- اعتبار بالای اعضای بخش مستقل می تواند موجب ارتقای مشروعیت این نهاد گردد،
- ۲- همکاری بخش اجرایی و دولتی این نهاد برای بهره گیری از خدمات دیگر دستگاه های حکومتی،
- ۳- بخش مستقل آن بر مصرف بودجه و همچنین راهبردهای مدیریتی و اجرایی نظارت دارد،
- ۴- ساختار دوگانه آن موجب ممانعت از نظارت افراد یا گروه های خارج از مجموعه می شود.

ب: معایب الگوی ترکیبی

- ۱- عدم تفکیک وظایف ممکن است موجب بروز اختلاف در صلاحیت گردد،
- ۲- مستقل بودن بخش سیاست گذار این نهاد ممکن است موجب عدم جذب بودجه و امکانات مالی کافی گردد،
- ۳- بخش اجرایی آن ممکن است مورد دخالت های بی مورد قوه مجریه قرار گیرد،
- ۴- تخصیص وظایف بین بخش اجرایی وابسته به قوه مجریه و همچنین بخش مستقل می تواند موجب سردرگمی در انجام و پیشبرد وظایف گردد (Ibid, p21).

۲- مدیریت اجرایی انتخابات در ایالات متحده آمریکا (الگوی دولتی)

۱-۲- مقامات محلی^۱

اولین انتخابات در آمریکا، زمانی که انگلیسی‌ها در اواخر قرن هفدهم در آن ساکن شدند؛ برگزار گردید. در این کشور سازمان ملی خاصی برای برگزاری انتخابات وجود ندارد. اولین بار قانون مدیریت انتخابات توسط کنگره در سال ۲۰۰۲، یعنی بیش از ۲۰۰ سال پس از تصویب قانون اساسی این کشور به تصویب رسید. در ایالات متحده آمریکا، اداره انتخابات بصورت نامتمرکز، یعنی از طریق مسئولان محلی صورت می‌گیرد. بنابر یک قاعده خاص تحت عنوان «اصل تفویض اختیار تصمیم‌گیری^۲»، در برگزاری انتخابات این کشور دولت مرکزی کمتر دخالت داشته و این امر به خود ایالات و مناطق واگذار گردیده است؛ به گونه‌ای که بیش از سیزده هزار واحد مجزا در سطح مناطق ایالات متحده در فرایند انتخابت مسئولیت و نقش مستقیم دارند و در هر یک از پنجاه ایالت این کشور انتخابات بطور مستقل برگزار می‌شود (Streb, Matthew J, ۲۰۰۸, pp ۱۶۷-۱۷۰). در قانون اساسی ۱۷۸۷ آمریکا، هیأت‌های انتخاب‌کنندگان^۳ به عنوان واسطه بین رأی‌دهندگان و انتخاب‌کنندگان نهایی رئیس‌جمهور و معاون او تعبیه شده است.

قانون اساسی این کشور در زمینه مدیریت اجرایی انتخابات، توضیح بسیار مختصری می‌دهد، بجز این که اعلام می‌دارد که ایالات، متولی تعیین اعضای هیأت انتخاب‌کنندگان می‌باشند. در گذر زمان، خود ایالات روش‌های برگزاری انتخابات در سطح ایالت و مناطق را توسعه دادند. به این دلیل که اغلب انتخاباتی که برگزار می‌شود مربوط به نهادهای محلی است و مقامات خود شهرستانها و شهرداری‌ها، رأی‌دهندگان را ثبت نام، تعرفه‌های رأی را طراحی و فرایند رأی‌گیری را اجرا می‌نمایند؛ و نیز آموزش مسئولان متولی این امر را برعهده دارند. تا پایان قرن نوزدهم عمده ابزارهای اساسی رأی‌گیری، تعرفه‌های رأی بودند که از طرف احزاب سیاسی به افراد داده می‌شد و در این تعرفه‌ها تمامی نامزدان معرفی می‌شدند.

۲-۲- چارچوب قانونی

قانون کمک به رأی‌گیری آمریکا^۴ که در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید، تنها قانونی است که در زمینه فرایند برگزاری انتخابات در این کشور وضع گردیده است. تا قبل از تصویب این قانون دولت مرکزی در اجرای انتخابات به مسئولان ایالتی و محلی کمک مالی ارایه نمی‌کرد. اما پس از تصویب این قانون وضعیت تغییر کرد. به موجب این قانون کمیسیونی

۱- Local Authorities.

۳- Electoral Colleges.

۴- Help America Vote Act of 2002 (HAVA).

به نام کمیسیون همیاری^۱ انتخابات تشکیل گردیده است که شیوه‌های برگزاری انتخابات در این کشور را مشخص و وضعیت ایالات را در مسائل مالی مربوط به ابزارهای مورد نیاز برای برگزاری انتخابات مشخص می‌کند. کمیسیون متشکل از ۴ عضو می‌باشد که دو نفر از طرف حزب جمهوری خواه و دو نفر از طرف حزب دموکرات انتخاب می‌گردند.

۲-۳- اختیارات و وظایف کمیسیون همیاری انتخابات و مسئولان محلی ایالات

کمیسیون همیاری انتخابات به عنوان مرکز ارائه و پالایش اطلاعات انتخاباتی عمل می‌نماید؛ و از طریق کنترل کیفیت ابزارها و لوازم کاربردی مورد نیاز برای برگزاری انتخابات و همچنین انتشار دستورالعمل‌های راهنمای شرکت در انتخابات، وظیفه خود را به انجام می‌رساند. اختیارات کمیسیون در صدور دستورالعمل و آیین‌نامه محدود است و نمی‌تواند مقرراتی را که تکلیفی بر ایالات تحمیل کند، وضع نماید. این کمیسیون در مقابل کنگره ایالات متحده، قوه مجریه و قوه قضائیه مسئول و پاسخگو است. مسئولان محلی و مناطق نیز در درجه اول در مقابل مردم و در مرحله بعد در برابر مقامات ایالتی و قوه قضائیه مسئولند.

۲-۴- کمیسیون فدرال انتخابات^۲

در فرایند برگزاری انتخابات در آمریکا نهاد دیگری به نام کمیسیون فدرال انتخابات تاسیس شده است. لازم به ذکر است که این کمیسیون مسئول سازماندهی انتخابات نیست و همانگونه که اشاره شد متولیان اصلی برگزاری انتخابات در این کشور، مقامات و مسئولان محلی می‌باشند. این کمیسیون متشکل از وزیر امور خارجه و منشی مجلس نمایندگان یا افراد منتخب آنها می‌باشد که به اعتبار سمت و بدون حق رأی در کمیسیون حاضر می‌شوند و نیز ۶ عضو منتخب از طرف رئیس جمهور که پس از مشورت با مجلس سنا منصوب می‌گردند، دیگر اعضای این کمیسیون را تشکیل می‌دهند.

اعضای کمیسیون برای یک دوره ۶ ساله به این سمت منصوب می‌شوند و اعضا بر اساس تجربه، صداقت، بی‌طرفی و حسن شهرت به قضاوت شایسته، انتخاب می‌شوند. اعضای کمیسیون به جزء دبیر سنا و سخنگوی مجلس نمایندگان، افرادی هستند که در زمان انتصاب جزو کارمندان دولت فدرال نیستند. این افراد ۹۰ روز قبل از انتخاب شدن به این سمت، از هر شغل و حرفه‌ای که دارند استعفا خواهند داد.

۲-۵- وظایف کمیسیون انتخابات فدرال

۱- Election Assistance Commission (EAC).

۲- Federal Election Commission.

- ۱- مهیا نمودن زمینه‌های لازم جهت اجرای صحیح قانون رقابت‌های انتخاباتی (Federal Election Campaign Act, FECA), (۱۹۷۱)،
- ۲- صدور دستورالعمل و توصیه‌نامه برای تمام افرادی که به موجب قانون مذکور مسئول ثبت و ضبط گزارشات انتخاباتی هستند؛ به منظور یکپارچه سازی گزارشات،
- ۳- طراحی یک سیستم بایگانی به همراه کدگذاری‌های خاص و فهرست نویسی متناسب با اهداف قانون مذکور،
- ۴- بررسی و نگهداری گزارشات انتخاباتی،
- ۵- ارسال گزارشات مربوط به انتخابات به کنگره،
- ۶- تدوین مقررات مربوط به میزان وجوه دریافتی و هزینه شده توسط نامزدان و احزاب سیاسی در سطح فدرال (این وظیفه در سطح ایالات بر عهده مسئولان ایالت می‌باشد)،
- ۷- تعیین نمودن میزان کمک‌های مالی دولتی که در سطح فدرال در اختیار نامزدان قرار می‌گیرد (کمک‌های مالی دولتی با این هدف صورت می‌گیرد تا نهادهای غیر دولتی نتوانند کمک مالی به نامزدان و احزاب نموده و از این طریق در نتیجه انتخابات نقش داشته باشند)،
- ۸- انتشار اطلاعات و گزارشات مربوط به انتخابات از طریق شبکه اینترنت (Federal Election Campaign Law, P ۵۴).

بر اساس قانون رقابت‌های انتخاباتی که در سال ۱۹۷۱ تصویب شده است؛ تمامی نامزدان انتخابات می‌بایست میزان و مبلغ پول‌های دریافتی و هزینه شده در رقابت‌های انتخاباتی را به طور کامل و دقیق گزارش نمایند.

۲-۶- فرایند اخذ رأی

فرایند اخذ رأی در ایالات متحده به این ترتیب صورت می‌پذیرد: فرد رأی‌دهنده شخصاً به یکی از مراکز اخذ رأی مراجعه نموده و پس از ثبت نام، رأی خود را به صندوق می‌اندازد. این شیوه به رأی‌دهی منطقه‌ای معروف است. به موجب قانون کمک به رأی‌گیری، افرادی که نامشان در لیست افراد واجد شرایط رأی‌دهی در یک حوزه انتخاباتی مشخصی نیست، می‌توانند در هر حوزه انتخاباتی رأی دهند. البته این رأی موقتی بوده و می‌بایست اعتبار آن به تأیید مراجع قانونی برسد. آراء را می‌توان قبل از روز انتخابات، بر اساس سیستم رأی‌دهی اولیه یا به صورت غیابی به صندوق انداخت. تفاوت رأی‌دهی اولیه با رأی‌دهی غیابی در این است که در سیستم رأی‌دهی اولیه، افراد می‌توانند به یکی از دفاتر یا باجه‌های انتخاباتی مراجعه نموده و رأی خود را به صندوق بیاندازند. این فرایند پیش از روز رأی‌گیری اصلی اتفاق می‌افتد و البته فرد رأی‌دهنده الزامی برای ارائه دلیل عدم حضور در روز رأی‌گیری نخواهد داشت.

در سیستم رأی دهی غیابی، افراد از طریق پست الکترونیک و قبل از برگزاری انتخابات اقدام به رأی دهی می‌کنند. این شیوه با تفاوت‌هایی تقریباً در تمامی ایالات وجود دارد. در برخی از ایالات رأی غیابی بدون الزام به ذکر دلیل انجام می‌پذیرد. به این صورت که افرادی که برای شرکت در انتخابات ثبت نام نموده‌اند بدون اینکه نیازی به ارائه دلیل برای این شیوه رأی دهی وجود داشته باشد، اقدام به دادن رأی می‌کنند. در برخی دیگر از ایالات افراد تنها تحت شرایط خاصی می‌توانند بصورت غیابی اقدام به دادن رأی نمایند.

یکی دیگر از روش‌های رأی‌گیری، به صورت اینترنتی و از طریق استفاده از پست الکترونیکی می‌باشد. در این روش افراد فرم‌های خود را از طریق پست الکترونیکی دریافت نموده و از همین طریق نیز رأی می‌دهند (Scott, Greg and Mullen, Gary, 2005, p63). اخیراً در این کشور مراکز با عنوان مراکز رأی‌گیری ایجاد شده که افراد می‌توانند صرف نظر از اینکه در کدام حوزه انتخابیه ثبت نام نموده‌اند، اقدام به دادن رأی خود کنند. به این معنا که هر فرد که برای شرکت در انتخابات ثبت نام کرده است، جدای از منطقه‌ای که در آن ثبت نام نموده، می‌تواند در محدوده سیاسی برگزاری انتخابات، رأی خود را در صندوق بیاندازد. لازم به ذکر است که وجود این مراکز امکان کاهش مکان‌های رأی‌گیری را به مسئولان انتخاباتی می‌دهد و به این ترتیب مدیریت حوزه‌های انتخاباتی تسهیل گردیده و نیز موجب راحتی کار افراد رأی‌دهنده می‌گردد، که این امر می‌تواند موجب حضور حداکثری افراد پای صندوق‌های رأی شود (Ibid, p۷۰). برای افرادی که خارج از کشور به سر می‌برند و همچنین نظامیان، قانون رأی‌دهی نظامیان و افراد خارج از کشور که در سال ۱۹۸۶ به تصویب کنگره رسیده است این امکان را فراهم آورده که این افراد نیز بتوانند رأی خود را در صندوق‌های رأی اندازه‌اندازند. لازم به ذکر است که مرجع رسیدگی به شکایت از اقدامات کمیسیون‌های انتخاباتی ابتدا، دادگاه‌های ایالتی و در مرحله نهایی دیوان‌عالی ایالات متحده آمریکا می‌باشد.

۳- مدیریت اجرایی انتخابات در کانادا (الگوی مستقل)

۳-۱- مسئول کل انتخابات^۱

کشور کانادا که از مستعمرات پیشین انگلیس به شمار می‌آید دارای نظام پارلمانی می‌باشد. پارلمان فدرال کانادا متشکل است از فرماندار کل، مجلس سنا و مجلس عوام. قدرت در این کشور از سوی مردم و از طریق گزینش نمایندگان مجلس عوام و سنا، و تشکیل دولت تحت نظارت پارلمان اعمال می‌گردد. نظام انتخاباتی کانادا مبتنی بر نظام اکثریتی ساده می‌باشد که به موجب آن هر نامزدی که بیشترین آراء را در حوزه انتخابیه کسب نماید به عنوان یک عضو

۱- Chief Electoral Officer.

پارلمان انتخاب خواهد شد.

الگوی پذیرفته شده برای مدیریت اجرایی انتخابات، الگویی مستقل بوده که توسط نهادی به نام مسئول کل انتخابات اعمال می‌گردد. این نهاد در سال ۱۹۲۰ توسط قانون انتخابات کانادا تأسیس گردید. مسئولان این نهاد توسط مجلس عوام این کشور برگزیده می‌شوند. مسئولانی که در رأس این نهاد قرار می‌گیرند باید از نظر سیاسی بی‌طرف باشند و کلیه کارکنان این نهاد بایستی سوگند وفاداری نسبت به حسن انجام وظایفشان و پاسداری از حقوق شهروندان ادا نمایند (Mebs and et.all, ۲۰۱۲, pp۲۰-۲۱).

۳-۲- افراد واجد صلاحیت برای شرکت در انتخابات

هر فردی که تبعه کانادا بوده و در روز رأی‌گیری ۱۸ سال یا بیشتر داشته باشد، واجد شرایط رأی دادن و انتخاب کردن می‌باشد. قانون تنها سرپرست کل حوزه انتخابی، دستیار کل و مسئول انتخاباتی حوزه انتخابیه و افرادی که در کانون‌های اصلاح و تربیت محکوم به گذراندن مدت دو سال حبس یا بیشتر هستند را مستثنی نموده است.

قانون‌گذار کانادا در معرفی شرایط افراد ذی‌صلاح جهت نامزد شدن در انتخابات، تنها با برشمردن افراد فاقد شرایط انتخاب شدن، اصل را بر شرکت همگانی در انتخابات گذارده است. به تعبیر دیگر با عدم شمول برخی شرایط، و طی نمودن تشریفات شرکت در نامزدی انتخابات، یک تبعه کانادایی می‌تواند خود را به عنوان نامزد انتخابات این کشور معرفی نماید.

۳-۳- فرایند برگزاری انتخابات

انتخابات در کانادا با فرمان فرماندار کل آغاز می‌گردد. البته مسئولیت برگزاری انتخابات بر عهده یک سازمان مستقل انتخاباتی می‌باشد که در رأس این سازمان یک مسئول کل انتخابات قرار دارد. قانون انتخابات این کشور به تشریح مقامات مسئول در فرایند برگزاری و شرح وظایف تک تک آنها پرداخته است (ibid, pv). براین اساس در هر انتخابات یک مسئول کل انتخابات وجود خواهد داشت که با تصمیم مجلس عوام به منظور بر عهده گرفتن مسئولیت اجرای انتخابات منصوب خواهد شد. وی ممکن است توسط فرماندار کل و با دستور کتبی سنا و مجلس عوام عزل شود. مسئول کل انتخابات تا رسیدن به سن ۶۵ سالگی عهده‌دار این سمت خواهد بود. در صورت فوت، ناتوانی و یا سهل‌انگاری مسئول کل انتخابات، و در صورت عدم اجلاس مجلس عوام برای تعیین مسئول جدید، جانشین وی به در خواست وزیر و با حکم رئیس دیوان عالی کانادا و یا قاضی ارشد دیوان عالی کانادا در غیاب رئیس، منصوب و تعیین خواهد شد. جانشین مسئول کل انتخابات، حق دریافت حقوق تعیین شده و مقرر به وسیله فرماندار کل را خواهد داشت (Electoral Systems and Processes, UNDP, ۲۰۰۴).

۱۴-۱۱۲، pp). مسئول کل انتخابات هم شأن قائم مقام وزیر بوده و تمام اختیارات یک قائم مقام وزیر را خواهد داشت. وی وظایف مربوط به مسئولیت خود را به صورت تمام وقت انجام داده و مسئولیت دیگری را بر عهده نخواهد گرفت. حقوق مسئول کل انتخابات، برابر با حقوق قاضی دادگاه فدرال خواهد بود. وی حق دریافت هزینه‌ها و مخارج معقول و متعارف زندگی و سفر را هنگام دور بودن از محل اقامت عادی و دائمی خود جهت انجام وظایف، خواهد داشت. مسئول کل انتخابات می‌تواند فرایند رأی‌گیری الکترونیکی را به منظور استفاده در انتخابات سراسری یا انتخابات میان‌دوره‌ای به اجرا درآورد. لازم به ذکر است که استفاده از سیستم رأی‌گیری الکترونیکی نمی‌تواند بدون تصویب قبلی کمیته‌های مجلسین سنا و عوام مورد استفاده قرار گیرد (Lausen, Marcia, 2007, pp 44-48).

۳-۴- اختیارات و وظایف سازمان انتخابات کانادا

عمده وظایف این سازمان شامل مدیریت و نظارت کامل بر فرایند اجرای انتخابات، نظارت بر حسن انجام وظایف توسط مسئولان و مأموران انتخاباتی و صدور دستورالعمل‌های لازم به منظور اجرای صحیح قانون انتخابات می‌باشد. در طول دوره انتخابات، در صورتی که شرایط اضطراری، غیر معمول و پیش‌بینی نشده‌ای حادث گردد، مسئول کل انتخابات می‌تواند هرگونه مقررات لازم را در رابطه با مسأله انتخابات وضع و اتخاذ نماید، خصوصاً می‌تواند تعداد مأموران و مسئولان انتخابات و پایگاه‌های رأی‌گیری را افزایش دهد. مسئول کل انتخابات می‌تواند برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی عمومی را به منظور آشنایی بهتر مردم با فرایند انتخابات به اجرا درآورد و نیز می‌تواند با استفاده از هر گونه وسیله ارتباط جمعی و رسانه‌ها که مناسب تشخیص دهد برای مردم در داخل و خارج کانادا، اطلاعات مربوط به فرایند انتخابات را تشریح کند (Wall, Alan and others, 2006, pp 55-58).

۳-۵- دیگر مسئولان انتخاباتی

به استثنای مسئول کل انتخابات که به‌عنوان هسته مرکزی سازمان انتخابات کانادا به انجام وظیفه مشغول است، مسئولان و مقام‌های دیگری نیز در امر انتخابات مشارکت دارند که شامل: سرپرستان حوزه‌های انتخابیه، معاون اول و معاون دوم سرپرست حوزه انتخابیه، اشخاص مجاز از طرف مسئول حوزه انتخاباتی برای اجرای تکالیف مقرر در قانون انتخابات، قائم مقام مسئول حوزه انتخاباتی، منشی حوزه رأی‌گیری، مأموران ثبت نام، مأموران اطلاع‌رسانی، مسئولان حافظ نظم در مراکز رأی‌گیری، اشخاص منصوب شده برای جمع‌آوری صندوق‌های رأی، سرپرستان حوزه‌های انتخابیه، اشخاص مجاز از طرف مسئول حوزه‌های انتخاباتی برای اجرای برخی تکالیف تفویض شده از سوی سرپرست حوزه بدان‌ها، ناظران حوزه رأی‌گیری

که از سوی سرپرست حوزه تعیین می‌شوند؛ می‌باشند. بدین ترتیب در رأس متولیان برگزاری انتخابات در کانادا مسئول کل قرار می‌گیرد که از سوی مجلس نمایندگان این کشور برگزیده گردیده و مدیریت و نظارت کامل بر انتخابات را برعهده دارد (Ethical and Professional Observation of Elections, ۱۹۹۷, p۱۰۹). در کنار مسئول کل، سرپرستان حوزه‌های انتخابیه قرار دارد که این سرپرستان از سوی فرمانداران تعیین می‌گردند. سرپرستان به نوبه خود، به منظور انجام فرآیند برگزاری انتخابات اقدام به تعیین و یا نصب برخی از مسئولین انتخاباتی چون مأمور اطلاع‌رسانی، مسئولان حافظ نظم، معاون سرپرست حوزه، قائم مقام حوزه و منشی حوزه رأی‌گیری، مأمور ثبت نام و دیگر مسئولان می‌نمایند. تمامی نامزدان انتخابات نیز می‌توانند در روز رأی‌گیری در محل‌های رأی‌گیری و همچنین در زمان و مکان شمارش آراء نمایندگان برای نظارت بر این فرایندها قرار دهند.

۳-۶- رسیدگی به جرایم و تخلفات انتخاباتی

براساس قانون جامع انتخابات کانادا هر فردی که با قصد به تأخیر انداختن یا ممانعت از فرآیند اجرای انتخابات، قانون انتخابات این کشور را نقض نماید، مرتکب جرم شده است. در این راستا قانون انتخابات کانادا به تعیین تخلفات و جرایم انتخاباتی در هر بخش از فرآیند برگزاری انتخابات اعم از حقوق انتخاباتی، مأموران انتخاباتی، رأی‌گیری، نامزدی و ... پرداخته است و با تعیین مصادیق جرایم و تخلفات به تشریح هر یک اقدام نموده است (Petit, p۱۱۲) است. به منظور تضمین رعایت و اجرای قانون انتخابات، مسئول کل انتخابات، کمیسر عالی انتخابات را انتخاب و تعیین می‌نماید. در واقع کمیسر انتخابات در مقام دادستان ایفای نقش خواهد نمود و چنانچه مسئول کل انتخابات براساس دلایل معقول و متعارف، اطمینان حاصل کند که یک مأمور انتخابات احتمالاً جرمی در راستای انجام وظایفش مرتکب گردیده است، کمیسر عالی را ملزم به تحقیق و بررسی در مورد موضوع نموده و کمیسر عالی نیز باید اقدام به تحقیق و تفحص نماید. چنانچه کمیسر عالی براساس دلایل مستدل و محکم متقاعد شود که جرمی واقع گردیده است، می‌تواند پس از درخواست مسئول کل انتخابات یا بعد از دریافت شکایت کتبی دال بر ارتکاب جرم و یا از جانب خود، علیه مجرم اقامه دعوا نماید یا موجبات آن را فراهم آورد. بنابراین کمیسر عالی به عنوان دادستان انتخابات این کشور بر فرآیند برگزاری انتخابات این کشور نظارت می‌نماید و چنانچه جرم یا تخلفی را براساس قانون انتخابات مشاهده نماید؛ پس از تحقیق و بررسی به منظور صدور حکم، پرونده تخلف انتخاباتی را به دادگاه عمومی ذیصلاح ارسال می‌کند (Elkhit, Jorgen and Reynolds, Andrew, ۲۰۰۰, p۷۸).

۴- مدیریت اجرایی انتخابات در فرانسه (الگوی ترکیبی)

۴-۱- اداره انتخابات وزارت کشور و شورای قانون اساسی^۱

کشور فرانسه دارای نظام جمهوری می‌باشد. جمهوری در فرانسه از نوع جمهوری نیمه ریاستی- نیمه پارلمانی می‌باشد. از این رو برخلاف رژیم‌های پارلمانی که در آن انتخابات پارلمان اهمیت فراوانی دارد، انتخابات ریاست جمهوری به لحاظ اهمیت، در کنار انتخابات پارلمان (مجلس نمایندگان و مجلس سنا) قرار می‌گیرد. در فرانسه، انتخابات به اشکال مختلف برگزار می‌شود، انتخابات ریاست جمهوری، مجلس نمایندگان، مجلس سنا، شورای شهر و شوراهای مناطق، از جمله انتخابات در فرانسه می‌باشند. براساس قانون اساسی فرانسه، حاکمیت ملی متعلق به مردم است که آن را توسط نمایندگان از طریق همه‌پرسی اعمال می‌نمایند (Constitution of October, ۱۹۵۸, Article ۳). رأی‌گیری می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، با شرایط مقرر در قانون اساسی انجام پذیرد. رأی‌گیری، همیشه سراسری، با حق رأی برابر برای همگان و مخفی می‌باشد (Ibid).

نظام اجرایی انتخابات در فرانسه از نوع ترکیبی است، بدین معنا که در فرآیند برگزاری انتخابات در این کشور، قوه مجریه در کنار برخی نهادهای دیگر به ویژه شورای قانون اساسی مدیریت برگزاری انتخابات را برعهده می‌گیرند. شورای قانون اساسی فرانسه بر قانونی بودن انتخابات نمایندگان و سناتورها نظارت می‌نماید (Ibid, Article ۵۹). شورای قانون اساسی همچنین بر قانونی بودن اقدامات مربوط به همه‌پرسی و ریاست جمهوری نظارت کامل دارد (Ibid, Article ۶۰). وزارت کشور مسئولیت خود در اجرای انتخابات در استان‌ها و مناطق را از طریق شهرداری‌ها انجام می‌دهد. به عبارت دیگر شهرداری‌ها مسئول اصلی برگزاری انتخابات در مناطق می‌باشند. همچنین در فرآیند برگزاری انتخابات در فرانسه، کمیسیون‌های متعددی ایفای نقش می‌نمایند که به تشریح هر یک براساس مقررات عمومی قانون انتخابات فرانسه می‌پردازیم.

الف. کمیسیون مسئول تضمین ارسال و توزیع اسناد تبلیغات انتخاباتی: این کمیسیون بیست روز پیش از تاریخ انتخابات ایجاد می‌گردد. ترکیب و شرایط مأموریت کمیسیون با بخشنامه شورای دولتی مشخص می‌شود. دولت هزینه‌های فعالیت این کمیسیون را برعهده دارد.

ب. کمیسیون تبلیغات: این کمیسیون که به دستور استانداری و از آغاز رقابت‌های انتخاباتی تأسیس می‌گردد، مرکب از یک صاحب منصب قضایی، منتخب رئیس شعبه اول دادگاه

^۱ - Ministry of Interior – Bureau of Elections, Constitutional Council.

تجدیدنظر، به عنوان رئیس، یک مأمور منصوب توسط استاندار، یک مأمور منصوب توسط خزانه دار کل، یک مأمور منصوب توسط رئیس دپارتمان ادارات پست و ارتباطات راه دور و یک منشی مورد اعتماد، منتخب توسط مأمور منصوب استاندار می‌باشد. این کمیسیون موظف به انجام انتشار اطلاعات هر یک از نامزدان یا فهرست نامزدان برای آگاهی شهروندان و ارسال مشخصات نامزدان به شهرداری‌های حوزه انتخاباتی است. (electoral law of French, section ۵).

پ. کمیسیون نظارت بر رسانه: این کمیسیون در محل وزارت کشور ایجاد می‌گردد و مرکب از اعضای ذیل می‌باشد: یک عضو شاغل یا بازنشسته وزارت کشور که حداقل دارای رتبه مشاور باشد به عنوان رئیس، یک نماینده از طرف وزیر کشور، یک نماینده از طرف وزیر اطلاعات. این افراد با فرمان نخست وزیر منصوب می‌شوند. احزاب یا گروه‌هایی که تمایل به استفاده از برنامه‌های تبلیغاتی رسانه‌ای دارند، باید در این خصوص درخواست خود را به رئیس ارائه نمایند. کمیسیون پس از بررسی تقاضاها، حداکثر تا پانزده روز پیش از نخستین دور رأی‌گیری، توسط رئیس کمیسیون فهرست نهایی متقاضیان را به رئیس شورای عالی سمعی - بصری ابلاغ خواهد کرد.

ج. کمیسیون ملی هزینه‌های رقابت انتخاباتی: این کمیسیون بر صرف هزینه‌های تبلیغاتی و انتخاباتی توسط نامزدان نظارت دارد. کمیسیون مزبور شامل ۹ عضو می‌باشد که به مدت ۵ سال به فعالیت در این کمیسیون مشغول می‌باشند و اعضای آن شامل: سه عضو از طرف هیأت دولت، سه عضو از طرف دیوان عالی کشور که به پیشنهاد رئیس شعبه اول دیوان مذکور، انتخاب می‌شوند و سه عضو از طرف دیوان محاسبات، به پیشنهاد رئیس شعبه اول دیوان مذکور که پس از رأی روسای شعب انتخاب می‌گردند. رئیس کمیسیون، توسط اعضا برگزیده خواهد شد. این کمیسیون براساس آیین دادرسی خود، حساب رقابت‌های انتخاباتی را برحسب مورد، تأیید، اصلاح یا رد می‌کند (Ibid, section ۸). کمیسیون ظرف مدت شش ماه پس از انتخابات در مورد حسابها اظهار نظر می‌کند. پس از اتمام مهلت مذکور در صورت عدم اظهار نظر کمیسیون، حسابها تأیید شده محسوب می‌گردند. احزاب این کشور موظف هستند تمامی کمک‌های مالی که از طرف سازمان‌های مختلف به آنها اعطا می‌شود به این کمیسیون اعلام نمایند. لازم به ذکر است که برای احزاب محدودیتی در زمینه دریافت کمک مالی وجود ندارد.

۴-۲- شرایط واجدین شرکت در انتخابات

براساس قانون انتخابات فرانسه، زنان و مردان فرانسوی که به سن هیجده سال تمام می‌رسند از حق اعمال تمامی حقوق مدنی و سیاسی خود بهره‌مند بوده و در صورتی که مطابق قوانین جزایی و دیگر قوانین کشور عدم‌اهلیت آنان محرز نشده باشد؛ می‌توانند در انتخابات شرکت نمایند. هر یک از ادارات رأی‌گیری به یک منطقه جغرافیایی اختصاص دارد. فهرست انتخاباتی برای هر اداره رأی‌گیری توسط کمیسیون موسوم به کمیسیون اداری تنظیم می‌شود که برای هر یک از ادارات - مناطق رأی‌گیری - تشکیل شده و مرکب از شهردار یا نماینده وی، نماینده اداری منصوب استاندار یا معاون وی و نماینده منصوب رئیس دادگاه عالی استیناف می‌باشد (Ibid, Article ۱۷). در شهرها و حوزه‌هایی که بیش از ده هزار نفر جمعیت داشته باشد، نماینده اداری توسط استاندار و خارج از اعضای شورای شهر آنجا انتخاب می‌شوند. این کمیسیون حداکثر در اولین روز از دومین ماه قبل از انتخابات عمومی تشکیل می‌گردد.

۴-۳- فرایند برگزاری انتخابات

براساس قانون انتخابات فرانسه، مبارزات انتخاباتی در این کشور از بیستمین روز پیش از روز رأی‌گیری، آغاز می‌شود. شورای دولتی فرانسه طی مصوبه‌ای تعداد و ابعاد آگهی‌های تبلیغاتی برای هر نامزد را مشخص می‌نماید. بیست روز پیش از انتخابات هر حوزه، کمیسیونی تشکیل می‌گردد که موظف به ارسال و توزیع تمامی اسناد تبلیغاتی است. کلیه نامزدان می‌توانند یک وکیل در این کمیسیون با حق رأی مشورتی داشته باشند. شمارش کلی آراء، برای هر حوزه انتخاباتی در مرکز استان، دوشنبه پس از رأی‌گیری با حضور نمایندگان نامزدان توسط کمیسیونی انجام می‌شود که ترکیب و وظایف آن در دستورالعمل شورای دولتی تعیین می‌شود. پس از شمارش آراء هر حوزه تحت نظر کمیسیون مزبور، وزیر کشور یا وزیر مسئول مناطق ماورای بحار، فوراً اسامی اشخاصی را که به عنوان منتخب اعلام شده‌اند به مجلس ملی اعلام می‌نماید. شورای قانون اساسی فرانسه، برای قضاوت در مواردی که به او ارجاع می‌شود، صلاحیت دارد که در تمام ابعاد موضوع وارد شده و نظر خود را اعلام نماید (electoral law of French, section ۶).

۵- وضعیت اجرای انتخابات در نظام انتخاباتی ایران

بی‌گمان اثرپذیری نظام انتخاباتی یک کشور از میان‌الگوهای سه‌گانه دولتی، مستقل و ترکیبی بسته به شرایط و تجربه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن نسبت به سایر کشورها متغیر می‌گردد. در واقع همچنان که این الگوها در کشورهای آمریکا، کانادا و فرانسه از دل فضای

ویژه هر یک از این کشورها در طول زمان و به تجربه نهادینه گشته و به ادبیات حقوقی راه یافته است؛ با الگوبرداری کپی گونه از یک کشور نمی توان با اطمینان نسخه نظام انتخاباتی کشوری را از روی تجربه کشور دیگر تجویز نمود.

با این وجود مطالعات تطبیقی گویای این واقعیت است که برخلاف کشورهای که از پیشینه بیشتری در زمینه انتخابات و فضای سیاسی مردم سالار برخوردار هستند؛ در کشورهای که تجربه کمتری در این زمینه دارند، تمایل بیشتری به سمت الگوی مستقل انتخاباتی و بهره گیری از مزایای این الگو و چینش نظام انتخابات خود بر اساس این الگو به جهت بالابردن ضریب استقلال و بی طرفی نهاد اجرایی انتخابات و جلب اعتماد بیشتر مردم از صحت فرایند انتخاباتی هستند (گودوین گیل: ۱۳۷۹: ۵۹-۵۵). تجربه دو کشور افغانستان و عراق که دارای دو نظام سیاسی نوپای مردم سالار هستند؛ در روی آوری به الگوی مستقل با ایجاد کمیسیون مستقل انتخاباتی شاهدی بر این امر می باشد.

پس از انقلاب اسلامی در ایران با دگرگونی فضای سیاسی کشور و مشارکت حداکثری مردم در حوزه های مختلف، نظام انتخاباتی نیز متأثر از همین فضا مهندسی می شود. با مشاهده تفکیک ساختاری بعد نظارتی از اجرایی در انتخابات در قانون اساسی، نظام انتخاباتی فعلی کشور را می توان همراهی با الگوی ترکیبی تعریف نمود. ایفای نقش شورای نگهبان به عنوان ناظر انتخابات و وزارت کشور به عنوان مجری برگزاری انتخابات، نظام انتخاباتی ایران را ذیل نظام های ترکیبی قرار می دهد. تجربه بیش از سه دهه از استقرار نظام انتخاباتی کشور تجربه خاص و ذی قیمت در حراست از حقوق مردم و اعمال مشارکت سیاسی در عرصه های مهم و متنوع آن در نظام جمهوری اسلامی است، با این وجود برگزاری انتخابات در کشور همواره با چالش هایی همراه بوده است. چالش هایی که برای رفع معضلات آن، گرایش به ایجاد کمیسیون انتخابات را بتدریج در میان قانونگذاران و مجریان شکل داده است. شکل ناقصی از این ایده را می توان در اصلاحیه قانون انتخابات ریاست جمهوری مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۶ مشاهده نمود که قانونگذار با تشکیل هیات اجرایی مرکزی انتخابات با وجود آنکه طبق ماده ۳۱ قانون مزبور وزارت کشور را مجری برگزاری انتخابات معرفی می نماید نقش وزارت کشور در اجرای انتخابات را زیر نظر هیات اجرایی مرکزی انتخابات تعیین می کند و با معرفی وزیر کشور (به عنوان رئیس هیات)، یکی از اعضای هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی با انتخاب مجلس (بدون حق رأی)، دادستان کل کشور، وزیر اطلاعات و تعداد هفت نفر از شخصیت های دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان معتمدان مردمی به نوعی بر لزوم فراگیری اعضای هیات اجرایی انتخابات کشور و خارج نمودن کنترل مطلق دولت از مدیریت اجرای انتخابات صحنه می گذارد.

نتیجه گیری

کشورهای مختلف با توجه به سابقه تاریخی و همچنین فرهنگ سیاسی جامعه خود هر یک نوع خاصی از سبک های مدیریت انتخابات را مورد بهره برداری قرار می دهند. فرایند برگزاری انتخابات در کشورهای مختلف با توجه به ساختارهای سیاسی، تجربه تاریخی و متمرکز یا فدرال بودن حکومت متفاوت می باشد. بطور کلی مدیریت اجرایی انتخابات در کشورهای جهان از سه الگو یا مدل پیروی می کند: الگوی مستقل، الگوی دولتی و الگوی ترکیبی. معیار تقسیم بندی این نهادها به سه الگو، درجه دخالت و عدم دخالت دولت در فرایند برگزاری انتخابات می باشد.

ضرورت داشتن مهارت های تخصصی و ویژه برای نهاد مدیریت انتخابات، ناشی از مسئول بودن این نهاد در فرایند برگزاری انتخابات می باشد. این نهاد دارای یک هدف مشخص می باشد و آن اجرای صحیح، منصفانه و بی طرفانه انتخابات است. انتخاب یک مدل برای نهاد مدیریت اجرایی در هر کشور ارتباط نزدیکی با تجربه تاریخی و فرهنگ سیاسی آن جامعه دارد. در کشوری مانند آمریکا که از الگوی دولتی تبعیت می کند، مسئولان اصلی برگزاری انتخابات، مقامات محلی ایالات می باشند که در گستره وسیع ایالات متحده اقدام به برگزاری انتخابات می کنند. کمیسیون های انتخاباتی که در این کشور وجود دارند - کمیسیون همیاری انتخابات و کمیسیون انتخابات فدرال - نقش اجرایی در فرایند برگزاری انتخابات نداشته و می توان گفت که این کمیسیون ها بیشتر نقش پشتیبانی این فرایند را دارند. هرچند که کمیسیون های مذکور نقش محوری در برگزاری انتخابات را ندارند؛ اما کمیسیون همیاری انتخابات در مقابل قوای مقننه، مجریه و قضائیه پاسخگو و مسئول می باشد.

در کشورهایی که دارای الگوی مستقل هستند، انتخابات توسط نهادی که وابستگی به هیچ قوه ای ندارد، برگزار می شود. به عنوان مثال در کانادا اعضای نهاد مذکور توسط مجلس عوام انتخاب می شوند، اما از نظر عملکرد مستقل از آن هستند. سابقه نهاد مدیریت اجرایی انتخابات با عنوان مقام کل انتخابات در کانادا به سال ۱۹۲۰ باز می گردد. از آن سال تاکنون انتخابات این کشور توسط همین نهاد برگزار می شود. سازمان انتخابات کانادا مسئولیت کل فرایند انتخابات را برعهده دارد و حتی در صورت وقوع تخلف انتخاباتی، مقامی به نام کمیسر عالی انتخابات را موظف به رسیدگی به مسأله حادث شده می نماید.

در فرانسه وزارت کشور به همراه شورای قانون اساسی، فرایند برگزاری انتخابات را مدیریت و اجرا می نمایند. بدین معنا که شورای قانون اساسی بر روند قانونی برگزاری انتخابات و همه پرسی توسط وزارت کشور نظارت می کند. در مجموعه وزارت کشور فرانسه کمیسیون های متعددی از جمله کمیسیون تبلیغات، کمیسیون نظارت بر رسانه و کمیسیون ملی

هزینه‌های رقابت‌های انتخاباتی در این زمینه فعالیت دارند. این کمیسیون‌ها به عنوان بازوهای اجرایی وزارت کشور در اجرای انتخابات فعالیت می‌کنند.

منابع و مأخذ

- گودوین گیل، گای.اس(۱۳۷۹)، انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین المللی، ترجمه: سید جمال سیفی و سید قاسم زمانی، انتشارات شهردانش، چاپ اول.
- Constitution Of October 4, 1958 of the French.
- Declaration of Principles for International Election Observation, 2005
- electoral law of French,2011.
- Electoral Systems and Processes,UNDP,2004,pp,112-14.
- Elklit, Jorgen and Reynolds(2000), Andrew, The Impact Of Election Administration On The Legitimacy Of Emerging Democracies:A New Resarch Agenda,Working Paper, Working Paper #281– September <https://kellogg.nd.edu/publications/workingpapers/WPS/281.pdf>
- Ethical and Professional Observation of Elections,1997.
- Kanji Mebs and others(2012), The Canadian Election Studies, assessing four decades of influence, UBSpress-Vancouver-Toronto.
- Lausen, Marcia(2007), Design for Democracy:Ballot Election Design, The University of Chicago Press.
- Petit, Denis(2000), Resolving Election Disputes, Office for Democratic Institutions and Human Rights, OSCE, Warsaw.
- Rajas Ingham, SakuntalaKadirgamar(2005), Essentials of Free and Fair Elections, Head South Asia Program, Head South Asia Program.
- Scott, Greg and Mullen, Gary(2005), the Federal Election Commission, Thirty YearReport.
- Streb, Matthew J.(2008), Rethinking American Electoral Democracy, Taylor & Francis e-Library, New York.
- Wall, Alan and others(2006), Electoral Management Design: The International IDEA Handbook, Sweden.

نتایج مطالعات تطبیقی در زمینه تجربیات انتخابات در جهان

کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی^۱

چکیده

انتخابات پایه نظام‌های مردم‌سالار و در نظام جمهوری اسلامی ایران، نماد مردم‌سالاری دینی است. از آنجا که مراجعه به آراء عمومی برای اداره امور ملی و محلی در جهان سابقه بسیار طولانی دارد، استفاده از تجربیات دیگر کشورها در نحوه برگزاری و اجراء انتخابات می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد. اگر چه مشکلات یکسان ممکن است در مناطق گوناگون دارای راه‌حل‌های گوناگون باشد، اما بی‌شک پیدا کردن بهترین راه‌حل برای گذار از شرایط نامطلوب و رسیدن به کمال تأثیرگذاری مردم در سرنوشت خویش، سیاست‌گذاران را ناگزیر به بررسی و مطالعه تطبیقی انتخابات در کشورهای مختلف جهان می‌نماید.

در این مقاله نظام‌های انتخاباتی جهان، صلاحیت و ثبت نام کاندیداها در نظام انتخاباتی کشورهای مختلف، روش‌های کنترل و بررسی صلاحیت کاندیداها، مطالعه تطبیقی تبلیغات در انتخابات، مدل‌های مختلف کمیسیون ملی انتخابات در دنیا، قوانین مالی انتخاباتی در کشورهای مختلف در حوزه منابع، هزینه‌ها و کمک‌های دولتی و غیردولتی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژگان

انتخابات، مطالعه تطبیقی، تبلیغات، سیاست‌گذاری

۱- نظام‌های انتخاباتی جهان

۱- تهیه و تنظیم؛ احمد خالقیان (کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق (ع))

۱- تعریف نظام انتخاباتی

مجموعه موضوعاتی که در انتخابات مطرح است، اعم از مباحث حقوقی، سیاسی، مدیریتی، اجرایی و ... را نظام انتخاباتی گویند.

۲- انواع نظام‌های انتخاباتی جهان و ویژگی‌های آنها

مسئله اصلی در انتخابات پارلمانی این است که، کرسی‌های پارلمان به چه نسبتی بین نمایندگان تقسیم گردد. به همین جهت در انتخابات پارلمانی، نظام انتخاباتی و ویژگی‌های آن بسیار مهم است. چرا که با تغییر در نظام انتخابات، ممکن است ساختار سیاسی کشور نیز دچار تغییرات شود. حدود ۱۰ نظام انتخاباتی مطرح در دنیا وجود دارد که پنج الگوی آن خاص و محدود است و پنج الگوی دیگر رواج بیشتری دارند.

الف) انواع نظام‌های انتخاباتی

آنچه نظام‌های انتخاباتی را از هم متمایز می‌کند، فرمول انتخاباتی به کار رفته در تخصیص کرسی‌ها و تعداد انتخاب‌شوندگان یک حوزه می‌باشد. نظام‌های انتخاباتی موجود در جهان را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم‌بندی نمود که در شکل زیر نمایش داده شده است:

- ۱- خانواده نظام‌های کثرتی - اکثریتی که اختصاراً PMS خوانده می‌شود،
- ۲- خانواده نظام‌های نیمه تناسبی که اختصاراً SPR خوانده می‌شود،
- ۳- خانواده نظام‌های تناسبی که اختصاراً PRS خوانده می‌شود.

۱- نظام کثرتی - اکثریتی

خانواده‌های نظام کثرتی - اکثریتی شامل چهار نظام انتخاباتی اصلی می‌باشد. به تعبیر دقیق‌تر، دو نظام اول زیرمجموعه نظام‌های کثرتی و دو نظام دیگر زیرمجموعه نظام‌های اکثریتی می‌باشند، که عبارتند از:

- ۱-۱- نظام نخست‌نفری که اختصاراً FPTP خوانده می‌شود،
- ۱-۲- نظام جمع‌گزینی که اختصاراً BVS خوانده می‌شود (نظام دیگری که تحت نام نظام جمع‌گزینی حزبی شناخته می‌شود از زیرمجموعه‌های این نظام می‌باشد که با نام اختصاری PBV اشاره می‌شود)،
- ۱-۳- نظام جای‌گزینی که اختصاراً با نام AVS شناخته می‌شود،
- ۱-۴- نظام دو دوری که اختصاراً با نام TRS شناخته می‌شود.

۲- نظام نیمه تناسبی

- خانواده نظام‌های نیمه تناسبی شامل دو نظام انتخاباتی می‌گردد که عبارتند از:
- ۲-۱- نظام کم‌گزینی که اختصاراً SNTV خوانده می‌شود،
 - ۲-۲- نظام تلفیقی که اختصاراً PLS خوانده می‌شود.

۳- نظام تناسبی

- خانواده نظام‌های تناسبی شامل سه نظام انتخاباتی زیر می‌گردد:
- ۳-۱- نظام لیستی که اختصاراً LPS خوانده می‌شود،
 - ۳-۲- نظام ترکیبی که اختصاراً MMP خوانده می‌شود،
 - ۳-۳- نظام انتقالی که اختصاراً STV خوانده می‌شود.

لازم به ذکر است که هر کدام از این نظام‌های اصلی، خود به نظام‌های فرعی دیگری قابل تقسیم می‌باشد که از ذکر آنها در اینجا صرف نظر می‌گردد.

(ب) ملاک‌های ارزیابی نظام‌های انتخاباتی

- در یک جمع‌بندی کلی می‌توان معیارهای زیر را در ارزیابی نظام‌های انتخاباتی مطرح نمود و بر اساس آن به ارزیابی نهایی نظام‌های انتخاباتی پرداخت.
- حضور نمایندگان اقلیت در مجلس تضمین گردد،
 - دولت‌ها از ثبات نسبی برخوردار باشند،
 - فعالیت‌های حزبی تقویت گردد،
 - احزاب به سمت گستردگی و در برداشتن طیف وسیع‌تری از مردم حرکت کنند،
 - احزاب به ائتلاف و ایجاد توافق با یکدیگر سوق داده شوند،
 - نمایندگان منتخب در برابر رأی دهندگان پاسخگو باشند،
 - شیوه انتخابات ساده، آسان و کم هزینه باشد،
 - به رقابت‌های درون حزبی دامن زده نشود،
 - امکان انتخاب شدن نمایندگان مستقل از بین نرود،
 - بیشترین حق انتخاب، برای رأی دهندگان فراهم گردد،
 - از قدرتمند شدن بیش از حد احزاب کوچک و یا حذف آنها جلوگیری شود،
 - زمینه حضور احزاب افراطی و تندرو در مجلس فراهم نشود.

(ج) نظام‌های انتخاب ریاست جمهوری**۱- نظام انتخاباتی نخست نفری (FPTP)**

این نظام انتخاباتی در حوزه‌های انتخاباتی کوچک که تنها یک نماینده از هر حوزه انتخاب می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر کاندیدا که اکثریت ساده (یا نسبی) آراء در حوزه مربوطه را به خود اختصاص دهد، به عنوان نماینده انتخاب می‌شود. در این نظام انتخاباتی حتی اگر یک کاندیدا تنها ۳۰ درصد آراء را به خود اختصاص دهد، در صورتی که آراء وی بیشتر از رقبای خود باشد، به عنوان نماینده انتخاب می‌شود. مثلاً اگر در یک حوزه انتخابیه

یک نماینده از مجموع ۱۰۰۰۰۱ رأی صحیح اخذ شده، کاندیدای الف به عنوان نماینده انتخاب می‌شود، اگرچه از رقیب خود، تنها یک رأی بیشتر دارد.

الف) ۳۰۰۰۱ رأی (ب) ۳۰۰۰۰ رأی (ج) ۲۵۰۰۰ رأی (د) ۱۵۰۰۰ رأی
این نظام انتخاباتی در بریتانیا و مستعمرات سابق بریتانیا، کانادا، هند، نیوزلند (تا سال ۱۹۹۳)، ایالات متحده آمریکا، پاکستان، بنگلادش، نپال، مالزی و ۱۸ کشور آفریقایی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ویژگی های نظام FPTP

- این نظام انتخاباتی از کلیه نظام‌های دیگر ساده‌تر می‌باشد. لذا اجرای آن در جوامعی که از سطح سواد پایینی برخوردار هستند امکان‌پذیرتر می‌باشد،
- نماینده منتخب در این نظام انتخاباتی احساس تعهد بیشتری در قبال رأی دهندگان خواهد کرد. مردم به فرد شناخته شده (و نه حزب) رأی می‌دهند و در صورت عدم رضایت از عملکرد وی از انتخاب مجدد وی سر باز می‌زنند،
- کاندیداهای مستقل شناخته شده نیز، مجال ظهور و بروز می‌یابند و از شانس انتخاب شدن بهره‌مند می‌گردند،
- نظام دو حزبی و ائتلاف احزاب کوچکتر به دور دو حزب بزرگ، آنها را تقویت می‌کند و به ضرر احزاب سوم، میانه و وابسته می‌باشد،
- حزبی که اکثریت را دارد، حزب پیروز مجلس و حزبی که اقلیت را دارد، حزب مخالف و در عین حال، قدرتمند و منتقد دولت خواهد بود،
- از آنجا که بزرگ‌ترین حزب از امتیاز کرسی‌های اضافی بهره‌مند می‌گردد، دولت‌ها عموماً غیرائتلافی خواهند بود،
- به دلیل غیرائتلافی بودن، چانه‌زنی و امتیازگیری از حزب پیروز توسط احزاب کوچکتر به وقوع نخواهد پیوست،
- از آنجا که این نظام انتخاباتی، نظام دو حزبی را تقویت می‌کند، احزاب تمایل به جامعیت و گستردگی در برداشتن اقلیت‌های قومی و نژادی خواهند داشت. از این رو شکاف‌های قومی و نژادی توسط نظام حزبی تشدید نخواهد شد،
- احزاب اقلیت تندرو و افراطی به مجلس راه نخواهند یافت. زیرا معمولاً این گونه احزاب نمی‌توانند مقبولیت عام پیدا کنند و به صورت احزاب بزرگ و گسترده درآیند،
- احزاب اقلیت را، از داشتن نماینده متناسب با وزن اجتماعی آنها محروم می‌کند. یعنی ممکن است حزبی ۱۰ درصد آراء را کسب کند اما تنها ۳ درصد کرسی‌های مجلس

- نصیب او شود،
- از آنجا که رأی دهندگان اقلیت، در یک منطقه نمی‌توانند کاندیدای مورد نظر خود را به پیروزی رسانند، ممکن است از نظام انتخابات روگردان شوند که این امری ضد‌مشارکتی و مخالف با توسعه سیاسی می‌باشد،
 - از آنجا که عموماً زنان در مقایسه با مردان از مقبولیت کمتری در انتخاب شدن برخوردارند، در کشورهایی که این نظام‌های انتخاباتی به کار می‌رود، زنان کمتری شانس حضور در مجلس و پارلمان را بدست می‌آورند،
 - در این نظام انتخاباتی، مقداری از آراء هدر رفته که به انتخاب هیچ نماینده‌ای منتهی نمی‌گردد وجود خواهد داشت،
 - این نظام انتخاباتی نمی‌تواند تغییرات در آراء عمومی را منعکس نماید، در نتیجه ممکن است که اکثریت حامی یک حزب تضعیف شود، اما کماکان به عنوان حزب پیروز در انتخابات شناخته شود،
 - در کلیه نظام‌های انتخاباتی که از حوزه‌های تک نماینده استفاده می‌کند، خطر تغییر مرز و حوزه‌بندی به نفع برخی کاندیداها وجود دارد. می‌توان حوزه‌ها را طوری تعیین کرد که، کاندید یک گروه، نژاد و یا قوم خاصی در آن منطقه از حمایت بیشتری برخوردار باشد.

۲- نظام انتخاباتی دودوری

این نظام انتخاباتی، تحت نام‌های دیگری نظیر، نظام دوبار رأی و یا نظام برترین برنده نیز شناخته می‌شود. در این روش چنانچه در دور اول انتخابات، کاندیدایی حائز اهمیت آراء گردد، به عنوان نماینده انتخاب، و در غیر این صورت انتخابات به دور دوم کشیده می‌شود. دور دوم انتخابات به اشکال مختلف برگزار می‌گردد. در اکراین که حوزه‌ها تک نماینده هستند، تنها دو کاندیدایی که بیشترین رأی را در دور اول به خود اختصاص داده‌اند، به دور دوم راه می‌یابند، با این تمهید که انتخابات دور دوم، قطعاً اکثریت مطلق را در پی خواهد داشت. در فرانسه کلیه نامزدهایی که بیش از ۱۲/۵ درصد آراء رأی‌دهندگان را به خود اختصاص دهند، می‌توانند به دور دوم راه یابند. ملاک انتخابات دور دوم اکثریت نسبی خواهد بود.

این نظام انتخاباتی در ۳۰ پارلمان جهان، در فرانسه و کشورهایی که سابقاً مستعمره فرانسه بوده‌اند، و همچنین در ایران، کوبا، هائیتی، مالی، توگو و کشورهای اقماری شوروی سابق نظیر بلاروس، قرقیزستان، مقدونیه، مولداوی، تاجیکستان، اوکراین، و ازبکستان استفاده می‌شود. این نظام انتخاباتی از حیث کثرت کاربرد، سومین نظام انتخاباتی می‌باشد. این نظام انتخاباتی سالهاست که در ایران اجرا می‌شود.

ویژگی‌های این نظام انتخاباتی دو دوری

- این امکان برای رأی دهندگان وجود دارد که، نظرشان در مورد کاندیدها را اصلاح نمایند و یا به تأیید مجدد آنها بپردازند،
- این نظام انتخاباتی، گروه‌های ذی نفع را تشویق می‌کند تا برای دور دوم انتخابات به رایزنی و ائتلاف و کسب توافقات بپردازند،
- احزاب و کاندیدها فرصت می‌یابند، با توجه به نتایج دور اول و تغییرات اوضاع سیاسی در فاصله دو انتخابات عکس‌العمل مناسب را از خود نشان دهند،
- در این نظام انتخاباتی مشکل شکسته شدن رأی، کاهش می‌یابد،
- شیوه رأی دهی در این نظام انتخاباتی، ساده بوده و به راحتی قابل اجرا در کشورهای سطح پایین سواد می‌باشد،
- اجرا و برگزاری دو انتخابات در پی هم، هزینه و فشار زیادی بر مدیران انتخابات و احزاب و کاندیدها وارد می‌کند،
- این نظام مستلزم شرکت مجدد رأی دهندگان است. از این رو بسیاری از رأی‌دهندگان در دور دوم انتخابات شرکت نمی‌کنند.

نکاتی در مورد نظام‌های تناسبی (PRS)

مزایا و معایب نظام‌های تناسبی

همان‌طور که نشان داده شد، مهمترین ایرادی که به نظام‌های انتخاباتی پیش گفته، وارد می‌شود آن است که، نمی‌تواند مجلسی متناسب با وزن اجتماعی گروه‌ها و احزاب مختلف ایجاد کند. کسب کرسی‌های اضافی و آراء هدر رفته از ویژگی‌های آن نظام‌ها می‌باشند. نظام‌های تناسبی، روش‌هایی برای پاسخ به معضل ایفای حق اقلیت متناسب با وزن اجتماعی آن هستند. مهمترین نقص نظام‌های تناسبی در آن است که، دولت‌های ناپایدار ائتلافی را بر سر کار می‌آورد. همچنین، نمایندگانی که از طریق نظام تناسبی انتخاب می‌شوند، ارتباط کمتر و احساس تعهد و پاسخگویی نازلتری در قبال رأی دهندگان احساس می‌کنند.

یک سطحی یا دو سطحی بودن نظام‌های تناسبی

می‌توان انواع نظام‌های تناسبی را بر اساس این که تخصیص کرسی‌ها و تقسیم‌بندی حوزه‌ها در آن یک سطحی یا دو سطحی باشد و یا لیست‌های ارائه شده در آنها باز، بسته یا آزاد باشد نیز تقسیم‌بندی نمود.

منظور از یک سطحی و دو سطحی بودن انتخابات آن است که، آیا کرسی‌هایی که به احزاب دو سطحی نظام‌های تناسبی تعلق می‌گیرد، تنها از یک نوع از حوزه‌ها بدست آمده

است (فقط حوزه‌های ملی یا منطقه‌ای) و یا این که حوزه‌های ملی در کنار حوزه‌های منطقه‌ای و تک نماینده‌ای وجود دارد و کرسی‌های احزاب، از دو نوع حوزه کسب شده است. نظام مناسب برای الگو گرفتن ایران، نظام انتخاباتی آلمان است. حسن این نظام در این است که شرکت کنندگان هم به حزب و هم به فرد به صورت هم‌زمان می‌توانند رأی دهند. در حوزه انتخابیه به فرد و در سطح کشور به حزب، اما تأثیرگذار همیشه احزاب بوده‌اند.

۲- صلاحیت و ثبت نام کاندیداهادر نظام انتخاباتی کشورهای مختلف

کشورهای مورد بررسی: انگلیس - فرانسه - آمریکا - هندوستان - ارمنستان - مصر - ژاپن - هلند - آفریقای جنوبی - بلژیک - کویت - میانمار (برمه) - نامیبیا - تووالو - اروگوئه - توگو - رومانی - زیمبابوه

نظام‌های انتخاباتی در کشورهای جهان گونه‌های متنوعی دارند و هر کدام متناسب با ساختار نظام سیاسی روش خاصی را در گزینش کاندیداها به کار می‌بندند. در برخی از سیستم‌ها، روش‌ها پیچیده‌تر و در برخی، فقط به گرفتن سپرده‌های مالی برای کنترل و تصفیه کاندیداها اکتفاء می‌شود. اما در برخی دیگر روش‌های ترکیبی از جمله، معرفی توسط احزاب یا شهروندان همراه با اخذ سپرده مورد استفاده می‌باشد. ذیلاً روش‌های برخی از کشورهایی که دارای نظام انتخاباتی هستند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

انگلیس

برای شرکت در انتخابات مجلس عوام انگلیس، کاندیداهای واجد شرایط باید مبلغ یکصد و پنجاه پوند به امانت بسپارند تا هرگاه آرای که به او داده می‌شود از یک هشتم مجموع آرا حوزه انتخابیه که به صندوق ریخته شده کمتر باشد، به نفع دولت ضبط شود، و الا به او مسترد می‌گردد. به این ترتیب از داوطلب شدن کسانی که طرفداران چندانی ندارند، جلوگیری می‌شود و آرای انتخاب کنندگان با تفرقه و تشتت مواجه نمی‌گردد.

در انگلستان ۵ نوع انتخابات برگزار می‌شود: انتخابات عمومی در انگلستان، انتخابات مجالس و پارلمان‌های ملی و منطقه‌ای و انتخابات شهرداری‌ها.

انتخابات معمولاً در روز پنج‌شنبه برگزار می‌شود. انتخابات ملی زمان مشخصی ندارد، ولی به طور معمول پنج سال پس از آغاز به کار مجلس و پس از آخرین انتخابات برگزار می‌شود. شهروندان انگلیسی، جمهوری ایرلند و هر کشور عضو مشترک‌المنافع، که قانوناً مقیم بریتانیا بوده و سن او ۱۸ سال است، می‌تواند در انتخابات شرکت کند و در لیست رأی‌دهندگان نام‌نویسی قرار گیرد. این برگه حاوی اطلاعاتی مشتمل بر شماره رأی‌دهنده، نام و آدرس، تاریخ تولد، محلی برای متقاضیانی که خواهان رأی پستی باشند، است.

افرادی که عضو مجلس لردها هستند و کسانی که به خاطر ارتکاب اقدامات جنایی زندانی

هستند، و همچنین معلولان ذهنی، ورشکستگان اقتصادی، محکومان به فساد مالی و کسانی که مرتکب اقدامات غیرقانونی مرتبط با هر یک از انتخاباتی که در طی پنج سال گذشته برگزار شده‌اند، از ثبت نام محروم‌اند. اعضای مجلس لردها در مجالس محلی، انتخابات اروپایی، پارلمان اسکاتلند و مجلس ملی ولز می‌توانند رأی دهند. شهروندان اتحادیه اروپا که مقیم انگلستانند می‌توانند در انتخابات ولز، اسکاتلند، انتخابات اروپایی و محلی شرکت کنند. در انتخابات عمومی، کشور به ۶۴۶ حوزه که هر کدام یک نماینده برای مجلس عوام انتخاب می‌کنند، تقسیم می‌شوند. تقسیم حوزه‌ها چنین است: ۵۲۹ حوزه در انگلستان، ۵۹ حوزه در اسکاتلند، ۴۰ حوزه در ولز و ۱۸ حوزه در ایرلندشمالی که جمعیت این حوزه‌ها تقریباً مساوی است. با این حال تعداد نمایندگان ولز در پارلمان بیشتر است. از زمان تأسیس پارلمان اسکاتلند، تعداد نمایندگان آن در مجالس عوام کم شده است. برخی از حوزه‌های روستایی نیز جمعیت کمتر از عرف معمول دارند.

از ۱۹۱۸ تا ۱۹۸۵ کاندیداهای پارلمان می‌بایست مبلغ ۱۵۰ پوند به عنوان سپرده پردازند و در صورتی که حداقل ۱/۸ یا ۱۲/۵ درصد آراء را کسب می‌کردند، مبلغ فوق به آنها مسترد می‌شد. در سال ۱۹۸۵ این مبلغ به ۵۰۰ پوند افزایش یافت، ولی میزان رأی اکتسابی برای استرداد وجه به ۱/۲۰ یا ۵ درصد آراء کاهش یافت. دولت انگلستان مبلغ ثبت نام را به منظور جلوگیری و تصفیه کاندیداهای تندرو به فرآیند انتخابات افزایش داد، اما در این میان احزاب عمده برنده اصلی بودند چرا که از آن زمان، سپرده‌های تعداد کمی از کاندیداهای آنها پرداخت نمی‌شود.

فرانسه

در نظام انتخاباتی فرانسه، شرایط انتخاب شوندگان کمی است و از شروط کیفی پرهیز شده است. وجود چهار شرط برای صدور اعلامیه نامزدی ضروری است:

- حداقل سن ۲۳ سال تمام شمسی،
- تابعیت فرانسوی: بر پایه این قاعده هر شهروند فرانسوی که در زمان صدور اعلامیه نامزدی واجد تابعیت فرانسوی باشد اعم از اصلی، اکتسابی و تبعی، صلاحیت نامزدی را دارد. فقط در ارتباط با اتباعی که تابعیت فرانسوی را به صورت تبعی دارند (برای مثال از باب عقد نکاح زن خارجی با مرد فرانسوی کسب کرده‌اند و ممکن است در خلال دوره ریاست جمهوری به واسطه فسخ این امر از تابعیت فرانسوی خارج شوند) محدودیت‌هایی لحاظ شده است، و در غیر این صورت هر شهروند فرانسوی در صورتی که در زمان صدور اعلامیه نامزدی واجد تابعیت فرانسوی باشد، صلاحیت نامزدی را می‌یابد،
- برخورداری از حق رأی در زمان انتخابات: اشخاصی که در زمان انتخابات به علت

- محکومیت‌های قضایی یا مجبورتیت از حق رأی محروم هستند و نام آنها در فهرست انتخاباتی رأی دهندگان درج نشده است، صلاحیت نامزدی ندارند،

• کسب معرفی نامه از سوی حداقل ۵۰۰ شهروند فرانسوی که واجد وضعیت نمایندگی منتخب باشند. بدین ترتیب اشخاص معروف باید پیشاپیش خود در یک انتخابات رسمی شامل انتخابات پارلمانی (مجمع ملی یا سنا)، شهرداری‌ها، شورای مناطق یا شورای اقتصادی و اجتماعی در چارچوب ضوابط قانونی، انتخاب شده باشند و در زمان معرفی نامزد در وضعیت نمایندگی باشند. این ۵۰۰ نفر باید حداقل از ۳۰ حوزه انتخابیه متفاوت یا سرزمین‌های ماورای بحار باشند تا نامزد معرفی شده صلاحیت لازم را احراز کند. البته نباید ۵۰ معرف یا امضا کننده از یک شهرستان باشند. شورای قانون اساسی فرم‌های مشخص و معین را پیش از انتخابات به چاپ می‌رساند و از طریق مجاری رسمی و به تعداد کافی در اختیار افراد واجد صلاحیت برای معرفی نامزدهای ریاست جمهوری قرار می‌دهد. معرف، فرم چاپی که مفاد آن حاکی از اعلام رضایت مندی کامل او برای معرفی یک نامزد است را تکمیل کرده و شخصاً آن را امضا می‌کند. در برخی از موارد امضای معرف باید توسط مرجعی که در آن، معرف عنوان نمایندگی دارد، تأیید شود. هر معرف فقط حق معرفی یک نامزد را دارد. نام و سمت معرف باید در برگه معرفی قید شود. معرف باید برگه معرفی نامه خود را حداکثر ۱۵ روز پیش از چاپ فرمان فراخوان رأی دهندگان برای شرکت در انتخابات، با پست سفارشی همراه با رسید به دبیرخانه شورای قانون اساسی ارسال کند.

شورای قانون اساسی بررسی لازم را در زمینه صلاحیت معرف‌ها در امر معرفی یک نامزد، صحت صدور معرفی نامه و رضایت مندی کامل معرف‌ها به عمل می‌آورد. اگر معرفی نامه از جانب افراد فاقد صلاحیت پر شده باشد یا بر روی فرم‌ها مخصص درج نشده باشد یا پس از مهلت قانونی تسلیم شود، معتبر نخواهد بود. در صورتی که یکی از افراد صلاحیت‌دار به دو نفر معرفی نامه دهد. شورای قانون اساسی فقط اولی را می‌پذیرد.

نامزد ریاست جمهوری به محض حصول یقین از کسب حداقل ۵۰۰ امضا با واریز ده‌هزار فرانک به حساب خزانه‌داری کل، با ارسال یک نامه به ضمیمه فیش پرداخت، به شورای قانون اساسی، اعلامیه نامزدی خود را صادر می‌کند. شورای قانون اساسی پس از حصول یقین از ضابطه‌مند بودن معرفی نامه‌ها و اعلامیه نامزدی، فهرست نامزدها را به تصویب می‌رساند. این فهرست باید حداکثر در شانزدهمین روز پیش از دور اول رأی‌گیری در روزنامه رسمی به چاپ برسد. در نظام انتخاباتی فرانسه شورای قانون اساسی به عنوان یک مرجع دولتی رأساً در تشخیص صلاحیت نامزدها مداخله نمی‌کند و ملاک تشخیص صلاحیت نیز مبتنی بر متغیرهای کمی است. با فرض اینکه انتخابات در واقع فرصتی است به ملت ارزیابی و ارائه نظر نسبت

به گروه حاکم قبلی و تعیین گروه حاکم در دوره جدید، حتی الامکان سعی می‌شود از مداخله عوامل مستقیم گروه حاکم قبلی برای تأثیرگذاری در رأی و نظر ملت جلوگیری شود. بر این پایه، شورای قانون اساسی که مرجع دولتی برخاسته از گروه حاکم در انتخابات قبلی است، اماکن مداخله در تشخیص صلاحیت نامزدها را ندارد. البته ترکیب اعضای شورای قانون اساسی به نحوی است که سعی شده تعادل لازم میان قوه مقننه و مجریه برقرار باشد. اعضای شورا دو دسته هستند. دسته اول اعضای منصوب هستند که ۹ نفرند و برای ۹ سال منصوب می‌شوند. رئیس‌جمهور، رئیس مجلس ملی و رئیس سنا هر یک سه نفر را به اختیار خود برای عضویت در این شورا منصوب می‌کنند. هر سه سال یک بار یک سوم این اعضا جایگزین می‌شوند. دسته دوم رؤسای جمهور سابق فرانسه هستند که هنوز در قید حیاتند.

آمریکا

آمریکا نظام انتخاباتی بسیار پیچیده‌ای دارد و فرآیندی که در طی آن کاندیدای ریاست جمهوری مشخص می‌شود، فرآیندی بسیار پیچیده و طولانی است. به طوری که به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم مردم در معرفی کاندیدای ریاست جمهوری و انتخاب کردن رئیس‌جمهور دخالت دارند. بر طبق قانون اساسی آمریکا مردم هر ایالت با شرکت در انتخابات ایالتی رأی دهندگان ویژه یا الکترال را انتخاب می‌کنند که تعداد آنها با تعداد نمایندگان و سناتورهای هر ایالت درکنگره برابر است. کاندیدای این انتخابات که به انتخاب اولیه شهرت دارد توسط احزاب دمکرات و جمهوری‌خواه مشخص می‌شوند. هنگامی که مردم به پای صندوق رأی می‌روند به رأی دهندگان ویژه‌ای که توسط حزب مورد علاقه‌شان نامزد شده‌اند، رأی می‌دهند. در این انتخابات اولیه، نامزدهای ریاست جمهوری و معاون وی انتخاب نمی‌شوند، بلکه بعد از این که انتخابات محلی در کلیه ایالت‌ها انجام شد، انتخاب می‌شوند. در گردهمایی ملی، نمایندگان منتخب هر حزب که از سراسر ایالت‌ها به آن گردهمایی می‌آیند، نامزدهای ریاست جمهوری و معاون وی را انتخاب می‌کنند، و در مرحله انتخابات عمومی مردم به نامزد مورد علاقه خودشان رأی می‌دهند و آن را برای ریاست جمهوری انتخاب می‌کنند، البته در این مرحله نیز، مردم در واقع به نامزدهای نمایندگی ویژه حزب مطبوعشان رأی می‌دهند و این نامزدهای نمایندگی ویژه، رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند. نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا که توسط احزاب دمکرات و جمهوری‌خواه در گردهمایی ملی این احزاب انتخاب می‌شوند، باید شرایط ویژه‌ای را نیز دارا باشند. اصل دوم قانون اساسی آمریکا شرایط انتخاب رئیس‌جمهور را این گونه مشخص می‌کند که:

- شهروند تولد یافته در آمریکا باشند،
- دست کم ۳۵ سال سن داشته باشند،

• حداقل ۱۴ سال در آمریکا زندگی کرده باشند.

در نظام انتخاباتی آمریکا احزاب سیاسی همه شرایط کیفی نامزدهای انتخاباتی را مشخص می‌کنند و در برابر این انتخاب خود نیز مسئول هستند. این، بلوغ ساختار حزبی را در آمریکا به خوبی نشان می‌دهد. هر چند این شیوه انتخاباتی نواقص بسیار زیادی دارد که این نواقص فعلاً مد نظر ما نیست و گاه باعث می‌شود در همین ساختار پیچیده حزبی رئیس جمهوری با رأی اقلیت وارد کاخ سفید شود، اما در زمینه شرایط انتخاب شوندگان برای کشورهایی که از یک نظام حزبی پیشرفته‌ای برخوردار هستند، می‌تواند تجربیات خوبی را داشته باشد. لازم به ذکر است که شرایط سه گانه مشخص شده کمی بوده و نیاز به بررسی صلاحیت چندانی ندارد، بلکه به خوبی روشن و واضح است.

هندوستان

انتخابات این کشور عمدتاً پارلمانی است. هندوستان دارای سه مجلس در سطح ملی، ایالتی و محلی است. در انتخابات Lok Sabha (House of the people) مجلس سفلی یا ایالتی و مجلس قانون گذاری هر ایالت، هر پنج سال به صورت مستقیم برگزار می‌شود. هر شهروند هندی که حق رأی دادن داشته باشد و سن او ۲۵ سال باشد، معلول ذهنی و یا ورشکسته و مجرم نباشد، می‌تواند در انتخابات ملی یا مجلس ایالتی کاندیدا شود. برای انتخابات Raiya Sabha، مجلس اعلا یا پارلمان هند سن کاندیدا باید ۳۰ سال باشد. کاندیداهای مجلس ایالتی و Vidhan Sabha یا مجلس قانون گذاری محلی که اعضای آن نماینده مستقیم هر ایالت به طور خاص هستند، باید ساکن همان ایالت باشند.

هر کاندیدا باید مبلغ ۱۰/۰۰۰ روپیه برای انتخابات مجلس ایالتی و ۵۰۰۰ روپیه برای پارلمان هند و مجلس محلی پردازد (کاندیداهای برخی کاست‌ها و قبایل خاص نصف این مبلغ را می‌پردازند). مبلغ مذکور در صورتی که کاندیدا ۱/۶ کل آرای معتبر را بدست آورد، مسترد می‌شود. هر نامزد بایستی مورد حمایت لااقل یک نفر از شهروندان واجد شرایط ثبت نام شده (Registered elector) آن ایالت باشد و یا توسط یک حزب ثبت نام شده، حمایت شده باشد (اسپانسر). برخی از کرسی‌های مجلس ایالتی و ویدان صبحا فقط به کاندیداهای قبایل و کاست‌های خاص اختصاص می‌یابد و شمار کرسی‌ها بر اساس جمعیت این کاست‌ها و قبایل تعیین می‌شود.

ارمنستان

در انتخابات ریاست جمهوری، شهروندان این کشور و احزاب رسمی، حق دارند تا کاندیدای ریاست جمهوری شوند. هر حزبی می‌تواند فردی را برای کاندیداتوری ریاست جمهوری معرفی کند. و در مواقعی که احزاب مختلف از یک فرد حمایت می‌کنند، احزاب می‌توانند ائتلاف کنند. شهروندانی می‌توانند به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری در نظر

گرفته شوند که ۳۵۰۰۰ نفر از نامزدی او و اوراق رسمی مختص حمایت از کاندیداها را به نفع او امضاء کنند. لااقل ۱۰۰ نفر از شهروندان ارمنستان برای معرفی کاندیداهای ریاست جمهوری می‌توانند تشکیل گروه (گروه اولیه) بدهند.

نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، باید مبلغی را به حساب کمیسیون مرکزی انتخابات نزد بانک مرکزی ارمنستان که حدود ۵۰۰۰ برابر حداقل حقوقی که توسط مجلس ارمنستان تعیین شده، واریز نمایند. در صورتی که کاندیداهای مذکور پنج درصد یا بیشتر آراء را کسب کنند، مبلغ سپرده ظرف مدت ۶۰ روز از اعلام نتایج عودت می‌شود. در غیر این صورت مبلغ مذکور به نفع دولت ضبط می‌شود. صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری توسط کمیسیون مرکزی انتخابات بررسی می‌شود. صلاحیت کاندیداها در مواردی که:

۱. کاندیدا مشمول محدودیت‌های قانون اساسی ارمنستان شود،

۲. شمار امضاهای معتبر کمتر از ۳۵۰۰۰ امضاء باشد،

۳. مدارک ثبت نام دارای اشکال باشد،

۴. در موردی که ثبت نام یک کاندیدا خدشه دار باشد. کاندیدای مذکور صلاحیت

ورود به عرصه انتخابات را ندارد. در مواردی که مدارک کاندیدایی خدشه دار باشد،

موضوع در کمیسیون به رأی گذاشته می‌شود،

ثبت نام (صلاحیت) کاندیداهای ریاست جمهوری، با آرای $\frac{2}{3}$ کل اعضای کمیسیون

مرکزی انتخابات امکان‌پذیر است،

در صورتی که ثبت نام کاندیدا تأیید نشود، مبلغ ثبت نام به او پرداخت می‌شود. در این

گونه موارد کاندیدا می‌تواند ظرف ۳ روز به دادگاه عالی شکایت ببرد. در صورتی که دادگاه

عالی به نفع کاندیدا رأی دهد، او به عنوان کاندیدای ثبت نام شده یا دوباره ثبت نام شده،

کاندیدای ریاست جمهوری خواهد بود.

انصراف کاندیدا

در صورتی که در دور دوم، کاندیدایی بخواهد انصراف دهد و رأی او شامل اکثریت آراء دور

اول باشد نمی‌تواند انصراف دهد.

مصر

ریاست دولت مصر با رئیس‌جمهوری است که باید مصری بوده و سن او نباید کمتر از ۴۰

سال باشد. همچنین از حقوق کامل سیاسی و مدنی برخوردار باشد. تا قبل از اصلاح ماده (۷۶)

قانون انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۵ تنها یک نامزد توسط پارلمان مصر به مردم

معرفی می‌شد، چنانچه این شخص درصد معینی از آرای ملت را کسب می‌کرد، به عنوان

رئیس‌جمهور تعیین می‌شد. ولی با اصلاح ماده (۷۶) افراد مختلفی می‌توانند در انتخابات شرکت کنند. این ماده شرایط جدیدی را برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری بیان کرده است. از جمله این شروط این است که کاندیدای ریاست جمهوری باید عضو شورای رهبری یکی از احزاب سیاسی کشور بوده و از تأسیس حزب هم مدت زیادی گذشته باشد. علاوه بر آن حزب یاد شده باید از سابقه قابل توجه‌ای در زمینه فعالیت‌های سیاسی برخوردار باشد. همچنین نامزدهای انتخاب ریاست جمهوری باید تعداد چشم‌گیری امضای مردمی در اختیار داشته باشند و بتوانند تأیید درصد معینی از اعضای مجالس منتخب از قبیل پارلمان و مجالس محلی را کسب کرده باشند.

بعد از اصلاح این ماده قانون انتخابات، برای انتخاب ۷ سپتامبر ۲۰۰۵ تعداد ۳۰ نفر در انتخابات ثبت نام کردند که ۲۰ نفر آنها توسط کمیسیون عالی انتخابات مصر رد صلاحیت شده و ۱۰ نفر نتوانستند به مرحله نهایی انتخابات برسند. در مصر دادگاه عالی قانون اساسی وجود دارد که شبیه شورای نگهبان در جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کند و مسئولیت تطبیق قوانین و لوایح را با قانون اساسی و همچنین مسئولیت تفسیر قوانین را بر عهده دارد و اعضای آن قابل عزل نیستند.

ژاپن

هر یک از کاندیداهای مجلس نمایندگان باید مبلغ $۲/۰۰۰/۰۰۰$ ین به عنوان سپرده پرداخت نمایند. در صورتی که هر یک از نامزدها نتواند حداقل $۱/۵$ آراء حاصله از تقسیم مجموع آرای معتبر بر تعداد کرسی‌ها در حوزه انتخابیه مورد نظر را کسب نماید، مبلغ مذکور مسترد نمی‌گردد. کاندیداهای مجلس مشاوران در صورتی که در حوزه‌های انتخابیه محلی برای انتخابات مبارزه نمایند، مبلغ $۲/۰۰۰/۰۰۰$ ین و چنان چه از طرف هر حزب یا گروه سیاسی نامزد شوند، مبلغ $۴/۰۰۰/۰۰۰$ ین ضرب در تعداد کاندیداهای ثبت نام شده در لیست انتخاباتی تحت سیستم نمایندگی نسبی، باید به عنوان سپرده پرداخت نمایند. در مورد اخیر چنان چه کاندیدا حداقل $۱/۸$ تعداد آرای حاصله از تقسیم کل آرای معتبر بر تعداد کرسی‌ها در حوزه انتخابیه مورد نظر را کسب نماید، مبلغ مذکور باز پرداخت می‌گردد. در مورد اخیر چنان چه نتیجه به دست آمده از ضریب تعداد افراد انتخاب شده، از گروه و حزبی که فهرست اسامی کاندیداها را ارائه می‌نمایند، حداقل برابر با تعداد کاندیداها در همین لیست مشابه باشد، مبلغ بازپرداخت می‌گردد.

هلند

لیست کاندیداها در هر حوزه انتخابیه باید حداقل به وسیله ۲۵ رأی دهنده تأیید شود. ۲۵ نفر معرفی کننده مذکور می‌توانند نماینده‌ای را که اختیار دارد لیست مربوط به خود را با

سایر لیست‌ها در سطح ملی که گروه لیست‌ها نامیده می‌شود، مرتبط سازد، انتخاب نمایند. معرفی لیست‌های حزبی که قبلاً در دومین مجلس ارائه نگردیده‌اند، باید با پرداخت مبلغ ۱۰۰۰ گیلور به عنوان سپرده همراه باشد. در صورتی که تعداد آرای به دست آمده حزب سیاسی کمتر از ۷۰ درصد از سهمیه انتخاباتی تعیین شده باشد، مبلغ مذکور مسترد نمی‌گردد.

آفریقای جنوبی

کاندیداهای معرفی شده باید به وسیله دو رأی دهنده (پیشنهاد دهنده و تأیید کننده) از حوزه‌های مربوطه حمایت شوند. نامزدی کاندیداهای احزاب سیاسی تنها در صورتی مورد قبول واقع می‌گردد که این احزاب، کاندیداهای رسمی بوده و برای هر کاندیدا مبلغ ۵۰۰ راند به عنوان سپرده بپردازند. چنان چه آرای اکتسابی این کاندیدا از یک پنجم آرای اخذ شده به وسیله کاندیدای برنده در حوزه وی کمتر باشد، مبلغ مذکور ضبط می‌گردد.

بلژیک

در ۴ ژوئیه ۱۹۸۹، قانونی جهت محدود نمودن کنترل مخارج مبارزات انتخاباتی و مخارج احزاب سیاسی اعلام گردید که در اول ژانویه ۱۹۸۹ به مورد اجرا گذاشته شد.

کویت

کاندیداها باید مبلغ ۵۰ دینار سپرده بپردازند و در صورتی که کاندیدا از نامزدی خود انصراف دهد و نتواند حداقل یک دهم آرای معتبر حوزه انتخابیه خود را کسب نماید، سپرده مذکور به مؤسسه خیریه پرداخت می‌گردد.

میانمار (برمه)

هر یک از کاندیداها موظف‌اند مبلغ ۱۰/۰۰۰ کیاتس به عنوان سپرده پرداخت نمایند، در صورتی که کاندیدای مذکور بتواند حداقل ۱/۸ از مجموع آرای معتبر در حوزه انتخابیه را کسب نماید، مبلغ مذکور به وی مسترد می‌شود.

نامیبیا

هر حزب باید حداقل به وسیله ۲۰۰۰ رأی دهنده حمایت شود.

تووالو

هریک از شهروندان تووالو که به وسیله ۳ رأی دهنده معرفی شده باشند، برای نمایندگی مجلس می‌توانند کاندیدا شوند و پرداخت هیچ‌گونه سپرده مالی ضرورت ندارد.

اروگونه

در این کشور دوره خاصی برای مبارزه انتخاباتی مقرر نشده است، حداقل ۲۱ روز قبل از رأی گیری لیستی از کاندیداها به ترتیب حروف الفبا منتشر می گردد، لیست مذکور حاوی نام، شغل و سن هر کاندیدا به علاوه نام سه نفر از معرفی کنندگان وی می باشد.

زیمباوه

هر یک از کاندیداها باید مبلغ ۱۰۰ دلار زیمباوه به عنوان سپرده پرداخت کنند و به وسیله ۱۰ الی ۲۰ رأی دهنده در همان حوزه انتخابیه تأیید شوند. در صورتی که کاندیدای مذکور در انتخابات پیروز شود یا حداقل یک پنجم تعداد آرای کاندیدای برنده شده را کسب نماید، سپرده فوق مسترد می شود.

رومانی

کاندیداهای پارلمان به وسیله احزاب قانونی یا سایر گروه های سیاسی تعیین می شوند. کاندیداهای مستقل در صورتی که به وسیله حداقل ۲۵۱ رأی دهنده از حوزه های انتخابیه خود تأیید شوند، می توانند به عنوان کاندیدای پارلمان ثبت نام نمایند.

۳- روش‌های کنترل و تصفیه کاندیداها

کشور	شرح روش
فرانسه	<p>کاندیدای ریاست جمهوری باید اقدامات ذیل را انجام دهد:</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ ارائه معرفی‌نامه از سوی حداقل ۵۰۰ شهروند فرانسوی که واجد شرایط ذیل باشند: ۱. قبلاً در یکی از انتخابات پارلمانی رسمی (مجمع ملی یا سنا)، شهرداری‌ها، شوراهای مناطق، ... نامزد شده باشند، ۲. از ۳۰ حوزه انتخابیه متفاوت یا سرزمین‌های ماورای بحار باشند، ۳. ۵۰ نفر از آنها از یک شهرستان نباشند، ۴. هر معرف فقط یک کاندیدا را معرفی کند، ۵. معرفی‌نامه باید حداکثر ۱۵ روز پیش از اعلام فراخوان رأی دهندگان برای شرکت در انتخابات با پست سفارشی به دبیرخانه شورای قانون اساسی ارسال شود. ▪ واریز ۱۰ هزار فرانک به حساب خزانه‌داری کل، همراه با ارسال یک نامه به ضمیمه فیش پرداختی به شورای قانون اساسی، و صدور اعلامیه نامزدی پس از اخذ امضاءها.
ارمنستان	<ul style="list-style-type: none"> ▪ کاندیدای ریاست جمهوری باید تأیید ۳۵۰۰۰ نفر را برای ثبت نام در انتخابات داشته باشد، ▪ حداقل ۱۰۰ نفر از شهروندان ارمنستان می‌توانند گروه اولیه معرفی کاندیدا را تشکیل دهند، ▪ نامزدها باید مبلغی که ۵۰۰۰ برابر حداقل حقوق قانونی که توسط مجلس ارمنستان تعیین می‌شود را در حسابی نزد بانک مرکزی ارمنستان به عنوان سپرده واریز کنند، ▪ تأیید صلاحیت کاندیدا توسط کمیسیون مرکزی انتخابات و کسب ۱/۳ آرای کل اعضای کمیسیون، ▪ استرداد: عدم تأیید صلاحیت کاندیدا، انصراف کاندیدا، کسب حداقل پنج درصد از کل آرای انتخاب کنندگان.
انگلستان	<ul style="list-style-type: none"> ▪ افرادی که عضو مجلس لردها و کسانی که به خاطر ارتکاب اقدامات جنایی زندانی هستند. همچنین معلولان ذهنی، ورشکستان اقتصادی، محکومان به فساد مالی و کسانی که مرتکب اقدامات غیرقانونی مرتبط با هر یک از انتخاباتی که در طی پنج سال گذشته برگزار شده‌اند، از ثبت نام محرومند، ▪ سایرین به عنوان کاندیدا باید مبلغ ۵۰۰ پوند برای کاندیداتوری مجلس عوام پرداخت نمایند، ▪ استرداد: کسب ۱/۳ آراء حوزه انتخابیه.
هند	<ul style="list-style-type: none"> ▪ پرداخت مبلغ ۱۰/۰۰۰ روپیه برای انتخابات مجلس ایالتی، پرداخت مبلغ ۵۰۰۰ روپیه برای مجالس ایالتی و مجلس قانون گذاری در ایالت، ▪ حمایت لاقابل یک رای دهنده برای هر کاندیدا/ حمایت توسط یک حزب رسمی / استرداد: کسب ۱/۶ از کل آرای معتبر.

۳۰	<ul style="list-style-type: none"> ▪ مجلس نمایندگان: پرداخت مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ین سپرده، استرداد: در صورت کسب حداقل ۱/۵ آراء، ▪ مجلس مشاوران: پرداخت مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ین برای حوزه‌های محلی و مبلغ ۴/۰۰۰/۰۰۰ ین برای نمایندگان حزبی، استرداد: کسب ۱/۸ آراء
هند	<ul style="list-style-type: none"> ▪ تأیید لیست کاندیداها در هر حوزه انتخابیه به وسیله ۲۵ رأی دهنده، ▪ لیست‌های حزبی که در مجلس قبلی ارائه نگردیده، باید با پرداخت مبلغ ۱۰۰۰ گیلور سپرده همراه باشد، ▪ استرداد: کسب ۷۰ درصد آراء.
آرژانتین	<ul style="list-style-type: none"> ▪ کاندیدا باید توسط دو رأی دهنده (پیشنهاد دهنده و تأیید کننده) از حوزه مربوطه حمایت شود، ▪ کاندیداهای احزاب رسمی، برای هر کاندیدا باید مبلغ ۵۰۰ راند به عنوان سپرده بپردازند، ▪ استرداد: آرای کاندیدا باید بیش از ۱/۵ آرای کاندیدای برنده باشد.
۳۱	<ul style="list-style-type: none"> ▪ پرداخت مبلغ ۵۰ دینار کویت، ▪ استرداد: کسب ۱/۱۰ آراء.

۴- مطالعه تطبیقی تبلیغات در انتخابات

فرانسه

چون در فرانسه احزاب سابقه طولانی دارند، ائتلاف و انضباط حزبی نقش مهمی در برقراری انتخابات و مبارزات انتخابی دارد. از سال ۱۹۷۶ این نوع انتخابات در فرانسه معترضینی پیدا کرده و می‌گویند، باعث محرومیت گروه‌های کوچک در انتخابات می‌شود. بر طبق قانون انتخابات ۲۰ روز قبل از شروع انتخابات هر کاندیدا باید ۱۰ هزار فرانک به عنوان ضمانت بپردازد تا بتواند در مبارزه انتخاباتی شرکت کند. در صورتی که داوطلب در دوره اول یا دوم بیش از پنج درصد آرا ثبت شده در لیست انتخابات را بیاورد مبلغ تودیع شده به او مستمر می‌گردد، تبلیغات شفاهی، کتبی، به وسیله رادیو و تلویزیون در چهارچوب قانون انجام می‌گیرد و این تبلیغات محدود و کنترل شده و مجانی است و کمیسیونی مسئول کنترل می‌باشد. هر حزب یا گروه سیاسی می‌تواند به مدت سه ساعت در دو نوبت از تلویزیون استفاده نماید و این مدت برای گروه‌های کوچک ۷۵ دقیقه است. در دور دوم مدت‌های مذکور به نصف تقلیل پیدا می‌کند.

انگلیس

در انتخابات مجلس عوام انگلیس کاندیداهای واجد شرایط باید مبلغ ۱۵۰ پوند به امانت بسپارند تا هرگاه آرای که به او داده می‌شود از یک هشتم مجموع آراء حوز انتخابیه که به

صندوق ریخته شده کمتر باشد، به نفع دولت ضبط می شود و الا به او مسترد می گردد. به این ترتیب از داوطلب شدن کسانی که طرفداران چندانی ندارند جلوگیری می شود و آرای انتخاب کنندگان با تفرقه و تشتت مواجه نمی گردد.

بلژیک

در ۴ ژوئیه ۱۹۸۹، قانونی جهت محدود نمودن و کنترل مخارج مبارزات انتخاباتی و مخارج احزاب سیاسی اعلام گردید که در اول ژانویه ۱۹۸۹ به مورد اجرا گذاشته شد.

ژاپن

هر یک از کاندیداهای مجلس نمایندگان باید مبلغ $۲/۰۰۰/۰۰۰$ ین به عنوان سپرده پرداخت نماید. اگر حداقل $۱/۵$ تعداد حاصله از تقسیم مجموع آرای معتبر بر تعداد کرسی ها در حوزه انتخابیه مورد نظر را کسب نماید، مبلغ مذکور مسترد نمی گردد. کاندیداهای مجلس مشاوران در صورتی که در حوزه های انتخابیه محلی برای انتخابات مبارزه نمایند مبلغ $۲/۰۰۰/۰۰۰$ ین و چنان چه از طرف هر حزب یا گروه سیاسی مبارزه نمایند مبلغ $۴/۰۰۰/۰۰۰$ ین ضرب در تعداد کاندیداهای ثبت نام شده در لیست آن تحت سیستم نمایندگی نسبی باید به عنوان سپرده پرداخت نماید. در مورد اخیر چنان چه کاندیدا حداقل $۱/۸$ تعداد حاصله از تقسیم آرای معتبر بر تعداد کرسی ها در حوزه انتخابیه مورد نظر را کسب نماید مبلغ مذکور پرداخت می گردد. در مورد اخیر چنانچه نتیجه به دست آمده از ضریب تعداد افراد انتخاب شده از گروه و حزبی که فهرست اسامی ارائه می نمایند حداقل برابر با تعداد کاندیداها در همین لیست مشابه باشد مبلغ بازپرداخت می گردد.

کویت

کاندیداها باید مبلغ ۵۰ دینار سپرده بپردازند. در صورتی که کاندیدا از نامزدی خود انصراف دهد و یا نتواند حداقل یک دهم آرای معتبر حوزه انتخابیه خود را کسب نماید سپرده مذکور به مؤسسه خیریه پرداخت می گردد.

میانمار (برمه)

هر یک از کاندیداها موظف اند مبلغ $۱۰/۰۰۰$ کیاتس به عنوان سپرده پرداخت نمایند، در صورتی که کاندیدای مذکور می توانست حداقل $۱/۸$ از مجموع آرای معتبر در حوزه انتخابیه را کسب نماید، مبلغ مذکور به وی مسترد می شد.

نامیبیا

هر حزب باید حداقل به وسیله ۲۰۰۰ رأی دهنده حمایت شود.

هلند

لیست کاندیداها در هر حوزه انتخابیه باید حداقل به وسیله ۲۵ رأی دهنده تأیید شود. ۲۵ نفر معرفی کننده مذکور می توانند نماینده ای را که اختیار دارد لیست مربوط به خود را با سایر

لیست‌ها در سطح ملی که گروه لیست‌ها نامیده می‌شود مرتبط سازد، انتخاب نمایند. معرفی لیست‌های حزبی که قبلاً در دومین مجلس ارائه نگردیده‌اند، باید با پرداخت مبلغ ۱۰۰۰ گیلور به عنوان سپرده همراه باشد. در صورتی که تعداد آرای به دست آمده حزب سیاسی کمتر از ۷۰ درصد از سهمیه انتخاباتی تعیین شده باشد، مبلغ مذکور مسترد نمی‌گردد.

تووالو

شهروندان تووالو که به وسیله ۳ رأی دهنده معرفی شده باشند، برای نمایندگان مجلس می‌توانند کاندیدا شوند. پرداخت هیچ‌گونه سپرده مالی ضرورت ندارد.

اروگوئه

دوره خاصی برای مبارزه انتخاباتی مقرر نشده است، حداقل ۲۱ روز قبل از رأی گیری لیستی از کاندیداها به ترتیب حروف الفبا منتشر می‌گردد، لیست مذکور حاوی نام، شغل و سن هر کاندیدا به علاوه نام سه نفر از معرفی‌کنندگان وی می‌باشد.

زیمباوه

هر یک از کاندیداها باید مبلغ ۱۰۰ دلار زیمباوه به عنوان سپرده پرداخت کند و به وسیله ۱۰ الی ۲۰ رأی دهنده در همان حوزه انتخابیه تأیید شود. در صورتی که کاندیدای مذکور در انتخابات پیروز شود یا حداقل یک پنجم تعداد آرای کاندیدای برنده شده را کسب نماید، سپرده فوق مسترد می‌شود.

رومانی

کاندیداهای معرفی شده باید به وسیله دو رأی دهنده (پیشنهاد دهنده و تأیید کننده) از حوزه مربوط حمایت شوند. نامزدی کاندیداهای احزاب سیاسی تنها در صورتی مورد قبول واقع می‌گردد که این افراد کاندیداهای رسمی بوده و برای هر کاندیدا مبلغ ۵۰۰ راند به عنوان سپرده بپردازند. چنان چه آرای اکتسابی این کاندیدا، از یک پنجم آرای اخذ شده به وسیله کاندیدای برنده در حوزه‌های انتخابیه خود تأیید شود، می‌تواند کاندیدای انتخابات پارلمان شود.

آفریقای جنوبی

کاندیداهای معرفی شده باید به وسیله دو رأی دهنده (پیشنهاد دهنده و تأیید کننده) از حوزه مربوط حمایت شوند. نامزدی کاندیداهای احزاب سیاسی تنها در صورتی مورد قبول واقع می‌گردند که این افراد کاندیداهای رسمی بوده و برای هر کاندیدا مبلغ ۵۰۰ راند به عنوان سپرده بپردازند. چنان چه آرای اکتسابی این کاندیدا از یک پنجم آرای اخذ شده به وسیله کاندیدای برنده در حوزه وی کمتر باشد، مبلغ مذکور ضبط می‌گردد.

توگو

هر یک از کاندیداها موظف است مبلغ ۵۰/۰۰۰ فرانک سی‌اف‌ای به عنوان سپرده بپردازد

و در صورتی که بتواند حداقل ده درصد از آرا را کسب نماید مبلغ مذکور مسترد می‌گردد.

۵- مدل های مختلف کمیسیون ملی انتخابات در دنیا

۱- از میان حدود ۱۴۰ کشور مورد بررسی:

الف: در ۲۰ کشور مدیریت انتخابات توسط یک وزارتخانه انجام می‌شود،

ب: در بیش از ۱۲۰ کشور، مدیریت انتخابات توسط کمیسیون، کمیته و یا شورا با پسوندهای عالی، مرکزی، مستقل و با ترکیب های مختلف انجام می‌گیرد.

۲- کشورهایی که انتخابات در آنها توسط کمیسیون، شورا و یا کمیته انجام می‌گیرد، دو وظیفه مهم نظارت و اجرا را به طور مداوم انجام می‌دهند.

۳- ترکیب کمیسیون انتخابات در کشورهای مختلف:

الف : انتخاب توسط ترکیبی از قوا(روسیه، ترکیه، پاکستان، اوکراین)

ب : انتخاب توسط قوه مجریه(هندوستان، فیلیپین، غنا، افغانستان)

ج : انتخاب توسط پارلمان(بولیوی، کاستاریکا، برزیل)

د : انتخاب توسط سیستم قضایی(انگلستان، آفریقای جنوبی)

ه : سایر موارد(عراق، چین، اروگوئه)

الف) انتخاب توسط ترکیبی از قوا

کشور	ترکیب و شرایط
روسیه	کمیسیون انتخابات ۱۵ نفر عضو دارد: پنج نفر توسط دوما و پنج نفر توسط مجلس قانون گذاری منطقه ای و پنج نفر توسط رئیس جمهور و به مدت چهار سال انتخاب می‌شوند.
ژاپن	کمیسیون انتخابات ۱۱ عضو دارد. هفت عضو اصلی و چهار عضو علی البدل: شش قاضی از میان اعضای دادگاه استیناف توسط این شورا با اکثریت مطلق آراء، پنج عضو از میان شورای عالی دولت و توسط این شورا با اکثریت مطلق آراء، رئیس و نایب رئیس از میان اعضا با رای اکثریت مطلق و مخفی انتخاب می‌شوند. دو عضو از هر طرف و توسط خود آنها با رای مخفی به عنوان علی البدل انتخاب می‌شوند.

پاکستان	<p>کمیسیون انتخابات پنج عضو دارد. یک رئیس که توسط رئیس جمهور از میان افرادی که جزء قضات دیوان عالی باشند یا جزء قضات دادگاه عالی که قابلیت عضویت در دیوان را داشته باشند و چهار عضو از میان قضات بازنشسته دیوان عالی هر یک از استانها، پس از مشورت رئیس جمهور با رئیس دادگاه عالی به مدت سه سال (چهار عضو بایستی به تصویب پارلمان برسد که مدت آن سه سال می باشد)</p>
اوکراین	<p>کمیسیون انتخابات مشتمل بر ۱۵ عضو می باشد: هر عضو برای مدت هفت سال انتخاب می شود. پارلمان اوکراین به وسیله رایزنی و مشورت با رئیس جمهوری افراد مورد نظر را انتخاب می کند.</p>

ب) انتخاب توسط قوه مجریه

کشور	ترکیب و شرایط
هندوستان	<p>در هندوستان اعضای کمیسیون انتخابات سه نفر است. یک کمیسیونر اصلی (رئیس) و دو کمیسیونر دیگر که توسط رئیس جمهور منصوب می شوند. دوره زمانی آنها شش سال است یا سن ۶۵ سال هر کدام زودتر فرا برسد.</p>
فیلیپین	<p>کمیسیون انتخابات مشتمل بر هفت عضو می باشد. رئیس جمهور هر هفت عضو را معرفی می نماید .</p>
غنا	<p>کمیسیون انتخابات مشتمل بر هفت عضو می باشد. یک رئیس، دو نایب رئیس، چهار عضو دیگر که بایستی رئیس جمهور معرفی شان کند.</p>
افغانستان	<p>اعضای کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان نه نفر می باشد که توسط رئیس جمهور معرفی می گردند. این کمیسیون دارای هفت کمیته کاری است.</p>

(د) انتخاب توسط سیستم قضایی

کشور	ترکیب و شرایط
ژاپن	دادگاه ملی انتخابات متشکل از شش عضو منتخب از سوی کنگره، دیوان عالی دادگستری و رئیس جمهور و نیز احزاب سیاسی برای مدت چهار سال انتخاب می‌گردد.
کاستاریکا	دیوان عالی انتخابات متشکل از سه قاضی ثابت و شش قاضی علی‌البدل می‌باشد که باید ۳۵ سال سن داشته باشند و حداقل ۱۰ سال سابقه داشته باشند که به مدت شش سال برای این سمت انتخاب می‌شوند.
برزیل	دادگاه عالی انتخابات متشکل از هفت عضو می‌باشد، سه قاضی از میان اعضای دیوان عالی فدرال، دو قاضی از میان دادگاه عالی دادگستری و دو قاضی از طرف ریاست جمهوری از میان شش وکیل برجسته، با سابقه خوب که توسط شورای عالی معرفی می‌شوند برای مدت دو سال منصوب می‌شوند.

(ج) انتخاب توسط پارلمان

کشور	ترکیب و شرایط
انگلستان	تعداد اعضای این کمیسیون نباید از پنج عضو کمتر و از نه عضو بیشتر باشد. دوره تصدی حد اکثر ۱۰ سال می‌باشد. توسط ملکه انگلستان پس از تایید پارلمان منصوب می‌شوند.
آفریقای جنوبی	کمیسیون انتخابات شامل پنج عضو می‌باشد. اعضاء از سوی رئیس جمهور پیشنهاد می‌شود و پارلمان بر طبق قانون اساسی افراد را تعیین می‌کند. این کمیسیون برای مدت هفت سال تعیین می‌شوند مگر این که رئیس جمهور، به توصیه شورای ملی، این دوره را برای یک دوره دیگر تمدید کند.

هـ) سایر موارد

کشور	ترکیب و شرایط
عراق	<p>کمیسیون مستقل انتخابات عراق مشتمل بر یک هیات رئیسه و یک بخش اداری است، هیات رئیسه شامل نه عضو ثابت و یک رئیس می باشد که باید تابعیت عراقی داشته باشد و سن آنها باید کمتر از ۳۵ سال نباشد و مدرک تحصیلی آنها کمتر از فوق دیپلم نباشد، دارای تجربه کار اداری باشند و از نظر سیاسی مستقل باشند و مرتکب جرائم عمومی و غیره نشده باشند. اعضا توسط مجلس عراق انتخاب می شوند دو تن از این اعضا زن هستند، دو تن از کمیسیونرها باید وکیل باشند و رئیس کمیسیون حق رای ندارد.</p>
چین	<p>کمیته دائمی کنگره خلق چین که تعداد اعضای آن بین ۱۱ الی ۱۹ نفر می باشد و انتخابات را در تمام سطوح برگزار می کند.</p>
اروگوئه	<p>نه عضو می باشد که توسط رئیس جمهور، نایب رئیس جمهور، حزب ملی، حزب کلودو و سایر احزاب به مدت چهار سال انتخاب می گردند.</p>

(۴) جدول تطبیقی قوانین مالی ۱۶ کشور در بخش کمک های مالی به احزاب و افراد در انتخابات بر اساس کشور

کشور	درآمد		هزینه		کمکهای مالی	
	محدودیت منابع	سقف	افشاء	سقف	مستقیم	غیر مستقیم
مجارستان	کمک شرکت ها، کمک پیمانکاران دولتی و افراد ناشناس به احزاب ممنوع است. (اگر کمک خارجی به حزب پیش از حد معینی باشد، حزب باید موارد را اعلام کند).	ندارد	ندارد	ندارد	به احزاب بر اساس عملکرد سال قبلشان	تخفیف های مالیاتی (احزاب) دسترسی رایگان به رسانه های جمعی و تخفیف های مالیاتی
آفریقای جنوبی	محدودیتی ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ممنوع به حضور نماینده ای از حزب در مجالس ملی یا استانی	دسترسی رایگان به رسانه های جمعی
روسیه	(سقف کمک افراد و موسسات حقوقی به حزب: ۱۵۰ برابر حداقل حقوق و ۲۰۰۰ برابر حداقل دستمزد) ممنوعیت کمک شرکتی که بیش از ۳۰ درصد سهامش دولتی باشد و شرکتی که کمتر از ۱ سال از تاسیس آن می گذرد و کمک افراد ناشناس، اتباع و شرکت های خارجی و نهادهای دولتی نظامی	ندارد	دارد	۲۵۰,۰۰۰ برابر حداقل حقوق	به احزاب فقط در زمان انتخابات ۱۹۹۵: یک میلیون دلار ۱۹۹۹: ۴ میلیون دلار	استفاده رایگان از رادیو و تلویزیون (در صورت عدم بهدکاری)، حمل و نقل رایگان

کشور	درآمد		هزینه		کمکهای مالی	
	محدودیت منابع	سقف	افشاء	سقف	مستقیم	غیر مستقیم
برزیل	کمک خارجی، شرکت های تجاری و پیمانکاران دولتی، اتحادیه های تجاری	ندارد	هم کمک کنندگان و هم حزب	دارد	بین احزاب بر اساس عملکرد سابقشان	دسترسی به رسانه های جمعی تخفیف های مالیاتی برای احزاب
کانادا	ممنوعیت کمک های مالی خارجی و کمک های افراد ناشناس و کمک شرکت ها و اتحادیه های تجاری	ندارد	هم کمک کنندگان و هم احزاب	دارد. به ازای هر رأی دهنده: ۰٫۶۲ دلار	(محدود به زمان انتخابات بر اساس تعداد کاندیدای شرکت کننده از حزب) (اختصاص بخشی از عواید حاصل از مالیات بر درآمد از جمله برای کمک به احزاب شکست خورده)	دسترسی رایگان به رسانه های جمعی تخفیف های مالیاتی به کمک کنندگان
امریکا	ممنوعیت کمک های مالی خارجی و شرکت های تجاری و نیز از سوی پیمانکاران دولتی (افراد حداکثر ۲۰۰۰ دلار می توانند به کاندیداهای انتخابات فدرال کمک کنند).	ندارد	تمامی کاندیدها به طور کامل و دقیق باید گزارش دهند.	ندارد	از ۱۹۷۶ تمامی انتخابات ریاست جمهوری، با کمک های دولتی به کاندیدها برگزار شده. (کسانی که از کمک دولت استفاده کنند، باید از پذیرش کمک های مالی غیردولتی اجتناب کنند).	وجود ندارد

کشور	درآمد		هزینه		کمکهای مالی	
	محدودیت منابع	سقف	افشاء	سقف	مستقیم	غیر مستقیم
انگلیس	ممنوعیت کمک های مالی از منابع ناشناخته توسط احزاب	دارد		بر اساس تعداد کاندیدایی که حزب برای شرکت در انتخابات معرفی کرده است.	تعداد نماینده احزاب در مجلس	دسترسی رایگان به رسانه های جمعی بر اساس تعداد کاندیدای راه یافته (پیش از یک، ششم، کرای احزاب معافیت های مالیاتی وجود ندارد.
هند	ندارد	ندارد	دارد	ندارد	عدم کمک مالی دولت به احزاب	دسترسی رایگان به رسانه های جمعی، نبود تخفیف های مالیاتی برای احزاب سیاسی و کمک کنندگان
						گزارش ۳ ماهه (دریافتی بالاتر از ۵۰۰ پوند) اگر کمک توسط سازمان مرکزی حزب دریافت شده و (دریافتی بالاتر از ۰۰۱ پوند) اگر توسط شاخه محلی
						احزاب موظفند میزان کمک های مالی از شرکت ها و مقامات دولتی

کشور	زبان	درآمد		هزینه		کمکهای مالی	
		سقف	افشاء	سقف	افشاء	مستقیم	غیر مستقیم
استرالیا		ندارد	ندارد	ندارد	دارد	ممنوعیت دریافت کمک های مالی از سوی افراد ناشناس و از سوی کشورها یا اتباع خارجی (میزان کمک های سالیانه افراد به حزب سقف دارد)	دسترسی رایگان به رسانه های جمعی (تحقیقات مالیاتی برای احزاب و کمک کنندگان)
		ممنوعیت اعطای کمک های مالی افراد ناشناس به احزاب، اگر بیش از حدود ۶۷۰ دلار آمریکا باشد.	ندارد	ندارد	دارد	کمک به احزاب، نامزدهای مستقل و گروه ها با کسب بیش از چهار درصد آرا	دسترسی رایگان به رسانه های جمعی (بر اساس تعداد نمایندگان که در مجلس دارند)، بهره مندی احزاب از معافیت های مالیاتی.
فرانسه		ندارد	ندارد	به تعداد رای دهندگان که باید کمتر از ۳۸۰۰ یورو برای کاندیدا شود.	دارد	ممنوعیت کمک شرکت های خارجی، افراد ناشناس، شرکت ها، پیمانکاران دولتی، اتحادیه های تجاری	احزاب بر اساس تعداد کاندیداهایی که برای شرکت در انتخابات معرفی کرده اند.
		ندارد	ندارد	کمک کنندگان احزاب موظفند تمام کمک های دریافتی خود را افشا نمایند. بر خلاف کمک کنندگان	دارد	ندارد	ندارد

کشور	درآمد		هزینه		کمکهای مالی	
	محدودیت منابع	سقف	افشاء	سقف	مستقیم	غیر مستقیم
المان	فرد ناشناس	ندارد	ندارد	ندارد	بر اساس نحوه عملکرد احزاب در انتخابات قبلی. ۵/۰ درصد آراء ملی یا ۱ درصد آراء ایالتی	استفاده از رسانه های جمعی به طور رایگان. حمایت های مالیاتی ویژه برای احزاب و کمک کنندگان
ایتالیا	(محدودیت حمایت مالی از هر منبع حداکثر ۲۰ میلیون لیره)	ندارد	دارد	دارد	هم در زمان انتخابات و هم در فاصله بین انتخابات به احزاب	استفاده از رسانه ها، تخفیف های مالیاتی برای افراد کمک کننده، تخفیف های پستی برای امور تبلیغاتی احزاب
سوئد	مقررات لازم الاجرائی در رابطه با امور مالی احزاب وجود ندارد. (حزب محافظه کار داوطلبانه در سال ۱۹۷۷ از دریافت کمک کارخانه ها خودداری کرد.)	ندارد	ندارد	ندارد	بخشی بر اساس تعداد نمایندگان در مجلس فعلی و بخشی بر اساس عملکرد در انتخابات قبلی	دسترسی به رسانه ها، احزاب و افرادی که به آنها کمک می کنند مشمول تخفیف های مالیاتی نمی شوند.

جمع بندی

قوانین مالی ۱۶ کشور در بخش مالی انتخابات را می توان به صورت زیر جمع بندی کرد:

الف) درآمدها: برخی کشورها هیچ محدودیتی درباره منابع درآمدی ندارند مانند: سوئد، هند و آفریقای جنوبی. برخی برای کمک های خارجی ممنوعیت ایجاد کرده اند، مانند: روسیه، برزیل، کانادا، آمریکا، ژاپن و فرانسه. برخی برای شرکت ها ممنوعیت دارند، مانند: مجارستان، روسیه، برزیل، کانادا، آمریکا و فرانسه. برخی برای کمک پیمانکارهای دولتی ممنوعیت قائل اند مانند: مجارستان، برزیل، آمریکا و فرانسه. برخی برای کمک افراد ناشناس ممنوعیت قائل اند، مانند: مجارستان، روسیه، کانادا، انگلستان، ژاپن، آلمان و استرالیا. برخی کشورها برای کمک اتحادیه ها ممنوعیت دارند، مانند: کانادا و فرانسه. برخی کشورها نیز برای پرداخت کمک به کاندیداها از سوی افراد، سقف تعیین کرده اند، مانند: ژاپن، آمریکا (۱۰۰۰ دلار)، ایتالیا (۲۰ میلیون لیره)، روسیه (فرد: ۱۵۰ هزار برابر حقوق، مؤسسات: ۲۰۰۰ برابر حداقل دستمزد)، فرانسه (فرد: ۴۶۰۰ یورو - در کل ۲۰ درصد سقف مخارج).

شایان ذکر است همه کشورها برای کل منابع درآمد حزب یا کاندیدا سقفی تعیین نکرده اند بلکه برای هزینه های انتخابات این محدودیت اعمال شده است و از سوی دیگر ملزم به افشاء نحوه هزینه کرد شده اند. البته برخی فقط برای احزاب مانند: مجارستان، آمریکا، انگلیس (دریافتی های بالاتر از ۵۰۰۰ پوند)، هند (از شرکت ها و مقامات دولتی)، ژاپن، استرالیا، فرانسه، آلمان و برخی هم برای احزاب و هم برای کاندیداها مستقل مانند: ایتالیا، کانادا، برزیل، روسیه.

ب) هزینه ها: درباره قوانین مالی کشورهای مختلف در باب هزینه های انتخاباتی برخی قائل به قرار دادن سقف، شده اند. مانند: (روسیه: ۲۵۰ هزار برابر حداقل حقوق)، کانادا (به ازای هر رأی دهنده: ۰٫۶۲ دلار)، انگلستان (بر اساس تعداد کاندیدای معرفی شده)، فرانسه (به ازای هر رأی دهنده و کمتر از ۳۸۰۰۰ یورو)، بر خلاف برخی دیگر از کشورها مانند مجارستان، آفریقای جنوبی، آمریکا، هند، ژاپن، استرالیا، آلمان، سوئد، ایتالیا. در باب الزام به افشاء نیز می توان کشورها را به همین دو دسته تقسیم نمود. البته در اغلب کشورهای دنیا احزاب و کاندیداها ملزم به افشاء هزینه های انتخاباتی خود هستند.

ج) کمک های دولتی: در برخی کشورها دولت به طور مستقیم به هزینه های انتخاباتی کمک می کند. حال یا به احزاب بر اساس میزان آراء، مانند: اتریش، استرالیا، کانادا، مجارستان، آفریقای جنوبی، انگلستان، ژاپن، ترکیه، ونزوئلا، یونان، مکزیک، اسپانیا، ایتالیا، کانادا یا به احزاب بر اساس تعداد کرسی مانند: دانمارک، فنلاند، نروژ و یا ترکیبی از هر دو فرانسه و سوئد. در برخی کشورها هم به احزاب و هم به نامزدهای مستقل کمک مالی صورت می گیرد، مانند: استرالیا، کانادا، فرانسه و ژاپن.

اما درباره کمک‌های غیرمستقیم دولت‌ها دسته‌بندی زیر را می‌توان عرضه کرد: تخفیف مالیاتی برای احزاب (فرانسه، مجارستان، برزیل)، تخفیف مالیاتی برای کمک‌کنندگان (کانادا، ایتالیا)، تخفیف مالیاتی برای هردو (ژاپن، آلمان)، عدم تخفیف (استرالیا، انگلستان، هند، آمریکا، آفریقای جنوبی، سوئد)، حمل و نقل رایگان و تخفیف هزینه پست (روسیه و ایتالیا)، دسترسی رایگان به رسانه‌های جمعی (همه کشورها بجز: استرالیا و آمریکا. انگلستان (به شرط کسب بیش از یک ششم) روسیه (به شرط نداشتن بدهی)، فرانسه (بر اساس تعداد نماینده)).

درباره تجربه جهان در برگزاری انتخابات شاهد تفاوت‌های بسیار عمیق و گسترده‌ای هستیم. پس از بررسی ساختار حکومت در کشورهای مختلف جهان، از سویی شاهد اختلاف انحاء مشروعیت دولتی مختلف و از سوی دیگر نظام‌های پارلمانی و ریاستی را در کشورهای مختلف و بعضاً ترکیبی از این دو را شاهدیم که خود، اقتضاء نحوه خاصی از برگزاری و نظارت انتخابات را دارد. از سویی نظام‌های مختلف تناسبی، اکثریتی و .. را شاهدیم و از سویی نحوه و جایگاه احزاب در کشورهای مختلف را نظاره‌گریم. در پایان همه این مسائل، در یک بستر تاریخی و اجتماعی و هویتی خاص، شکل گرفته است. لذا به نظر می‌رسد نمی‌توان نسخه واحدی به عنوان «انتخابات مطلوب» برای همه کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران، ریخت. به نظر می‌رسد در هر زیرشاخه‌ای از مباحث انتخابات باید به دنبال مطلوب‌ترین راه برای کشور خود با اقتضانات خاص آن باشیم، و راه‌حل‌های جهانی را بومی‌سازی و سپس پیاده‌نمائیم.

منابع و مأخذ

- آندرو، رینولدز، ترجمه ابوذر رفیعی (۱۳۸۹)، دانشنامه نظام‌های انتخاباتی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- صمدی، سعید (۱۳۷۴)، بررسی تطبیقی قانون انتخابات ۱۱۰ کشور جهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۱)، مطالعات تطبیقی در باب سلامت انتخابات و صلاحیت انتخاب‌شوندگان.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۱)، قانون انتخابات و روند اصلاح آن؛ نگاهی به تجربه جهان و ایران.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۱)، فرآیند رأی‌گیری و انتخابات در کشورهای مختلف (مجارستان، آفریقای جنوبی، روسیه، برزیل، کانادا، آمریکا، انگلیس، هند، چین، ژاپن، استرالیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و سوئد).

حوزه بندی انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران^۱

علی احمدی

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل انتخابات، تعیین حدود حوزه‌های انتخابیه است. تقسیم سرزمین و جمعیت کشور به حوزه‌های انتخاباتی، نخستین گام به منظور تسهیل کار انتخابات و فراهم آوردن تناسب عادلانه بین شمار نمایندگان و جمعیت کشور است. در بسیاری از کشورها، حوزه‌های انتخابی با واحدهای متعارف تقسیمات کشوری مانند بخش و شهرستان و استان که تشکیل دهنده مرزهای سیاسی و اداری کشور هستند، متفاوت و دو مقوله جدا از هم اند که هر کدام، قانون و مقررات ویژه خود را دارند و لزوماً بر یکدیگر منطبق نیستند.

از سوی دیگر، تعیین محدوده حوزه انتخابی، بسته به نوع انتخابات تفاوت می‌کند. در تعیین حوزه بندی انتخابات قوانین اساسی برخی کشورها به تعداد کرسی‌های پارلمانی اشاراتی دارند و مقرر می‌دارند که هر نماینده باید منتخب از سوی جمعیتی باشد. در برخی کشورها این موضوع به قوانین عادی محول شده است. یکی از معضلات نظام انتخاباتی در نظام جمهوری اسلامی ایران مشخص نبودن تعریف دقیق و معیارهای حوزه بندی انتخابات است. در این مقاله ضمن بررسی تاریخی تحولات حوزه بندی انتخابات، مسائل این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

انتخابات، حوزه‌های انتخابی، حوزه بندی انتخابات

مقدمه

۱- این مقاله برگرفته از کتاب «انتخابات در ایران» نوشته علی احمدی (۱۳۸۹)، نشر میزان، صفحه‌های ۲۰۳-۱۴۵ می‌باشد.

حوزه انتخابی عبارت است از محدوده جغرافیایی شناخته شده قانونی با جمعیتی مشخص و تعداد معینی نماینده که به آن تعلق می‌گیرد. در بسیاری از کشورها، حوزه‌های انتخابی با واحدهای متعارف تقسیمات کشوری مانند بخش و شهرستان و استان که تشکیل دهنده مرزهای سیاسی و اداری کشور هستند، متفاوت و دو مقوله جدا از هم اند که هر کدام، قانون و مقررات ویژه خود را دارند و لزوماً بر یکدیگر منطبق نیستند. از سوی دیگر، تعیین محدوده حوزه انتخابی، بسته به نوع انتخابات تفاوت می‌کند. چنانچه انتخابات برای تعیین رئیس جمهور، یا فرماندوم باشد، تمام وسعت جغرافیایی کشور به صورت یک حوزه انتخاباتی در می‌آید، اما اگر برای تعیین نمایندگان پارلمان (مجلس) و شوراها باشد حوزه انتخابیه به صورت یک پارچه و ملی معنا پیدا نمی‌کند.

برخی از کشورها در تعیین حوزه‌های انتخابی به عامل جمعیت اهمیت فراوان می‌دهند. شورای قانون اساسی فرانسه در سال ۱۹۸۶، معیارهای تعیین حوزه‌های انتخاباتی را متضمن این اصل دانست که تفاوت جمعیت در هر حوزه نباید از ۲۰ درصد میانگین حوزه‌ها بیشتر باشد. در انگلستان، کمیسرهای مرزی ملزم به معین ساختن هر حوزه انتخاباتی هستند به نحوی که تا حد ممکن سهمیه متوسط منطقه‌ای لحاظ شود.^۱

الف) عوامل تعیین کننده حوزه انتخابی

در استقرار بنیادهایی برای تعیین حوزه‌های انتخابی عوامل جغرافیایی، جمعیت و نظام انتخاباتی نسبت به سایر عوامل برجستگی خاصی دارند.

نمایندگی جغرافیایی

در یک نظام، یعنی نظام جغرافیایی، به هر یک از نواحی (بخش‌ها، شهرستان‌ها، ایالت‌ها) تعداد معینی از نمایندگان انتخابی تعلق می‌گیرد. معیارهای جغرافیایی دو دسته‌اند:

- ۱) معیارهای مربوط به مرز جغرافیایی: در برخی از کشورها که بنا به دلایلی معیارهای جمعیتی نمی‌تواند پاسخگوی مطالبات مردم باشد، حوزه‌های انتخابیه بر حسب مرزهای طبیعی نظیر رودخانه‌ها، رشته‌کوه‌ها و مانند آن، یا بر حسب مرزهای اداری تعیین شده، مشخص می‌شوند.
- ۲) معیارهای مربوط به شکل و اندازه جغرافیایی: برخی کشورها بر اساس عواملی چون

پراکندگی جغرافیایی، دور افتاده بودن مناطق، دسترسی جغرافیایی و مانند آن، حوزه‌های انتخابی را تعیین می‌کنند. از این معیار در سرزمین‌های وسیعی که پراکندگی جمعیت در آنها مشهود است نظیر کانادا، استرالیا یا سرزمین‌هایی که دارای جزایر متعددی هستند، استفاده می‌شود.

۱- مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۰ فصل اول، ماده چهار تبصره یک- تبصره دو- در صورتی که در موارد خاص و یا به علل گوناگون نماینده هر یک از حوزه‌های انتخابیه تعیین نگردد، وزارت کشور مکلف است در اولین فرصت مناسب نسبت به تجدید انتخابات در حوزه انتخابیه مربوط اقدام نماید.

تعیین حوزه‌های انتخابیه بر حسب جمعیت‌های ذی‌نفع

برخی از کشورها حوزه‌های انتخابیه را بر اساس جمعیت‌های نژادی، مذهبی، زبانی و مانند آن، با منافع مشترک مشخص می‌کنند. این اشتراک منافع ممکن است شامل پیشینه نژادی و قومی، تاریخ یا فرهنگ مشترک، مذهب یا زبان مشترک یا موقعیت اقتصادی و اجتماعی مشترک باشد. در ایران این ملاک در مورد اقلیت‌های مذهبی اعمال می‌شود. نمایندگی جغرافیایی از نقیصه، خاصی برخوردار است که در هر دموکراسی هم بسیار متداول است و هم بسیار خطیر. جوهره این نقیصه دخل و تصرف در شکل نواحی جغرافیایی است، به نحوی که نمایندگی حقیقی و متعادل در آن نواحی امکان پذیر نباشد. نواحی انتخاباتی با جمعیتی نزدیک به صفر و «دغل بازی در حوزه‌های انتخاباتی» که هنوز هم گه‌گاه در برخی کشورها مشاهده می‌شود، نمونه‌هایی از تحریف شکل عمده‌ی به شمار می‌آیند.

یافتن راه مناسب برای تعریف شکل نواحی انتخاباتی بسیار دشوار است. تغییر تعداد نمایندگان در مجلس یا تناسب تعداد نمایندگان از نواحی مختلف، معمولاً شدنی نیست. تنها راهی که باقی می‌ماند، ترسیم مجدد محدوده‌های نواحی انتخاباتی است روی نقشه محل، و کار طاقت‌فرسای تجدید سهم‌بندی نمایندگان در مجلس است. حتی وقتی که نیاز به تجدید تناسب تعداد نمایندگان از هر سو به شدت احساس شود، به اجرا در آوردن این طرح کاری فوق‌العاده دشوار است. یک نظام نمایندگی، همین که به اجرا درآید، عادی و مستقر می‌شود. به علاوه، کار سهم‌بندی مجدد طبعاً بر عهده خود نمایندگان قرار می‌گیرد، و اینان احتمالاً خواستار تغییر نظامی نخواهند بود که بر طبق آن به رهبری برگزیده شده‌اند و منافع زیادی در حفظ آن دارند.

تعیین حوزه‌های انتخابیه در راستای منافع خاص

این اصطلاح جدا از پیشینه تاریخی آن، به سوءاستفاده‌هایی اطلاق می‌شود که با تغییر حدود حوزه‌های انتخابی، منافع فرد، افراد یا گروه خاصی را تأمین می‌کند. در کشورهایی که دارای احزاب قوی و جافاده‌ای هستند، این سوءاستفاده ممکن است توسط حزب حاکم که قدرت تعیین حدود حوزه‌های انتخابیه را دارد، انجام گیرد. برای مثال در آمریکا، در فاصله سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴، حزب حاکم بواسطه قدرتی که در این زمینه نسبت به سایر احزاب داشت، توانست با تعیین مجدد حوزه‌های انتخابی، تعداد بیشتری از کرسی‌ها را در انتخابات کنگره به دست آورد. سوءاستفاده‌های دیگری که انجام می‌گیرد شامل تعیین حدود حوزه‌های انتخابیه علیه اقلیت‌های مذهبی، نژادی، قومی و به نفع دین، نژاد و یا قوم خاص است. در تعیین این حوزه‌ها گه‌گاه فرد، افراد یا گروه خاصی برای حفظ منافع خود و بر اساس «معیارهای جانب‌دار»، حوزه‌های انتخابی را تعیین می‌کنند. در نظام‌های انتخاباتی اکثریت مطلق نسبی، این نوع سوءاستفاده به سهولت صورت می‌گیرد و در عین حال، پیامدهای آن بسیار خطرناک‌تر از

سایر نظام‌های انتخاباتی است.

واقعیت این است که در بسیاری از موارد سوءاستفاده به نحو بسیار ظریفی انجام می‌شود. بنابراین، باید هرگونه تعیین مجدد حدود حوزه‌های انتخابیه را با وسواس بیشتری دنبال کرد و پیامدهای سیاسی و حقوقی آن را مورد ارزیابی و سنجش کارشناسانه قرار داد.

حوزه بندی انتخابات بر اساس کرسی های پارلمان

قوانین اساسی برخی کشورها به تعداد کرسی های پارلمانی اشاراتی دارند و مقرر می‌دارند که هر نماینده باید منتخب از سوی جمعیتی باشد.^۱ در برخی کشورها این موضوع به قوانین عادی محول شده است. قانون اساسی مشروطیت در اصل چهارم: "عده انتخاب شوندگان به موجب انتخاب نامه علیحده برای تهران و ایالات، یک صد و شصت و دو نفر معین شده است و بر حسب ضرورت، عده مزبور تزايد تواند یافت الی دویست نفر." بر اساس نظام نامه انتخابات اصنافی، عده انتخاب شدگان برای مجلس شورای ملی در تمام ممالک محروسه ایران، بیش از دویست نفر نمی‌تواند باشد.^۲ عده انتخاب شدگان ملت در بلاد ایران متناسب با جمعیت سکنه آن بلد است و از هر ایالتی شش یا ۱۲ نفر موافق صورت ذیل باید انتخاب شود مگر تهران که عده انتخاب شدگان آن به موجب تفصیل ذیل سی و دو نفر است.^۳ در نظام نامه انتخابات دو درجه ماده ۱ تعداد نمایندگان مجلس ۱۲۰ نفر تعیین شد.

بر اساس قانون مصوب سال ۱۲۹۰ و اصلاحات بعد از آن، عده نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در مملکت ایران ۱۳۶ نفر است.^۴ با اصلاح قانون اساسی و متمم آن در سال ۱۳۳۶، عده نمایندگان طبق آمار رسمی کشور به نسبت هر یکصد هزار نفر جمعیت، یک نفر اضافه می‌شود. در نتیجه، نمایندگان از ۱۳۶ نفر به ۲۰۰ نفر افزایش یافت. و بر اساس مصوبه مجلس

۱- برای مثال، اصل ۳۴ قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی مصوب ۱۹۳۶، در خصوص (شورای اتحاد جماهیر شوروی) مقرر کرده است «اعضای شورای اتحاد، توسط شهروندان اتحاد جماهیر شوروی انتخاب می‌شوند. شهروندان اتحاد جماهیر شوروی، در حوزه‌های انتخاباتی، به تناسب یک نماینده بابت سیصد هزار نفر از ساکنین تقسیم می‌شوند.» یا اینکه در اصل شصت و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌خوانیم: «عده نمایندگان مجلس شورای ملی دویست و هفتاد نفر است و پس از هر سال در صورت زیاد شدن جمعیت، در هر حوزه انتخاباتی به نسبت هر یکصد و پنجاه هزار نفر، یک نماینده اضافه می‌شود».

۲- نظام نامه انتخابات اصنافی، ماده هشتم

۳- نظام نامه انتخابات اصنافی، ماده شش: در تهران شاهزادگان و قاجاریه چهار نفر، علما و طلاب چهار نفر، تجار ده نفر، ملاکین و فلاحین ده نفر، اصناف از هر صنفی یک نفر جمعاً سی و دو نفر می‌شوند. در سایر ایالات و ولایات از قرار تفصیل است: آذربایجان دوازده نفر، خراسان و سیستان و تربت و ترشیز و قوچان و بجنورد و شاهرود و بسطام ۱۲ نفر، گیلان و طالش شش نفر، مازندران و تنکابن و استرآباد و فیروز کوه و دماوند ۶ نفر، خمسه و قزوین و سمنان و دامغان ۶ نفر، کرمان و بلوچستان ۶ نفر، فارس و بنادر ۱۲ نفر، عربستان، لرستان و بروجرد ۶ نفر، کرمانشاهان و گروس ۶ نفر، کردستان و همدان ۶ نفر، اصفهان و یزد و کاشان و قم و ساوه ۱۲ نفر، عراق و ملایر و تویسرکان و نهاوند و کمره و گلپایگان و خوانسار ۶ نفر.

۴- قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب سال ۱۲۹۰ ماده یک و مصوبه ۱۲ شهریور ماه و اصلاحات مصوبه ۵ و ۱۲ مهر ماه ۱۳۰۴.

شورای ملی، دهم تیرماه ۱۳۴۶ قانون افزایش تعداد نمایندگان به ۲۶۸ کرسی تصویب شد. در قانون مصوب سال ۱۳۵۰ نیز تعداد ۲۶۸ نماینده مورد تایید قرار گرفت، ولی حوزه های انتخابی اصلاح شد.

در نظام نامه انتخابات دو درجه و اصلاحات بعدی آن، تقسیم نمایندگان ملت نسبت به جمعیت تخمینی ولایات از قرار شرح جدولی است که به آخر قانون منضم شده است.^۱ در اصلاحات بعدی قانون، انتخابات از حالت انتخاب محدود به طبقات خاص خارج شد. تساوی کرسی ها بین شش و دوازده نفر، از بین رفت و در برخی حوزه های انتخابی، یک کرسی و در برخی دیگر، چند کرسی تعیین شد. به علاوه ایلات عمده موافق حوزه بندی انتخابات، هر کدام یک نماینده مستقیماً به عضویت مجلس شورای ملی می فرستند و سایر ایلات که اسم آنها برده نشده، در جزو هر حوزه که هستند، رأی خواهند داد.^۲

قانون اساسی جمهوری اسلامی، در اصل ۶۴، اشعار می دارد که: "عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر است.^۳ پس از هر ده سال، در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر یکصد و پنجاه هزار نفر، یک نماینده اضافه می شود. در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، ذیل این اصل از قانون اساسی بدین گونه اصلاح شد. "از تاریخ همه پرسی سال ۱۳۶۸، پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها، حداکثر بیست نفر نماینده می تواند اضافه شود. "محدوده جغرافیایی و تعداد نمایندگان را قانون معین می کند. تقسیم آن (نسبت نمایندگان به جمعیت) بر اساس جدول ضمیمه این قانون می باشد.^۴ براساس قانون انتخابات، مصوب سال ۱۳۶۲ "از تاریخ رسمیت یافتن دوره اول مجلس شورای اسلامی، هر ده سال یک بار بر اساس آمار سرشماری کشور، در هر حوزه انتخابیه به نسبت هر ۱۵۰ هزار نفر اضافی، یک نماینده اضافه می شود.^۵ در قانون انتخابات، مصوب سال ۱۳۷۸ تعیین شد که: "عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۹۰ نفر است و افزایش تعداد آن براساس اصل شصت و چهارم قانون اساسی خواهد بود."^۶

از تعداد کل نمایندگان، پنج نفر به ترتیب ذیل مربوط به اقلیت های مذهبی است. زرتشتیان و کلیمیان، هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی، مجموعاً یک نماینده و مسیحیان

۱- قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب سال ۱۲۹۰ ماده دو و مصوبه ۱۲ شهریور ماه و اصلاحات.

۲- اصل شصت و چهارم قانون اساسی.

۳- مصوب ۱۳۵۸، ۱۱، ۱۰ فصل اول، ماده دو قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، سه شنبه نهم اسفند ماه یک هزار و سیصد و شصت و دو.

۴- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، سه شنبه نهم اسفند ماه یک ۱۳۶۲، ماده دو تبصره ۳.

۵- هفتم آذر ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و هشت، ماده ۲.

ارمنی جنوب و شمال، هر کدام یک نماینده.^۱ قوانین اساسی برخی کشورها، در این زمینه یا ساکت اند یا این که چنین تکلیفی را بر عهده قوانین انتخابات می گذارند.^۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به جز در مورد تعداد نمایندگان مجلس، تعداد اعضای شورای اسلامی روستا، بخش، شهر، شهرستان و استان و شورای عالی استانها را به قوانین عادی محول نموده است، یا تعداد اعضای مجلس خبرگان رهبری، پس از شکل گیری، دوره اول را به تصمیم خود خبرگان موکول نموده است.

در نظام نامه انتخابات اصنافی، دوره نمایندگی دوسال است. این ماده از قانون در قوانین و اصلاحیه های بعدی تا مجلس نوزدهم تکرار شد. براساس مصوبه سال ۱۳۳۶ و اصلاحیه قانون اساسی، مدت نمایندگی مجلس شورای ملی از دوسال به چهار سال افزایش پیدا کرد. در جمهوری اسلامی ایران، دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است.^۳ دولت موظف است در برگزاری انتخابات ترتیبی اتخاذ نماید که پیش از پایان دوره قبل انتخابات را برگزار کند، به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.^۴ در جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می شوند، تشکیل می گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین می کند.^۵

حوزه بندی انتخابات بر اساس جمعیت

یکی از مهم ترین معیارهایی که اغلب کشورها آن را پذیرفته اند، معیارهای جمعیتی است. به عبارت دیگر، بر حسب میزان جمعیت که اغلب به صراحت در قوانین انتخاباتی آمده است، حوزه های انتخابیه تعیین می شوند. با این حال، حوزه های انتخاباتی، نه از حیث تعداد، نه از حیث ابعاد و نه از حیث جمعیت، امری ثابت نیستند. در ایران، اولین قانون انتخابات به نام نظام نامه انتخابات اصنافی در دوره مشروطیت، حوزه های انتخابی با انتخاب جمعی (هر ایالت شش یا دوازده نفر) تعیین شده بود.^۶ در شهرهای جزو هر ایالتی، هر طبقه، علیحده جمع شده یک نفر را انتخابات نموده به کرسی ایالت می فرستند. انتخاب شدگان جزو ایالات در کرسی ایالت

۱- مصوب ۱۳۵۸، ۱۱، ۱۰ فصل اول، ماده دو تبصره و قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، سه شنبه نهم اسفند ماه یک هزار و سیصد و شصت و دو.

۲- طبق اصل ۲۵ قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه، تعیین شمار نمایندگان مجلس ملی و مجلس سنا به یک قانون ارگانیک حواله شده است.

۳- اصل شصت و سوم قانون اساسی و ماده سوم مصوب ۱۳۵۸، ۱۱، ۱۰

۴- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، سه شنبه نهم اسفند ماه ۱۳۶۲ ماده ۱ تبصره.

۵- اصل شصت و دو قانون اساسی.

۶- ماده هشتم نظام نامه انتخابات اصنافی.

جمع شده به عده‌ای که در صورت فوق برای هر ایالت معین شده، برای مجلس شورای ملی اعضاء انتخاب می‌کنند. مطابق ماده شش، عده انتخاب شدگان در بلاد ایران متناسب جمعیت سکنه است و از هر ایالتی، شش یا ۱۲ نفر و در تهران ۶۰ نفر می‌باشد.^۱

در سایر قوانین انتخابات، بعد از نظامنامه انتخابات اصنافی، در کلیه قوانین انتخاباتی، ترکیبی از هر دو حوزه انتخابی فردی (تک کرسی) و جمعی (چند کرسی) تعیین شد. مطابق قانون مصوب سال ۱۲۹۰ و قانون مصوب سال ۱۳۰۴ و قانون سال ۱۳۲۲، تقسیم نمایندگان ملت نسبت به جمعیت تخمینی ولایات مطابق جدولی که به آخر قانون منظم شده است، می‌باشد.^۱ در این جدول، تساوی نمایندگان ایالت‌ها بین ۶ و ۱۲ نفر برداشته شده است. حوزه‌های انتخابی بر مبنای جمعیت تعریف شده است. این وضعیت در رابطه با تعریف کرسی‌های حوزه‌های انتخابی، تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. در محل‌های موافق تقسیم انتخابات، حق انتخاب یک نماینده وجود دارد، انتخاب فردی عمل می‌شود و در محل‌هایی که بیش از یک نفر نماینده باید انتخاب شود، انتخاب جمعی خواهد بود.

توضیح: مراد از انتخاب جمعی آن است که هر یک از انتخاب کنندگان در برگه رأی به تعداد مجموع انتخاب شوندگان آن محل، اسامی اشخاص را می‌نویسد و مراد از انتخاب فردی آن است که هر یک از انتخاب کنندگان در برگه‌ای، اسم یک شخص را می‌نویسند.^۲

حوزه بندی انتخابات و نظام انتخاباتی

تعداد حوزه‌های انتخابی، علاوه بر شمار کرسی‌های پارلمانی و شمار کل جمعیت کشور، به نظام انتخاباتی نیز بستگی دارد. در هر صورت، در کشورهای مختلف و همین‌طور در انتخابات مختلف، تعداد کرسی‌های حوزه انتخابات متفاوت است. در یک سر طیف، کشورهای مثل آمریکا و انگلستان قرار دارند که دارای نظام انتخابات اکثریتی و حوزه‌های انتخابی تک کرسی هستند. بنابراین، به تعداد کرسی‌های پارلمان، حوزه‌های انتخابیه وجود دارد. در سر دیگر طیف، کشورهای مثل رژیم اشغالگر صهیونیستی، نامیبیا و عراق (اولین انتخابات پس از سقوط رژیم بعثی) قرار دارند که در آنها، اساساً حوزه انتخابیه وجود ندارد و کل کشور به عنوان یک حوزه انتخابی تلقی می‌شود. ناگفته پیداست که در این کشورها، نظام انتخاباتی به صورت تناسبی و لیست بسته است.

بین دو انتهای این پیوستار، کشورهای دیگری هستند که نه همه کشور را به صورت یک حوزه واحد در نظر گرفته‌اند که هر کس در هر جایی که اقامت دارد، بتواند به تعداد کل نمایندگان رأی

۱- قانون مصوب سال ۱۲۹۰ و ماده ۲ قانون مصوب سال ۱۳۰۴ و ماده ۲ قانون سال ۱۳۲۲.

۲- ماده ۱۴ قانون مصوب ۱۲۹۰ و ماده شش قانون مصوب ۱۳۰۴.

بدهد و نه حوزه های انتخاباتی تک کرسی ایجاد نموده اند. بنابراین، عمل حوزه بندی انتخابات که از ضروریات انتخابات است، اهمیت بیشتری دارد. حوزه بندی انتخابات در این کشورها با دو الگوی یاد شده متفاوت است. در نتیجه، حوزه های انتخاباتی به نسبت نظام های انتخاباتی متنوع هستند. در بسیاری موارد، نظام های انتخاباتی نتیجه آگاهانه قوه مقننه نیست، بلکه محصول عوامل و ویژگی های تاریخی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی موجود در هر کشور است. چگونگی حوزه بندی انتخابات در این گونه موارد نیز به نظام های انتخاباتی بستگی دارد. در مصر، نیمی از ۴۴۴ نماینده انتخاب شده باید از میان گارگران یا کشاورزان باشند. در لبنان، رای دهندگان، نمایندگان را از میان فهرست هایی انتخاب می کنند که توزیع کرسی ها را میان جوامع مذهبی مختلف مطمع نظر قرار داده است. در رومانی، سازمان های قانونی متشکل از شهروندان متعلق به یک اقلیت قومی و ملی، که در انتخابات دستکم دارای یک نماینده یا سناتور نشده اند، حق دارند یک کرسی نمایندگی داشته باشند، به شرط آنکه در کل کشور، حداقل ۵ درصد متوسط تعداد آرای معتبر را کسب کرده باشند.

نظام های انتخابی جمع گزینی، جمع گزینی حزبی، کم گزینی، نظام انتخاباتی جایگزینی، ترکیبی و تلفیقی از جمله روش های انتخاباتی هستند که میان دو انتهای این پیوستار کاربرد دارند. این گونه نظام های انتخاباتی، غالباً دارای حوزه های انتخابی نسبتاً بزرگ و چند کرسی هستند. در برخی کشورها، با نظام انتخاباتی اکثریتی مانند ایران، حوزه های انتخابی کوچک و بزرگ به صورت تک کرسی و چند کرسی تعریف شده است. نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران متناسب با نظام های اکثریتی در چارچوب نظام های اکثریتی مطلق و نسبی است و تاکنون عملاً معیارهای جمعیتی، ملاک تعیین حدود حوزه های انتخابی آن بوده است. افزون بر آن، باید توجه داشت در نظام های انتخاباتی اکثریتی، هر چه وسعت حوزه و تعداد کرسی های آن بیشتر باشد تقسیم کرسی ها بر حسب تناسب آرا و درجه نمایندگی کاهش می یابد. باید توجه داشت که در حوزه های انتخابی کشور، حوزه ای و منطقه ای، انحصار حزبی وجود دارد، و در نظام های گذشته، اگرچه حزب بسیار موثر است ولی انتخابات منحصر به لیست حزب نیست.

تعیین محدوده حوزه های انتخابی با توجه به سه عامل جمعیت، تعداد کرسی های پارلمان و نظام انتخاباتی

ردیف	حوزه های انتخابی	نظام انتخاباتی
۱	کشورحوزه ای (هلند،...)	تناسبی، لیست بسته حزبی

تناسبی، لیست بسته حزبی، لیست باز حزبی	حوزه های چندکرسی: منطقه ای، استانی (بلژیک، عراق و ...)	۲
۱. اکثریت نسبی ۲. اکثریت مطلق دو دوری ۳. اکثریت مطلق، جایگزینی - ترجیحی ۴. ترکیبی (رای اضافی یا نماینده اضافی) تک گزینی و لیست بسته	حوزه های تک کرسی (امریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان)	۳

ب) حوزه انتخابی در ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی، به نسبت هر یک صد و پنجاه هزار نفر یک نماینده اضافه می شود.^۱ هر چند در اصلاحات قانون اساسی مصوب سال ۱۳۶۸، صراحت معیار جمعیتی برداشته شد. اما معمولاً و در عمل این معیار در اصلاح حدود حوزه انتخابی اعمال می شود. تقسیم حوزه های انتخابی به حوزه های تک کرسی و چند کرسی (یک نفر نماینده و بیش از یک نفر) در قوانین انتخابات قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، با اندکی کم و زیاد در کرسی نمایندگی حوزه های انتخابی نیز، به همان شکل سابق پس از پیروزی انقلاب اسلامی، استمرار پیدا کرد و مبنای حوزه بندی انتخابات، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همان حوزه بندی سال ۱۳۵۰ می باشد.

در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، شیوه انتخاب، جمع گزینی است. بدین معنا که جمعیت ساکن در روستا، یا شهر در برگ رأی خود اسم چند نفر را می نویسند، اما در انتخابات ریاست جمهوری و برای نماینده اقلیت های مذهبی در مجلس شورای اسلامی، کل کشور یک حوزه انتخابیه تلقی می شود (کشور حوزه ای) و از میان نامزدهای که صلاحیت آنها احراز شده، رأی دهندگان به یک نامزد رأی می دهند. بنابراین، شیوه تک گزینی برای ریاست جمهوری و همین طور نماینده اقلیت های مذهبی در مجلس، هم اکنون مرسوم و معمول است، اما در دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، ترکیبی از دو شیوه جمع گزینی و تک گزینی مورد استفاده قرار می گیرد. برای انتخابات خبرگان رهبری، سی حوزه انتخابات وجود دارد. به عبارت دیگر، تعداد حوزه های انتخابات خبرگان رهبری به تعداد استان های کشور است و با کم یا زیاد شدن استان های کشور، حوزه های انتخابی خبرگان رهبری هم تغییر پیدا می کند. لیکن به سبب تفاوت های جمعیتی استانها تعداد نمایندگان آنها متفاوت است.

۱- اصل شصت و چهار قانون اساسی قبل از بازنگری سال یک هزار و سیصد و شصت و هشت.

در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، برای مجلس دوره اول تا سوم، کشور به ۱۹۳ حوزه انتخابی و برای مجلس چهارم و بعد، کشور به ۱۹۶ حوزه انتخابی و از سال ۱۳۷۸، کشور به ۲۰۷ حوزه انتخابیه تقسیم شده است. ملاک حوزه بندی، بر اساس تراکم جمعیتی و همچنین اقلیت های به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

۱- حوزه بندی انتخابات در نظام نامه انتخابات اصنافی سال ۱۲۸۵

ردیف	حوزه انتخابیه	تعداد نماینده	ملاحظه
۱	تهران	۳۲ نفر	ماده ششم- عده انتخاب شدگان ملت در بلاد ایران متناسب با جمعیت سکنه آن بلد است و از هر ایالتی شش یا دوازده نفر موافق صورت ذیل باید انتخاب شود مگر تهران که عده انتخاب شدگان آن به موجب تفصیل ذیل است: شاهزادگان و قاجاریه چهار نفر علما و طلاب چهار نفر تجار ده نفر ملاکین و فلاحین ده نفر اصناف از هر صنفی یک نفر جمعاً سی و دو نفر می شوند.
۲	آذربایجان	۱۲ نفر	
۳	خراسان، سیستان، تربت، ترشیز، قوچان، بجنورد و بسطام	۱۲ نفر	
۴	گیلان و طالش	۶ نفر	ماده هفتم- هر یک از انتخاب کنندگان صاحب یک رأی می باشند و فقط در یک طبقه می توانند انتخاب کنند.
۵	مازندران، تنکابن، استرآباد، فیروز کوه و دماوند	۶ نفر	
۶	خمسه، قزوین، سمنان و دامغان	۶ نفر	ماده هشتم- عده انتخاب شدگان برای مجلس شورای ملی در تمام ممالک محروسه ایران بیش از دویست نفر نمی تواند باشد.
۷	کرمان و بلوچستان	۶ نفر	- در شهرهای جزء هر ایالتی هر طبقه علیحده جمع شده یک نفر را انتخاب نموده به کرسی ایالت می فرستند این انتخاب شدگان باید در همان شهری که انتخاب می شوند و یا در محال آن شهر سکنی داشته باشند
۸	فارس و بنادر	۱۲ نفر	
۹	عربستان، لرستان و بروجرد	۶ نفر	
۱۰	کرمانشاهان و گروس	۶ نفر	- انتخاب شدگان در شهرهای جزء ایالات در کرسی ایالت جمع شده به عده ای که در صورت فوق برای هر ایالتی معین شده از برای مجلس شورای ملی اعضاء انتخاب می کند تا در مجلس شورای ملی حضور به هم رسانیده در مدت مأموریت به وظیفه و تکلیف خود که حفظ حقوق دولت و ملت است عمل نمایند
۱۱	کردستان و همدان	۶ نفر	انتخاب کنندگان مجبور نیستند که حتماً از صنف و طبقه خودشان انتخاب کنند.
۱۲	اصفهان، یزد، کاشان، قم و ساوه	۱۲ نفر	
۱۳	عراق، ملایر، تویسرکان، نهاوند، کمهر، گلپایگان و خوانسار	۶ نفر	

حدود حوزه های انتخابی در نظام نامه انتخابات اصنافی به تناسب جمعیت کشور و تعداد نمایندگان به صورت چندکرسی و به طور مساوی بین شش و دوازده کرسی تعیین شد.

۲- حوزه بندی انتخابات در نظام نامه انتخابات دودرجه سال ۱۳۸۸

ردیف	حوزه انتخابیه	تعداد منتخبان (درجه اول)	تعداد نمایندگان	ملاحظه
۱	تهران	۴۵	۱۵	<p>ماده ۱۵: انتخاب در کلیه ممالک ایران به طرز دو درجه خواهد بود.</p> <p>توضیح اول: مراد از انتخاب دو درجه آن است که ابتدا در محله های یک شهر یا در شهرهای یک حوزه انتخابیه عدد معینی را انتخاب می نمایند که منتخب نامیده می شوند و بعد این انتخاب شدگان درجه اول در مرکز حوزه انتخاب جمع شده از میان خود عده مطلوبه ثانیاً انتخاب می کنند و این انتخاب شدگان درجه ثانی نماینده خوانده می شوند.</p> <p>توضیح دوم: مراد از حوزه انتخابیه آن قسمتی از مملکت است که موافق تقسیم نظام نامه یک یا چند نفر را مشترکاً انتخاب کرده مستقیماً به عضویت مجلس شورای ملی می فرستد اعم از این که آن قسمت در تحت یک یا چند حکومت باشد مرکز حوزه آن نقطه ای است که انتخاب درجه ثانی حوزه در آنجا واقع می شود.</p> <p>ماده ۱۶: انتخاب درجه اول و ثانی کلیه به طرز انتخاب جمعی خواهد بود مگر در محل هایی که موافق تقسیم نظام نامه بیش از یک نفر حق انتخاب ندارند در این صورت به انتخاب فردی عمل می شود.</p>
۲	آذربایجان	۵۷	۱۹	
۳	خراسان	۳۳	۱۱	
۴	سیستان و قنات	۳	۱	
۵	فارس	۲۴	۸	
۶	بنادر و جزایر	۶	۲	
۷	کرمان	۱۵	۵	
۸	بلوچستان، بم و نرمانشیر	۳	۱	
۹	استرآباد	۳	۱	
۱۰	اصفهان	۹	۳	
۱۱	بروجرد	۶		
۱۲	خمسه و طارم	۱۲		
۱۳	ساوه و زرنند	۶		
۱۴	سمنان و دامغان	۳	۱	
۱۵	شاهرود و بسطام	۳	۱	
۱۶	عراق (اراک)	۶	۲	
۱۷	عربستان (خوزستان)	۹	۳	

ردیف	حوزه انتخابیه	تعداد منتخبان (درجه اول)	تعداد نمایندگان	ملاحظه
۱۸	فیروزکوه و دماوند	۳	۱	ماده ۱۷: انتخاب درجه اول به اکثریت نسبی و انتخاب درجه ثانی به اکثریت تام خواهد بود. توضیح: مراد از اکثریت تام آن است که بیشتر از نصف رأی دهندگان درباره کسی رأی داده باشند. توضیح: مراد از انتخاب جمعی آن است که هر یک از انتخاب کنندگان در ورقه رأی به عهده مجموع انتخاب شوندگان آن محل اسامی اشخاص می نویسند مراد از انتخاب فردی آن است که هر یک از انتخاب کنندگان در ورقه رأی اسم یک شخص را می نویسند.
۱۹	قزوین	۶	۲	
۲۰	قم	۳	۱	
۲۱	کاشان، نطنز، جوشقان	۶	۲	
۲۲	کردستان	۹	۳	
۲۳	کرمانشاه	۹	۳	
۲۴	گروس	۳	۱	
۲۵	گلپایگان، خوانسار و محلات	۶	۲	
۲۶	گیلان و طوالش	۱۵	۵	
۲۷	لرستان	۶	۲	
۲۸	مازندران، تنکابن و سوادکوه	۱۲	۴	
۲۹	ملایر، نهاوند و تویسرکان	۶	۲	
۳۰	همدان و اسدآباد	۶	۲	
۳۱	یزد و توابع	۹	۳	
۳۲	ارامنه	۱	۱	
۳۳	کلدانی	۱	۱	
۳۴	زردشتی	۱	۱	
۳۵	کلیمی	۱	۱	

ردیف	حوزه انتخابیه	تعداد منتخبان (درجه اول)	تعداد نمایندگان	ملاحظه
۳۶	شاهسون آذربایجان	به تعیین وزارت داخله	۱	مستغنی از انتخاب درجه ثانی بوده به سمت عضویت مجلس شورای ملی قبول می‌شوند. ماده ۱۹: در انتخاب درجه ثانی اگر دفعه اول و دوم درباره کسی اکثریت تام حاصل نشد دفعه سوم همان شخص به اکثریت نسبی منتخب خواهد بود.
۳۷	قشقای	به تعیین وزارت داخله	۱	
۳۸	ایلات خمسه	به تعیین وزارت داخله	۱	
۳۹	ترکمان	به تعیین وزارت داخله	۱	
۴۰	بختیاری	به تعیین وزارت داخله	۱	
	جمع نمایندگان	۳۶۰	۱۲۰	

بر پایه نظام نامه انتخابات دو درجه، تغییراتی در حوزه های انتخابی ایجاد شد:

- ۱) تعداد حوزه های انتخابی از سیزده حوزه در قانون نظام نامه اصنافی به چهل حوزه انتخابی در نظام نامه دو درجه افزایش پیدا کرد.
- ۲) تساوی تعداد نمایندگان بین شش و دوازده نفر در حوزه های انتخابی حذف شد و حوزه های انتخابی که در نظام نامه انتخابات اصنافی، چند کرسی بودند، حذف و به ترکیبی از یک کرسی و چند کرسی تغییر یافت. ۱۷ حوزه انتخابی به صورت تک کرسی و بیست و سه حوزه انتخابی به صورت چند کرسی (بین دو تا نوزده نفر) تعیین شد.
- ۳) برای اولین بار عشایر و اقلیت های مذهبی دارای سهم نمایندگی در مجلس شدند.
- ۴) در توضیح دوم از ماده پانزدهم، حوزه انتخابی تعریف شد.
- ۵) این مدل از حوزه بندی انتخابات، پایه و مبنای حوزه بندی انتخابات در ایران تا کنون شده است.

در نظام نامه انتخابات اصنافی در ماده ۸، تعداد نمایندگان مجلس حداکثر دویست نفر و تقسیم حوزه های انتخابی بر اساس جمعیت تخمینی سیزده حوزه و با ۱۵۶ نماینده انجام گرفت. در نظام نامه انتخابات دو درجه ماده ۱ تعداد نمایندگان یک صد و بیست نفر تعیین گردید و حوزه های انتخابی بر اساس جمعیت تخمینی چهل حوزه تعیین شد. در قانون مجلس شورای ملی مصوب سال یک هزار و دویست و نود ماده ۱، تعداد نمایندگان یک صد و سی و شش نفر حوزه های انتخابی با تغییر جزعی انجام گرفت. این قانون و تعیین حدود

حوزه‌های انتخابی و تعداد نمایندگان با اصلاحات کمی مبنای انتخابات در کشور قرار گرفت تا این که بعد از اصلاحات قانون اساسی و افزایش جمعیت در سال یک هزار و سیصد و پنجاه آخرین اصلاحات در تعیین حدود حوزه‌های انتخابی و تعداد نمایندگان صورت گرفت. قانون، جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی، که روز یکشنبه ۲، ۳، ۱۳۵۰ به تصویب مجلس شورای ملی و روز شنبه ۱۵، ۳، ۱۳۵۰ توسط مجلس سنا به تصویب رسید. از تاریخ تصویب این قانون (ماده واحده)، جدول تعیین حدود حوزه‌های انتخابی با ۱۷۸ حوزه انتخابی و ۲۶۸ نفری (نماینده) منضم به این قانون به جای جدول حوزه‌های انتخابیه مصوب خرداد ماه ۱۳۳۹ و جدول اصلاحی منضم به قانون تیر ماه ۱۳۴۶ شد.^۱ در این قانون تعداد نمایندگان بر پایه هر یک صد هزار نفر یک نماینده، (۲۶۸) نماینده تعیین گردید.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه هر یک صد و پنجاه هزار نفر یک نماینده، جمع نمایندگان مجلس را ۲۷۰ نفر را تعیین نمود. شورای انقلاب در اولین قانون انتخابات ماده ۲ و جدول ضمیمه قانون با تعیین حدود حوزه‌های انتخابی جمع حوزه‌های انتخابی را ۱۹۳ حوزه و ۲۷۰ نماینده تعیین نمود. چون تغییرات و اصلاحات قانون انتخابات سال ۱۳۵۸ بر پایه جدول حوزه‌های انتخابی سال ۱۳۵۰ صورت گرفته است، جدول مقایسه‌ای این اصلاحات و اصلاحات بعدی، بیان شفافتی را از حوزه‌بندی انتخابات ارایه می‌دهد. حوزه‌بندی قانون ۱۳۵۰ که بر اساس حروف الفبا تنظیم شده است، پایه اصلاحات حوزه‌بندی قرار گرفته است.

ج) اصلاح حوزه‌بندی انتخابات در جمهوری اسلامی ایران

یکم: تغییرات حوزه‌های انتخابی در قانون سال ۱۳۵۸ به نسبت حوزه‌های انتخابی در قانون سال ۱۳۵۰ به شرح زیر است:

۱) تعداد حوزه‌های انتخابی از ۱۷۸ حوزه به ۱۹۳ حوزه و تعداد نمایندگان از ۲۶۸ نماینده به ۲۷۰ نماینده افزایش پیدا کرد.

۲) حوزه بنادر و جزایر خلیج فارس با پنج حوزه انتخابی و هفت نماینده، به دو استان بوشهر با سه حوزه انتخابی، دشتی و تنگستان به بوشهر اضافه شد با سه نماینده و هرمزگان با سه حوزه انتخابی و چار نماینده تغییر یافت.

۳) اصفهان با دوازده حوزه انتخابی و هفده نماینده به چهارده حوزه انتخابی و هجده نماینده تغییر یافت. کاشان از استان مرکزی منتزع و به اصفهان الحاق گردید و کاشان و فلاورجان به عنوان دو حوزه انتخابیه به اصفهان اضافه شد.

۱- قانون فوق مشتمل بر یک ماده و جدول ضمیمه پس از تصویب مجلس شورای ملی در جلسه در جلسه روز شنبه پانزدهم خرداد یک هزار و سیصد و پنجاه شمسی به تصویب مجلس سنا رسید. دوره ۲۲ - جلد ۱۲ - صفحه ۶۳۵۳ الی ۶۳۸۰.

- ۴) خراسان با شانزده حوزه انتخابی و بیست و سه نماینده به هجده حوزه انتخابی و بیست و پنج نماینده تغییر یافت (حوزه های فریمان و طرنبه (چناران) اضافه شد).
- ۵) خوزستان با دوازده حوزه انتخابی و شانزده نماینده به سیزده حوزه انتخابی و هفده نماینده تغییر یافت (حوزه شادگان به آن اضافه شد).
- ۶) سیستان و بلوچستان از چهار حوزه انتخابی و شش نماینده به شش حوزه انتخابی و هفت نماینده تغییر کرد (حوزه های خاش و سراوان اضافه شد).
- ۷) فارس از ده حوزه انتخابی و شانزده نماینده، به چهارده حوزه انتخابی و هفده نماینده تغییر یافت (حوزه های سروستان، مرودشت، اقلید، سپیدان اضافه شد).
- ۸) کرمان با شش حوزه انتخابی و هشت نماینده، به نه حوزه انتخابی و ده نماینده تغییر یافت (شهر بابک، زرنند، کهنوج اضافه شد).
- ۹) گیلان با ده حوزه انتخابی با سیزده نماینده، به یازده حوزه و سیزده تغییر یافت (حوزه آستانه اشرفیه اضافه شد).

- ۱۰) مازندران با دوازده حوزه انتخابی و هجده نماینده، به پانزده حوزه و هفده نماینده تغییر یافت (حوزه های بابلسر، رامیان، علی آباد کتول اضافه شد و دشت گرکان به گنبد کاوس تغییر نام پیدا کرد).
- ۱۱) زنجان با پنج حوزه انتخابی و پنج نماینده، به هفت حوزه انتخابی و نه نماینده تغییر یافت (قزوین و تاکستان از استان مرکزی جدا و به استان زنجان اضافه شد).
- ۱۲) سمنان با سه حوزه انتخابی و سه نماینده، به چهار حوزه و چهار نماینده تغییر یافت (گرمسار از مرکزی جدا و به سمنان اضافه گردید).
- ۱۳) لرستان با شش حوزه و هفت نماینده، به هفت حوزه و هشت نماینده تغییر یافت (دلفان و اشتر اضافه شد).
- ۱۴) استان مرکزی با نوزده حوزه انتخابی و پنجاه نماینده، به دو استان مرکزی با هفت حوزه و نه نماینده (خمین به حوزه های انتخابی اضافه شد) و تهران با شش حوزه و بیست و پنج نماینده تبدیل شد (قم در دور اول مجلس جزو استان مرکزی بود و برای دوره دوم، جزو استان تهران شد). شهر کاشان به استان اصفهان و گرمسار به استان سمنان و قزوین و تاکستان به استان زنجان الحاق شدند. حوزه های تهران، ری و شمیرانات، که جداگانه بودند، به صورت یک حوزه انتخابی تعیین شد.

دوم: در قانون تعیین حدود حوزه های انتخابی در مورخ ۱۳۶۶/۱/۳۰، سه حوزه انتخابی شادگان، لامرد، ساوج بلاغ و طالقان به جدول حوزه های انتخابی اضافه شد و تعداد حوزه های انتخابی از ۱۹۳ حوزه به ۱۹۶ حوزه افزایش پیدا کرد.

- سوم:** قانون اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها (ماده واحده - تاریخ تصویب ۱۳۷۸، ۸، ۱۲) جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها به شرح زیر اصلاح می‌شود:
- الف - استان تهران: ۱ - تعداد نماینده حوزه انتخابیه «کرج» از یک به دو نفر افزایش می‌یابد. ۲ - با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «شهریار و رباط کریم»، این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌شود: ۱ - ۲ - حوزه انتخابیه «شهریار» ۲ - ۲ - حوزه انتخابیه «رباط کریم» ۳ - با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «ورامین و پاکدشت»، این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌شود: ۱ - ۳ - حوزه انتخابیه «ورامین» ۲ - ۳ - حوزه انتخابیه «پاکدشت».
- ب - استان قم: تعداد نمایندگان حوزه انتخابیه «قم» از دو به سه نفر افزایش می‌یابد و بخش خلدستان از حوزه انتخابیه «تفرش و آشتیان» از استان مرکزی منتزع و به حوزه انتخابیه قم ملحق می‌شود.
- ج - استان خراسان: ۱ - نام حوزه انتخابیه «طرقبه و چناران» به حوزه انتخابیه «چناران و طرقبه» اصلاح می‌گردد. ۲ - یک نماینده به حوزه انتخابیه «بیرجند و نهبندان» افزوده می‌شود و این حوزه به دو حوزه مستقل زیر تقسیم می‌گردد: ۱ - ۲ - حوزه انتخابیه بیرجند ۲ - حوزه انتخابیه «نهبندان و سربیشه»
- د - استان اصفهان: ۱ - یک نماینده به حوزه انتخابیه «لنجان و مبارکه» افزوده می‌شود و این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌گردد: ۱ - ۱ - حوزه انتخابیه «لنجان» ۲ - ۱ - حوزه انتخابیه «مبارکه» ۲ - بخش «نیاسر» از حوزه انتخابیه «نطنز و قمصر» منتزع و به حوزه انتخابیه «کاشان» الحاق می‌گردد.
- ه - استان آذربایجان شرقی: یک نماینده به حوزه انتخابیه «بناب و ملکان» افزوده می‌شود و این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌گردد: ۱ - حوزه انتخابیه «بناب» ۲ - حوزه انتخابیه «ملکان».
- و - استان اردبیل: یک نماینده به حوزه انتخابیه «گرمی، پارس آباد و بیله سوار» افزوده می‌شود و این حوزه انتخابیه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌گردد: ۱ - حوزه انتخابیه «گرمی» ۲ - حوزه انتخابیه «پارس آباد و بیله سوار»
- ز - استان خوزستان: ۱ - یک نماینده به حوزه انتخابیه «اندیمشک و شوش» افزوده می‌شود و این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می‌گردد: ۱ - ۱ - حوزه انتخابیه «اندیمشک» ۲ - ۱ - حوزه انتخابیه «شوش»
- ح - استان مازندران: ۱ - بخش‌های بندپی غربی و بندپی شرقی از حوزه انتخابیه «بابلسر» منتزع و به حوزه انتخابیه «بابل» الحاق می‌گردد. ۲ - تعداد نماینده حوزه انتخابیه «بابل» از یک به دو نفر افزایش می‌یابد.

- ط- استان گلستان: ۱- تعداد نماینده حوزه انتخابیه «گرگان» از یک به دو نفر افزایش می یابد.^۱
- ی- استان فارس: ۱- یک نفر به تعداد نمایندگان فعلی حوزه انتخابیه «شیراز» افزوده می شود و تعداد نمایندگان این حوزه از سه نفر به چهار نفر افزایش می یابد.^۲
- ک- استان کرمان: ۱- دهستان راویز از حوزه انتخابیه «شهر بابک و بخش هرات و مروست» منتزع و به حوزه انتخابیه «رفسنجان» الحاق می گردد. ۲- بخش «هرات و مروست» از حوزه انتخابیه «شهر بابک و هرات و مروست» منتزع و به شهرستان مهریز تابع حوزه انتخابیه «بافق و مهریز» تابع استان یزد الحاق می گردد.
- ل- استان هرمزگان: یک نماینده به حوزه انتخابیه «بندرعباس، قشم، ابوموسی و حاجی آباد» افزوده می شود و تعداد نمایندگان این حوزه از دو به سه نفر افزایش می یابد.
- م- استان سیستان و بلوچستان: یک نماینده به حوزه انتخابیه «زاهدان» افزوده می شود و تعداد نمایندگان این حوزه از یک به دو نفر افزایش می یابد.
- ن- استان لرستان: ۲- تعداد نماینده حوزه انتخابیه بروجرود از یک به دو نفر افزایش می یابد.
- س- استان یزد: شهرستان میبد از حوزه انتخابیه اردکان جدا و با شهرستان تفت به مرکزیت تفت دارای یک حوزه با یک نماینده و بافق و مهریز و ابرکوه به مرکزیت مهریز نیز دارای یک حوزه انتخابیه با یک نماینده می باشد.
- ع- استان بوشهر: با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «دشتی، تنگستان، دیر و کنگان»، این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می شود: ۱- حوزه انتخابیه «دشتی و تنگستان» ۲- حوزه انتخابیه «دیر و کنگان»
- ف- استان چهارمحال و بختیاری: با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «بروجن و لردگان» این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می گردد: ۱- حوزه انتخابیه «بروجن» ۲- حوزه انتخابیه «لردگان» شامل شهر لردگان و بخش های مرکزی، فلارد و خانمیرزا.
- ص- استان ایلام: ۱- شهرستان مهران از حوزه انتخابیه «دهلران، مهران، دره شهر و آبدانان» منتزع و به حوزه انتخابیه «ایلام، شیروان چرداول و ایوان» الحاق می گردد. ۲- تعداد نماینده حوزه انتخابیه «ایلام، شیروان و چرداول، ایوان و مهران» از یک به دو نفر افزایش می یابد.
- ق- استان کهگیلویه و بویر احمد: با افزایش یک نماینده به حوزه انتخابیه «کهگیلویه و گچساران»، این حوزه به دو حوزه انتخابیه مستقل زیر تقسیم می گردد: ۱- حوزه انتخابیه «کهگیلویه» ۲- حوزه انتخابیه «گچساران»

۱- ۲- مناطق تابع حوزه انتخابیه گنبد کاووس به "شهرستان گنبدکاووس به استثنای بخش های آزاد شهر و رامیان شامل شهر گنبد کاووس و بخش های مرکزی و دانشلی برون" اصلاح می گردد. ۳- مناطق تابع حوزه انتخابیه "رامیان و آزاد شهر" به "بخش رامیان و بخش آزاد شهر" اصلاح می گردد.

۲- بخش مشهد مرغاب تابع شهرستان خرمیبد از حوزه انتخابیه "مرودشت، ارسنجان و بخش مشهد مرغاب" منتزع و به حوزه انتخابیه "آباد، بوانات و خرمیبد" الحاق می گردد.

به این ترتیب، تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی از دویست و هفتاد نفر به دویست و نود نفر و تعداد حوزه‌های انتخابیه از یکصد و نود و شش، به دویست و هفت حوزه افزایش می‌یابد.

جدول مقایسه حوزه های انتخابی و تعداد نمایندگان به تفکیک حوزه های تک کرسی و چند کرسی

حوزه چند کرسی	حوزه تک کرسی	تعداد نماینده	تعداد حوزه	قانون
۱۳	-	۱۲۸	۱۳	نظامنامه اصنافی
۲۲	۱۸	۱۲۰	۴۰	نظامنامه دو درجه
۳۷	۱۴۱	۲۶۸	۱۷۸	قانون سال ۱۳۵۰
۳۲	۵+۱۵۶	۲۷۰	۱۹۳	قانون سال ۱۳۵۸
۳۱	۵+۱۶۰	۲۷۰	۱۹۶	قانون سال ۱۳۶۶
۳۶	۵+۱۶۶	۲۹۰	۲۰۷	قانون سال ۱۳۷۸

چهارم: قانون میزان تأثیر تغییرات در تقسیمات کشوری در محدوده حوزه‌های انتخاباتی (ماده واحده هفدهم دی ماه یک هزار و سیصد و هفتاد) وزارت کشور مکلف است بدون تغییر جغرافیایی در محدوده حوزه‌های انتخابیه جز در چهارچوب مفاد تبصره ذیل قانون تعیین حوزه‌های انتخاباتی مصوب ۱۳۶۶، ۱، ۳۰ مجلس شورای اسلامی، تغییرات دیگری که بر اساس قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری به وجود آمده یا می‌آید را در محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی اعمال نماید.

تبصره- بخش امیدیه در حوزه انتخاباتی بندر ماهشهر قرار می‌گیرد و مرکز حوزه انتخابیه برخوار و میمه مرکز شهرستان مربوط خواهد بود.

وضعیت موجود کشور در توزیع کرسیهای مجلس نشان می‌دهد، از مجموع ۲۰۷ حوزه انتخابی، ۱۶۶ حوزه به شیوه تک کرسی و یک نفر را انتخاب می‌کنند و ۳۶ حوزه انتخابی از ۲ تا ۳۰ کرسی و به شیوه جمع‌گزینی غیر حزبی، نمایندگان را انتخاب می‌نمایند و ۵ حوزه انتخابی مربوط به اقلیت‌های مذهبی نیز به صورت تک کرسی، اقدام به انتخاب نمایندگان خود می‌نمایند.

حوزه های انتخابی ایران بر اساس قانون اصلاح حوزه های انتخابی مصوب ۱۳۸۷/۸/۱۲ (۲۰۷ حوزه و ۲۹۰ نماینده)

ردیف	حوزه ها	نظام انتخاباتی
۱	حوزه های ۳۰ کرسی (فقط تهران) (۱)	جمع گزینی غیر حزبی
۲	حوزه های ۶ کرسی (تبریز) (۱)	جمع گزینی غیر حزبی
۳	حوزه های ۵ کرسی (مشهد و اصفهان) (۲)	جمع گزینی غیر حزبی
۴	حوزه های ۴ کرسی (شیراز) (۱)	جمع گزینی غیر حزبی
۵	حوزه های سه کرسی (اردبیل، قم، اهواز، آبادان، بندرعباس، رشت، ارومیه و کرمانشاه) (۹)	جمع گزینی غیر حزبی
۶	حوزه های دو کرسی (۲۲ حوزه)	جمع گزینی غیر حزبی
۷	حوزه های تک کرسی (۱۶۶ حوزه)	تک گزینی - اکثریتی (مطلق و نسبی)

وضع موجود حوزه های انتخابی در ایران، به ویژه در مورد مجلس شورای اسلامی، مورد انتقادات گسترده ای قرار گرفته است و کاستی ها و نارسایی های وضع موجود سبب شده است که کمتر کسی از وضع موجود دفاع نماید. برخی از این کاستی ها و نارسایی های این نوع از حوزه بندی انتخابات که در طرح نمایندگان به عنوان ضرورت استانی شدن حوزه های انتخابی مطرح شده عبارتند از: نابرابر بودن فرصت ها در انتخاب افراد و در حوزه بندی انتخابات، افزایش هزینه های انتخابات و تعداد دواطلبان انتخابات. بی اثر یا کم اثر بودن نوع حوزه بندی انتخابات و شیوه انتخاباتی موجود در تمرین و گسترش فرهنگ حزبی. و در نهایت این که شیوه های انتخاباتی و حوزه های انتخابی موجود تامین کننده وظایف اساسی و بنیادی نمایندگان نیست. با این وجود، در ارائه پیشنهاد های جایگزین، اختلاف نظر وجود دارد.

(د) گزینه های جایگزین

میان حوزه های انتخابی (اعم از تک کرسی با شیوه تک گزینی و حوزه انتخابی جمعی با شیوه جمع گزینی) با نظام انتخابات، ارتباط وثیقی برقرار است. نظام های انتخابات اکثریتی تناسب بیشتری با حوزه های انتخابی تک کرسی دارند. حال آنکه در نظام های تناسبی، الگوی رایج، الگوی لیستی است و در اغلب موارد نیز لیست ها شکل بسته دارد. انتخابات صرفاً حزبی است و امکان گزینش چند کاندیدا از میان لیست های متعدد برای رأی دهندگان مقدور

نیست. از طرف دیگر، بین تعداد کرسی های پارلمان و جمعیت رای دهنده نسبتی برقرار است. اما خلاء نسبت بین نماینده و جمعیت رای دهنده در قانون اساسی جمهوری اسلامی و حتی قانون عادی مشهود است و معلوم نیست که با وجود ۷۵ میلیون نفر جمعیت کشور و ۲۹۰ نماینده، هر نماینده از طرف چه تعداد جمعیت انتخاب می شود.

حوزه انتخابی چند کرسی

تعیین حوزهای انتخابی به صورت بیشتر از یک کرسی یا چند کرسی، به دو شکل قابل تعریف است. یکی کشورحوزه ای و دیگری حوزه های انتخابی استانی.

۱- کشور حوزه ای

حوزه انتخابی کشورحوزه ای، یعنی کل کشور به صورت یک حوزه انتخابی تعیین شود. این گزینه همان طور که گفته شد، برای انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگان اقلیت های مذهبی در کشور اجرا می شود. ولی به سبب جمعیت زیاد کشور و تعداد زیاد نمایندگان (۲۹۰ نفر)، انتخاب همه نمایندگان به شیوه جمع گزینی غیرحزبی امکانپذیر نیست و شمارش آرای داوطلبان نیز امکان اجرا ندارد. در مبحث حوزه های انتخابی و نظام های انتخاباتی گفته شد که شیوه جمع گزینی حزبی و نظام های انتخاباتی تناسبی با شیوه لیست بسته با نظام انتخاباتی ایران، که نظام اکثریتی مطلق و نسبی است، تناسب ندارد و از طرف دیگر، نظام های جمع گزینی لیستی بر پایه نظام های سیاسی حزبی است که به لحاظ حقوقی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از آن جهت که انحصار حزبی را نپذیرفته است مغایرت دارد. این نوع نظام انتخاباتی با اصل ۲۶ قانون اساسی که بیان می دارد "حزب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی... آزادند،... هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت" مغایرت دارد. چرا که انتخابات با نظام انتخاباتی تناسبی و لیست بسته حزبی به معنای مجبور کردن افراد به انتخاب یکی از احزاب است. به علاوه و مهمتر این که، به لحاظ بزرگی وسعت و جمعیت زیاد کشور و تعداد زیاد کرسی های نمایندگی، اجرای این الگو در کشور عملاً غیر ممکن است.

۲- حوزه های انتخابی استانی

حوزه انتخابی استانی، یعنی حوزه های انتخابی کشور بر مرزهای اداری استان منطبق شود.

۱ - طرح استانی شدن حوزه های انتخابیه مجلس شورای اسلامی نخستین بار در تیرماه سال ۱۳۷۸ توسط برخی از نمایندگان محترم مجلس دوره پنجم مطرح شد و برای دومین بار تعدادی از نمایندگان محترم مجلس ششم آن را در خرداد ۱۳۸۱ تقدیم مجلس کردند. در مقدمه این طرح مهم ترین دلایل ضرورت ارائه آن چنین ذکر شده است: پرداختن نمایندگان مجلس به انجام وظایف اصلی قانون گذاری و نظارت و پرهیز از امور جزئی، تقلیل نامزدهای انتخاباتی، گرایش انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان به سمت جریان های فکری و سیاسی، جلوگیری از بروز اختلاف بین شهرهایی که مشترکاً دارای یک نماینده هستند، کاهش هزینه های انتخاباتی، حذف رقابت های شدید و خشونت زا مبتنی بر مسائل قومی، قبیله ای و ...

در حال حاضر، انتخابات مجلس خبرگان رهبری به این شیوه در کشور اجرا می شود. هدف از این طرح، رفع ایرادات و کاستی های موجود در حوزه های انتخابی است. این کاستی ها بدین صورت مطرح شده است:

۱- **پرداختن نمایندگان به وظایف اصلی خود:** وظیفه اصلی نمایندگان، قانون گذاری و نظارت است، اما نمایندگان شهرستان مجبورند به امور جزئی و کلی بسیاری از رأی دهندگان خود پردازند و عملاً از کار اصلی خویش باز می مانند. مثلاً بسیاری از کارها که جزء وظایف شوراهاست، نماینده انجام می دهد. شیوه جمع گزینی مبتنی بر مرزهای استانی باعث می شود که نماینده از قید توقعات ایجاد شده در حوزه انتخابیه رها شود، زیرا مجبور نیست که صرفاً نماینده خواست های طیف خاص محدودی باشد که برای او رأی جمع کرده اند و بدین وسیله، مجبور نیست از اختیارات و وظایف خود برای کارهایی استفاده کند که در حوزه وظایف و اختیارات «نماینده» نمی گنجد. نکته این است که برخی از این درخواست ها، هر چند قابل دفاع هستند، اما از زاویه کار نمایندگی بیشتر به مطالبه شبیه اند، مثلاً تهیه کود شیمیایی، افزایش سهمیه آرد تعاونی و مانند اینها.

۲- **برگزیده شدن نمایندگان اصلح و متخصص به جای نمایندگان صرفاً خوش نام و «مردم دار».** بسیاری از انتخاب هایی که در محیط کوچک و محدود انجام می شود، مبتنی بر تعلقات قومی، مناسبات قبیله ای، خونی و مانند اینها است. در این مناطق، مردم کمتر در مورد شعور سیاسی و تخصص داوطلبان چند و چون می کنند. در بسیاری از موارد یک نماینده صرفاً به اعتبار قوم یا شان تباری خود به مجلس راه یافته است. این امر، البته به صورت مجرد امر نکوهیده ای نیست، بلکه هنگامی قابل سرزنش است که کاندیدای اصلح به لحاظ تخصص و بیش سیاسی وجود داشته باشد، اما به خاطر نداشتن تعلقات قومی یا منطقه ای خاص، از انتخاب شدن باز می ماند. شیوه جمع گزینی استانی می تواند راهی مناسب برای رفع این نقیصه به حساب آید.

۳- **گسترش فرهنگ حزبی و اندیشه حزب:** استانی شدن، در واقع نوعی تمرین و تمهیدی برای گسترش فرهنگ حزبی، اندیشه حزب و مشارکت حزبی است. به عبارت دیگر، مردم در جریان یک انتخاب فراگیرتر، نحوه رفتارهای جدید انتخاباتی و حزبی می آموزند و این امر پایه ای برای ایجاد احزاب مختلف خواهد شد.

۴- **کاهش هزینه ها و تعداد داوطلبان انتخابات:** با شیوه جمع گزینی یا حوزه های انتخابی استانی، به جای صرف هزینه های انتخاباتی برای حوزه های مختلف می توان با انجام یک انتخاب فراگیر هزینه برگزاری انتخابات را کاهش داد. افزون بر این با این طرح تعداد نامزدهای انتخاباتی نیز کاهش خواهد یافت.

۵- **کاهش رقابت های خشونت بار و اختلاف برانگیز:** با حوزه های انتخابی استانی به

خاطر فاصله گرفتن از تعلقات قومی، منطقه‌ای و مانند آن، امکان درگیری و اختلاف به طور محسوسی کاهش خواهد یافت. در بسیاری از مناطق، نزاع بر سر این است که چرا نماینده از فلان منطقه یا فلان قوم برگزیده شده است. در واقع، این تصور غالب وجود دارد که آن نماینده، نماینده همه مردم نیست، بلکه نماینده منافع آن منطقه یا طایفه خاص است. بنابراین، در جریان انتخابات که گاه شاهد درگیری‌های خونبار هستیم، در صورتی که استانی شدن حوزه‌های انتخابی به انجام رسد، با توجه به این که تکیه بر تعلقات قومی به حداقل می‌رسد، امکان منازعه و درگیری قومی - منطقه‌ای نیز کاهش می‌یابد.

۶- شرایط فعلی نه تنها به گسترش دمکراسی کمک نکرده است، بلکه دمکراسی را به توقعات قومی و محلی تقلیل داده است. به نظر می‌رسد که استانی شدن حوزه‌های انتخابیه با ایجاد بستری برای تحزب می‌تواند بستر مناسب‌تری برای استقرار دمکراسی کارآمدتر فراهم کند.

ه) امکان سنجی حوزه‌های انتخابی و سرانجام سخن

انطباق حوزه‌های انتخابی مجلس شورای اسلامی بر مرزهای اداری استان، به معنی تقسیم حوزه‌های انتخابی به حوزه‌های چندکرسی و حذف حوزه‌های تک کرسی است. چون «محدوده حوزه‌های انتخابی و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند.»^۱ به لحاظ حقوقی با قانون اساسی مغایرت ندارد. به علاوه می‌توان ادعا کرد، با توجه به این که «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر کند» (اصل شصت و چهار قانون اساسی)، این گزینه با ساز و کار پیش بینی شده در قانون اساسی منطبق است.

از حیث ارتباط حوزه‌های انتخابی و نظام انتخابات، این نوع از حوزه بندی انتخابات با دو نظام انتخاباتی، یکی جمع‌گزینی غیرحزبی، دیگری نظام انتخاباتی تناسبی (لیست بسته یا لیست باز حزبی)، امکانپذیر است. اما هر دو شیوه در ایران با مشکلات جدی مواجهاند. انتخابات با حوزه بندی استانی و شیوه جمع‌گزینی غیرحزبی، به ویژه در حوزه‌های بیشتر از چهار کرسی، هم برای رای دهندگان بویژه مناطق روستایی مشکل است و هم برای شمارش آرا در این حوزه‌ها. درحقیقت، به معنی انتقال مشکلات ناشی از شمارش آرا در تهران (سی) نماینده با بیش از دویست داوطلب) به سایر استان‌ها است. حوزه انتخابی استانی با نظام انتخابات تناسبی اعم از لیست بسته و لیست باز همان گونه که قبلاً گفته شد نیز، به سبب ایجاد انحصار حزبی با قانون اساسی مغایرت دارد.

نکته مهمتر نسبت بین حوزه بندی انتخابات و کارآمدی مجلس و نمایندگان است که در دلایل برتری این گزینه مطرح شده است. همان گونه که گفته شد، حوزه بندی انتخابات

۱- اصل شصت و چهار قانون اساسی.

بر اساس سه عامل تعداد نمایندگان، جمعیت کشور و نظام انتخاباتی است. حال آنکه، کارآمدی مجلس و نمایندگان به عواملی غیر از عوامل موثر بر حوزه های انتخابی بستگی دارد. بنابراین، نمی توان ارتباط معناداری بین کارآمدی و یا عدم کارآمدی نمایندگان با حوزه بندی انتخابات برقرار کرد. ناکارآمدی نمایندگان را باید در ظرفیت ها، صلاحیت های تخصصی و نداشتن عقبه کارشناسی و پشتیبانی کارشناسی و حزبی جستجو نمود (حال آنکه، در بسیاری از مجالس قانون گذاری دنیا، هر نماینده تعدادی کارمند دارد). در بسیاری از مجالس قانون گذاری، پشتیبانی کارشناسی برای نمایندگان توسط حزب صورت می گیرد و نمایندگان نیز وفادار به مواضع حزب خود هستند. به علاوه، به هر میزان که حوزه انتخابی بزرگتر و دارای جمعیت بیشتر باشد، درجه نمایندگی نیز کاهش می یابد.

از حیث اجرایی، انطباق حوزه های انتخابی بر مرزهای استانی، اختلافات مذهبی و قومی را با توجه به ترکیب جمعیتی کشور و ترکیب جمعیت استانی افزایش می دهد و وحدت و همبستگی ملی را دچار آسیب جدی خواهد کرد.

در حال حاضر، ممکن است در هر انتخابات، اختلافها و شکافهای قومی و مذهبی در سطحی خرد (شهرستان) به وجود آید و سریع هم در همبستگی ملی جذب می شود. با حوزه بندی استانی انتخابات با نظام انتخابی جمع گزینی غیرحزبی، این اختلافها و شکافها به سطحی بالاتر منتقل و عمیقتر خواهد شد. قطعاً جذب آنها در همبستگی ملی نیز سخت تر خواهد بود. اگر اختلافات مذهبی خرد در سطح شهرستان های جداگانه در استان های سیستان و بلوچستان، کردستان، هرمزگان، خراسان جنوبی و گلستان و اختلافات قومی عرب و لر در خوزستان، ترک و کرد در آذربایجان غربی، شیرازی و عشایر در فارس، به سطح بالاتری یعنی استان منتقل شود، معلوم نیست همبستگی اسلامی - ایرانی چه آسیب هایی خواهد دید. بحث اختلافات و شکاف های قومی و مذهبی و نسبت آنها با همبستگی ملی را می توان به یک تشنگ آب و قند تشبیه نمود. در یک تشنگ آب، هرچه حبه های قند ریزتر و یا به صورت شکر درآید جذب آن در آب هم آسانتر و هم زودتر صورت می گیرد، ولی هرچه قند درشت تر و یا کله قند باشد، جذب آن در آب دیرتر و سخت تر خواهد بود. نسبت همبستگی و وحدت ملی و شکاف های قومی و مذهبی نسبت بین قند و تشنگ آب است. بنابراین، اجرای انتخابات منطبق بر مرز استانی با چالش های جدی مواجه است.

به علاوه استانی شدن حوزه های انتخابی به شکاف سیاسی - اقتصادی مراکز استان و شهرستان ها دامن می زند، زیرا نماینده در بسیاری از مواقع ناچار است به خواست مراکز استان ها (به واسطه حساسیت این مراکز) توجه کند و این امر، توزیع عادلانه امکانات، بودجه و فرصت ها در سایر مناطق استان را با تهدید رو به رو می کند. این شکاف صرفاً اقتصادی و

سیاسی نیست، بلکه می‌تواند نوعی شکاف مفهومی و تصویری هم باشد. بدین معنا که مردم تصور می‌کنند که مراکز استان‌ها از امکاناتی بهره‌مندند که آنها از آن محروم هستند. این امر می‌تواند به علاقه برخی شهرستان‌ها برای تبدیل شدن به مرکز استان، دامن بزند و از زاویه دیگر، باعث تنش و اختلاف فراگیرتری نسبت به گذشته شود.

همچنین، اگر یکی از شاخص‌های انتخابات، مشارکت گسترده مردم باشد، انطباق حوزه‌های انتخابی با مرزهای استانی، کاهش مشارکت سیاسی مردم را در پی خواهد داشت. واقعیت آن است که رابطه سنتی مراکز استان با شهرستان‌ها در بسیاری از موارد توأم با اعتراض و تنش بوده است. اینکه نماینده‌ای، نماینده تمام استان باشد، موجب کاهش انگیزه لازم برای مشارکت بسیاری از مردم شهرستان‌ها، روستاها و مناطق حاشیهای، دست کم در کوتاه مدت خواهد شد. آنچه بسیاری از مردم مناطق و شهرستان‌ها را به سمت مشارکت می‌کشاند، شناخت چهره به چهره، تعلقات صنفی، محلی و ملموس است. به نظر می‌رسد، استانی شدن حوزه‌های انتخابی، مردم شهرهایی را که جمعیتی کم‌تر از جمعیت مراکز استان‌ها دارند و از لحاظ پراکندگی جغرافیایی در سطح وسیع‌تری قرار گرفته‌اند، به نوعی انفعال و بی‌تفاوتی دچار کند. در واقع، همانند تقسیم شهروندان به شهروندان درجه یک و دو، در اینجا هم مناطق به درجه یک (مراکز استان) و درجه دو (شهرستان و ...) تقسیم می‌شوند و عملاً عده‌ای از مشارکت در سرنوشت سیاسی خود باز می‌مانند.

آنچه از روح کلی حاکم بر قانون اساسی بر می‌آید، وظیفه نماینده، علاوه بر قانون گذاری و نظارت، «نماینده‌گی» است. هر چند در قانون گذاری و نظارت نیز مسئله نمایندگی مستتر است. بنابراین، این استدلال که وظیفه نماینده صرفاً قانون گذاری و نظارت است و این قانون گذاری و نظارت معطوف به مسائل «ملی» و کلان کشور است، تمامی مسئله نیست. بر اساس تحقیقات انجام شده، در اغلب قوانین کشورها، نماینده در برابر حوزه انتخابیه خود مسئول است و حتی برخی از محققان «وظیفه نمایندگی» را بر سایر وظایف ارجحیت داده‌اند. دیوید ام. وود (David M. Wood)، که در زمینه رابطه بین قانون گزاران و حوزه نمایندگی، پژوهش‌های متعددی انجام داده است، خدماتی را که نمایندگان به حوزه‌های انتخابیه خود ارائه می‌دهند، به دو دسته تقسیم می‌کند: خدمات ارائه شده به افراد و خانواده آنها و خدمات ارائه شده به حوزه‌های انتخابی به صورت کلی. در دسته اول، وظیفه نماینده ایجاب می‌کند با استفاده از ابزارهای مختلف از جمله استفاده از مراجع محلی، منطقه‌ای و ملی، مشکلات و نیازهای افراد حوزه انتخابیه را برطرف کند یا دست کم افراد را در جریان سیاست‌های مختلف قرار دهد و اقداماتی را که برای رفع مشکل انجام داده است، به سمع و نظر آنها برساند. در دسته دوم، وظیفه نماینده آن است که برای نفع و رفاه هماهنگی مناطق خود با سنجدیدن جوانب امر، از هیچ کوششی فروگذار نکند. به زعم این نویسنده، در اغلب کشورهای پارلمانی، وظیفه‌ای با

عنوان «وظیفه نمایندگی» بر عهده نمایندگان گذاشته شده که بر اساس آن، نماینده باید به ارائه خدمات بپردازد. وود می نویسد: «خدمات مربوط به نمایندگی مستلزم تلاش قانون گذار در جهت توجه به مشکلات و نیازهای افراد و وابستگان آنها یا گروه‌های وسیع قومی در حوزه انتخابی نماینده است».

نکته این است که چه کسانی باید مسائل و مشکلات حوزه‌های انتخابی محلی را حل کنند؟ «پاسخگویی در برابر رأی دهندگان»، در این میان چه وضعیتی پیدا می‌کند؟ آیا احداث پل و جاده و حل کردن بخشی از مشکلات اقتصادی مردم در محدوده «توقعات بیجا» قرار دارد یا از جمله حقوق مردم در حوزه‌های انتخابیه است که می‌توانند برای استیفای آن از نماینده توضیح بخواهند یا در دور آینه به او رأی ندهند.

از حیث قواعد مردم سالاری و درجه نمایندگی، هر چه مناطق و محدوده‌های کوچک‌تر بتوانند در مورد سرنوشت سیاسی خود تصمیم بگیرند، دموکراسی عمق بیشتری یافته و هرچه فرآیند تصمیم‌گیری و قانون گذاری منافع و خواست‌های لایه‌های اجتماعی بیشتری را پوشش دهد، به دموکراسی آرمانی نزدیکتر شده‌ایم. نوع ایده‌آل دموکراسی در نظر بسیاری از نظریه‌پردازان دموکراسی اعم از کلاسیک و معاصر، معمولاً دموکراسی مستقیم است، اما این نوع دموکراسی، امکان عملی ندارد (به جز چند استثنا از جمله کانتون‌های سوئیس که مردم بدون واسطه و نماینده در مورد مسایل مهم تصمیم‌گیری می‌کنند). باید کوشش کرد که دموکراسی مبتنی بر نمایندگی، دیدگاه‌ها و خواست‌های تعداد بیشتری از افراد را منعکس کند. از سوی دیگر، یکی از پایه‌های اساسی دموکراسی احترام به حقوق اقلیت‌ها، حاشیه‌نشین‌ها، دور افتادگان و مانند آنها است. در این صورت، هر چه حوزه‌های نمایندگی را وسعت بخشیم و از قاعده فاصله بیشتری بگیریم، دموکراسی کم‌رنگ‌تر و کم‌رنگ‌تر خواهد شد.

در باره کاهش تعداد نامزدها و مطلوبیت آن چند و چون بسیاری می‌توان کرد، اما مسأله این است که کدام معیار و شاخص نشان می‌دهد که تعیین حوزه‌های انتخابی منطبق بر مرز اداری استان باعث کاهش تعداد نامزدهای انتخاباتی می‌شود؟ می‌دانیم که شرایط داوطلبان مجلس همانند شرایط داوطلبان ریاست جمهوری به هنگام ثبت نام، شرایط سهلی است (نظیر داشتن شرایط سنی و حد خاصی از آموزش)، با این وصف، چه دلیلی وجود دارد که تعداد نامزدها کاهش یابند؟ بسیاری از کشورها به خاطر کاهش تعداد نامزدهای انتخاباتی تمهید دیگری اندیشیده‌اند که در مبحث بعدی بررسی خواهد شد. برای مثال، به هنگام ثبت نام داوطلبان، مبلغی از آنها می‌گیرند تا اگر حد نصاب متعارف رأی را نیاورند (مثلاً یک دهم، یک ششم، یک سوم کل آراء) مبلغ امانی به نفع دولت ضبط شود. یا تعدادی از واجدین شرایط فرد داوطلب را باید هنگام ثبت نام تأیید کنند. این امر به خاطر آن است تا افرادی که به

منظور مشهور شدن یا دلایلی از این قبیل، به رغم آنکه می‌دانند در انتخابات برنده نمی‌شوند داوطلب شوند، از این تصمیم منصرف کنند. متأسفانه این ساز و کارهای اساسی در قوانین ایران پیش‌بینی نشده است و امکان این که افراد بیشتری داوطلب شوند، همیشه وجود دارد، نمونه آن در انتخابات ریاست جمهوری مشهود است.

در مورد کاهش هزینه‌های تبلیغاتی نیز وضعیت به همین گونه است. به عبارت دیگر، هیچ معیار و شاخصی وجود ندارد که نشان دهد با جمع‌گزینی، هزینه‌ها کاهش پیدا می‌کنند. بلکه عکس آن صادق است. تصور کنید فردی که در شرایط موجود در یکی از حوزه‌های انتخابی استان فارس، مثلاً آباده داوطلب نمایندگی می‌شود، تبلیغات داوطلب صرفاً در محدوده جغرافیایی آباده است و هزینه‌های تبلیغاتی او نیز به نسبت تبلیغات او در همین شهرستان است، اما اگر همین داوطلب بخواهد در سطح استان، یعنی بیست و پنج شهرستان نظیر آباده تبلیغ کند، با توجه به گستردگی شهرستان‌ها، مسافت بین آنها و گستردگی و پهناوری استان قطعاً هزینه‌های انتخابات چند برابر خواهد شد.

البته، باید یادآور شد که در قوانین انتخاباتی ایران، بر خلاف بسیاری از دیگر کشورها، محدودیتی در زمینه هزینه انتخاباتی وجود ندارد و راه صحیح کاهش هزینه‌های انتخاباتی، اصلاح قانون انتخابات و ایجاد محدودیت‌هایی در این زمینه است. نه جمع‌گزینی و گسترده کردن حوزه انتخابی.

نماینده مجلس اساساً دو ویژگی مهم دارد. ۱. محلی بودن ۲. ملی بودن. این دو ویژگی بر حسب اینکه کشور دارای نظام بسیط یا فدرال است، وضعیت متفاوتی پیدا می‌کند. بر اساس اصول قانونی اساسی، ایران دارای نظام بسیط است. استانی شدن انتخابات در واقع وصف محلی بودن را از نماینده می‌گیرد و مجلس را به نحوی به مجالس به اصطلاح سنا نزدیک‌تر می‌کند. بی‌آنکه ساز و کارهای لازم را برای این کار داشته باشد و یا نظام بسیط کشور، اجازه این کار را بدهد. مهمتر این که، کسانی می‌توانند در انتخابات استانی موفق شوند که بتوانند امکانات بیشتری را تجمیع و بسیج کنند. کسب این امکانات اغلب در گرو وابسته بودن به مراکز قدرت، پول و جناحی خاص است. بی‌تردید، افرادی که توانایی مالی و جناحی ندارند، در این میان بازنده خواهند بود. با این وصف، افراد مستقل، نمایندگان اقلیت‌های سیاسی و قومی و چهره‌های نامشهور، عملاً امکان انتخاب شدن را از دست می‌دهند.

حوزه‌های انتخابی تک‌کرسی

تک‌نماینده شدن حوزه انتخابی، بدین معنا است که برای هر یک از حوزه‌های انتخابی، یکی از کرسی‌های پارلمان منظور شده باشد و نامزدها در هر حوزه، برای تصاحب یک کرسی به رقابت بپردازند و رأی‌دهندگان از میان نامزدهای هر حوزه، فقط به یک نفر رأی

دهند. این الگوی رأی دهی به الگوی تک نام نیز مشهور است. در ممالکی که کشور به حوزه های کوچک تک نماینده ای تقسیم می شود، الگوی تک گزینه ای یا تک نام رایج است. به عنوان مثال، در کشور انگلستان برای اهداف انتخاباتی مجلس عوام، کل کشور به ۶۷۰ حوزه انتخابیه تک عضوی تقسیم می شود و شرکت کنندگان از میان نامزدهای هر حوزه یک نفر را انتخاب می کنند. نامزدی که بیشترین آراء را به خود اختصاص دهد، منتخب شمرده می شود. در کشور فرانسه نیز در انتخابات ریاست جمهوری، مجالس قانون گذاری و شوراهای عمومی انتخابات به روش تک گزینه ای انجام می شود.

مطابق اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی، همه آحاد ملت از حقوق یکسان برخوردارند و از جمله این حقوق، برابری رأی در انتخاب است. لذا این سوال مطرح است که، چرا در ۱۶۸ حوزه انتخابی، مردم هر حوزه صرفاً باید یک نفر را انتخاب کنند ولی مردم در ۳۶ حوزه انتخابی بیش از دو نفر و مردم تهران بتوانند سی نفر را انتخاب نمایند؟ ممکن است پاسخ داده شود معیار تعیین حوزه های انتخابی جمعیت است و جمعیت شهری مثل تهران قابل مقایسه با شهرهای کوچک نیست و اگر نماینده این جمعیت زیاد برابر با تعداد نمایندگان حوزه های انتخابی کوچک باشد، خلاف عدالت است. اما باید توجه داشت که قانون اساسی "ایجاد امکانات و فرصت عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی را از وظایف دولت بر شمرده است.^۱ از جمله فرصت های عادلانه، فرصت انتخاب است. بر اساس حوزه های انتخابی موجود، این فرصت به طور عادلانه و یکسان در اختیار همه آحاد ملت نیست. برای ۱۶۸ حوزه انتخابی هر فرد فرصت انتخاب یک نفر را دارد و حال آنکه یک فرد در تهران فرصت انتخاب سی نفر را دارد. به علاوه متعلق حق، فرد است نه جمعیت. لذا بیشتر بودن جمعیت سبب بیشتر شدن حق افراد نمی شود. جمعیت بیشتر می توانند نمایندگان بیشتر داشته باشند نه اینکه هر یک از افراد آن جمعیت فرصت و حق انتخاب بیشتر را داشته باشند. می توان جمعیت را به گونه ای حوزه بندی نمود تا هم جمعیت بیشتر، نمایندگان بیشتری داشته باشند و هم امکانات عادلانه و فرصت یکسان برای آحاد ملت در حق رأی برابر برای انتخاب فراهم شود. بر این اساس، تعریف حدود حوزه انتخابی بر اساس مرزهای اداری استان، از حیث ناعادلانه بودن امکانات و فرصت حق رأی با وضع موجود تفاوتی ندارد.

۱- امکان سنجی حوزه های انتخابی تک کرسی

بر اساس قانون اساسی، شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.^۲ همان گونه که تشریح شد، در مورد مجلس شورای اسلامی

۱- اصل سوم قانون اساسی بند نهم.

۲- (الف) اصل شصت و دوم قانون اساسی در مورد نمایندگان مجلس (ب) اصل یکصد و یکم قانون اساسی در مورد شوراهای اسلامی اشعار می دارد: شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخابات و نظارت شوراهای

و مجلس خبرگان رهبری، الگوی ترکیبی انتخاب فردی (تک‌گزینی) و الگوی جمعی (چند‌گزینی) عمل می‌شود. آن چه مسلم است، تعریف جدید از حوزه‌های انتخابی با منع قانونی روبرو نیست و می‌توان از شیوه‌های مرسوم قانونی (طرح یا لایحه) اصلاح قانون انتخابات، از جمله حوزه‌های انتخابی را باز تعریف کرد.

از حیث اجرایی نیز در حال حاضر، انتخابات ریاست جمهوری و در برخی از حوزه‌های انتخابیه مربوط به مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، به شیوه تک‌گزینی عمل می‌شود. بنابراین، از نظر اجرایی، شیوه‌ای ناشناخته و مبهم نیست. آنچه مهم است اجرای این الگو نیز مانند هر الگوی دیگر به الزامات و لوازمی نیاز دارد که علاوه بر رفع موانع قانونی، فراهم نمودن آنها ضروری است.

طرح اصلاح حوزه‌های انتخابی به حوزه‌های تک‌گزینی دارای سابقه است. یک بار در زمانی که شورای انقلاب اولین قانون انتخابات جمهوری اسلامی را در دست تدوین داشت، بحث‌های زیادی را برانگیخت (سائلی دهکرده، ده ص ۲۷۸)^۱. یک بار نیز در مجلس شورای اسلامی دوره هفتم، اصلاح حوزه‌های انتخابی به حوزه‌های تک‌نماینده و با روش تک‌گزینی مطرح شد.^۲ از ضروریات تک‌گزینه‌ای شدن انتخابات، تقسیم حوزه‌های انتخابی به حوزه‌های کوچک با تراکم جمعیت مساوی است.

تقسیم کشور به حوزه‌های انتخاباتی تک‌کرسی، موجب می‌شود که بین رأی دهندگان و انتخاب‌شوندگان (نامزدهای انتخابات) نزدیکی بیشتری احساس شود و هر شهروند بهتر بتواند از ابعاد فکری و روش سیاسی و شخصیت داوطلب اطلاعاتی کسب کند. مضافاً اینکه، پس از انتخابات، رفتار سیاسی نماینده، توسط مردم قابل‌بازبینی و کنترل است. الگوی تک‌گزینی در مقایسه با چند‌گزینی این امکان را به رأی‌دهنده می‌دهد تا با شناخت بهتر از نامزدها، نسبت به شایستگی آنها داوری نموده و با تأثیرپذیری کمتری از احزاب، تبلیغات و افراد صاحب نفوذ و با آزادی به نامزد شایسته و مورد نظر خود رأی دهد.

الگوی تک‌گزینی به دلیل اقتضائات آن، از جمله شناخت نسبتاً کافی رأی‌دهندگان

مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.» (ج) اصل یکصد و هفتم قانون اساسی تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم گذاشته شده است و در اصل یکصد و هشتم، در مورد نحوه انتخاب خبرگان؛ ضوابط و مقررات آن چنین آمده است. «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخابات آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هر گونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.»

۱- طبق تصمیم شورای انقلاب در جلسه یکشنبه هفتم بهمن ماه ۱۳۵۸ قرار شد که تهران برای انتخابات مجلس شورای اسلامی به مناطق مختلفی تقسیم (۲۴ منطقه) و هر منطقه یک نماینده در مجلس داشته باشد. ولی این تصمیم در جاسه مشترک هیات وزیران و شورای انقلاب لغو گردید.

۲- رک مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، سال ۱۳۸۵.

از نامزدها، باعث می‌شود که نامزدهایی در حوزه‌های انتخابیه وارد رقابت انتخاباتی شوند که آشنا به مسایل محلی بوده و شهروندان از آنها شناخت کافی دارند، پس در آینده بهتر می‌تواند به مسائل حوزه انتخابی خود رسیدگی کند.

۲- سامان دهی جامعه رای دهنده^۱

حوزه بندی انتخابات به صورت تک کرسی، این امکان را می‌دهد که به ارزشیابی و تخمین نسبتاً دقیق جامعه رای دهنده در هر حوزه دست یافت و با دقت بیشتری قبل از رأی گیری، فهرست جامعی از کسانی که طبق قانون حق رأی دارند، تهیه کرد. بدین وسیله، از جا به جایی بی‌رویه رای دهندگان و برخی از تقلبات انتخاباتی جلوگیری کرد.

برگزاری انتخاباتی منصفانه و عادلانه، لازمه‌اش در اختیار داشتن آمار صحیح از جمعیت رای دهندگان کل کشور و هر یک از حوزه‌های انتخابی به تفکیک است. هم اکنون، سرشماری‌های عمومی در ایران با فاصله نسبتاً طولانی صورت می‌گیرد و آمار دقیقی از تراکم جمعیت کشور، مهاجرت‌های روستا به شهر و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگتر در دست نیست.

حوزه‌های انتخابی تک کرسی، لازمه‌اش در اختیار داشتن آمار جمعیت به صورت دقیق است. آگاهی نسبتاً دقیق از آمار، جمعیت و تراکم آن، اطلاعات دقیق و به روز از میزان مرگ و میر و مهاجرت و ثبت نقل و انتقالات انسانی، دستگاه‌های ذریبط را وادار می‌کند که امر سرشماری جمعیت و گردآوری اطلاعات لازم را جدی گرفته و به طور مرتب انجام دهند. این امر، علاوه بر در اختیار گذاشتن اطلاعات لازم برای انتخابات و ساماندهی شعب

۱- در بسیاری از کشورها مانند سوئیس، نروژ، لوکزامبورگ و ایسلند، حوزه انتخاباتی بر اساس برش تقسیمات اداری کشور انجام می‌گیرد و با آن منطبق است. بویژه هنگامی که در متن قانون اساسی اصول حوزه بندی درج شده باشد. البته این شیوه‌ای نسبتاً مطمئن و غیرقابل دستکاری است. زیرا اختیار را از ید حکومت زمامداران خارج می‌کند. لکن از آنجا که به سهولت قابل تغییر نیست، نوعی سختی و انعطاف ناپذیری در آن راه می‌یابد و چون جمعیت در درون تقسیمات اداری یا بسبب مهاجرت پذیری از نقاط دیگر یا مهاجرت فرستی بحوزه‌های دیگر، افزایش یا کاهش می‌پذیرد، «برابری نمایندگی» از میان می‌رود و لذا گاهی بزبان یک حوزه یا بنفع آن تمام می‌شود. به همین علت است که برش‌های حوزه‌ای، منظمآ مورد تجدید نظر قرار می‌گیرند. در ایالات متحده آمریکا، قوه مقننه ایالات، بعد از هر سرشماری، صلاحیت دارند به تجدید نظر در حوزه‌های انتخاباتی پردازند. یعنی رئیس‌جمهوری بعد از انجام سرشماری، گزارشی در خصوص تعداد نمایندگان هر ایالت به کنگره ارسال می‌دارد و آنگاه مجالس ایالتی مقننه درست بکار برش‌های جدید حوزه‌ها می‌زنند. در تعدادی از کشورها نظیر بریتانیا، استرالیا، هند و ژلاندنو، انجام حوزه بندی در صلاحیت سازمان هائی است فنی که هم از مجریه و هم از مقننه مستقل باشد. در آلبانی، بلغارستان، لهستان، چک و سلوکی و شوروی، هیات رئیسه و شورای دولت، عمل حوزه بندی انتخابات را دو ماه پیش از تاریخ اجرای انتخابات انجام می‌دهند. در آلمان فدرال (کمسیون دائمی حوزه بندی) مرکب از رئیس دفتر فدرال آمار، یک نفر قاضی دادگاه اداری فدرال و پنج عضو که توسط رئیس جمهوری معین می‌شوند، این مهم را بر عهده دارد. وجود قضات یا کارشناسان فنی، عامل مؤثری برای بی طرفی در امر حوزه بندی است.

و حوزه‌های اخذ رای، برای اهداف دیگر نیز بسیار مفید است. در برخی کشورها، علاوه بر نهادهای رسمی که آمار دقیق جمعیت و پراکندگی جغرافیایی آن را در اختیار دارند، موسسات پژوهشی دیگر نیز وجود دارد که به طور هفتگی، ماهانه، سالانه، فاکتورهای مختلف اقتصادی و از جمله تغییرات جمعیتی چون مهاجرت، مرگ و میر، جابجایی و غیره را رصد می‌کنند.^۱ سرشماری مداوم جمعیت علیرغم محاسن فراوانی که دارد، نیازمند برنامه، سازمان و صرف هزینه‌های زیاد است. حال آنکه، اطلاعات مربوط به جمعیت نه تنها برای انتخابات، بلکه برای هرگونه برنامه ریزی دیگر نیز ضروری است.

۳- هزینه‌های انتخاباتی

کوچک شدن حوزه‌های انتخابی به تبع حوزه‌های انتخابی تک کرسی، باعث می‌شود که هر کاندیدا در محدوده مشخصی دست به تبلیغ بزند. بنابراین، اولاً: هزینه‌های تبلیغات بطور طبیعی کاهش می‌یابد. ثانیاً: به دلیل محدود شدن حوزه فعالیت و تبلیغ هر کاندیدا، امکان وضع قواعد برای هزینه‌ها، نظارت و رسیدگی به تخلفات تبلیغاتی و دیگر تخلفات انتخاباتی و اجرای آن فراهم می‌شود.

نظارت، حفاظت و اجرای انتخابات و همچنین، شمارش آراء و اعلام نتایج آن با سرعت و سهولت بیشتری انجام می‌گیرد. برخی معتقدند کوچک شدن حوزه انتخابی، نتیجه‌اش افزایش تعداد حوزه‌هاست. به عنوان مثال، در شهری مثل تهران که یک حوزه انتخابی محسوب می‌شود، باید به سی حوزه تقسیم شود. و این فرایند به افزایش هزینه‌های نظارت، اجرا و برگزاری انتخابات می‌انجامد. حال آنکه، چنین استدلالی با واقعیات منطبق نیست. چرا که هزینه‌های نظارت و اجرای انتخابات، متوجه شعب اخذ رای است و شعب اخذ رای، به نسبت جمعیت هر محله شهری یا روستا تعیین می‌شود که در هر انتخاباتی، اعم از انتخابات ریاست جمهوری، خبرگان رهبری و یا مجلس شورای اسلامی، یکسان است. بنابراین، فقط مدیریت حوزه‌های کوچک است که تفکیک می‌شود و هزینه ناچیز مدیریت انتخابات در این حوزه‌ها، به نسبت دستاوردهای آن قابل قیاس نیست.

۱- موسسه یوروبارومتر یکی از این موسسات است که در کل کشورهای اروپایی چنین اطلاعاتی را که گردآوری می‌کند.

۴- حوزه های انتخابی ترکیبی

در حال حاضر، حوزه بندی انتخابات در ایران ترکیبی است از حوزه های تک کرسی (۱۶۶ حوزه) و حوزه های چند کرسی (۳۶ حوزه). نارسایی ها و چالش های حوزه بندی ترکیبی، با نظام انتخاباتی اکثریتی نخست نفری با انتخاب فردی و جمعی غیرحزبی در مبحث قبل بیان شد. با اصلاح نظام انتخابات به نظام انتخابات ترکیبی (ترکیب تک گزینی و جمع گزینی حزبی) لیست بسته) می توان برخی از کاستی ها و چالش های این نوع از حوزه بندی انتخابات را بر طرف کرد.

حوزه های انتخابی: گزینه های مناسب

<p>تعیین حدود حوزه های انتخابی در کشور به صورت تک کرسی یعنی ۳۶ حوزه انتخابی چند کرسی موجود به حوزه های تک کرسی تقسیم شوند و انتخابات با نظام انتخاباتی اکثریتی موجود و تک گزینی انجام گیرد.</p>	<p>حوزه های تک کرسی</p>	<p>۱</p>
<p>تغییر نظام انتخاباتی کشور به نظام انتخاباتی (ترکیبی) که به دو صورت قابل اجرا است: الف) حوزه های تک کرسی به شیوه تک گزینی (اکثریت نسبی) و حوزه های چند کرسی به صورت لیست بسته حزبی. ب) تقسیم حوزه های انتخابی در کشور به ۱۴۵ حوزه انتخابی تک کرسی و دادن اجازه دو رأیی به مردم، یک رأی به افراد داوطلب در هر حوزه و یک رأی به لیست حزب (بسته) به تعداد کرسی های آن دو استان. برای مثال، در استان فارس که ۱۸ نماینده دارد، استان به ۹ حوزه انتخابی تقسیم می شود، مردم هر حوزه انتخابی حق انتخاب یک نفر بعلاوه انتخاب ۹ نفر لیست بسته احزاب را داشته باشد. (وضعیت کشورها در اینگونه از نظام ها در جدول ذیل نشان داده شده است)</p>	<p>تغییر نظام انتخاباتی</p>	<p>۲</p>

ردیف	کشور	تعداد کرسی ها تناسبی	تعداد کرسی کثرتی اکثریتی	نظام اکثریتی به کار گرفته شده	مجموع تعداد کرسی ها
۱	بولیوی	۶۲(درصد۴۸)	۶۸(درصد۵۲)	EPTP	۱۳۰
۲	آلمان	۳۲۸(درصد۵۰)	۳۲۸(درصد۵۰)	EPTP	۳۵۳
۳	مجارستان	۲۱۰(درصد۵۴)	۱۷۶(درصد۴۶)	TRS	۳۸۶
۴	ایتالیا	۱۵۵(درصد۲۵)	۴۷۵(درصد۷۵)	EPTP	۶۳۰
۵	مکزیک	۲۰۰(درصد۴۰)	۳۰۰(درصد۶۰)	EPTP	۵۰۰
۶	نیوزلند	۵۵(درصد۴۲)	۶۵(درصد۵۸)	EPTP	۱۲۰
۷	ونزوئلا	۱۰۳(درصد۵۰)	۱۰۲(درصد۵۰)	EPTP	۲۰۴

نتیجه گیری

در این مقاله سیر تحول حوزه بندی انتخابات از اولین قانون انتخابات در مشروطیت تا کنون مورد بررسی قرار گرفت، که بیانگر تغییر حوزه های انتخاباتی از تناسبی به نظام آشفته ای از تک کرسی و جمع گزینی غیر حزبی بوده است، به گونه ای که در حال حاضر حوزه های انتخابی شامل ۱۶۶ حوزه تک نماینده و ۳۶ حوزه چند نماینده (از ۲ تا ۳۰ نماینده) است که مورد نقد صاحب نظران می باشد.

مبنای حوزه بندی انتخابات بر پایه جمعیت، در سال های آخر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به ازای هر صد هزار نفر جمعیت یک نماینده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ازای هر صد و پنجاه هزار نفر یک نماینده در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ برداشته شد و لذا در حال حاضر معیار دقیقی برای سازماندهی حوزه های انتخابی وجود ندارد و معلوم نیست که از دویست و نود نفر نماینده مجلس هر یک نماینده چه تعداد از جمعیت کشور هستند.

در این بررسی حوزه های انتخابی بر مبنای سه مولفه ی جمعیت، نظام انتخاباتی و نسبت کرسی های پارلمان به جمعیت مورد بررسی قرار گرفت. بر این مبنای حوزه بندی انتخاباتی بر پایه حوزه های استانی در چارچوب جمع گزینی حزبی به سبب امکان پذیر نبودن انحصار حزبی در قانون اساسی و جمع گزینی غیر حزبی به شکل موجود به سبب مشکلات مربوط به انتخاب داوطلبان، افزایش هزینه های انتخاباتی و ابهام در شمارش آراء مفید به نظر نمی رسد

و حوزه های انتخاباتی به صورت تک نماینده با توجه به رعایت عدالت و فرصت های برابر برای آحاد ملت، کاهش هزینه های انتخابات، سازماندهی رای دهندگان و جلوگیری از تقلب هایی نظیر جابجایی افراد برای رای و چاپ تعرفه های مازاد و همینطور امکان پذیری و انطباق با معیارهای قانون اساسی مناسب تر به نظر می رسد.

در کنار حوزه انتخابی تک نماینده، حوزه انتخابی ترکیبی نیز گزینه مناسبی برای ایران است و حوزه های انتخاباتی ترکیبی، ترکیبی است: از انتخاب افراد به صورت مستقل و انتخاب لیست احزاب به صورت همزمان. حوزه های انتخابی که در کشورهای نظیر آلمان، مجارستان، ایتالیا، مکزیک و ... وجود دارد

بخش سوم: سیاست های پیشنهادی، ارزیابی و نقد

مقالات:

- ۱- سیاست های کلی انتخابات؛ رفع معضل یا چارچوبی برای نظام جامع انتخاباتی.
- ۲- مراحل و فرآیند تدوین سیاست های کلی انتخابات در جمهوری اسلامی ایران.

سیاست های کلی انتخابات؛ رفع معضل یا چارچوبی برای نظام جامع انتخاباتی

دکتر مسعود جعفرنژاد^۱ صالح اسکندری^۲

چکیده

تعیین و تنظیم سیاست های کلی انتخابات از اهمیت بسزایی در رفع معضلات فرایند انتخابات و همچنین طراحی چارچوبی کلان برای نظام جامع انتخاباتی برخوردار است. سیاست های کلی به عنوان قواعد تصمیم گیری و قانون گذاری در حوزه انتخابات با رعایت یک سری ملاحظات که مربوط به گذشته است و متغیرهای جدیدی که مربوط به حال و آینده می باشد، می تواند مقدمات ارائه چارچوبی کلان، برای نظام جامع انتخاباتی را فراهم کند. در این مقاله تلاش شده با برشمردن برخی از این ملاحظات و متغیرهای جدید، یک چارچوب راهنما برای تنظیم نظام جامع انتخاباتی در ایران، که منتهی به تقویت و تثبیت ارزش ها و هنجارهای سیاسی مردم سالاری دینی می شود، ارائه گردد.

واژگان کلیدی

انتخابات، سیاست های کلی، نظام جامع انتخاباتی، قانون انتخابات

مقدمه

- ۱- عضو هیأت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا.
- ۲- دکترای علوم سیاسی عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور.

یکی از وظایف و ماموریت های مجمع تشخیص مصلحت نظام، مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی ارایه مشاوره به مقام معظم رهبری در تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران است. از سال ۱۳۷۷ تا شهریور ۱۳۹۰ مجموعاً ۳۵ عنوان سیاست کلی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب و تقدیم مقام معظم رهبری شده، که از سوی معظم له ابلاغ گردیده است. اولین مورد از سیاست های کلی نظام که در مجمع تشخیص مصلحت نظام، تصویب و توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید. سیاست های کلی نظام در بخش شبکه های اطلاع رسانی رایانه ای (ابلاغی - مصوب ۱۳۷۷/۰۷/۱۱) بود و آخرین عنوان مربوط به سیاست های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری در حوزه جمعیت (ابلاغی ۱۳۹۲/۰۲/۳۰) می باشد.^۱

یکی از ماموریت های ششمین دوره مجمع تشخیص مصلحت نظام، که در پیوست حکم انتصاب اعضای جدید در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۹۰ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده، تعیین سیاست های کلی نظام در حوزه انتخابات است. ضرورت تدوین سیاست های کلی انتخابات ناظر به مسائل و معضلاتی است که در سه دهه گذشته گریبان گیر قانون انتخابات بوده و باعث گردیده که این قانون در مجالس مختلف دست خوش تغییرات و اصلاحات فراوانی گردد؛ به گونه ای که این قانون بیش از ۵۰ بار مورد بازنگری قرار گرفته است. نکته قابل تامل آن که در این تغییرات، عمدتاً پویش های حزبی - جناحی، و حتی تمایلات و منافع صنفی - سیاسی، ذی مدخل بوده است.

بررسی سیاست های کلی انتخابات با توجه به تصریح مقام معظم رهبری در پیوست حکم اعضای دوره ششم مجمع تشخیص مصلحت نظام، به عنوان یک اولویت مهم در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت.

جهت تعیین سیاست های کلی انتخابات که مبنایی برای قانون گذاری در حوزه انتخابات و در نهایت، ترسیم هندسه "نظام جامع انتخاباتی" در ایران قرار می گیرد، بایستی به سوالات عمده ای پاسخ داد که در عین ملاحظه معضلات گذشته، به مسائل پیش رو نظر دارند. پرسش های مهم و به ظاهر ساده ای نظیر این که، ما از نظام جامع انتخاباتی در ایران چه می خواهیم؟ قرار است خروجی این مکانیسم چه باشد؟ آیا قائل به تقویت احزاب و جامعه مدنی در سایه نظام جامع انتخاباتی هستیم؟ آیا این مکانیسم در مسیر نوسازی نظام سیاسی که یکی از تاکیدات رهبر معظم انقلاب است،^۲ منجر به بسترسازی در مسیر تکوین نظام پارلمانی و یا تقویت نظام ریاستی می شود؟ آیا کارگزاران نظام سیاسی که از دل این نظام جامع انتخاباتی برای ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و شوراهای اسلامی شهر و روستا گزینش می شوند،

۱- پایگاه اطلاع رسانی مجمع تشخیص مصلحت نظام <http://maslahat.ir>.

۲- رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

تجانس لازم با مردم سالاری دینی دارند؟ و پرسش‌هایی از این دست، که تعیین و تنظیم سیاست‌های کلی نظام در حوزه انتخابات مسبوق به پاسخگویی آنهاست. در این مجال و مجلا راقم این سطور بر آن است، برخی از ملاحظات عمده و متغیرهای مهم را در خصوص تعیین سیاست‌های کلی انتخابات در مجمع تشخیص مصلحت نظام و هم چنین پاسخ به برخی پرسش‌هایی که در این خصوص مطرح است را به قدر بضاعت به رشته تحریر درآورد. دقت نظر صاحب نظران در این عرصه می‌تواند بر غنای آن بیفزاید.

۱- جامع‌نگری در تصویب قانون انتخابات

از مهم‌ترین قوانین داخلی در جوامع مختلف قانون انتخابات است، که برخی پژوهشگران علوم سیاسی حتی آن را هم طراز قانون اساسی نیز ارزیابی نموده‌اند. از این رو یکی از مهم‌ترین ملاحظات، در جریان تصویب سیاست‌های کلی انتخابات در مجمع تشخیص مصلحت نظام، جامع‌نگری و مانع‌اندیشی به خصوص در هنگام تصویب قانون انتخابات در مجلس شورای اسلامی است. یعنی این سیاست‌های کلی باید بتواند مولد یک قانون «جامع و مانع» برای انتخابات باشد. یکی از آسیب‌های جدی در قانون انتخابات، تغییراتی است که در ادوار مختلف مجلس، فارغ از تعاملات کارشناسی و متأثر از منافع شخصی، گروهی و جناحی در ماه‌های منتهی به انتخابات در این قانون اعمال گردیده است، به نحوی که قانون انتخابات در ۳ دهه گذشته بیش از ۵۰ بار مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفته است. یک نمونه از این تجدیدنظرها در ماه‌های پایانی مجلس هشتم، در خصوص شرایط نامزدهای انتخابات مجلس، به تصویب رسید و در نهایت مورد تایید شورای نگهبان نیز قرار گرفت. بر اساس اصلاح ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی "مصوب ۱۳۷۸" و اصلاحات بعدی آن، که در خصوص شرایط کاندیداهای انتخابات مجلس است، افراد دارای مدرک کارشناسی (لیسانس و پایین‌تر از آن) به هیچ وجه نمی‌توانند در انتخابات مجلس نامزد شوند، مگر این که سابقه نمایندگی در مجلس شورای اسلامی را داشته باشند. تصویب طرح اصلاح ماده ۲۸ قانون انتخابات و اصلاحات بعدی آن در چند ماه مانده به انتخابات مجلس صورت گرفت. این امر در آن مقطع به معنای تحدید دامنه رقابت‌های سیاسی بود و منجر به محرومیت بخش کثیری از نخبگانی گردید که قرار بود در این انتخابات شرکت نمایند، اما فاقد مدرک کارشناسی ارشد بودند و البته در این فرصت اندک، قادر به اخذ مدرک کارشناسی ارشد نبودند. براساس این قانون، برای رقابت در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی دایره محدودی ترسیم شده بود، که تنها دارندگان مدارک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر، می‌توانستند در آن حضور یابند و بخش عظیمی از نامزدها از حضور در رقابت محروم ماندند. اصلاح قانون در ماه‌های منتهی به انتخابات مجلس نهم و استثنا کردن کسانی که سابقه نمایندگی در مجلس شورای اسلامی را داشتند، این شائبه

را به وجود آورد که برخی نمایندگان به خاطر حذف رقبای خویش در حوزه های انتخابیه دست به چنین اقدامی زده اند. نمونه هایی همانند مورد مذکور، در ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی و همچنین لوایح تنظیمی دولت های مختلف در خصوص قانون انتخابات در ۳۳ سال گذشته، به وفور وجود دارد. از این رو به نظر می رسد سیاست های کلی انتخابات توانسته است به لحاظ جایگاه بالادستی خود، یک ثبات حداقل ۱۰ ساله را در قانون انتخابات تامین نماید و یا محدودیت ها و شرایط خاصی را برای تجدید نظر در قانون انتخابات ترسیم نماید. مثلاً اگر طرح و لایحه ای در خصوص اصلاح قانون انتخابات مطرح گردید، بر اساس آیین نامه داخلی مجلس تنها با تصویب دو سوم نمایندگان مجلس اجازه طرح در صحن علنی را احراز نماید.

۲- جایگاه احزاب سیاسی در قانون انتخابات

از مهم ترین خلاءهای قانون انتخابات در کشور ما تعریف نقش و جایگاه احزاب سیاسی در انتخابات است. البته این مقوله، مسبوق به پاسخ این پرسش است که، آیا اساساً نظام جمهوری اسلامی خواهان حضور قوی احزاب در صحنه سیاست است و یا بر آن است تا از قدرت یابی احزاب سیاسی بکاهد تا نقش مردم در فرایند انتخابات کم رنگ نگردد؟ در اغلب جوامع مردم سالار، رابطه مستقیمی میان قوانین انتخابات و احزاب سیاسی وجود دارد. بلیس و کارتی (۱۹۹۱) ضمن تحقیقی به بررسی ۵۰۹ مورد انتخابات در ۲۰ کشور مختلف پرداختند و با مقایسه قوانین انتخاباتی این کشورها نتیجه گرفتند که، در نظام های انتخاباتی یک مرحله ای به طور میانگین ۵ حزب، در نظام های اکثریتی دو مرحله ای و در نظام های تناسبی ۸ حزب در صحنه انتخابات با یکدیگر در حال مبارزه و رقابت انتخاباتی می باشند.^۱

در واقع امکانات و امتناعات قوانین انتخاباتی به طور مستقیم می تواند مقاوم و یا تضعیف کننده جایگاه احزاب در یک کشور باشد. به عنوان نمونه چنان چه قانون گذار موافق تقویت جایگاه احزاب در یک کشور باشد، معمولاً به سمت نظام های انتخاباتی «تناسبی و لیستی بسته» پیش می رود. در نظام های انتخاباتی «تناسبی» بر خلاف نظام های «اکثریتی» که گروه های اقلیت، آرای کمتری را به دست آورده اند از گردونه اداره کشور حذف می شوند، احزاب کوچک نیز به تناسب آرای خود دارای کرسی هایی در مجلس یا دولت می شوند. در نظام های انتخاباتی «لیستی بسته» نیز که در کشورهایی نظیر آرژانتین، آلمان، ژاپن، ایتالیا و برزیل متداول است، رأی دهندگان از میان فهرست های مختلف، تنها حق انتخاب یکی از آنها را همان گونه که هست، دارند و نمی توانند هیچ گونه دخل و تصرفی در فهرست ها به عمل آورند. در نظام فهرست بسته، رأی دهندگان در حقیقت به احزاب سیاسی رای می دهند، نه به نامزدهای خاص.

۱- André Blais and R.K. Carty, «The Psychological Impact of Electoral Laws: Duverger's Elusive Factor», British Journal of political Science, vol,21(1991), pp.79-93.

این نوع انتخابات موجب می‌گردد احزاب سیاسی و به ویژه رهبران آنها، کارگردان اصلی صحنه‌های سیاسی باشند^۱.

در واقع این دو مولفه در قوانین و نظام‌های انتخاباتی به طور مستقیم مبین نقش و جایگاه احزاب سیاسی هستند. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی فعالیت آزادانه احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی را به رسمیت می‌شناسد؛ مشروط بر این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. مقام معظم رهبری نیز سال گذشته ضمن آغاز بحث جدیدی در فضای نخبگی کشور تحت عنوان نوسازی نظام سیاسی، بر این مهم که جمهوری اسلامی با تحزب مخالف نیست، تاکید کردند و فرمودند: «حزبی که مورد نظر ماست، عبارت است از یک تشکیلاتی که نقش راهنمایی و هدایت آحاد مردم را به سمت یک آرمان‌هائی ایفاء می‌کند». ایشان در این زمینه افزودند: «حزب عبارت است از کانال‌کشی برای هدایت‌های فکری؛ حالا چه فکری به معنای سیاسی، چه فکری به معنای دینی و عقیدتی... البته کسانی که یک چنین توانایی‌ای داشته باشند، به طور طبیعی در مسابقات قدرت، در انتخابات قدرت هم آنها صاحب رأی خواهند شد، آنها برنده خواهند شد، لیکن این هدفشان نیست^۲».

در حقیقت مردم‌سالاری دینی نه تنها با تحزب مخالف نیست، بلکه نهادسازی در قالب احزاب اسلامی برای سازماندهی فعالیت‌های سیاسی در نظام مردم‌سالاری دینی را یک ضرورت می‌داند. با این تفاوت که حزب در فرهنگ سیاسی-اسلامی کلوپ قدرت به منظور سهم خواهی نیست. انگیزه اصلی احزاب اسلامی برای حضور در انتخابات در فضای جمهوری اسلامی، همان تقرب الهی یا تلاش در جهت استمرار ولایت خدا در زمین است. در واقع احزاب در مردم‌سالاری دینی، بازوی نظام اسلامی و نهادی برای هدایت‌های فکری، سیاسی و عقیدتی، در راستای افزایش کیفیت حیات مادی و معنوی شهروندان هستند. در این راستا، احزاب اسلامی دعوت به خدا می‌کنند و نه دعوت به خود، و همین دعوت به خدا به طور طبیعی اقبال و پویای مردمی در حمایت از این احزاب را به وجود می‌آورد. با این وصف، هنوز سوالات بسیاری در خصوص جایگاه تحزب در هندسه قدرت در ایران وجود دارد، که طبیعتاً پاسخ به برخی از این پرسش‌ها در اولویت بندی سیاست‌های کلی انتخابات مشخص می‌شود. پرسش‌هایی نظیر این که:

الف) مسئله رقابت در انتخابات به عنوان یکی از ابعاد اصلی تحزب، در مهندسی احزاب
 ۱- ایوبی، حجت‌الله، نقد و بررسی نظام‌های انتخاباتی جهان، پورتال رسمی وزارت کشور. (<http://www.moi.ir/portal/Home/Default.aspx?CategoryID=61ab96da-f799-4f13-a01a-ea325b719882>)

۲- رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

اسلامی چگونه حل می شود؟

- ب)** در این مهندسی، رقابت دو حزبی است یا چند حزبی؟
ج) اگر دو حزبی است، ریل ثبات و نقطه استقرار آنها کجاست؟
د) اگر چند حزبی و موید پلورالیسم سیاسی است، تعدد و تکثر احزاب را تا کجا پذیرفته است؟
ه) آیا نظام انتخاباتی اکثریتی - ترجیحی فعلی، در ایران می تواند به احزاب سیاسی کمک کند؟

و) کمیت و تعداد احزاب چه نسبتی با مقوله ثبات سیاسی دارد؟
ز) توزیع مهارت های سیاسی یا همان کادر سازی با چه هدفی و در چه راستایی صورت می پذیرد؟ تعمیق باورهای عقیدتی و یا آماده سازی برای حضور در مناصب و سمت های حکومتی؟

ح) چالش بدبینی و سوء ظن افکار عمومی نسبت به تحزب را که از پیشینه ای تاریخی برخوردار بوده و از دوران انجمن های سری و فراموش خانه ها آغاز شده و تا احزاب دولت ساخته پهلوی و حتی برخی احزاب که در جمهوری اسلامی، در برهه انتخابات، بدون هیچ گونه پشتوانه اجتماعی مثل قارچ سر بر می آورند، ادامه داشته و دارد را چگونه می توان حل کرد؟

الگوسازی خردمندان تحزب در قالب سیاست های کلی انتخابات و تعریف نقش و جایگاه احزاب سیاسی در انتخابات مختلف، اعم از ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجلس خبرگان، ضمن بسترسازی برای ایجاد انعطافات لازم در مسیر نوسازی نظام سیاسی، آینده رقابت سیاسی را نیز در ایران رقم خواهد زد.

۳) شفاف سازی نظام انتخابات

یکی از مولفه هایی که در جریان تنظیم سیاست های کلی انتخابات در مجمع تشخیص مصلحت نظام بایستی مورد عنایت قرار گیرد، شفاف سازی نظام انتخاباتی در ایران در دو حوزه اجرا و نظارت است. شفاف سازی به حالتی اطلاق می گردد که، رای دهندگان، به این اطمینان برسند که رای آنها در نهایت سلامت به صندوق وارد شده و بدون هیچ تغییری خوانده می شود و نتیجه انتخابات را رقم می زند. البته این شفاف سازی می تواند در خصوص کلیه عناصر مهم و کلیدی در انتخابات نظیر رسانه ها، احزاب، رای دهندگان، فضای انتخابات، رقابت، قانون و... مطرح گردد. در ادامه به برخی ملاحظات در این دو حوزه پرداخته می شود.

۳-۱- شفاف سازی بعد اجرایی انتخابات

شیوه‌های متفاوتی جهت برگزاری و اجرای انتخابات در کشورهای مختلف وجود دارد. در برخی از کشورها قوه مجریه و در برخی دیگر، نهادهای فرا قوه‌ای تحت عنوان «کمیسیون ملی انتخابات» و یا عناوین دیگر مامور اجرای انتخابات هستند. در کشور ما بر اساس قوانین «عادی» طی سه دهه گذشته، «قوه مجریه» مامور برگزاری انتخابات بوده است. در قانون اساسی، تنها در اصل ۹۹ به نقش شورای نگهبان در نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی اشاره گردیده و ماموریت دولت در برگزاری انتخابات، بر اساس قوانین عادی مصوب مجلس شورای اسلامی است.

کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، در یکی از پیشنهادات خود جهت تنظیم سیاست‌های کلی انتخابات در راستای تغییر مجری برگزاری انتخابات، موضوع تشکیل کمیسویی مرکب از وزیر کشور و وزیر اطلاعات از جانب دولت، رئیس دیوان محاسبات کشور و یک نفر به انتخاب مجلس که ترجیحاً رئیس کمیسیون اصل نود پیشنهاد شده است و هم چنین دادستان کل کشور و رئیس سازمان بازرسی کل کشور از طرف قوه قضاییه، یک نفر از اعضای حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، رئیس شورای عالی استان‌ها، رئیس سازمان صدا و سیما و یک نفر نیز از اعضای شورای نگهبان بدون حق رای، را عنوان نموده بود.

این پیشنهاد اگر چه به ظاهر مال اندیشانه می‌نماید، اما نقش مهمی در ارتقای نظام انتخاباتی ایران و شفاف سازی آن ایفا نخواهد نمود. چرا که می‌توان با انجام اصلاحاتی در نحوه عملکرد هیات‌های اجرایی، فرمانداری‌ها و استانداری‌ها، از برخوردهای سلیقه‌ای و جناحی اجتناب نموده و در ضمن ارتقای نظام انتخاباتی، از آسیب‌های تغییر مجری انتخابات در شرایط کنونی مصون ماند.

جمهوری اسلامی تا به امروز بیش از ۳۰ دوره انتخابات برگزار نموده است که در همه آن‌ها دولت مجری و برگزار کننده بوده است. طی سه دهه گذشته دولت‌های مختلف، انتخابات را در نهایت سلامت برگزار کرده‌اند که بعضاً نتایج انتخابات کاملاً بر خلاف میل و نظر آنها بوده است. از صندوق‌های رای وزارت کشور در دوران تصدی علی محمد بشارتی، وزیر کشور وقت هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی از جناح اصلاح طلب بیرون آمد و در دوره موسوی لاری وزیر کشور دولت اصلاحات، احمدی نژاد از جریان اصول گرا، پیروز انتخابات اعلام شد. در دوره اصلاحات، در انتخابات مجلس هفتم، مجلسی با اکثریت اصول گرا شکل گرفت. از دل دولت کارگزاران، مجلس پنجم که اکثریت آن، اصول گرایان بودند بیرون آمد و ... دولت نهم و دهم نیز تا کنون ۵ انتخابات را برگزار کرده است، که هر کدام به لحاظ تعداد مشارکت

کنندگان، شور و نشاط انتخاباتی و انضباط قانونی در برگزاری و اعلام نتایج نصاب مطلوبی را به جای گذاشته است.

از سویی سلامت انتخابات در ایران در گرو مزیت نسبی مردمی بودن آن است. هیچ انتخاباتی را در ایران دولت ها به تنهایی برگزار نکرده اند. در بیش از ۳۰ انتخابات گذشته معتمدین مردم در محله ها و حوزه های انتخابیه، دست اندرکاران اصلی انتخابات بوده اند. بلافاصله پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور، فرمانداران، دستور تشکیل هیات های اجرایی را به بخشداران صادر نموده و موظف هستند ظرف سه روز هیات های اجرایی انتخابات شهرستان را به ریاست خود و عضویت رئیس ثبت احوال و دادستان یا نماینده وی و ۸ نفر از معتمدین تشکیل دهند. این معتمدین نباید هیچ گونه خویشاوندی نسبی و سببی با داوطلبین انتخابات داشته باشند.

در مجموع به نظر می رسد شفاف سازی حوزه اجرا در انتخابات، با برخی اصلاحات در نحوه مدیریت قوه مجریه بر هیات های اجرایی، شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان، نحوه اعلام داوطلبی و رسیدگی به صلاحیت داوطلبان، تبلیغات، جرائم و تخلفات انتخاباتی و هم چنین تشدید و یا کاهش مجازات ها، چگونگی شمارش و اعلام نتایج و ... حاصل گردیده و نیازی به تغییر مجری انتخابات، حداقل در برهه زمانی فعلی نباشد.

۳-۲- شفاف سازی بعد نظارتی انتخابات

یکی دیگر از متغیرهای شفاف سازی نظام انتخاباتی در ایران، ضابطه مند نمودن حوزه نظارت در انتخابات است. همانگونه که پیش از این ذکر شد بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد. بر اساس قانون، تنها نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا به مجلس شورای اسلامی سپرده شده است. این در حالی است که نظارت مجلس بر انتخابات شوراها با اشکالات اجرایی فراوانی روبروست و مجلس شورای اسلامی فاقد ظرفیت ها و امکانات نظارتی لازم در سرتاسر کشور اعم از شهر و روستا است. اقتضای «وحدت سیاق و رویه» در برگزاری و نظارت بر انتخابات نیز نظارت شورای نگهبان قانون اساسی را حتی برای انتخابات شوراها ضروری می نماید.

موضوع ضابطه مندی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات که بر اساس پاسخ استفساریه رییس هیات مرکزی نظارت بر انتخابات در سال ۱۳۷۰ شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات، از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می شود، از دیگر پارامترهایی است که می تواند منجر به شفاف سازی حوزه نظارت در انتخابات گردد. با توجه به این که شورای نگهبان مرجع اصلی نظارت بر حسن اجرای قانون انتخابات است؛ نیازمند ضوابط مشخص و مصرح در

قانون اساسی، در مراحل نظیر احراز صلاحیت‌ها، تایید، توقف یا ابطال انتخابات، چگونگی تشکیل هیئت‌های نظارت، کیفیت نظارت بر مراحل مختلف انتخابات و ... می‌باشد تا برخی شبهات که در انتخابات گذشته، در مواردی نظیر رد صلاحیت‌ها وجود داشته، برطرف گردد. به عنوان نمونه یکی از ابهاماتی که در نحوه احراز صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری وجود دارد، شاخص‌های مربوط به رجال سیاسی و مذهبی است. بر اساس اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (رییس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور). پیرو بررسی اصلاح قانون انتخابات در کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس، رئیس این کمیسیون گزارشی از نحوه تعیین شاخص‌های رجل سیاسی بودن در انتخابات ریاست جمهوری در این کمیسیون، نظیر دارا بودن حداقل مدرک فوق لیسانس و یا ذی‌مدخل نبودن شاخص جنسیت در موضوع احراز رجال سیاسی طرح نموده است، اما در زمینه شاخص‌های «رجال مذهبی» نامزدهای ریاست جمهوری هنوز مطلبی عنوان نشده است.

در قانون اساسی، مولفه رجال مذهبی بر رجال سیاسی مقدم است. بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی نیز «پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است» و باید مجری احکام اسلامی و قانونی در یک کشور مسلمان باشد. روشن است کسی که قرار است عالی‌ترین مقام سیاسی پس از ولی‌فقیه باشد و اختیارات گسترده و وظایف سنگینی در حکومتی که بر مبنای اسلام اداره می‌شود، بر عهده داشته باشد، باید از بین رجال مذهبی انتخاب شود. در تفسیر مفهوم «رجال» در اصل ۱۱۵ قانون اساسی صرف نظر از مجادلات حقوقی در خصوص افاده معنای لغوی از واژه رجال، یعنی جمع رَجُل به معنی مرد و یا رجال به معنای اشخاص سرشناس و برجسته که می‌تواند اعم از مردان و زنان باشد؛ بایستی تاکید کرد ملاک و مناط احراز برجستگی به لحاظ دینی و مذهبی برای داوطلبان ریاست جمهوری، در قانون انتخابات مشخص نشده است.

در قانون انتخابات مجلس خبرگان، یکی از شرایط نامزدها، دارا بودن درجه اجتهاد، در حدی که قدرت استنباط بعض مسائل فقهی را داشته و بتواند ولی‌فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد، می‌باشد. قانون انتخابات مجلس خبرگان، مرجع تشخیص دارا بودن شرایط مورد نظر را فقهای شورای نگهبان دانسته است. به‌طور معمول، فقهای مزبور، برای کسانی که اجتهادشان محرز نیست، اقدام به برگزاری امتحان و اختبار می‌نمایند و شرایط دیگر را با تحقیق و تفحص احراز می‌کنند. یعنی برای تشخیص درجه اجتهاد فقها و علمای بلادی که اجتهادشان محرز نیست، شورای نگهبان اقدام به برگزاری امتحان می‌کند، اما برای احراز شرط

رجال مذهبی بودن عالی‌ترین مقام سیاسی پس از مقام رهبری، هیچ تلاش مدونی صورت نمی‌پذیرد و به اشتها به دیانت، وثوق و شایستگی اخلاقی نامزد ریاست جمهوری، بسنده می‌شود. یا در موضوع التزام عملی به ولایت فقیه که یکی از شاخص‌های احراز صلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی و یا ریاست جمهوری است و معمولاً مورد اعتراض نامزدهای رد صلاحیت شده قرار می‌گیرد، می‌توان با ضابطه‌مندی مدون، مانع از کژتابی‌ها و حتی برخوردهای سلیقه‌ای شد. رهبر معظم انقلاب در پاسخ به استفتائی پیرامون «التزام به ولایت فقیه» فرموده‌اند: «ولایت فقیه به معنای حاکمیت مجتهد جامع‌الشرایط در عصر غیبت است و شعبه‌ای است از ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) که همان ولایت رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌باشد و همین که از دستورات حکومتی ولی امر مسلمین اطاعت کنید، نشانگر التزام کامل به آن است»^۱. مطمئناً بر اساس این استفتاء و دیدگاه حداقلی، می‌توان شاخص‌های قابل اندازه‌گیری در خصوص میزان التزام عملی افراد به ولایت فقیه را تعیین و مانع از برداشت‌های ناصواب شد. در همین راستا مقام معظم رهبری بارها تصریح کردند: «باید ملاک اصلی در نظرها و تصمیم‌گیری‌های شورای نگهبان، فقط قانون و ضابطه باشد و نباید به هیچ وجه به مصلحت‌اندیشی‌ها توجه شود»^۲.

قانون اساسی، شورای نگهبان را موظف نموده که منطبق بر قوانین و فارغ از هرگونه مصلحت‌اندیشی، در احراز صلاحیت نامزدهای انتخابات و نظارت بر اجرای انتخابات عمل نماید. علی‌رغم این مسأله، ممکن است ضابطه‌مندی شورای نگهبان، برای برخی افراد و جریان‌های خوشایند نباشد، اما این امر، در فرایند کار شورای نگهبان تأثیرگذار نیست. به تعبیر مقام معظم رهبری: «معیار عبارت است از مقررات و قانون. سلايق نباید دخالت کند. گرایش سیاسی، گرایش گروهی، گرایش جناحی نباید دخالت کند. سفارش و توصیه نباید دخالت کند. امر قانون باید رعایت شود. گاهی ممکن است انسان به نظرش برسد که اگر این‌جا بر طبق قانون عمل کنیم، مصلحت نباشد. در همان‌جا رعایت قانون از رعایت آن مصلحت بالاتر و لازم‌تر است؛ چون اگر چنان‌چه بنا شد که با نظر اشخاص و افراد و مصلحت‌اندیشی این و آن، معیارها و ضابطه‌ها به هم بخورد، دیگر ضابطه‌ای باقی نخواهد ماند»^۳.

نظارت در اصل ۹۹ قانون اساسی نظارتی است عام و مطلق که شامل همه مراحل انتخابات می‌شود و اختصاص به زمان برگزاری انتخابات ندارد، بلکه تعیین زمان برگزاری انتخابات، ثبت نام نامزدها، تشخیص صلاحیت آنها و نیز انجام رای‌گیری و تشخیص صحت و عدم صحت آن و اعلام صحت و بطلان آن در حوزه‌های انتخابیه را شامل می‌شود. از این

۱- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

۲- رهبر معظم انقلاب، ۲۰/۴/۱۳۸۶.

۳- همان.

رو ضروریست مجمع تشخیص مصلحت نظام در تبیین سیاست‌های کلی انتخابات، ضمن تصریح در خصوص جایگاه عالی نظارتی شورای نگهبان در تمام انتخابات کشور، با تدوین از ضوابط مدون، امکان هر گونه جهت‌گیری‌های جانبدارانه را غیرممکن سازد.

(۴) - هزینه‌های انتخابات

مسئله تعیین سقف هزینه‌ها برای داوطلبان شرکت در انتخابات و شفاف‌سازی مجاری تامین‌کننده این هزینه‌ها، از دیگر متغیرهایی است که بایستی در بررسی و تبیین سیاست‌های کلی انتخابات مطرح نظر قرار گیرد. یکی از آسیب‌های نظام انتخاباتی کشور در ادوار گذشته، نقش آفرینی باندهای قدرت و ثروت در تعیین نتیجه انتخابات از طریق تامین هزینه‌های مالی داوطلبان بوده است. فقدان احزاب قدرتمند که به لحاظ منابع مالی و اقتصادی توانایی تامین هزینه‌های داوطلبان را به شکل مشروع داشته باشند، یکی از علل نفوذ مافیایی باندهای قدرت و ثروت در انتخابات و تعیین‌کنندگی آنها در نتیجه انتخابات می‌باشد. در این راستا یکی از این آسیب‌ها، امتیازات و رانت‌هایی است که در دولت‌های مختلف به نفع اشخاص و جریانات خاص سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، دولت‌ها امتیازاتی به یک یا چند فعال اقتصادی می‌دهند و از آنها انتظار دارند در هنگام انتخابات، هزینه‌های داوطلبان متمایل به آنها را تامین کنند.

از سویی برخی دولت‌ها اقدام به تاسیس حزب می‌کنند که در تاریخ انقلاب اسلامی در اغلب دوره‌ها مسبوق به سابقه بوده است و کمتر دولتی پس از روی کار آمدن به فکر تاسیس حزب با هزینه‌های پنهان دولتی نیفتاده است. این احزاب دولت ساخته، فاقد پایگاه اجتماعی و در بیشتر موارد گلخانه‌ای هستند و بلافاصله پس از آن که دولت متمایل به آنها از صحنه کنار رفت، یا رو به اضمحلال می‌روند و یا به یک حیات سیاسی محدود، بسنده می‌نمایند.

رهبر معظم انقلاب در آستانه انتخابات مجلس نهم در مقام توأسی به خیر، خطاب به نمایندگان مجلس هشتم تاکید کردند: «این خیلی خطر بزرگی است که کسی به خاطر تأمین نمایندگی در یک دوره، نزدیک بشود به صاحبان ثروت یا به صاحبان قدرت؛ این خیلی چیز بدی است؛ این از آن چیزهایی است که خدای متعال از آنها نمی‌گذرد و انتقام خواهد گرفت»^۱. نزدیک شدن به ثروتمندان و قدرتمندان در انتخابات مختلف که نمونه‌های آن در اغلب کشورهای لیبرال دموکراتیک به چشم می‌خورد، نوعی سیاست سرمایه‌مدارانه و کاپیتالیستی است که به عنوان یک الگوی جهان‌شمول توسط غربی‌ها تجویز می‌شود. الگویی که در آن هدف، وسیله را توجیه می‌کند و داوطلب با هر ابزار مالی مشروع و یا غیر مشروعی می‌تواند به پیروزی در انتخابات دل ببندد. این الگوی سیاسی به دلیل ماهیت ضد ارزشی آن، در اغلب

۱- رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

کشورها با واکنش های اجتماعی مواجه می شود و «فساد سیاسی» نامزدها و مقامات، بلافاصله مورد محاکمه افکار عمومی قرار می گیرد.

در مجموع، سرمایه داری سیاسی مولد نوعی آزمندی و طمع در مدیریت کشور است که کوچک ترین تغییری را بر نمی تابد و در نهایت منجر به نقش آفرینی بی چون و چرای کانون های قدرت و ثروت در نتایج انتخابات می گردد. در کشور ما نیز کسانی هستند که تلاش می نمایند طبقه ممتاز جدیدی در نظام جمهوری اسلامی به وجود آورند. به دلیل انتخاب ها و انتصاب ها، مشرف بودن بر مراکز ثروت و از سایر طرق نامشروع، به اموال عمومی دست انداخته و تلاش می نمایند در هر انتخاباتی نزدیکان و هم فکران خود را به مجلس یا شوراها بفرستند.

مداخلات کانون های قدرت و ثروت، در کنار هزینه های سرسام آور انتخابات، ضرورت چاره اندیشی در خصوص منابع مالی داوطلبین را در قالب تعیین سیاست های کلی انتخابات در مجمع تشخیص مصلحت نظام بیشتر می کند. در برخی کشورها برای تأمین هزینه های انتخاباتی تدابیری اندیشیده شده است. مثلاً اگر یک کاندیدا درصد مشخصی از آراء مردم را کسب کند، هزینه های انتخاباتی او را دولت تأمین می نماید؛ اما چنان چه رأی او از درصد مورد نظر کمتر باشد، وجهی به او پرداخت نمی شود. در نتیجه کسانی در انتخابات کاندیدا می شوند که به طور معقول احتمال رأی آوری آنها وجود داشته باشد. در آمریکا، براساس قانون ۱۹۷۴ «کمیسون انتخابات فدرال»، نظارت بر هزینه های انتخاباتی توسط دو حزب اصلی یعنی دموکرات و جمهوری خواه انجام می شود. براساس این قوانین، میزان کمک افراد به نامزدها یک هزار دلار و نهادها و سازمانها ۵ هزار دلار می باشد. در فرانسه، «شورای قانون اساسی فرانسه» که نهادی هم تراز شورای نگهبان در ایران است، مسئولیت نظارت بر هزینه های تبلیغاتی - انتخاباتی داوطلبان و میزان بودجه نامزدها را بر عهده دارد. در آلمان، «احزاب» باید بر اساس اصل ۲۱ قانون اساسی این کشور، پاسخگوی هزینه های انتخابات به پارلمان و مردم باشند (قوانین مصوب ۱۹۶۷ و ۱۹۸۳). در انگلیس، بر اساس قانون سال ۲۰۰۱ که اصلاحیه ای از قانون سال ۱۸۸۳ است، هر کدام از نامزدها باید لیست حمایت کنندگان مالی خود را منتشر نمایند و هزینه های داوطلبان از سقف معینی نباید بیشتر باشد.^۱

علی رغم تمام این تمهیدات قانونی، زمینه های دور زدن قانون در انتخابات کشورهای مختلف در زمینه مالی و هزینه های صرف شده برای تبلیغات به حدی است که تسلط صاحبان سرمایه بر انتخابات کاملاً محسوس و مشهود است. در مقابل، نظام جمهوری اسلامی، به عنوان نظامی منبعث از مردم سالاری دینی، که در انتخابات خود به دنبال تحقق نظر و اراده حقیقی مردم است، می بایست با چاره اندیشی در خصوص هزینه های انتخاباتی از تاثیر و تاثر باندهای

۱- پورتال شورای نگهبان قانون اساسی (<http://www.shora-gc.ir>).

قدرت و ثروت در انتخابات تا جایی که ممکن است جلوگیری نماید.

(۵) تبلیغات انتخاباتی

یکی از مهم ترین ملاحظات انتخاباتی در نظام مردم سالار دینی «سلامت فضای انتخابات» و فراهم ساختن بسترها و زمینه های تفکر، نقد و داوری برای رای دهندگان؛ فارغ از جانبداری های مرسوم در جوامع دموکراتیک است، که بارها مورد تاکید رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است. ایشان در سال ۱۳۸۵ در آستانه دو انتخابات شوراها و مجلس خبرگان در دیدار کارگزاران نظام خواستار توجه خاص مسئولین امر و تاثیرگذاران عرصه های سیاسی اجتماعی نسبت به «حفظ سلامت فضای انتخابات» شدند و تاکید کردند: «حالا که به تدریج نام نویسی ها شروع شده و مقدمات انتخابات فراهم شده است و تا زمان انتخابات، زمان زیادی نمانده، بایستی سلامت فضا را حفظ کنید. بعضی فضای انتخابات را خراب می کنند؛ تخریب کردن، اهانت کردن و خرد کردن شخصیت های گوناگون، همه بر خلاف اقتضای سلامت انتخابات است. هم مطبوعات، هم رادیو و تلویزیون، هم کسانی که به ابزارهای گوناگون ارتباط جمعی دیگری مجهز هستند. رایانه ها و شیوه های رایانه ای و هم کسانی که یک منبری برای سخن گفتن دارند؛ مثل خطبای جمعه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ همه توجه داشته باشند که تخریب، فضای انتخابات را خراب می کند»^۱.

برگزاری یک انتخابات سالم، علاوه بر مجریان و ناظران متعهد، نیازمند یک فضای تبلیغاتی پاک و عاری از تهمت ها و تخریب هاست. دیالوگ های سیاسی در ایام انتخابات، تبلیغات میدانی و رسانه ای، مناظره ها و ... که در پیوند مستمر با تبلیغات منفی و مثبت نامزدها جریان می یابند، در صورتی که آیین گفتگو را رعایت کنند، می تواند به ارزیابی و قضاوت دقیق رای دهندگان از برنامه ها و عملکردهای کاندیداها یاری نماید، در غیر این صورت منجر به بوجود آمدن فضایی ناسالم می شود که در شان نظام مردم سالار دینی نیست.

یکی از رسالت های حاکمیت دینی در زمان انتخابات، توزیع عادلانه و منطقی امکانات تبلیغاتی و رسانه ای است. چنین توزیع عادلانه ای در لیبرال دموکراسی کمتر محقق می شود. تفوق رسانه ای برخی نامزدها و پروپاگاندای بی رحم در انتخابات مختلف غرب یکی از آسیب های سیستم دموکراسی در دنیای امروز است. در ایام انتخابات در نظام های لیبرال دموکراسی، پروپاگاندای تبلیغاتی بی رحمانه، به ترور شخصیت نامزدها می پردازد. اما در مقابل در الگوی بی بدیل مردم سالاری دینی یکی از بایسته های رقابت اخلاقی و سلامت فضای انتخابات، اجتناب و گریز از تبلیغات منفی در قالب تخریب، تهمت، تشویش اذهان

۱- رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵/۰۷/۱۸

عمومی و مدیریت افکار عمومی در دالان های تو در توی منافع حزبی و گروهی حاکم بر رسانه هاست.

امروزه مبارزات انتخاباتی منفی و حملات شخصی به رقبای سیاسی در اغلب دموکراسی ها - به درست یا غلط - متداول و در برخی مواقع گریزناپذیر است. شدداد و غلاظ این تمایل و انگیزه روان شناختی شاید بسته به ماهیت مردم سالاری ها متفاوت باشد، اما در مجموع، اعتقاد بر این است که با بلوغ عقلانی جوامع، از میزان عمق و دامنه ی تاثیر عوامل منفی در انتخابات کاسته خواهد شد. دروستن^۱ (۲۰۰۷) در کتاب خود به نام «مغز سیاسی^۲»، به بررسی و تحلیل این موضوع می پردازد. وی ضمن پذیرش اصل تمایل نامزدها به تبلیغات تنگ نظرانه و منفی علیه رقبایشان، در عین حال معتقد است، منفی گرایی مفرط ممکن است کاندیدا را مانند شخصی عصبانی جلوه دهد و یک کاندیدای عصبانی هرگز موفق به کسب پیروزی نمی شود. در تجربه برگزاری بیش از ۳۰ انتخابات در ۳۳ سال گذشته در جمهوری اسلامی، واقعیت مبارزات منفی را نمی توان در انتخابات مختلف انکار کرد. نامزدها به عنوان نماینده سیاست ها، مواضع و منافع جریانات رقیب در انتخابات، ضمن تبیین برنامه های خود، گوشه چشمی هم به مبارزه منفی علیه نامزد رقیب دارند. البته تلاش های غیر حقوقی برای تضمین سلامت فضای انتخابات در سال های گذشته از جانب برخی نهادها، نظیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب و هم چنین سایر گروه ها و بازیگران سیاسی نظیر منشور رقابت های سیاسی و عناوینی از این دست، صورت گرفته است که البته هیچ کدام ضمانت اجرایی نداشته و داوطلبین در فرایند رقابت های داغ انتخاباتی التفات چندانی به آنها ندارند. ماهیت اخلاقی و دینی جمهوری اسلامی اقتضا می کند که در سیاست های کلی انتخابات چاره اندیشی در خصوص «سلامت فضای انتخابات» و ارائه چارچوب کلان اسلامی در نحوه تبلیغات نامزدها صورت گیرد.

۶) فرایندهای زیردستی انتخاب کارگزاران سیاسی

یکی دیگر از متغیرهایی که ضرورت دارد در جریان تعیین سیاست های کلی انتخابات در مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد امعان نظر قرار گیرد، ساماندهی فرایندهای زیردستی انتخاب کارگزاران سیاسی در سطوح مختلفی نظیر ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و شوراهای اسلامی شهر و روستا به منظور تحقق هدف شایسته سالاری در فرایندهای گردش نخبگان است. شایسته سالاری در نظام مردم سالار دینی بسته به التفات نظام مند در جهت حضور کارگزاران دارای صلاحیت های آکادمیک و تجربی در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و هم چنین بینش صحیح مذهبی است که وارد چرخه قدرت

۱- Drew Westen.

۲- The Political Brain.

می شوند؛ کسانی که دین را ملعبه قدرت طلبی خویش نمی نمایند. در جریان انتخابات ریاست جمهوری همواره شاهد ثبت نام عده کثیری از افراد فاقد صلاحیت های لازم و اولیه هستیم؛ که معمولاً سوژه خبری رسانه ها در داخل و خارج قرار می گیرند. در قانون انتخابات ریاست جمهوری صرف توان خواندن و نوشتن برای ثبت نام داوطلبان کفایت می کند. در قانون انتخابات اغلب جوامع دموکراتیک برای ثبت نام داوطلبان از جمله نمایندگی در مجلس، شرایطی خاص نظیر امضای چند هزار نفری مردم یک منطقه در نظر گرفته شده است. این امر که جهت ثبت نام در انتخابات مجلس شورای اسلامی حداقل ۵۰ نفر از نخبگان یک شهر فردی را برای کاندیداتوری معرفی نمایند و یا برای ریاست جمهوری ۵۰۰ نخبه اعم از حقوق دانان، نمایندگان ادوار مجلس، اساتید دانشگاه، ائمه جمعه و جماعات کاندیدا را معرفی کنند، یک امر کاملاً پذیرفته شده در دموکراسی های معاصر است.

در مواد ۳۵ و ۳۶ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۸۶ هیچ گونه محدودیتی برای سطح علمی و مذهبی نامزدهای ریاست جمهوری قید نشده است. این در حالی است که بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود، بر عهده دارد. یکی از الزامات و شرایط احراز عالی ترین منصب رسمی کشور بعد از مقام رهبری، داشتن سوابق و ویژگی های ممتاز است. بی شک یکی از این شرایط داشتن صلاحیت های علمی در دو حوزه مذهبی و اجرایی است. یعنی از آن جا که بر اساس اصل ۱۱۵ قانون اساسی رئیس جمهور بایستی از میان رجال مذهبی و سیاسی برگزیده شود، فردی که قرار است رئیس جمهور آینده ایران باشد می بایست سطوح مطلوبی از آگاهی های دینی و مذهبی را دارا باشد. البته برای مقام رهبری بر اساس شرایط و صفات مندرج در اصل ۱۰۹ قانون اساسی صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه لازم است. بدیهی است نمی توان از رئیس جمهور که عالی ترین مقام اجرایی کشور است انتظار داشت که «أعلم الناس بحلال الله و حرامه و جمیع ما یحتاج الیه الناس» باشد؛ اما این بدین معنا نیز نیست که فردی فاقد هرگونه صلاحیت علمی در حوزه های دینی و مذهبی، مصداق رجل مذهبی باشد. از سویی مصداق رجل مذهبی بودن، تنها با دانش مذهبی داشتن محرز نمی گردد. رئیس جمهور طبق اصل ۱۱۵ باید ضمن دارا بودن تقوا، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور باشد. یعنی به آن چه می داند ایمان داشته باشد و متخلق به اخلاق الهی و اسلامی باشد.

رئیس جمهور علاوه بر داشتن صلاحیت های علمی در حوزه های دینی و مذهبی در ساحات سیاسی و اجرایی نیز باید از تخصص لازم برخوردار باشد. امروزه در اغلب کشورهای

بیشرفته دنیا ۸۰ درصد مناصب عالی در اختیار دانش‌آموختگان رشته‌هایی نظیر علوم سیاسی، حقوق، مدیریت و اقتصاد است. این در حالی است که در کشور ما ۸۰ درصد مناصب عالی در اختیار افرادی فاقد این دانش‌ها است. پست‌های سیاسی، تقنینی و اجرایی مهم در ۳۳ سال گذشته بیشتر در اختیار مهندسان و پزشکان بوده است. باراک اوباما رئیس‌جمهور فعلی آمریکا دارای مدرک لیسانس علوم سیاسی در گرایش روابط بین‌الملل از دانشگاه کلمبیا و دکترای حقوق از دانشگاه هاروارد است. جرج دبلیو بوش داری مدرک کارشناسی ارشد اقتصاد بازرگانی بود. بیل کلینتون نیز در مدرسه حقوق ییل دکترای حقوق گرفته است و ... اما مدارک تحصیلی روسای جمهور در کشور ما یا از این سوی بام انتزاع‌گرایی افتاده است و یا از آن سوی عمل‌گرایی! روسای جمهور ما یا کارشناس فلسفه هستند و یا دکترای ترفیک. هم‌خوانی تخصص‌های علمی به خصوص در سطوح مدیریت سیاسی و اجتماعی کمک‌شایانی به پیشبرد امور در حوزه‌های داخلی و خارجی می‌کند.

۷- گذار از دوقطبی‌های متنازع در انتخابات

برخی افراد و جریان‌های سیاسی، عمده آسیب‌های موجود در نهاد انتخابات را معلول نواقص و کاستی‌های قانون انتخابات کشور می‌دانند. به اعتقاد این دسته در قانون انتخابات باید پیش‌بینی شود اولاً اگر تقلبی در انتخابات صورت گرفت باید این عمل جرم تلقی گردیده و تنها به بطلان صندوق‌های مزبور اکتفا نشود. ثانیاً چنانچه نامزدی پس از اعلام نتیجه، آن را نپذیرفت، مکانیسم‌های قانونی کشور را مورد خدشه قرار داد و با استفاده از احساسات هواداران خود موجی از ناامنی و آشوب را در کشور به وجود آورد، وی نیز مجرم شناخته شود و در محاکم قضایی مجازات گردد. در واقع این دسته معتقدند چنانچه حدود و مقررات رقابت در کشور کاملاً مدون گردد، دیگر شاهد چنین اتفاقاتی نخواهیم بود که عده‌ای با قانون‌گریزی و یا سوء استفاده از خلاءهای قانونی موجی از بلوا و ناامنی را در کشور پدید آورند. اما فراتر از نرم‌افزارهای قانونی، به نظر می‌رسد در قالب سیاست‌های کلی انتخابات بایستی یک مهندسی در الگوی رقابت سیاسی ایران صورت پذیرد و انتخابات به عرصه رقابت سالم و بلوغ نخبگی تبدیل گردد.

توزیع مصالحه‌آمیز تمایلات سیاست‌گذارانه، عبور از شکاف‌ها و هم‌چنین وقوف بازیگران اصلی به نیازهای حیاتی کشور و مردم متناسب با گفتمان پیشرفت و عدالت، تنها با معیارها و استانداردهای بومی ممکن است. این امر مستلزم تغییرات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در سیاست‌های کلی و فرایندهای زیردستی و بالادستی انتخاب کارگزاران سیاسی است. امروزه با کاهش از عمق شکاف‌های ایدئولوژیک و بنیادین و گرایش به میانه‌روی در رفتار سیاسی احزاب، بازیگران اصلی در دهه چهارم انقلاب باید کانون رقابت و هویت خود

را در سطوح مادون سیاست گذاری ها، برنامه های عملیاتی و منافع و منابع قدرت موجود در فضای اجتماعی جستجو کنند.

برگزاری ۱۰ دوره انتخابات ریاست جمهوری، نه دوره مجلس شورای اسلامی، سه دوره مجلس خبرگان رهبری و چهار دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا، تصویری شفاف از بایسته های الگوی رقابت سیاسی را فراروی تحلیل گران بی طرف می گشاید که نیازمند مطالعه دقیق و سیاست گذاری در سطح کلان است. چنان چه این الگوسازی در داخل کشور و در میان خانواده انقلاب صورت نپذیرد، کسانی خارج از مرزها هستند که حتی یک لحظه در طراحی و القای فرهنگ رقابت به ما تردید نمی کنند. نمونه عینی این آسیب خطرناک، در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به نمایش درآمد. هر چند در این انتخابات به واسطه تمهیدات شورای نگهبان و وزارت کشور، بسیاری از شبهات غیر مستند و بعضاً هدفمند پاسخ داده شد، اما تا چه زمان می توان چنین مدل رقابت آسیب پذیری را اجرا نمود؟

با توجه به منابع تولید و توزیع ارزش های سیاسی متکثر در ایران، تعدد احزاب به خودی خود موجب بی ثباتی نیست، بلکه میزان آشتی ناپذیری یا قطب بندی میان احزاب نقش بیشتری در ستیز آلود شدن فضای رقابت دارد. ثبات سیاسی، مولود توافق نهایی نخبگان و مردم بر هویت عمومی جامعه و اصولی است که بر مبنای آن یک نظام سیاسی شکل گرفته است. با مدل سازی عالمانه رقابت در ایران، آینده سیاست از افق ثبات پایدار طلوع می کند. در این چشم انداز، تمامی ساختارها و فرآیندهای سیاسی به تقویت و حمایت از یکدیگر تمایل دارند. همبستگی ملی در کنار همگرایی و تجانس نخبگان سیاسی در اصول بنیادین ضمن افزایش کیفیت مردم سالاری دینی، تعارضات فلسفی و بنیادین رهبران سیاسی را به اختلافات سلیقه ای در مدیریت ها و سیاست گذاری ها فرو می کاهد و مقدمات کارآمدی سیاسی را فراهم می کند. این مهم، بیش از پیش التفات و اهتمام عالمان، اندیشمندان سیاسی و سیاست گذاران در سطح کلان را می طلبد.

جمع بندی و پیشنهاد چارچوبی جهت تنظیم نظام جامع انتخاباتی

اینک به سوال آغازین این نوشتار باز می گردیم که هدف از تعیین سیاست های کلی انتخابات چیست؟ قرار است خروجی این ساز و کار چه باشد؟ خروجی این نظام جامع، آیا قرار است در نهایت منجر به تقویت ساختار کلان مردم سالاری دینی گردد و یا تضعیف آن؟ آن چه از بررسی ملاحظات و متغیرهای پیش گفته در این مقاله، به عنوان تلفیقی از مزیت ها و نقایص قانون انتخابات فعلی و برخی متغیرهای جدید ناظر به قواعد تصمیم گیری، سیاست گذاری و قانون گذاری در حوزه انتخابات به دست می آید، این است که علاوه بر رفع مشکلات گذشته در برگزاری انتخابات، ضرورت طراحی یک چارچوب کلان در قالب

سیاست های کلی انتخابات به منظور پایه گذاری و تنظیم نظام جامع انتخاباتی، یکی از مهم ترین ماموریت های مجمع تشخیص مصلحت نظام در بررسی این سیاست ها محسوب می شود. این چارچوب کلان شامل مولفه های زیرساختی در قانون انتخابات است که شامل مواردی نظیر تدوین و تصویب یک قانون جامع و مانع انتخابات، پویش به نظام انتخاباتی تناسبی و لیستی بسته، اصلاحات در نحوه مدیریت قوه مجریه بر هیئت های اجرایی به منظور جلوگیری از برخوردهای سلیقه ای و دخالت تمایلات سیاسی و جناحی و هم چنین صرفه جویی در هزینه های اجرایی انتخابات با اصلاحاتی در حد نصاب رای انتخاب شوندگان مانند انتخابات مجلس در تهران که معمولاً به دور دوم کشیده می شود، تبیین و تصریح جرائم و تشدید مجازات تخلفات انتخاباتی، ضابطه مندی و یکسان سازی نظارت شورای نگهبان، تعیین سقف هزینه ها برای داوطلبان انتخابات و شفاف سازی مجاری تامین کننده، تهیه چارچوبی اسلامی - حقوقی برای تبلیغات، معرفی داوطلبان نمایندگی در مجلس، شوراها و یا نامزدهای ریاست جمهوری توسط جمعی از نخبگان، تعیین حداقل هایی برای صلاحیت های علمی و عملی داوطلبان در حوزه های مختلف مذهبی، سیاسی و اجرایی و ... می باشد.

این مولفه ها در سطح میانی، اهدافی نظیر تقویت تحزب، شفاف سازی نظام انتخاباتی، جلوگیری از نقش آفرینی باندهای قدرت و ثروت، برطرف ساختن شبهات و تردیدها در نحوه احراز صلاحیت ها و اعلام نتایج، مقابله اساسی با فساد سیاسی - اقتصادی، سلامت فضای انتخابات، گذار از دوقطبی های متنازع، شایسته سالاری و بستر سازی برای ایجاد انعطافات لازم در نوسازی نظام سیاسی را محقق می نماید. این چارچوب راهنما برای تنظیم نظام جامع انتخاباتی در ایران در نهایت به تثبیت و تقویت هنجارها و ارزش های سیاسی مردم سالاری دینی مانند بسط ید ولایت فقیه در کشورداری و تحقق عینی و عملی اراده مردم در اداره امور کشور به عنوان دو مولفه اصلی در کنار سایر مولفه های دولت سازی اسلامی می انجامد.

منابع مأخذ

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- مجموعه قوانین انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹)، اداره کل روابط عمومی شورای نگهبان.
- پایگاه اینترنتی دفتر رهبر معظم انقلاب (<http://farsi.khamenei.ir>).
- پایگاه اینترنتی مجمع تشخیص مصلحت نظام (<http://maslahat.ir>)
- ایوبی، حجت الله، نشانه ها و ویژگی های نظام انتخاباتی کارآمد: اصلاح قوانین انتخاباتی،

اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۸-۱۴۷.

- دهشیار، حسین (۱۳۹۱)، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و هزینه های انتخاباتی، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- ایوبی، حجت الله، نقد و بررسی نظام های انتخاباتی جهان، پورتال رسمی وزارت کشور.
- اسمیت، بی.سی، ثبات سیاسی، دموکراسی توسعه، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی و محمد قائنی نجفی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال شانزدهم، ش ۱۶۹-۱۷۰.
- اسمیت، برایان کلایو (۱۳۸۰)، فهم سیاست جهان سوم، نظریه های توسعه و دگرگونی سیاسی. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی و محمدسعید قائنی نجفی، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- دوورژه، موریس (۱۳۷۲)، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، درآمدی بر نسبت رقابت سیاسی با سرانه ناامنی در رقابت ها و چالش های سیاسی در ایران امروز، مجموعه مقالات، جلد اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- André Blais and R.K. Carty, «The Psychological Impact of Electoral Laws: Duverger's Elusive Factor», *British Journal of political Science*, vol,21(1991),pp.79-93.
- Drew Westen (2008), *The Political Brain: The Role of Emotion in Deciding the Fate of the Nation*, PublicAffairs.
- Lustick, Ian (2000), «Stability in deeply divided societies: Consociationalism versus control», in John Hutchinson and Antony D. Smith (eds.) *Critical Concepts in Political Science*, Vol.5, London: Routledge

سیاست های کلی انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مراحل و فرایند تدوین در مجمع تشخیص مصلحت نظام

کمیته مستند سازی - کمیسیون مشترک

گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی همراه با برگزاری انتخابات متعدد، و کسب تجربیات مختلف عرصه‌ی، مناسبی برای آزمون الگوی نوینی از مردم سالاری بر اساس آموزه های اسلامی را فراهم ساخت. گنجانده شدن عنوان «انتخابات» در فهرست عناوین جدید سیاست های کلی نظام، ابلاغی مقام معظم رهبری به مجمع تشخیص مصلحت نظام، هم اکنون فضا و فرصت لازم را برای بازبینی تجربیات گذشته و کاستن از آسیب ها، تقویت فرصت ها و بهره گیری از تجربیات حاصل شده در برگزاری انتخابات و تحکیم بنیان های مردم سالاری اسلامی را ایجاد کرده است. جهت تحقق چنین هدفی، ترسیم ویژگی ها و مختصات نظام کارآمد و مطلوب انتخاباتی در قالب سیاست های کلی امری ضروری بود. چنین الگویی می بایست با عنایت به قانون اساسی، ماهیت مردم سالار نظام اسلامی، دیدگاه های بنیان گذار جمهوری اسلامی و منویات و رهنمودهای مقام معظم رهبری و تجارب نظام جمهوری اسلامی طراحی گردد. تلاش های مجمع تشخیص مصلحت و کارگزاری های آن برای تحقق این هدف در مقاطع مختلف، در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

انتخابات، ایده انتخابات، سیاست های پیشنهادی، ارزیابی سیاست ها، سیاست های کلی انتخابات

مقدمه

پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و برگزاری انتخابات متعدد در سطوح ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای شهر و روستا، و مجلس خبرگان رهبری؛ انتخابات به عنوان رويه ای پایدار، در اداره امور کشور، تثبیت شده است. از آنجا که در عمل، قانون و فرایند اجرای انتخابات، همواره با چالش ها و آسیب هایی مواجه بوده، ساماندهی امور مربوط به انتخابات کشور در راستای تحقق یک الگوی مطلوب، بایسته و ضروری بوده است. تشویق و تسهیل مشارکت مردم در انتخابات های مختلف، مبین اهتمام نظام جمهوری اسلامی ایران به اصول و قواعد مردم سالاری مبتنی بر آموزه های اسلامی است. از سوی دیگر حضور مستمر و مداوم مردم در صحنه های انتخابات، شاخص اعتماد آنها به نظام اسلامی و کارا و متناسب دیدن الگوی آن برای مشارکت سیاسی و دخالت در سرنوشت منطبق با هویت اسلامی و ملی و نیازهای حال و آینده در ترسیم و تحقق جامعه مطلوب بوده است.

انتخابات به مثابه ساز و کار و فرایندی که تعیین کننده کیفیت و مراحل تحقق مشارکت در عرصه سیاسی است، از ابعاد مختلف حائز اهمیت است به نحوی که ساختار و مختصات نظام انتخاباتی در یک نظام سیاسی شاخص امکان پذیری و ماهیت و میزان مشارکت مردم و مردم سالاری آن نظام است. بنابراین یکی از اساسی ترین دغدغه ها در نظام های مردم سالار طراحی نظام و الگویی متناسب برای انتخابات منطبق با انتظارات، آرمان ها، ایده آل ها و نیازها است. مشارکت حداکثری بدون مانع و روان در فضایی از تحرک و رقابت سیاسی نشاط آور و دور از اغوا و فریب و عرصه دادن به نامزدها در معرفی توانمندی ها و هویت واقعی و به گزینش گران در گزینش نامزدها بر اساس اطلاعات و آگاهی های متقن، در چارچوب الزامات رقابت و مشارکت سیاسی در نظام اسلامی، همواره جزء تاکیدات رهبران نظام جمهوری اسلامی بوده است. با این حال برگزاری انتخابات همواره با چالش هایی همراه بوده است. تبیین سیر بررسی سیاست های کلی انتخابات علاوه بر اینکه تلاشی در جهت بازنمایی و معرفی الگو و نظام مطلوب انتخابات در نظام جمهوری اسلامی است، چالش ها و آسیب های برگزاری انتخابات را بر اساس تجربیات گذشته نیز بیان می کند و متناسب با مختصات الگوی مطلوب، راهبردهای کلان حل معضلات را ارائه می دهد. الزامات ناشی از قانون اساسی در ضرورت تحقق حقوق اساسی عامه مردم و شهروندان جامعه اسلامی و ضرورت حفظ ماهیت اسلامی و مردم سالار نظام جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه های امام راحل (ره) و منویات و رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و تجارب موجود در چارچوب ظرفیت ها، ضرورت ها و نیازهای حال و آینده کشور

و اقتضائات تحقق آن، از اصول راهنمای تدوین این سیاست ها بوده است. مباحث این مقاله در محورهای ذیل سازماندهی شده است:

الف) فرایند بررسی سیاست های کلی انتخابات از آغاز تا ابلاغ عناوین جدید سیاست های کلی نظام،
ب) تدوین سیاست های کلی انتخابات بر اساس اولویت های جدید عناوین سیاست کلی.

الف) فرایند بررسی سیاست های کلی انتخابات از آغاز تا ابلاغ عناوین جدید سیاست های کلی

یکی از مهمترین وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام، ارائه مشاوره به مقام معظم رهبری در تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران است. از سال ۱۳۷۲ با ابلاغ سیاست های کلی برنامه پنج ساله دوم تا شهریور ۱۳۹۳ و ابلاغ سیاست های کلی علم و فناوری، مجموعاً ۳۸ عنوان سیاست کلی در موضوعات مختلف توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب و پس از تأیید مقام معظم رهبری، توسط معظم له ابلاغ گردیده است. ضرورت تدوین سیاست های کلی انتخابات، ناظر به مسائل و معضلاتی است که طی سه دهه گذشته گریبانگیر قوانین انتخابات بوده است. تغییرات فراوان این قوانین در مجالس مختلف؛ به گونه ای که این قوانین در ۳۳ سال گذشته بیش از ۵۳ بار مورد بازنگری قرار گرفته است. نکته حائز توجه آن است که در این تغییرات گاه گرایشات حزبی - جناحی و حتی تمایلات و منافع صنفی - سیاسی موثر بوده است. فرایند تدوین سیاست های کلی انتخابات از آغاز تا کنون را می توان به دو مرحله تقسیم کرد: مرحله اول از آغاز فرایند تدوین سیاست ها در مجمع تا دستور مقام معظم رهبری به مجمع. معظم له پس از طی مراحل و مکاتباتی که در این خصوص صورت گرفته بود، راهکار «تعیین سیاست های کلی انتخابات، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام»^۱ را به ریاست مجمع ابلاغ فرمودند. در این مرحله روند تدوین سیاست های انتخابات به سرانجام مطلوب خود نرسید. مرحله دوم با ابلاغ عناوین جدید سیاست های کلی انتخابات آغاز می شود که در آن فرایند آماده سازی و تدوین تصویب سیاست های کلی با رویه معمول در سیاست گذاری مجمع تفاوت هایی دارد. انتخابات یکی از عناوین جدید ابلاغی به مجمع است و سیاست های ابلاغی آن بر اساس روش و فرایند جدید سیاست گذاری در مجمع تهیه و تدوین گردیده است. در این نوشته فرایند تدوین سیاست های کلی انتخابات از آغاز تا انجام مورد بررسی و تدوین قرار گرفته است.

یکم) تهیه پیش نویس سیاست های پیشنهادی در سال ۱۳۸۵

ماموریت دبیرخانه مجمع برای تدوین پیش نویس سیاست های انتخابات در قالب نظر مشورتی در سال ۱۳۸۱ آغاز شد و پس از طی مراحل کارشناسی، در سال ۱۳۸۵ متن
۱- نامه مقام معظم رهبری به ریاست مجمع (۱۳۸۷/۰۹/۱۶).

پیش نویس مصوب کمیسیون سیاسی دفاعی امنیتی مجمع در ۱۴ بند به شرح ذیل به شورای مجمع تقدیم شد:

۱. تنظیم تاریخ و همزمانی برگزاری انتخابات در کشور به گونه‌ای که حتی‌الامکان فاصله برگزاری انتخابات حدود دو سال باشد،
۲. برگزاری انتخابات میان دوره‌ای با اولین انتخابات سراسری بعدی، مگر آنکه موجب از رسمیت افتادن نهاد مربوطه گردد،
۳. ارتقاء سلامت انتخابات و سهولت و سرعت در اعلام نتایج آراء از طریق کاربست فناوری‌های جدید در اخذ رای و شمارش آراء و استانداردسازی صندوق‌های اخذ رای، استفاده از معتمدین محلی مستقل و بی طرف در ترکیب هیات‌های اجرائی،
۴. ارتقاء فرهنگ انتخابات در راستای شکل‌گیری فضای سالم و مشارکت حداکثری با مقابله‌ی با هنجارشکنی‌ها در انتخابات، فراهم‌سازی فرصت و امکانات کافی جهت شناخت مردم از داوطلبان و برنامه‌های آنان توسط رسانه ملی، تمهید ساز و کارهای مقتضی جهت پیشگیری از اقدامات تخریبی علیه داوطلبان و تهدید امنیت، وحدت و همبستگی ملی و رسیدگی مؤثر به جرائم و تخلفات تبلیغاتی،
۵. ممنوعیت استفاده از امکانات عمومی و شفاف‌سازی منابع تامین مالی تبلیغات،
۶. تعمیم نظارت مندرج در اصل (۹۹) قانون اساسی بر کلیه انتخابات،
۷. وحدت رویه و ضابطه‌مند سازی شرایط احراز صلاحیت داوطلبان و پاسخگویی در مقابل رد صلاحیت‌ها،
۸. تعیین حداقل سن رای دهندگان و نامزدها (۱۸ سال برای رای دهندگان، حداقل ۳۰ سال برای داوطلبان مجلس شورای اسلامی و شوراها و ۴۰ سال برای ریاست جمهوری)،
۹. تعیین صلاحیت‌های تخصصی «تحصیلی و تجربی» برای کاندیداهای مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری با،
۱۰. تبیین و تشریح شرایط داوطلبان ریاست جمهوری مندرج در قانون اساسی و تصویب قوانین مقتضی،
۱۱. الزامی بودن استمرار صلاحیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در طول دوران نمایندگی؛ تعهد و پایبندی داوطلبان به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و التزام عملی به احکام اسلام (التزام اقلیت‌ها به احکام دین خود): «استمرار صلاحیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در طول دوران نمایندگی الزامی است. در صورت فقدان صلاحیت در طول دوران نمایندگی، با پیشنهاد $\frac{1}{3}$ نمایندگان و با تصویب هیات رئیسه موضوع در دستور کار قرار گرفته و پس از تصویب $\frac{3}{4}$ نمایندگان به شورای

نگهبان ارجاع داده می‌شود. رای $\frac{3}{4}$ کل اعضای شورای نگهبان در این مورد الزامی است.»

دویم) تجدید نظر در بررسی و تدوین پیش نویس سیاست های پیشنهادی در سال ۱۳۸۸

پس از مرحله اول، سابقه بحث در خصوص سیاست های کلی انتخابات، به نامه وزیر کشور وقت، حجت الاسلام پورمحمدی، به مقام معظم رهبری در مورخ ۱۳۸۷/۰۸/۲۶ باز می‌گردد. وزیر کشور در این نامه، ضمن ذکر برخی چالش ها و معضلات قانون انتخابات، از مقام معظم رهبری، درخواست می‌نماید موضوع انتخابات به عنوان یک معضل مورد بررسی قرار گیرد. در نام، اهم مطالب در محورهای ذیل تنظیم شده است؛

محورهای نامه وزیر کشور

- ۱) عمده معضلات این حوزه [انتخابات]، ریشه در قوانین، تغییرات پی‌درپی و تفاسیر متفاوت از قانون دارد؛ لذا ضروریست بازنگری در قوانین با حفظ ثبات نسبی آنها، صورت پذیرد،
- ۲) تعیین زمان ثابت انتخابات و رفع تنگناهای قانونی آن،
- ۳) تجمیع انتخابات که کلیات آن تصویب شده و نیازمند رفع موانع قانونی است،
- ۴) تعیین سن واحد برای رأی دهندگان در همه انتخابات،
- ۵) ساماندهی و وحدت رویه در فرایند نظارت و اجرا در همه انتخابات،
- ۶) تعیین حدود قانونی نظارت و ممانعت از اعمال تفاسیر متفاوت و متغیر،
- ۷) اخذ تصمیم مقتضی در استفاده از فن آوری های جدید در انتخابات،
- ۸) ساماندهی و ثبات در فرایند احراز صلاحیت نامزدها،
- ۹) ساماندهی به فرایند تبلیغات انتخاباتی.

دستور مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری در پاسخ به این نامه، در تاریخ ۱۳۸۷/۰۳/۰۵ مرقوم می‌فرمایند: «پیشنهاد آقای پورمحمدی ایده‌ای است که لازم است در صحن اصلی مجمع تشخیص مصلحت نظام با حضور خود ایشان مورد بحث و بررسی قرار گیرد و پس از آن، مجمع نظر مشورتی خودش را نسبت به این ایده و پیشنهاد ذیل آن به اینجانب ارائه کند؛ تا تصمیم مقتضی گرفته شود.»

۱- به نقل از گزارش روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۸/۱۲/۰۱).
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8812011327>

سیم) بررسی در مجمع تشخیص مصلحت نظام

متعاقب دستور مقام معظم رهبری، کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی مجمع تشخیص مصلحت نظام طی چندین جلسه کارشناسی، موضوع را بررسی و محورهای پیشنهادی طی نامه شماره ۹۴۵۱/۶۳۹۹ مورخ ۱۳۸۷/۰۸/۰۵، در دستور کار مجمع قرار گرفت. مجمع در تاریخ ۱۳۸۷/۰۸/۱۱ پیشنهادهای کمیسیون را تصویب نموده و طی نامه شماره ۵۷۲۲۴/۰۱۰۱ مورخ ۸۷/۰۸/۲۶ به استحضار مقام معظم رهبری می‌رساند. مهم‌ترین محورهای مصوب شورای مجمع، که توسط ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام به استحضار مقام معظم رهبری رسید عبارت بودند از:

- ۱) ضرورت بازنگری در قوانین، ضمن حفظ ثبات نسبی آنها؛ از جمله مقوله سن رأی دهندگان و تبلیغات کاندیداها،
- ۲) تعیین زمان ثابت جهت انجام انتخابات و رفع تنگناهای قانونی آن،
- ۳) ساماندهی و وحدت رویه در فرایند نظارت و اجرا در همه انتخابات،
- ۴) تعیین حدود قانونی نظارت و ممانعت از اعمال تفاسیر متفاوت و متغیر،
- ۵) اخذ تصمیم مقتضی در استفاده از فن آوری های جدید در انتخابات،
- ۶) ساماندهی و ثبات در فرایند احراز صلاحیت نامزدها،
- ۷) تدوین یا اصلاح قانون در زمینه مولفه های مهم در فرایند انتخابات (نظام انتخابات، جایگاه احزاب در انتخابات، تبلیغات، رسیدگی به شکایات، انصراف کاندیداها).

در پایان نامه ریاست محترم مجمع دو درخواست را ارایه نمودند:

- ۱- موضوع انتخابات به صورت یک معضل مورد بررسی قرار گیرد،
- ۲- کمیته ای مستقل به بررسی این موضوع بپردازد.

چهارم) در اولویت قرار گرفتن سیاست های کلی انتخابات

مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۷/۰۹/۱۶ در پاسخ به نامه آیت الله هاشمی رفسنجانی مرقوم می‌نمایند: «ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، با سلام و تحیت؛ به نظر می‌رسد در صورتی که سیاست‌های کلی درباره انتخابات مشخص و در آن از نواقص کنونی پیشگیری شود، معضلی باقی نخواهد ماند. پس اولی آن است که فرآیند تنظیم سیاست‌های کلی در آن مجمع محترم آغاز گردد»^۱.

پنجم) بررسی مجدد سیاست های انتخابات

در راستای تحقق فرمان مقام معظم رهبری، اقدامات لازم در دبیرخانه مجمع بخصوص کمیسیون سیاسی- دفاعی دبیرخانه با حضور کارشناسان کمیسیون، شخصیت های سیاسی، برخی نمایندگان ادوار پیشین و کنونی مجلس صورت گرفت. و با بررسی و مطالعه گسترده و دقیق سوابق و فرایند برگزاری انتخابات در ایران (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی)، نظرات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری، قانون اساسی، تجربیات سایر کشورها و نظرات کارشناسی، در نهایت سیاست های کلی در سال ۱۳۸۸ در ۷ محور و در مجموع ۲۸ بند، توسط کمیسیون سیاسی، دفاعی مجمع تدوین و به شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام تقدیم گردید:

ششم) پیش نویس سیاست های کلی انتخابات پس از دستور مقام معظم رهبری (بشهادی کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی دبیرخانه)

الف) زمان انتخابات

- ۱) تنظیم تاریخ و هم زمانی برگزاری انتخابات در کشور به گونه ای باشد که فاصله برگزاری انتخابات حدود ۲ سال باشد. انتخابات ریاست جمهوری با انتخابات شوراهای اسلامی، همچنین انتخابات مجلس شورای اسلامی با انتخابات مجلس خبرگان رهبری، به صورت همزمان برگزار می گردند،
- ۲) انتخابات میان دوره ای با اولین انتخابات سراسری بعدی برگزار می شود، مگر آنکه موجب از رسمیت افتادن نهاد مربوطه گردد،
- ۳) کلیه انتخابات در اردیبهشت ماه برگزار خواهد شد (همچنین مرحله اول انتخابات، در انتخابات دو مرحله ای).

ب) ساماندهی اجرا

- ۴) کمیسیون ملی انتخابات، مسئولیت برگزاری انتخابات، بررسی صلاحیت داوطلبان، کنترل و نظارت بر تبلیغات و هزینه های انتخاباتی و انجام بازرسی و رسیدگی به شکایات را بر عهده دارد،
- ۵) کمیسیون ملی انتخابات مرکب از ۹ نفر به شرح زیر است:
 - ۱) وزیر کشور و وزیر اطلاعات از طرف قوه مجریه؛
 - ۲) رئیس دیوان محاسبات کشور و یک نفر دیگر به انتخاب مجلس شورای اسلامی از طرف قوه مقننه؛

- ۳) دادستان کل کشور و رئیس بازرسی کل کشور از طرف قوه قضائیه؛
- ۴) یک نفر از اعضای حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام به انتخاب مجمع؛
- ۵) رئیس شورای عالی استان ها؛
- ۶) رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران؛
- ۷) یک نفر از اعضای شورای نگهبان به انتخاب آن شورا به عنوان ناظر (بدون حق رأی).
- ۶) دستگاه های اجرایی کشور به ویژه وزارت کشور، موظف به اجرای تصمیمات کمیسیون انتخابات می باشند،
- ۷) ارتقاء سطح سلامت انتخابات با تاکید بر استفاده از معتمدین محلی مستقل و بی طرف در ترکیب هیات های اجرائی جهت رفع شبهه، نسبت به اعمال نفوذ از سوی دستگاه های اجرایی.

ج) وحدت رویه در فرایند نظارت

- ۸) مسئولیت نظارت بر حسن اجرای قانون انتخابات، بر عهده شورای نگهبان است. این شورا همچنین مرجع نهائی رسیدگی به شکایات، و تأیید یا ابطال انتخابات می باشد،
- ۹) وظیفه نظارتی شورا مطابق اصل ۹۹ قانون اساسی، برای تمام انتخابات رسمی کشور، تعمیم داده می شود،
- ۱۰) نظارت و اجرای انتخابات، در چارچوب و زمان بندی قانونی انجام می پذیرد. قوانین و مقررات مربوط به اجرا و نظارت در کلیه انتخابات یکسان خواهد بود،
- ۱۱) تمهید ساز و کارهای مقتضی جهت نظارت نمایندگان احزاب و تشکل های قانونی، و نمایندگان کاندیداها بر فرایند اخذ، شمارش و تجمیع آراء.

د) تبلیغات و هزینه های انتخاباتی

- ۱۲) تدوین و تصویب قوانین و مقررات فعالیت های تبلیغاتی، در جهت شکل گیری فضای مطلوب و مشارکت حداکثری، رعایت قواعد رقابت سالم و حقوق مردم و نیز فراهم سازی فرصت کافی و امکانات عادلانه در راستای شناخت مردم از داوطلبان و برنامه های آنان، توسط رسانه ملی و سایر رسانه های عمومی،
- ۱۳) تدوین ساز و کارهای مقتضی جهت پیشگیری از اقدامات تخریبی علیه داوطلبان و تهدید امنیت، وحدت و همبستگی ملی و رسیدگی مؤثر به جرائم و تخلفات تبلیغاتی،
- ۱۴) شفاف سازی منابع هزینه های تبلیغاتی و تعیین سقف هزینه ها برای داوطلبان، احزاب، گروه ها و تشکل های سیاسی و ممنوعیت استفاده از امکانات دولتی و عمومی.

ه) روشهای جدید برگزاری انتخابات

۱۵) بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین در همه مراحل انتخابات و تعیین حوزه‌های رأی‌گیری برای رأی‌دهندگان قبل از برگزاری انتخابات،

۱۶) فراهم نمودن امکان رأی به لیست احزاب و تشکل‌های قانونی به صورت یکجا (بدون ذکر اسامی کاندیداها)، ضمن امکان دادن رأی مستقیم به افراد داوطلب،

۱۷) تمهیدات مقتضی جهت ارتقاء ضریب امنیت انتخابات.

و) شرایط داوطلبان و نظام صلاحیت‌ها

۱۸) تعیین صلاحیت‌های تخصصی «تحصیلی و تجربی»؛ برای داوطلبان مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری،

۱۹) تبیین و تشریح شرایط داوطلبان ریاست جمهوری مندرج در قانون اساسی، با تصویب قوانین مقتضی،

۲۰) رعایت سن حداقل ۱۸ سال برای رأی‌دهندگان، حداقل ۳۰ سال برای داوطلبان مجلس شورای اسلامی و شوراها و ۴۰ سال برای داوطلبان ریاست جمهوری،

۲۱) تعهد و پایبندی داوطلبان نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و التزام عملی نسبت به احکام اسلام (التزام اقلیت‌ها به احکام دین خود)،

۲۲) شفاف‌سازی و حتی‌الامکان کمی نمودن شرایط داوطلبان برای انتخابات،

۲۳) قانونمندی و وحدت رویه در احراز صلاحیت داوطلبان، و پاسخگو بودن در مقابل آنان،

۲۴) افراد شاغل در مناصب اجرائی یا نظارتی انتخاباتی، در صورت تمایل به کاندیدا شدن، باید حداقل از ۶ ماه قبل از روز اخذ رأی، از سمت خود استعفا داده باشند؛ همچنین کسانی که به مقتضای شغل خود، برابر قانون حق شرکت در انتخابات را ندارند، باید از ۳ ماه قبل از روز اخذ رأی، در آن پست شاغل نباشند،

۲۵) معرفی حداقل ۲۰ نفر از مقامات مسئول (فعلی یا سابق) و متنفذ، در سطوح ملی و محلی (نظیر نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی، وزراء، ائمه جمعه، اساتیدحوزه و یا دانشگاه، استناداران، سفراء، قضات عالیرتبه)، از طرف داوطلبین ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شورای شهر مراکز استانها به عنوان «معرف و تاییدکننده»، به هنگام ثبت نام،

۲۶) دستگاه‌های مسئول اجرائی یا نظارتی در زمینه احراز صلاحیت‌ها، صرفاً از طریق مراجع چهارگانه (وزارت اطلاعات، دادستانی کل، سازمان ثبت احوال کشور و نیروی انتظامی و پلیس بین‌الملل) - هر یک در چارچوب وظایف قانونی خود و افراد معرف و تاییدکننده،

که داوطلب هنگام ثبت نام اعلام کرده است، اقدام نموده؛ و از شیوه‌هایی نظیر تحقیقات محلی برای احراز صلاحیت باید اجتناب گردد.

ز) اصلاحات قانون انتخابات

۲۷) قانون جامع انتخابات که پس از ابلاغ سیاست های کلی به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید، تا ۱۰ سال بعد قابل تغییر نخواهد بود. پس از هر ۱۰ سال، قانون انتخابات در صورت لزوم قابل اصلاح خواهد بود،

۲۸) اصلاحات ضروری در قانون انتخابات، در صورتی که بیش از یکسال به هر انتخابات مانده باشد، تنها با رأی دو سوم نمایندگان مجلس ممکن خواهد بود.

هفتم) توقف بررسی سیاست ها در مجمع

با برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ و مسائل آن، بررسی سیاست های کلی انتخابات در شورای مجمع با وقفه ای یکساله مواجه شد. مجدداً در اواخر سال ۱۳۸۸ با شروع بررسی سیاست‌های مذکور، کلیات آن با اکثریت آرا در مجمع تصویب شد و متعاقب آن بررسی بندهای سیاستی در دستور کار جلسات مجمع قرار گرفت. در جلسه روز شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۸۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام که به ریاست آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و با حضور اکثریت اعضاء تشکیل شد، موضوع سیاست‌های کلی انتخابات که کلیات آن در جلسه قبل به تصویب رسیده بود، پیگیری شد و پس از بحث و بررسی، بند یک این سیاست‌ها ناظر بر تجمیع و همزمانی انتخابات کشور به این شرح تصویب گردید: «تنظیم تاریخ و همزمانی برگزاری انتخابات در کشور، به گونه‌ای که فاصله برگزاری انتخابات حدود دو سال باشد. انتخابات ریاست جمهوری با انتخابات شوراهای اسلامی، همچنین انتخابات مجلس شورای اسلامی با انتخابات مجلس خبرگان رهبری به صورت همزمان برگزار می‌گردند»^۱. در ادامه بررسی‌ها و با بروز چالش‌های جدی در رابطه با برخی بندهای پیشنهادی، موارد جهت بررسی بیشتر به کمیسیون ارجاع شد.

ب) تدوین سیاست های کلی انتخابات بر اساس اولویت های جدید عناوین سیاست کلی

یکی از ماموریت‌های ششمین دوره مجمع تشخیص مصلحت نظام، که در پیوست حکم انتصاب اعضای جدید در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۹۰ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده، «تعیین سیاست های کلی نظام در حوزه انتخابات» است.

بنا به تصریح مقام معظم رهبری در پیوست حکم اعضای دور ششم مجمع تشخیص

مصلحت نظام، ادامه بررسی سیاست‌های کلی انتخابات با توجه به تغییرات در فرایند سیاست‌گذاری که در آن بندهای سیاستی بر اساس محتوا و الزامات ایده ابلاغی عنوان سیاست کلی مربوطه صورت می‌گیرد، در دستور کار مجمع قرار گرفت.

یکم) ایده ابلاغی سیاست‌های کلی انتخابات

«انتخابات مظهر مردم سالاری دینی و مجرای اعمال حاکمیت ملت بر اساس یک نظام جامع و موجب تحکیم مقبولیت نظام، حاکمیت ملی و استقلال کشور، ارتقاء کارآمدی و وجهه و الهام بخشی نظام در عرصه بین‌المللی و تقویت وحدت ملی است. سیاست‌های کلی مربوط بایستی:

- تأمین‌کننده مشارکت گسترده مردم در امر انتخابات و افزایش نقش آگاهانه آنها در اداره امور کشور با انتخاب داوطلبانی در تراز شایسته جمهوری اسلامی ایران و دارای ویژگی‌هایی متناسب با جایگاه‌های مربوط باشد،
- جهت‌گیری کلی نظام مبنی بر برگزاری انتخابات همراه با سلامت و امنیت بر مدار ساز و کارهای قانون اساسی از جمله در زمینه مسئولیت اجرای انتخابات و نظارت بر آن را تعیین کند،
- بر استحکام و ثبات نسبی قوانین و مقررات، تسهیل حضور مردم و تأمین حقوق برابر آنها در انتخابات تأکید ورزد،
- زمینه‌های حضور و رقابت سالم شایسته‌ها، شفافیت منابع و هزینه‌ها و کوتاه شدن دست کانون‌های ثروت و قدرت و دفع آسیب‌های دشمنان را فراهم سازد.»

دویم) پیش‌نویس سیاست‌های کلی انتخابات پیشنهادی کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی دبیرخانه (ویرایش اول)

- بند ۱- تأمین عدالت انتخاباتی و ساماندهی انتخابات از طریق:
- حوزه‌بندی انتخابات در حوزه‌های انتخابی مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی استان با بیش‌تر از سه نماینده به گونه‌ای که هر فرد حداکثر به سه نامزد رأی دهد؛
 - برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی به صورت یک مرحله‌ای بر مبنای انتخاب نمایندگان با اکثریت نسبی آراء؛
 - استفاده از روش‌های نوین و فناوری‌های جدید در اخذ، شمارش و تجمیع آراء و نیز در ثبت نام از انتخاب‌کنندگان و مشخص نمودن تدریجی حوزه‌های رأی‌گیری برای رأی‌دهندگان قبل از روز رأی؛
 - تنظیم تاریخ برگزاری انتخابات در کشور به گونه‌ای که فاصله برگزاری انتخابات دو سال و در ماه اردیبهشت باشد.

بند ۲- ایجاد فضای مطلوب رقابتی، حضور حداکثری و تأمین فرصت و امکانات مناسب عادلانه برای بالا رفتن سطح شناخت مردم از داوطلبان و برنامه های آنان از طریق بهره مندی نامزدهای انتخاباتی از رسانه ملی، محلی و امکانات عمومی کشور.

بند ۳- تأمین فضای رقابت سالم بین نامزدها از طریق تعیین سقف هزینه های انتخاباتی، ایجاد ساز و کار مناسب جهت شفاف سازی امکانات، منابع و هزینه های مالی و جلوگیری از استفاده غیرمجاز از امکانات و منابع دولتی و عمومی.

بند ۴- پیش بینی ساز و کار خاص قضایی برای رسیدگی سریع و دقیق به جرایم و تخلفات انتخاباتی و تعیین مصادیق آنها.

بند ۵- ایجاد بستر و زمینه های لازم جهت نقش آفرینی و حضور فعال احزاب و تشکل های سیاسی در عرصه انتخابات به منظور ارتقاء سطح آگاهی های عمومی، بسیج و به صحنه آوری سلیقه های مختلف مردم و ارتقای قابلیت مدیریت فضای انتخابات و نامزدهای انتخاباتی توأم با پاسخگو بودن در قبال عملکردشان از طریق:

- تعیین ضوابط فعالیت احزاب در انتخابات مبتنی بر اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی ایران؛
- حمایت مالی از احزاب و تشکل های سیاسی در انتخابات به تناسب تعداد اعضاء فعال، پشتوانه اجتماعی و نامزدهای انتخاباتیشان؛
- فراهم نمودن امکان نظارت نمایندگان احزاب و تشکل های سیاسی در مراحل اخذ، شمارش و تجمیع آراء؛
- فراهم نمودن امکان رأی به لیست احزاب و تشکل های سیاسی در کنار رأی مستقیم به افراد داوطلب.

بند ۶- دستیابی به حداکثر کارآمدی در نظامات قانون گذاری و اجرایی از طریق:

الف) لحاظ شرایط لازم برای نامزدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی:

- دارا بودن حداقل ۳۵ سال،
- دارا بودن مدرک تحصیلی رسمی لیسانس یا مدرک حوزوی معادل و یا بهره مندی از شرایط حرفه ای و تخصصی معادل،
- داشتن حداقل پنج سال تجربه مدیریتی، آموزشی، تحقیقاتی، تقنینی، قضایی و یا حداقل ده سال سابقه کارشناسی،
- پرداخت وثیقه مالی به میزان یکصد میلیون ریال و استرداد آن در صورت عدم تأیید صلاحیت، انصراف، یا کسب حداقل پنج درصد از کل آرای انتخاب کنندگان،

• استعفاء مقامات مسئول از سمت خود حداقل سه ماه قبل از روز اخذ رأی.

ب) لحاظ شرایط لازم برای نامزدهای رئیس جمهوری:

- دارا بودن حداقل ۴۰ سال سن،
- ارائه امضاء ۱۰۰ نفر مبنی بر تأیید شرایط مندرج در اصل یکصد و پانزده قانون اساسی در هنگام ثبت نام شامل نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، اعضای حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزراء، ائمه جمعه، اساتید حوزه یا دانشگاه، سفراء، قضات عالیرتبه، اعضای شوراهای اسلامی.

ج) لحاظ شرایط لازم برای نامزدهای نمایندگان در شوراهای اسلامی:

- دارا بودن حداقل ۲۵ سال سن،
- شرط سکونت در محل حداقل ۱ سال متصل به زمان انتخابات،
- دارا بودن مدرک تحصیلی رسمی لیسانس یا مدرک تخصصی معادل برای عضویت در شوراهای فرا دست (شهرستان، استان و شورای عالی استان‌ها) و شوراهای شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر.

د) لحاظ شرایط لازم برای انتخاب کنندگان:

- دارا بودن حداقل سن ۱۸ سال تمام در روز رأی گیری.

بند ۷- مسئولیت نظارت بر حسن اجرای قانون انتخابات و احراز صلاحیت نامزدهای مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و خبرگان رهبری بر عهده شورای نگهبان است. احراز نهایی صلاحیت نامزدها (شامل مراحل بررسی، تجدید نظر و فرجام خواهی) حداکثر تا یکماه قبل از زمان رأی گیری صرفاً از طریق استعلام از مراجع چهارگانه (قوه قضاییه، وزارت اطلاعات، سازمان ثبت احوال کشور و نیروی انتظامی هریک در چارچوب وظایف قانونی خود) صورت می پذیرد. مراجع مذکور موظف به پاسخ به تمامی استعلام‌ها حداکثر طی دو هفته خواهند بود.

بند ۸- ستاد انتخابات کشور در وزارت کشور تشکیل شده و مسئولیت برگزاری انتخابات، کنترل و نظارت بر تبلیغات و هزینه‌های انتخاباتی، انجام بازرسی و رسیدگی اولیه به شکایات و تخلفات انتخاباتی را بر عهده دارد. رئیس ستاد وزیر کشور بوده و دبیر ستاد توسط وی معرفی و به تصویب اعضای می رسد. اعضای این ستاد عبارتند از: وزیر کشور، وزیر اطلاعات، دادستان کل کشور، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، رئیس دیوان محاسبات کشور، دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب آن مجلس، رئیس شورای عالی استان‌ها، رئیس سازمان صدا و سیما، یک نفر از اعضای حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام به انتخاب مجمع، دو نفر از

طرف خانه احزاب به انتخاب خانه احزاب.

بند ۹- قانون جدید انتخابات در چارچوب سیاست های کلی انتخابات تدوین خواهد شد و پس از تصویب و ابلاغ تا ده سال قابل تغییر نخواهد بود.

سیم) ارزیابی پیش نویس اولیه سیاست های کلی انتخابات توسط نهادهای حقوقی و اجرایی

(شورای نگهبان، معاونت حقوقی ریاست جمهوری و وزارت کشور)

الف) ارزیابی های کلی

- سیاست های کلی نظام در مرتبه ای فراتر از قوانین عادی و موضوعه قرار دارند و برای تحقق اهداف کلان نظام در نظر گرفته شده اند به نظر می رسد که از جهت صورت و شکل نیز باید از قوانین موضوعه متمایز باشند. در حالی که برخی موارد مطروحه در پیش نویس سیاست های کلی انتخابات از جمله بندهای ۶، ۷ و ۸ ناظر به امور جزئی بوده و در برگیرنده امور تقنینی می باشد که می توان از طریق قوه مقننه نسبت به تصویب آن اقدام نمود.
- قبل از پرداختن به جزء به جزء بندهای پیشنهادی به عنوان سیاست های کلی انتخابات لازم به ذکر است محتوای بندهای ارائه شده نوعاً ورود به جزئیات امر برگزاری انتخابات بوده و شأن نام گذاری آن به عنوان سیاست های کلی در بخش قابل توجهی از موارد محل سوال است. همچنین مشخص نیست در موضوعاتی که در این طرح به جزئیات آن پرداخته شده، شرایط و موانع آورده شده حصری می باشد یا امکان اعمال سایر شرایط فعلی در قوانین موجود به خصوص در بحث داوطلبی متصور است یا خیر؟
- موضوعاتی که در قانون اساسی تعیین تکلیف شده علی الاصول نباید به عنوان سیاست های کلی مورد تصویب و ابلاغ قرار گیرد از جمله اینکه در اصل ششم تأکید شده «امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود». بنابراین ذکر مطالبی چون «جهت گیری کلی نظام مبتنی بر برگزاری انتخابات همراه با سلامت» به عنوان ایده سیاست های کلی مناسبتی ندارد و چه بسا موجب این ابهام و اشکال شود که تاکنون انتخابات همراه با سلامت نبوده است. همینطور است «کوتاه شدن دست کانون های ثروت و قدرت» زیرا امور یادشده بر مبنای امور کشور با اتکاء آراء عمومی به نحوی که در صدر اصل ششم قانون اساسی تصریح شده محقق می شود.
- برخی نکات پیشنهادی به عنوان سیاست های کلی اصل ناظر به اموری است که با توجه به شرایط اجتماعی باید در قانون تعیین تکلیف شود مانند میزان تحصیلات و شرایط سنی نامزدهای انتخابات. کما اینکه با توجه به ارتقاء سطح تحصیلات در جامعه نسبت به زمان پیروزی انقلاب، به تدریج شرایط تحصیلی و سنی در قانون انتخابات نمایندگان مجلس و قانون انتخاب رئیس جمهور افزایش یافته به نحوی که شرط «سواد خواندن و نوشتن در حد

کافی» برای نامزدهای نمایندگی مجلس، (موضوع بند «۶» ماده (۹) قانون انتخابات مجلس مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب) به شرط «داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن» (در بند «۴» اصلاحی ماده (۲۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۵) ارتقاء یافته است. همینطور است در مورد شرط سنی که از «۲۵سال» در ماده (۹) قانون انتخابات مجلس مصوب ۱۳۵۸ به «۳۰سال» در ماده (۲۸) قانون انتخابات مجلس مصوب ۱۳۷۸ اصلاح شده است.

ب) ارزیابی بندهای سیاستی پیشنهادی و پیشنهادات اصلاحی

بند (۱) سیاست های پیشنهادی

۱) صدر بند (۱) پیش نویس سیاست های کلی انتخابات "اگر منظور استانی شدن انتخابات است"، باید به صورت کلی بر حوزه بندی انتخابات به صورت حوزه استانی تأکید نماید و کیفیت و شیوه تقنینی و اجرایی آن به موجب قانون تعیین گردد،

۲) برگزاری انتخابات در اردیبهشت ماه در قسمت اخیر بند (۱) جزیی بوده و ضرورتی برای ذکر آن در سیاست های کلی نمی باشد. بلکه باید تا تأکید بر تعیین تاریخ برگزاری انتخابات به صورت زمانبندی متعارف و ثابت با رعایت شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تنظیم گردد،

۳) در بحث حوزه بندی انتخابات ضمن اینکه به نظر می رسد این طرح نسخه مشابهی از طرح استانی شدن انتخابات باشد، مشکلات اجرایی دیگری نیز برای آن متصور است که به اهم آن ذیلا اشاره می گردد:

۱-۳- تکلیف شهرهایی که در حال حاضر بیش از سه نفر داوطلب دارند مثل تهران، اصفهان و ... چه می شود. آیا در این شهرها هم این محدودیت اعمال می شود؟ اگر می شود چگونه است؟

۲-۳- آیا این امر به نوعی زمینه ساز دیکتاتوری اکثریت (سیاسی - قومی) و همچنین حزبی شدن انتخابات و ورود صاحبان قدرت و نفوذ نیست؟ چرا که در این فرض شانس داوطلبان مستقل یا برخواسته از طیف اقلیت و نیز مناطق کم جمعیت تر به نوعی از بین می رود، واقعیات موجود در حوزه های انتخابیه ای که در حال حاضر متشکل از چند شهرستان با جمعیت های متفاوت هستند گواه این مدعاست که در صورت اجرای این فرض مشکلات حادث تر و فراگیرتر نیز می شود. مثلاً در استان خوزستان حوزه انتخابیه، شوشتر و گتوند که تاکنون نماینده ای از گتوند موفق به حضور در مجلس نشده است یا

حوزه مسجد سلیمان و هفتگل یا رامهرمز و رامشیر و ...

(۴) در رابطه با نسبی و یک مرحله ای شدن انتخابات هر چند با ملاحظه نتایج انتخابات گذشته و تغییرات بسیار اندک نتایج دور دوم نسبت به دور اول و نیز کاهش هزینه های آن، در نگاه اول این طرح مثبت به نظر می رسد، لیکن خطر و آسیب های تشکیل یک مجلس ضعیف با حضور نمایندگان که برخاسته از اکثریت مردم نیستند بسیار جدی تر و قابل اعتنا تر است، (۵) در رابطه با تعیین تدریجی حوزه های رأی گیری برای رأی دهندگان اولاً مشخص نیست مقصود از حوزه رأی گیری حوزه انتخابیه است یا شعب اخذ رأی، ضمن اینکه سیال بودن جمعیت به خصوص در شهرهای بزرگ و مجاور یکدیگر باعث کاهش مشارکت در صورت اجرای این فرض می گردد.

(۶) در خصوص تعیین تاریخ ثابت برای برگزاری کلیه انتخابات، با توجه به چهار فصل بودن کشور و مشکلاتی ویژه ای که در فصل های سرد و گرم در مناطق سردسیر و گرمسیر دامنگیر اجرای انتخابات است، تعیین ماه اردیبهشت فی نفسه بد نمی باشد. لیکن با توجه به هم شرایط بودن ماه میانی فصل پاییز (آبان) با این ماه و تلاقی اقدامات و برنامه ریزی های مقدماتی انتخاباتی موعده اردیبهشت با تعطیلات انتها و ابتدای سال به نظر می رسد در صورت حل مشکل و تضاد قانون اساسی آن مبنی بر ۴ ساله بودن ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و مشخص بودن ابتدا و انتهای هر دو دوره، آبان ماه برای این امر متناسب تر باشد.

(۷) برخی از سیاست های پیشنهادی از جمله اینکه «هر فرد حداکثر به سه نامزد رأی بدهد» محدود کننده حقوق مردم و مغایر قانون اساسی به نظر می رسد.

(۸) صدر بند (۱) پیش نویس سیاست های کلی انتخابات "اگر منظور استانی شدن انتخابات است"، باید به صورت کلی بر حوزه بندی انتخابات به صورت حوزه استانی تأکید نماید و کیفیت و شیوه تقنینی و اجرایی آن به موجب قانون تعیین گردد.

(۹) برگزاری انتخابات در اردیبهشت ماه در قسمت اخیر بند (۱) جزیی بوده و ضرورتی برای ذکر آن در سیاست های کلی نمی باشد. بلکه باید تا تأکید بر تعیین تاریخ برگزاری انتخابات به صورت زمانبندی متعارف و ثابت با رعایت شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تنظیم گردد.

بند (۵) سیاست های پیشنهادی

۱- هرچند نفس فعالیت و حضور فعال احزاب در انتخابات امری میمون و مبارک است، لیکن رسمیت بخشیدن به تحرکات احزاب و گروه های سیاسی در انتخابات با استفاده از امکانات دولتی محل اشکال و موجب توسعه احزاب دولتی و اعمال نفوذ و تغییرات در روند برگزاری انتخابات و به حاشیه رفتن سلايق مستقل و غیرسیاسی است. این موضوع در کنار فصلی و خلق الساعه بودن بخش قابل توجهی از احزابی که در ایام انتخابات ابراز و اعلام موجودیت می کنند بیش از پیش محل تأمل است. چرا که احزاب با توجه به قدرت رسانه ای و ظرفیت لابی گری خود امکان ایجاد دغدغه های کاذب برای مردم در رسیدن خود به قدرت را دارند. ضمن اینکه هیچ یک از احزاب سیاسی فعال در کشور و حتی جمع تمامی احزاب موجود، دارای بدنه تشکیلاتی مردمی حتی در حد یک درصد افراد جامعه نیستند در حالی که این گروه قریب ۹۹ درصد فضای رسانه ای کشور را در اختیار داشته و در حال تئوریزه کردن دغدغه های خود در جامعه اند.

بند (۶) سیاست های پیشنهادی

۱) بخش الف در مجموع قابل دفاع است لیکن علت و ضرورت تعیین وثیقه که باعث کاهش تعداد داوطلبان می شود و افزایش ۵ سال سن داوطلبان مجلس روشن نیست. ضمن اینکه در بحث استعفا نیز می بایست کلیه مسئولین با تعیین سطح و ... مشمول آن گردند.

۲) در خصوص بخش ب از بند ۶ به نظر می رسد این موضوع یک الگو از رسومات انتخاباتی برخی کشورها بدون توجه به سایر ارکان و شرایط انتخاباتی در آن کشور باشد، چرا که در کشورهای مجری این قانون نوعا شورایی تحت عنوان شورای نگهبان با این کیفیت و وزن وجود ندارد و تحقق شرایط اعلام شده کافی برای پذیرفته شدن داوطلبی افراد تلقی شده و در واقع دلیلی به واجد صلاحیت بودن داوطلب محسوب می شود، نه اماره آن، در حالی که در طرح فوق علاوه بر اینکه شرایط اعلام شده عملا ورود افراد مستقل و غیروابسته را به عرصه انتخابات مشکل و تعدادی از رقبا احتمالی حذف و فضا را تبعیض آلود می کند و به نوعی شروع زودهنگام به عرصه انتخابات را با رونق لابی گری ها برای جمع آوری امضاها و تأییدیه های لازم رسمیت بخشیده، عملا نیز با توجه به قلت افراد واجد صلاحیت برای تأیید داوطلبان به نسبت تعداد کاندیداها و نهایتاً موضوع یا به صف آرای زودهنگام نخبگان و به نوعی اعلام ناخواسته مواضع می انجامد و یا افراد فوق مجبورند برای داوطلبان مختلف که قرارست به زودی رقیب هم باشند، همزمان تأییدیه صادر کنند که خود باعث لوث شدن موضوع می گردد. در هر دو حالت نیز رد صلاحیت داوطلبی که به هر طریق موفق به اخذ این تأییدیه ها گردیده به امری

محال و یا پرهزینه تر از پیش تبدیل شده که هم عکس العمل داوطلب رد صلاحیت شده و هم افراد تأیید کننده آنها را در پی دارد. به این ترتیب هدف اولیه که کاهش بار و فشار از روی دوش شورای نگهبان است را به راحتی نقش و شورا را در موقعیت عمل انجام شده قرار می دهد، چرا که امر خواسته یا ناخواسته نوعی تعیین مصداق برای شرایط مطرح در قانون بوده و بر خلاف اصول ۱۱۵ و ۱۱۰ قانون اساسی عملاً جایی برای نظر و نظارت شورای نگهبان باقی نمی ماند. ضمن اینکه تشخیص شرایط در جریان ثبت نام، با وزارت کشور می باشد، یعنی باید وزارت کشور یک لیست از مقامات موضوع را در طی ۳۳ سال گذشته در اختیار داشته باشد و اسامی را با آن راستی آزمایی کرده و احتمالاً اصالت مهر و امضاها را هم به صورت آنلاین استعلام نماید.

۳) در خصوص شرط مدرک تحصیلی برای شوراهای فرا دست، اولاً باید گفت که این شوراها خود منتخب شوراهای پایه می باشند که بعضاً با مدارک تحصیلی پایین تر انتخاب شده اند. منظور از مدرک رسمی چیست و ثانیاً مدرک تحصیلی قابل قبول در شهرها و روستاهای زیر ۱۰۰ هزار نفر چیست؟

۴) اطلاق شرط «استعفای مقامات سه ماه قبل از برگزاری انتخابات» به عنوان یکی از سیاست های کلی، به نحو مندرج در جزء «الف» بند «۶» سیاست های پیشنهادی آن دبیرخانه، مغایر اصل (۱۱۴) قانون اساسی در مورد انتخابات ریاست جمهوری است که انتخاب متوالی رئیس جمهور را برای یک دوره تجویز نموده است. صرف نظر از اینکه شرط «ارائه امضاء ۱۰۰ نفر مبنی بر تأیید شرایط مندرج در اصل ۱۱۵ قانون اساسی» مندرج در ردیف هفتم ذیل جزء «الف» بند «۶» واجد مغایرت یا شبهه مغایرت با قانون اساسی می باشد، مفاد این شرط از مصادیق سیاست های کلی به نظر نمی رسد و متضمن ورود به جزئیات می باشد، به علاوه واژه «شامل» در این ردیف موجب ابهام می شود از آن جهت که آیا ۱۰۰ امضای جمع آوری شده حتماً باید مشتمل بر امضای همه عناوین مندرج در این ردیف (نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و...) باشد یا اخذ ۱۰۰ امضاء از مصادیق یک یا دو عنوان (برای مثال) کفایت می کند.

۵) در جزء «الف» بند (۶) شرایط لازم برای نامزدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی باید به صورت کلی و به شکل زیر بیان گردد: «تعیین شرایط لازم نامزدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی به گونه ای که نماینده مجلس علاوه بر تعهد نسبت به آرمان های انقلاب اسلامی و قانون اساسی، از لحاظ سن، تحصیلات، تجربه و سوابق مدیریتی، شرایط جسمی، پاسخگویی و مسئولیت پذیری، توانایی لازم برای تصدی امر نمایندگی را داشته باشد.»

۶) (ب) بند ۶ "لازم است اصلاح شود": «شرایط نامزدهای ریاست جمهوری به گونه ای

تنظیم گردد که منطبق با مسئولیت خطیر ریاست قوه مجریه باشد و شورای نگهبان این شرایط را از لحاظ سن، تحصیلات، تجربه و حسن سابقه مدیریتی، مسئولیت پذیری، شخصیت، امانت داری و تقوا، ایمان و اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی ایران به گونه ای تعیین نماید که نامزد، توانایی لازم برای پذیرش مقام ریاست جمهوری را داشته باشد.

(۷) جزء (ج) بند (۶) - علی رغم عدم ارتباط با وظایف شورای نگهبان - لازم است به صورت کلی تعیین و اشاره گردد.

بند (۷) سیاست های پیشنهادی

(۱) این بند علاوه بر اینکه مخالف صریح اصل ۹۹ قانون اساسی در خصوص نوع و ابعاد اعمال نظارت شورای نگهبان است، به دلایل ذیل نیز محل سوال و تأمل است. اول اینکه پسندیده بود با توجه به همزمانی دو انتخابات شوراها و ریاست جمهوری و نبود منع قانون اساسی، نظارت بر انتخابات شوراها نیز به شورای نگهبان محول گردد. ثانياً تأکید بر انجام استعلامات صرفاً از طریق مراجع چهارگانه و در چارچوب وظایف قانونی محل تأمل است، چرا که اگر سند و مدرک مستدل و متقنی دال بر فاقد شرایط بودن داوطلب از هر طریقی غیر مراجع مذکور نیز به دست آن شورا برسد نباید به آن توجه و استناد نمود؟

(۲) فارغ از اینکه با وجود مصوبه مورخ ۱۳۷۸/۸/۲۲ مجمع محترم در خصوص «قانون لزوم دقیق شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف» نیازی به ورود مجدد به این موضوع ملاحظه نمی شود، رصد تمامی سوابق سوء افراد در مراجع قضایی و نظارتی عقلاً و عملاً غیرممکن بوده و موارد قابل اعتنای بسیاری وجود دارد که بهر هر دلیل پرونده ای برای آن در این مراجع مفتوح و یا منجر به رأی و ... نگردیده است و فقدان سوء سابقه در این مراجع دلیل بر نداشتن هرگونه سابقه سوء از سوی داوطلب نمی باشد. علیهذا به نظر می رسد بهتر باشد قید تحقیقات محلی توسط هیأت های اجرایی و نظارتی که به نوعی متشکل از معتمدین مردم هستند همچنان مورد توجه و تأکید قرار بگیرد و طرق کسب اطلاعات مستند از سوابق داوطلبان محدود نگردد.

(۳) «از آنجا که مسئولیت نظارت بر انتخابات و احراز صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و خبرگان رهبری بر عهده شورای نگهبان است؛ لازم است ترتیباتی اتخاذ گردد که فرآیند بررسی و رسیدگی به احراز نهایی صلاحیت نامزدهای انتخابات در دوره زمانی معقول و متناسبی قبل از روز رأی گیری و با بهره گیری از ظرفیت کارشناسی مراجع رسمی و محلی صورت پذیرد.»

بند (۸) سیاست های پیشنهادی

(۱) بند «۸» از آن جهت که متضمن ورود و دخالت مقامات خارج از قوه مجریه در امور اجرایی کشور می باشد مغایر اصول (۵۷ و ۶۰) قانون اساسی می باشد. ضمناً عضویت دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و رئیس شورای عالی استان ها در ستاد انتخابات از آن جهت که شامل مواردی هم می شود که خود آن افراد نافی و نمایندگی مجلس یا شوراهایی باشند واجد ایراد است.

(۲) انجام برخی اصلاحات نیز در متن تنظیمی مناسب به نظر می رسد که چند مورد آن به شرح زیر اعلام می گردد:

الف- اضافه کردن عبارت «با رعایت کلیه جوانب امنیتی و عدم امکان هرگونه تخلف و تقلب» بعد از عبارت «ثبت نام از انتخاب کنندگان» در ردیف سوم ذیل بند «۱» پیش نویس سیاست های انتخابات.

ب- اصلاح عبارت «تعیین هزینه های انتخاباتی» در بند «۳» به عبارت «تعیین شیوه ها و نیز هزینه های انتخاباتی»

ج- یک بند به سیاست های کلی اضافه شود با این عبارت «پیش بینی دقیق مصادیق رقابت ناسالم به عنوان تخلفات و جرائم انتخاباتی از قبیل تشکیل مجالس پذیرایی و نیز پیش بینی مجازات متناسب از جمله سلب صلاحیت نافی و یا فرد منتخب.

(۳) بند (۸) "لازم است اصلاح شود": "از آنجا که ماهیت برگزاری انتخابات از امور اجرایی، تقنینی و قضایی صرف نمی باشد؛ لازم است که ساز و کارهای قانون انتخابات به گونه ای تنظیم گردد که قوای سه گانه و معتمدین برجسته مردمی در امر برگزاری انتخابات نقش مؤثری ایفا نماید.

بند (۹) سیاست های پیشنهادی

(۱) بند (۹) "لازم است اصلاح شود": «قانون جدید انتخابات در چارچوب سیاست های کلی انتخابات تدوین می گردد و اصلاح آن با در نظر گرفتن حداکثر بهره وری از سیاست ها و اهداف کلان جمهوری اسلامی ایران و آرمان های انقلاب اسلامی، مستلزم تصویب دو سوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی باشد.»

چهارم) پیش نویس سیاست های کلی انتخابات تهیه شده توسط کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی پس از ارزیابی (ویرایش دوم)

(۱) تأمین عدالت انتخاباتی و ساماندهی انتخابات از طریق:

- تعیین حوزه های انتخاباتی مجلس و شوراهای اسلامی بر مبنای میزان جمعیت و مقتضیات محلی به گونه ای که حداکثر عدالت، در قدرت انتخاباتی مردم در رأی دادن به تعداد برابر نامزدها اعمال شود؛
- برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی بصورت دو مرحله ای در صورت عدم کسب نصاب قانونی در مرحله اول.
- ارتقاء کارآمدی شوراهای استان از طریق افزایش اختیارات و انتخاب اعضاء آن شورا با رأی مستقیم مردم.
- (۲) افزایش سلامت انتخابات و سطح شناخت مردم از داوطلبان و برنامه های آنان به منظور مشارکت حداکثری از طریق بهره مندی عادلانه، مناسب و مقتضی با هر انتخابات از رسانه ملی، رسانه های محلی و امکانات عمومی کشور و تأمین ضابطه مند بخشی از منابع مالی هزینه های داوطلبان.
- (۳) تعیین سقف هزینه های انتخاباتی، شفاف سازی منابع و هزینه های مالی داوطلبان و احزاب، متناسب با هر انتخابات و حسب مورد حوزه انتخاباتی و پیش بینی ساز و کار کنترل و نظارت دقیق، از طریق کمیته های تخصصی که به همین منظور تشکیل می شوند.
- (۴) پیش گیری، اقدام مؤثر و رسیدگی سریع و دقیق به جرایم و تخلفات انتخاباتی بویژه جرایم امنیتی، مالی، تبلیغاتی و جریانات تخریبی و هرگونه اقدام مغایر با همبستگی ملی با پیشبینی ساز و کار خاص قضایی مربوط به آن.
- (۵) بستر سازی و راهبری احزاب و تشکل های قانونی جهت جلب حضور فعال و با نشاط مردم و ارتقاء سطح آگاهی های عمومی، از جمله فراهم نمودن امکان رأی به لیست در کنار رأی مستقیم به داوطلبین توأم با تمکین به سازوکارهای قانونی، قبل، حین و بعد از انتخابات و پاسخگویی در قبال هرگونه سوء عملکرد ناشی از عدم رعایت قوانین.
- (۶) ساماندهی اجرا و یکسان سازی نظارت در برگزاری انتخابات از طریق:
 - اجرای انتخابات توسط کمیسیونی با مسئولیت دولت و متشکل از کمیته های تخصصی با ترکیبی از نمایندگان قوای سه گانه و سایر اشخاصی که براساس قانون پیشبینی می گردند.
 - بررسی دقیق و احراز شرایط لازم برای صلاحیت نامزدها، در چارچوب قانون هر انتخابات با پیشبینی زمان کافی از طریق استعلام از مراجع ذیصلاح.

- نظارت شورای نگهبان بر انتخابات شوراها با استفاده از عوامل نظارتی خود.
- (۷) ارتقاء شایسته‌گزینی در انتخاب داوطلبانی در تراز شایسته جمهوری اسلامی ایران و دارای ویژگی‌هایی متناسب با جایگاه‌های مربوطه از طریق:
- اتخاذ ترتیبات لازم برای به حداقل رساندن ممنوعیت حضور داوطلبان شاغل و استعفاء آنان همزمان با شروع ثبت نام، مگر کسانی که در زمینه نظارت یا اجرا انتخابات مسئولیت مستقیم دارند.
- تعیین دقیق معیارها و شاخص‌های شفاف و سنجش‌پذیر داوطلبان ریاست جمهوری جهت برخورداری از شرایط مذکور در قانون اساسی همراه با لحاظ نمودن شرایط سنی، تحصیلات و توانایی جسمی لازم برای مسئولیت خطیر ریاست جمهوری.
- تعیین دقیق معیارها و شاخص‌های شفاف و سنجش‌پذیر شرایط داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی در رابطه با تعهد نسبت به اسلام، آرمان‌های انقلاب اسلامی و قانون اساسی؛ امانداری، عدالت، تقوا، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری همراه با لحاظ نمودن شرایط سنی، تحصیلات، تجربه و حسن سوابق مدیریتی و توانایی جسمی لازم برای امر نمایندگی.
- تعیین دقیق معیارها و شاخص‌های شفاف و سنجش‌پذیر شرایط داوطلبان عضویت در شوراهای اسلامی جهت دارا بودن صلاحیت‌های عمومی همراه با لحاظ نمودن شرایط سنی، تحصیلات یا تجربه لازم، سکونت و آشنایی با مقتضیات محلی و توانایی جسمی لازم برای امر نمایندگی.
- لحاظ شرط لازم برای انتخاب کنندگان که دارا بودن حداقل سن ۱۸ سال تمام در روز رأی‌گیری می‌باشد.
- (۸) استحکام و ثبات نسبی قوانین و مقررات انتخابات از طریق تنظیم قانون انتخابات در چارچوب سیاست‌های کلی و عدم تغییر آن به مدت ده سال، مگر به ضرورت و از طریق ارائه لایحه و تصویب نمایندگان مجلس.

پنجم) سیاست‌های ارسالی به شورای مجمع برای اعلام نظر مشورتی

- (۱) تعیین حوزه‌های انتخاباتی مجلس و شوراهای اسلامی بر مبنای میزان جمعیت و مقتضیات محلی به گونه‌ای که حداکثر عدالت، در قدرت انتخاباتی مردم برای رأی دادن به تعداد برابر نامزدها اعمال شود و در شهرهای بزرگ امکان شناخت هر چه بیشتر مردم از داوطلبان شوراهای اسلامی امکان پاسخگویی مؤثر اعضاء این شورا به مردم فراهم گردد.
- (۲) برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی بصورت دو مرحله‌ای در صورت عدم

کسب نصاب قانونی در مرحله اول.

- (۳) بهره‌مندی داوطلبان به صورت برابر و مناسب با هر انتخابات از رسانه ملی، رسانه‌های محلی و امکانات عمومی کشور.
- (۴) تعیین حدود هزینه‌های مجاز انتخاباتی، شفاف‌سازی منابع و هزینه‌های مالی داوطلبان و تشکل‌ها، متناسب با هر انتخابات و حسب مورد حوزه انتخاباتی و اعمال نظارت دقیق در این عرصه.
- (۵) پیش‌گیری از جرایم و تخلفات انتخاباتی و رسیدگی سریع و دقیق و مؤثر به آنها بویژه جرایم امنیتی، مالی، تبلیغاتی و اقدامات تخریبی **ضد داوطلبان** و هرگونه اقدام مغایر با همبستگی ملی.
- (۶) ارتقاء شایسته‌گزینی در انتخاب داوطلبان تراز شایسته جمهوری اسلامی ایران و دارای ویژگی‌هایی متناسب با جایگاه‌های مربوطه از طریق:
- تعیین دقیق معیارها و شاخص‌ها و شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبان مسئولیت‌های ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس و عضویت شوراهای اسلامی با تأکید بر کارآمدی علمی، جسمی و شایستگی متناسب با مسئولیت‌های مربوط، تعهد به اسلام، انقلاب و نظام اسلامی و قانون اساسی.
 - بررسی دقیق و احراز شرایط لازم برای صلاحیت نامزدها در چارچوب قانون هر انتخابات با پیش‌بینی زمان کافی از طریق استعلام از مراجع ذیصلاح و پاسخگویی مسئولانه و به موقع آنها.
 - اتخاذ ترتیبات لازم برای به حداقل رساندن ممنوعیت حضور داوطلبان شاغل.
- (۷) تعیین سازوکار لازم برای حسن اجرای وظایف نمایندگی، رعایت قسم‌نامه، جلوگیری از سوءاستفاده مالی، اقتصادی و اخلاقی و انجام اقدامات لازم در صورت زوال یا کشف فقدان شرایط لازم نمایندگی مجلس در منتخبان.
- (۸) ارتقاء سطح شناخت و آگاهی و آموزش‌های عمومی و فعالیت قانونمند و مسئولانه احزاب و تشکل‌های قانونی در جهت افزایش مشارکت و حضور با نشاط مردم.
- (۹) نظارت شورای نگهبان بر فرآیندها، ابعاد و مراحل انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و خبرنگاران رهبری از جمله تأیید نهایی صلاحیت داوطلبان، رسیدگی به شکایات، تأیید یا ابطال انتخابات بمنظور تأمین سلامت انتخابات، جلب مشارکت حداکثری و تأمین حقوق داوطلبان و رأی‌دهندگان با تعیین ساز و کارهای شفاف و زمانمند و اطمینان بخش.
- (۱۰) بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، در جهت حداکثرسازی شفافیت، سرعت و سلامت

در اخذ، شمارش و اعلام نتایج.

۱۱) ثبات نسبی قوانین انتخابات در چارچوب سیاست های کلی و تغییر ندادن آن برای مدت معتدله مگر به ضرورت و از طریق ارائه لایحه.

ششم) نظر مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد سیاست های کلی انتخابات

بر اساس بند اول اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای بند (۳) پیوست حکم مورخ ۱۳۹۱/۱/۱۷ مقام معظم رهبری مدظله العالی، نظر مشورتی نهایی شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص سیاست های کلی انتخابات مشتمل بر بیت و دو ماده، پانزده بند و دو تبصره به شرح ذیل تقدیم می گردد.

۱- تعیین حوزه های انتخاباتی بر مبنای جمعیت و مقتضیات اجتناب ناپذیر به گونه ای که حداکثر عدالت انتخاباتی و همچنین شناخت مردم از نامزدها فراهم گردد.

۲- مشخص نمودن شعبه اخذ رای برای رای دهندگان قبل از برگزاری انتخابات.

۳- برگزاری انتخابات نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا در مرحله اول با اکثریت مطلق آراء و در مرحله دوم با اکثریت نسبی.

۴- بهره مندی داوطلبان در تبلیغات انتخاباتی با تقسیم برابر و عادلانه متناسب با امکانات در هر انتخابات حسب مورد از صدا و سیما و دیگر رسانه ها و امکانات دولتی عمومی کشور.

۵- ممنوعیت هر گونه تخریب، تهدید، تطمیع، فریب و وعده های خارج از اختیارات قانونی و هرگونه اقدام مغایر با امنیت ملی نظیر تفرقه قومی و مذهبی در تبلیغات انتخاباتی.

۶- تعیین حدود و نوع هزینه ها و منابع مجاز و غیر مجاز انتخاباتی، شفاف سازی منابع و هزینه های انتخاباتی داوطلبان و تشکل های سیاسی و اعلام به مراجع ذیصلاح و اعمال نظارت دقیق بر آن و تعیین شیوه و چگونگی برخورد با تخلفات مالی.

۷- پیشگیری از جرایم و تخلفات انتخاباتی و رسیدگی سریع و خارج از نوبت حسب مورد به آن ها بویژه جرایم امنیتی، مالی، تبلیغاتی، و اقدامات تخریبی ضد داوطلبان و هرگونه اقدام مغایر با قانون و شرع و نیز منافع، وحدت و امنیت ملی.

۸- ارتقاء سطح شناخت و آگاهی و آموزش های عمومی و ترویج هنجارهای انتخاباتی و نهادینه کردن آن در فرهنگ عمومی و تعیین قواعد و ضوابط رقابت سیاسی سالم بمنظور افزایش مشارکت و حضور آگاهانه و با نشاط مردم و کمک به انتخابات اصلح .

۹- تعیین چارچوب ها و قواعد لازم برای فعالیت قانون مند و مسئولانه احزاب و تشکل های سیاسی و اشخاص حقیقی در عرصه انتخابات مبتنی بر اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران به نحوی که رقابت های انتخاباتی منجر به افزایش مشارکت آگاهانه، اعتماد، ثبات و اقتدار نظام شود .

۱۰- تسهیل و ارتقاء سطح مشارکت احزاب و تشکل های سیاسی قانونی در انتخابات بمنظور:

۱۰-۱- معرفی افراد شایسته در تراز جمهوری اسلامی ایران و در چارچوب صلاحیت های قانونی.

۱۰-۲- مطالبه رقابت سالم انتخاباتی داوطلبان مورد حمایت در جهت افزایش مشارکت و حضور با نشاط مردم .

۱۰-۳- مسئولیت پذیری، قانونمداری و رعایت قواعد و مقررات فعالیت سیاسی توسط اعضاء، طرفداران و داوطلبان و پذیرش نتیجه قانونی و نهایی انتخابات .

۱۰-۴- پذیرش حق دفاع احزاب از حقوق داوطلبان و اعضاء و طرفداران در مراجع قانونی .

۱۰-۵- مسئولیت پذیری برای پشتیبانی های تخصصی و حفظ و ارتقاء شایستگی های نمایندگان در طول دوران خدمت.

۱۰-۶- حمایت از تشکیل اجتماعات و همایش های انتخاباتی و استفاده مناسب و عادلانه از امکانات دولتی و عمومی در تبلیغات توسط احزاب .

۱۱- پاسداری از آزادی و سلامت انتخابات و حق انتخاب آزادانه افراد و صیانت از آراء مردم بعنوان حق الناس در قانونگذاری، نظارت و اجراء و نیز رعایت کامل بیطرفی از سویه مجریان و ناظران و برخورد مؤثر با خاطیان .

۱۲- زمینه سازی مناسب در انتخابات داوطلبان مسئولیت های ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس و شوراهای اسلامی و تراز شایسته جمهوری اسلامی ایران و دارای ویژگی هایی متناسب با جایگاه های مربوطه از طریق :

۱۲-۱- تعیین دقیق معیارها و شاخص ها برای احراز شرایطی عمومی و اختصاصی داوطلبان با تاکید بر تعهد به اسلام - انقلاب و نظام اسلامی و قانون اساسی بویژه التزام به ولایت فقیه، سلامت اخلاقی - اقتصادی و کارآمدی های متناسب با مسئولیت های مربوطه .

۱۲-۲- شناسایی اولیه توانایی و شایستگی داوطلبان در مرحله ثبت نام به شیوه های مناسب قانونی و متناسب با هر انتخابات .

۱۲-۳- بررسی دقیق و احراز شرایط لازم برای صلاحیت نامزدها در چارچوب قانون هر انتخابات با پیش بینی زمان کافی از طریق استعلام از مراجع ذیصلاح و پاسخگویی مسؤلانه و به موقع به آنها .

۱۲-۴- اتخاذ ترتیبات لازم برای به حداقل رساندن ممنوعیت حضور داوطلبان شاغل .

۱۲-۵- تعریف و اعلام معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن کاندیداهای ریاست جمهوری .

۱۳- ممنوعیت ورود نیروهای مسلح اعم از ارتش، سپاه، نیروی انتظامی، سازمان بسیج و دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی در دسته بندی های سیاسی و جناحی در انتخابات و جانبداری از داوطلبان .

۱۴- اجرای انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، خبرنگاران رهبری و شوراهای اسلامی شهر و روستا توسط وزارت کشور و زیر نظر هیات اجرایی مرکزی انتخابات با ترکیب وزیر کشور بعنوان رئیس هیات، وزیر اطلاعات، دادستان کل کشور، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، رئیس دیوان محاسبات و یک نماینده دیگر از طرف قوه مقننه به انتخاب مجلس شورای اسلامی و هفت نفر از شخصیت های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بعنوان معتمدین که وظایف این هیات و نیز ترکیب و وظایف هیات های اجرایی استانی و شهرستانی را قانون مشخص می کند.

وزارت کشور ۳۰ نفر از معتمدین اصناف، اقشار و نخبگان مختلف اجتماعی را که شرایط آنها را قانون تعیین می کند با هماهنگی و نظر شورای نگهبان دعوت و آنها از میان خود ۷ نفر را بعنوان معتمدین مردم برای عضویت در هیات مرکزی انتخاب می کنند.

۱۵- نظارت شورای نگهبان بر فرایندها، ابعاد و مراحل انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری از جمله تاییدنهایی صلاحیت داوطلبان تا قبل از شروع تبلیغات انتخاباتی و رسیدگی به شکایات، تایید یا ابطال انتخابات بمنظور تامین سلامت انتخابات، جلب مشارکت حداکثری و تامین حقوق داوطلبان و رای دهندگان با تعیین سازوکارهای قانونی، شفاف، زمانمند و اطمینان بخش.

۱۵-۱- پاسخگویی مکتوب و مطلوب در خصوص ابطال انتخابات و رد صلاحیت داوطلبان در صورت درخواست آنان.

۱۵-۲- نظارت بر انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا توسط هیات های مذکور در بند ۱۴ صورت می پذیرد.

۱۵-۳- ضرورت پیش بینی سازوکار دفاع نامزدهای رد صلاحیت شده توسط شورای نگهبان در قانون انتخابات.

۱۶- ایجاد امکانات لازم برای بهره گیری از فناوری های نوین و توسعه بانک های اطلاعاتی مربوطه، در جهت ارتقاء شفافیت، سرعت و سلامت در اخذ، شمارش و اعلام نتایج حداکثر ظرف سه سال پس از ابلاغ این سیاست.

۱۷- تنظیم تاریخ و همزمانی برگزاری انتخابات های عمومی به گونه ای که فاصله برگزاری آنها حدود دو سال باشد و مراحل و سازوکار اجرایی آن تا حد امکان یکسان و متحد صورت پذیرد.

۱۸- تصویب قوانین انتخاباتی در چارچوب سیاست های کلی و عدم تغییر آن برای مدت حداقل ۱۰ سال، مگر اینکه ضرورت تغییر قانون به تایید دوسوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد.

۱۹- فراهم نمودن سازوکار مناسب برای حضور نمایندگان داوطلبان و احزاب در تمام مراحل انتخابات اعم از اخذ رای، شمارش، تجمیع و اعلام نتیجه نهایی.

۲۰- ممنوعیت کاندیداها و احزاب در استفاده از حمایت و امکانات بیگانگان اعم از مالی و تبلیغاتی و برخورد بموقع دستگاه های ذیربط .

۲۱- ممنوعیت ورود قوای سه گانه، اعم از وزارتخانه ها، و دستگاه های تابعه آنها، سازمان ها، نهادها و شرکت های دولتی و نهادهای عمومی در دسته بندی های سیاسی و جناحی انتخاباتی و جانبداری از داوطلبان .

تبصره ۱: ورود افراد به صورت شخصی و بدون استفاده از موقعیت حقوقی بلامانع است.

تبصره ۲: مجریان و ناظران انتخابات حق جانبداری از داوطلبان را ندارند.

۲۲- پیش بینی راهکار قانونی لازم توسط دولت و مجلس برای ایجاد امکان رای دادن به لیست احزاب و گروه های قانونی.

بخش چهارم: گزارش و نقد کتاب

مقالات:

-گزارش جلسه با «احزاب» و «نمایندگان ادوار مجلس»

گزارش جلسه با «احزاب» و «نمایندگان ادوار مجلس»^۱

۱: احزاب و انتخابات

در حال حاضر در صحنه سیاسی ایران، بیش از ۲۲۰ حزب، جمعیت و تشکل سیاسی حضور دارند که جایگاه خاص آنان در فرایندهای سیاسی، به خصوص انتخابات، لزوم ساماندهی آنان را ضروری می‌نماید. یکی از ساز و کارهای مهم در این زمینه قانون است؛ اما علی‌رغم اهمیت این مساله، قانون انتخابات و نیز قانون احزاب، دارای نواقص و ضعف‌های اساسی هستند. در راستای شناسایی چالش‌های این حوزه، کمیسیون مشترک دفتر مقام معظم رهبری و دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، با حضور تعدادی از دبیران کل احزاب و تشکل‌های سیاسی، جلسات کارشناسی را برگزار نمود. این گزارش بر آن است تا راه‌کارهای ارائه شده در این جلسات، در زمینه‌ی بهبود عملکرد احزاب در انتخابات را، تبیین نماید. شرکت‌کنندگان در جلسه، راه‌کارهای ذیل را جهت ساماندهی احزاب و بهبود عملکرد آنان ارایه نمودند:

- تبیین ارتباط منطقی میان قانون احزاب و قانون انتخابات،
- تمهید ساز و کارهای مقتضی جهت عطف توجه رای‌دهندگان به لیست احزاب، ضمن توجه به افراد مستقل،
- تبیین ساز و کارهای مناسب در جهت حمایت مالی از احزاب، به تناسب اعضاء،
- ترغیب احزاب کوچک به ادغام و تشکیل یک حزب واحد بزرگ و منسجم،
- مطالعه تجارب سایر کشورها در مقوله احزاب و تدوین الگویی متناسب با نیازها و ارزش‌های کشور،
- عطف توجه مسئولین و مردم به نقش خطیر احزاب در عرصه سیاسی کشور،
- تمهید ساز و کارهای مقتضی جهت انجام فعالیت اقتصادی، به منظور کسب درآمدهای لازم.

۱- این دو گزارش توسط آقای قدرت‌علی حشمتیان نماینده دوره پنجم مجلس شورای اسلامی تهیه و تدوین شده است.

علاوه بر مقولات فوق، در راستای بهره‌گیری بهینه از ظرفیت فرایند انتخابات، کارشناسان تمهیدات زیر را عنوان نمودند:

- معرفی نامزدهای شایسته و جلوگیری از تشتت نیروها،
 - ممانعت از پراکندگی آراء و تمرکز آن،
 - شفاف‌سازی دیدگاه‌های احزاب و نامزدها و تمرکز بر موضوعات اساسی،
 - تمهیدات مقتضی در جهت پاسخگویی منتخبین، در راستای تحقق شعارهای انتخاباتی،
 - نظارت دقیق بر فرایند انتخابات، در راستای ارتقاء سلامت فرایند انتخابات،
 - تعیین مقبولیت و محبوبیت عمومی، به عنوان یکی از شروط ثبت نام کاندیداها.
- از مجموع مباحث کارشناسی مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت، احزاب کارویژه‌هایی دارند که بخشی به طور مستقیم و بخشی غیرمستقیم به فرایند انتخابات مربوط می‌شوند. با حضور احزاب در صحنه سیاسی کشور، نه تنها مولفه‌هایی هم چون تجمیع و انتقال مطالبات مردم به حکومت، آموزش سیاسی جامعه، تربیت نیروهای سیاسی و ... محقق می‌شوند، بلکه کارویژه‌های انتخابات نیز از عمق، گستردگی و شتاب افزون تری برخوردار می‌شود.

۲: انتخابات و نظام قانون گذاری

تا کنون ۵۳ بار مورد اصلاح قرار گرفته است؛ اما علی‌رغم اصلاحات متعدد، هم‌چنان دارای نواقص فراوانی است. مطالعه سیر تدوین و تقنین قانون انتخابات کشور مبین آن است که اصلاح همه‌جانبه قانون، به نحوی که کمتر دست‌خوش تغییر و تحول گردیده و بتواند یک رویه قانونی و سیاسی مناسب را ایجاد نماید، از ضروریات امروز جامعه تلقی می‌شود. با عنایت به اهمیت موضوع، مقام معظم رهبری (مدظله)، امر به قرار گرفتن مقوله انتخابات، در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام نمودند. در این راستا کمیسیون مشترک دفتر مقام معظم رهبری و دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، به منظور واکاوی ابعاد موضوع و آسیب‌شناسی قانون انتخابات، سلسله‌جلساتی را با نمایندگان دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی برگزار نمود. در این گزارش مهم‌ترین محورهای مطرح شده، در قالب دو بخش آسیب‌ها و راه‌کارهای پیشنهادی، ارائه می‌گردد.

الف) آسیب‌ها و چالش‌های موجود

- بالا بودن هزینه‌های انتخابات و ضرورت ساماندهی آن،
- عدم تناسب میزان جمعیت با تعداد کاندیداها،
- اصلاحات و تغییرات اعمال شده در قانون انتخابات، بیش از آن‌که معطوف به تامین منافع ملی و مصالح کشور باشد؛ منافع و مصالح نمایندگان هر دوره را مد نظر داشته است،
- کثرت داوطلبان، که موجب بروز مشکلاتی هم‌چون دشوار شدن امر اجرا و نظارت

- بر انتخابات، دشواری انتخاب اصلح توسط رای دهندگان، افزایش هزینه های انتخابات، گسترش رقابت های قومی و محلی و غیره می گردد،
- ناکارآمدی شیوه برگزاری انتخابات، و لزوم استفاده از فناوری های نوین و ناکافی بودن زمان و فرصت تبلیغات انتخاباتی.

(ب) راهکارها

- تفکیک و تعریف مقوله اعتقاد و التزام (به قانون اساسی، ولایت فقیه و...)، در شرایط داوطلبان،
- تمهید ساز و کارهای مقتضی، جهت افزایش نقش احزاب در انتخابات،
- مطالعه قوانین انتخاباتی سایر کشورها و بهره گیری از تجارب آنان، متناسب با نیازها و ارزش های کشور،
- افزایش مدت زمان تبلیغات انتخاباتی برای مجلس شورای اسلامی به ۴ هفته، ریاست جمهوری ۳ ماه، شوراها ۲ هفته و خیرگان ۱ ماه،
- ثابت بودن زمان اخذ رای و غیرقابل تمدید بودن آن،
- تعیین دقیق میزان رای دهندگان هر شعبه اخذ رای، به منظور ارتقاء سلامت انتخابات.